

مطالعه شاخص‌های توسعه با هدف ارزیابی تجربه توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی

مجموعه گزارش شماره ۱۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	مطالعه شاخص‌های توسعه با هدف ارزیابی تجربه توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی: مبتنی بر مطالعات داخلی و خارجی
کد شناسه	۹۷-۸-۱۰۲۸
گروه پژوهشی	نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی
پدیدآورنده	سیدرحیم تیموری
ناظر علمی	فرهاد دژپسند
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	اردیبهشت ۹۹
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللہی - خیابان سپند - پلاک ۱۶	
https://www.dfrc.ir/ Email: info@dfrc.ir	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
خلاصه مدیریتی	أ
فصل ۱: پارادایم‌ها و نظریه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی و بررسی تطبیقی برنامه‌های توسعه	۱
۱-۱- مرور اجمالی پارادایم‌ها و نظریه‌های توسعه در یک چشم‌انداز تاریخی بلندمدت	۲
۱-۲- بررسی پارادایم‌ها، نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی	۹
۱-۲-۱- ضرورت و اهمیت مسئله	۹
۲-۲-۱- اولویت‌های برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در دهه جنگ تحمیلی	۱۱
۳-۲-۱- نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه پس از جنگ تحمیلی (۱۳۹۵-۱۳۶۸) و ارزیابی شاخص‌ها	۱۴
۳-۱- مقایسه برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی	۳۴
۱-۳-۱- واگرایی در گفتمان‌ها	۳۴
۲-۳-۱- چندگانگی در اهداف، نظریه‌ها، استراتژی‌ها و عملکرد شاخص‌ها	۳۶
فصل ۲: طبقه‌بندی و بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی	۴۱
۱-۲- شاخص‌های اقتصادی	۴۹
۱-۲-۱- رشد اقتصادی	۴۹
۱-۲-۲- بهره‌وری	۵۴
۱-۲-۳- درآمد سرانه	۵۶
۱-۲-۴- اندازه دولت	۶۱
۱-۲-۵- روند اشتغال و بیکاری	۶۵
۱-۲-۶- تورم	۷۲
۱-۲-۷- شاخص رشد سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه مستقیم خارجی (FDI)	۷۴
۱-۲-۸- سایر شاخص‌های اقتصادی	۷۶
۲-۲- شاخص‌های اجتماعی	۸۰
۱-۲-۲-۱- روند جمعیتی	۸۰
۲-۲-۲- خط فقر	۸۷
۲-۲-۳- ضریب جینی (GINI)	۹۰
۲-۲-۴- شاخص‌های تغییرات خانوار	۹۱
۲-۲-۵- امید به زندگی در بدو تولد	۹۵
۲-۲-۶- توسعه انسانی	۹۶
۳-۲- شاخص‌های فرهنگی	۹۷
۱-۳-۲- سطح سواد	۹۷
۲-۳-۲- آموزش	۹۸
۳-۳-۲- روند انتشار کتاب و مطبوعات	۱۰۳

۱۰۵	۲-۳-۴- سرانه مطالعه و تعداد کتابخانه‌های عمومی
۱۰۷	۲-۳-۵- روند گردشگری؛ با تأکید بر شاخص تعداد گردشگران خارجی
۱۰۹	۲-۳-۶- نسبت هزینه‌های فرهنگی در سبد هزینه خانوار
۱۱۰	۲-۴-۴- شاخص‌های سیاسی
۱۱۰	۲-۴-۱- نظام حزبی سازمان یافته
۱۱۱	۲-۴-۲- شاخص مشارکت در انتخابات
۱۱۳	۲-۴-۳- شاخص کارآمدی دولت
۱۱۴	۲-۴-۴- سایر شاخص‌های سیاسی (حکومت‌داری)
۱۱۴	۲-۵-۵- شاخص‌های علم-فناوری
۱۱۴	۲-۵-۱- تولید علم و علم‌سنجی
۱۱۹	۲-۵-۲- شاخص توسعه فاوا (IDI)
۱۲۲	۲-۵-۳- شاخص آمادگی شبکه‌ای (NRI)
۱۲۴	۲-۶-۶- شاخص‌های دسترسی و زیرساختی
۱۲۴	۲-۶-۱- زیرشاخص‌های دسترسی
۱۳۴	۲-۶-۲- زیرشاخص‌های زیرساختی (با اولویت پایداری زیست‌محیطی)
۱۴۵	۲-۷-۷- شاخص‌های جهانی و ترکیبی
۱۴۵	۲-۷-۱- شاخص سرمایه انسانی جهانی
۱۵۰	۲-۷-۲- شاخص رفاه اجتماعی لگاتوم
۱۵۱	۲-۷-۳- شاخص رقابت‌پذیری جهانی
۱۵۳	۲-۷-۴- شاخص جهانی نوآوری
۱۵۵	۲-۷-۵- شاخص توسعه دولت الکترونیک
۱۵۸	۲-۸-۸- ارزیابی مقایسه‌ای شاخص‌ها
۱۵۸	۲-۸-۱- شاخص‌های اقتصادی
۱۶۰	۲-۸-۲- ارزیابی شاخص‌های اجتماعی
۱۶۱	۲-۸-۳- ارزیابی شاخص‌های فرهنگی
۱۶۲	۲-۸-۴- ارزیابی شاخص‌های سیاسی
۱۶۲	۲-۸-۵- ارزیابی شاخص‌های علم-فناوری
۱۶۴	۲-۸-۶- ارزیابی شاخص‌های دسترسی و زیرساختی
۱۶۵	۲-۸-۷- ارزیابی شاخص‌های ترکیبی و جهانی
۱۶۷	فصل ۳: نتیجه‌گیری
۱۶۹	۳-۱- تجربه توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ در انطباق و افتراق با شاخص‌ها
۱۷۲	منابع

فهرست جداول

عنوان

صفحه

جدول ۱: طبقه‌بندی نظریه‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه	۳
جدول ۲: رهیافت‌ها، بازیگران و سطح توسعه	۶
جدول ۳: پارادایم‌های توسعه	۷
جدول ۴: خلاصه‌ای از اولویت‌های برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در دهه اول انقلاب و جنگ تحمیلی	۱۲
جدول ۵: مقایسه اهداف اصلی، اهداف کلی، ارکان برنامه‌ریزی، اسناد و افق زمانی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی	۱۵
جدول ۶: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	۱۶
جدول ۷: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۱۹
جدول ۸: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)	۲۲
جدول ۹: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴)	۲۶
جدول ۱۰: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰)	۳۱
جدول ۱۱: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶)	۳۴
جدول ۱۲: گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی	۳۵
جدول ۱۳: محورها و شاخص‌های توسعه با توجه به عناوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	۴۴
جدول ۱۴: رشد اقتصادی ایران در سال‌ها و دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی	۵۰
جدول ۱۵: مقایسه روند رشد اقتصادی ایران با کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز در سالهای ۲۰۱۶-۲۰۰۵	۵۲
جدول ۱۶: مقایسه تولید ناخالص داخلی برحسب PPP ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز	۵۷
جدول ۱۷: مقایسه اندازه دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش مرکزی در ایران در برنامه‌ها و دوره‌های منتخب بعد از انقلاب اسلامی	۶۳
جدول ۱۸: مقایسه اندازه دولت مرکزی در میان کشورهای منتخب (۲۰۱۵-۱۹۷۵)	۶۴
جدول ۱۹: هدف‌گذاری و عملکرد شاخص بیکاری در برنامه‌های اول تا ششم توسعه	۶۶
جدول ۲۰: هدف‌گذاری و عملکرد نرخ تورم در برنامه‌های اول تا ششم توسعه- سال پایه ۱۳۹۵	۷۲
جدول ۲۱: روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ در مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز	۷۵

- جدول ۲۲: رتبه ایران در برخی شاخص‌های اقتصادی بین‌المللی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ (۲۰۱۶-۲۰۱۳)..... ۷۷
- جدول ۲۳: وضعیت ایران و کشورهای منتخب در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار (۲۰۱۷-۲۰۰۶)..... ۷۸
- جدول ۲۴: نرخ رشد رفاه اجتماعی، نرخ رشد ضریب جینی و نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها..... ۸۹
- جدول ۲۵: روند تعداد مطبوعات منتشر شده کشور طی ۵۰ سال اخیر..... ۱۰۵
- جدول ۲۶: برآورد سرانه مطالعه در کشور در دوره ۱۰ ساله اخیر (۱۳۹۶-۱۳۸۷) در مقایسه با سایر کشورها..... ۱۰۶
- جدول ۲۷: سنخ‌شناسی نخبگان، نقش کارکردی آن‌ها در استقرار نظام‌های حزبی سازمان‌یافته..... ۱۱۱
- جدول ۲۸: عملکرد سرانه تولید علم کشور از تولید علم جهان طی سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۸۰..... ۱۱۶
- جدول ۲۹: عملکرد ضریب خودکفایی محصولات کشاورزی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور..... ۱۳۴
- جدول ۳۰: شاخص ظرفیت فرودگاه‌ها با توجه به تعداد مسافران خروجی و ورودی فرودگاه‌ها..... ۱۳۸
- جدول ۳۱: افزایش ظرفیت فرودگاه‌ها با توجه به مسافران حمل شده توسط شرکت‌های هواپیمایی داخلی در پروازهای بین‌المللی برحسب فرودگاه‌های داخلی و خارجی (هزار نفر)، دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۵..... ۱۳۹
- جدول ۳۲: تعداد و ظرفیت کشتی‌های شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های وابسته دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۵..... ۱۳۹
- جدول ۳۳: تعداد سدهای کشور به تفکیک استان‌ها از سال ۱۳۲۶ تاکنون..... ۱۴۳
- جدول ۳۴: تولید فرآورده‌های نفتی در پالایشگاه‌های کشور (مترمکعب در روز)، دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۷..... ۱۴۴
- جدول ۳۵: ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور (مگاوات)..... ۱۴۵
- جدول ۳۶: وضعیت ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در یک روند پنج‌ساله..... ۱۴۷
- جدول ۳۷: وضعیت ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب ۲۰۱۷-۲۰۱۶..... ۱۴۸

فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱: رشد اقتصادی ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۹۶-۱۳۵۷).....	۴۹
نمودار ۲: مقایسه روند رشد اقتصادی ایران با کشورهای منتخب منطقه چشم‌انداز در دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۵.....	۵۳
نمودار ۴: شاخص‌های بهره‌وری در دوره بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۹۵-۱۳۵۵).....	۵۵
نمودار ۵: شاخص‌های رشد اقتصادی و بهره کل عوامل تولید در دوره بعد از انقلاب اسلامی.....	۵۵
نمودار ۶: تولید ناخالص داخلی ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی - میلیارد ریال و سال پایه ۱۳۸۳.....	۵۶
نمودار ۷: مقایسه تولید ناخالص داخلی برحسب PPP ایران با عربستان و ترکیه (به قیمت ثابت ۲۰۱۱ و به میلیارد دلار).....	۵۷
نمودار ۸: درآمد سرانه کشور در ادوار مختلف.....	۵۸
نمودار ۹: رشد اقتصادی و درآمد سرانه ایران در یک چشم‌انداز تطبیقی.....	۶۰
نمودار ۱۰: رتبه درآمد سرانه ایران در بین کشورهای جهان (بر مبنای برابری قدرت خرید).....	۶۰
نمودار ۱۱: شاخص اشتغال بخش دولتی به کل اشتغال کشور در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵.....	۶۲
نمودار ۱۲: مقایسه اندازه دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش عمومی در ایران (دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۰).....	۶۳
نمودار ۱۴: نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۹۵.....	۶۸
نمودار ۱۶: افراد بیکار در کدام گروه‌های سنی قرار دارند؟.....	۶۹
نمودار ۱۷: درصد افراد شاغل در کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۳۵.....	۷۰
نمودار ۱۸: رشد شدید شاغلان در بخش خدمات و کاهش شاغلین در بخش کشاورزی.....	۷۱
نمودار ۱۹: روند نرخ اشتغال جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) کشور به تفکیک جنس در سال‌های ۱۳۹۵-.....	۷۱
نمودار ۲۰: تغییرات نرخ تورم کشور بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۷.....	۷۳
نمودار ۲۱: حجم نقدینگی کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۷.....	۷۴
نمودار ۲۳: روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶.....	۷۶
نمودار ۲۴: روند ایران در شاخص بهبود کسب‌وکار در دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۶.....	۷۹
نمودار ۲۵: روند زمانی نمره کل شاخص آزادی اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب.....	۸۰
نمودار ۲۶: نرخ رشد جمعیت ایران در یک بازه زمانی ۸۰ ساله (۲۰۳۰-۱۹۵۰).....	۸۱
نمودار ۲۷: روند تعداد جمعیت کشور طی ۶۰ سال اخیر.....	۸۱
نمودار ۲۸: روند تغییرات نرخ رشد جمعیت کلان‌شهرهای کشور طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۳۵.....	۸۲
نمودار ۲۹: تغییرات نسبت جنسی جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۳۵.....	۸۳
نمودار ۳۰: تغییرات نسبت شهرنشینی و روستانشینی طی ۶۰ سال اخیر.....	۸۴
نمودار ۳۱: رشد شتابان جمعیت سالمند کشور در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۳۵.....	۸۵
نمودار ۳۲: برآورد ستاد توانمندسازی از جمعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی.....	۸۶
نمودار ۳۳: برآورد پژوهش ملی وزارت بهداشت از جمعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی.....	۸۷

- نمودار ۳۴: وضعیت فقر در جهان در دوره ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵..... ۸۸
- نمودار ۳۵: درصد افراد زیر خط فقر در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۴..... ۹۰
- نمودار ۳۶: تغییرات ضریب جینی ایران در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۸..... ۹۱
- نمودار ۳۸: تغییرات درصد خانوارهای زن سرپرست کشور در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۳۵..... ۹۳
- نمودار ۳۹: افزایش سهم و رشد زنان در خانوارهای یک‌نفره در ۶۰ سال اخیر..... ۹۴
- نمودار ۴۰: رشد سالانه تولید ناخالص ملی و رشد سالانه بودجه خانوار (۱۳۹۵-۱۳۷۸)..... ۹۴
- نمودار ۴۱: سهم هزینه‌های عمده از کل بودجه خانوار در دهک‌های مختلف (به درصد) در دوره ۱۳۹۵-..... ۹۵
- نمودار ۴۲: امید به زندگی توأم با سلامت در بدو تولد..... ۹۶
- نمودار ۴۳: روند شاخص توسعه انسانی در ایران در دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۸۰..... ۹۷
- نمودار ۴۴: مقایسه روند نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور به تفکیک وضع سکونت (۱۳۹۵-۱۳۳۵)..... ۹۸
- نمودار ۴۵: تعداد سوادآموزان کشور در ۲۰ سال اخیر..... ۹۸
- نمودار ۴۶: سرانه نسبت دانش‌آموز به ازای هر معلم طی ۲۰ سال اخیر..... ۱۰۰
- نمودار ۴۷: ارتقاء شاخص برابری جنسیتی (GPI) در میان دانش‌آموزان کشور طی ۳۲ سال اخیر..... ۱۰۱
- نمودار ۴۸: رشد افراد دارای تحصیلات عالی در ۵۰ سال اخیر (۱۳۹۵-۱۳۴۵)..... ۱۰۱
- نمودار ۴۹: مقایسه روند تعداد دانشجویان کشور به تفکیک مقاطع تحصیلی در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۵..... ۱۰۲
- نمودار ۵۰: روند رو به رشد انتشار کتاب طی ۲۰ سال اخیر..... ۱۰۴
- نمودار ۵۱: افزایش سرانه کتابخانه‌های عمومی کشور در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۵..... ۱۰۷
- نمودار ۵۲: افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی کشور در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۵..... ۱۰۷
- نمودار ۵۳: روند گردشگران خارجی در ۶ دهه اخیر و مقایسه تعداد گردشگران وارده ایران و کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۵..... ۱۰۹
- نمودار ۵۴: روند کاهشی سهم هزینه‌های فرهنگی در بودجه خانوار شهری در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۶..... ۱۱۰
- نمودار ۵۵: نرخ مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا دهم..... ۱۱۲
- نمودار ۵۶: نرخ مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری از دوره اول تا دوازدهم..... ۱۱۳
- نمودار ۵۷: رتبه ایران در شاخص کارآمدی دولت (۲۰۱۴-۱۹۹۶)..... ۱۱۴
- نمودار ۵۸: افزایش سهم ایران از کل علم دنیا در دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ (دوره بعد از انقلاب اسلامی)..... ۱۱۷
- نمودار ۵۹: شاخص رشد علمی کشورهای جهان در دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ (۱۹۹۴-۱۹۸۰ در برابر ۲۰۰۹-۱۹۹۵)..... ۱۱۸
- نمودار ۶۰: تعداد مدارک ثبت ایران در ISC در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۰ و ارتقای تولید علم به رتبه ۱۷ دنیا در سال ۲۰۱۶..... ۱۱۸
- نمودار ۶۱: تعداد مدارک ثبت‌شده ایران در ISI و SCOPUS (۲۰۱۶-۲۰۰۰)..... ۱۱۹
- نمودار ۶۲: رتبه ایران در ISI و SCOPUS (۲۰۱۷-۲۰۱۱) و ارتقای رتبه ایران در ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ در ISI..... ۱۱۹
- نمودار ۶۳: روند نشانگرهای اصلی فاوا در جهان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶..... ۱۲۰
- نمودار ۶۴: مقایسه روند شاخص توسعه فاوا ایران با کشورهای کره جنوبی و بحرین در بازه ۲۰۱۵-۲۰۰۲..... ۱۲۱
- نمودار ۶۵: روند شاخص‌های فرعی توسعه فاوا در ایران در بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۸..... ۱۲۱
- نمودار ۶۶: مقایسه مقدار و رتبه شاخص توسعه فاوا ایران و ۱۰ کشور برتر منطقه چشم‌انداز در بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۸..... ۱۲۲

- نمودار ۶۷: مقایسه مقدار و رتبه شاخص توسعه فاوا ایران و ۱۰ کشور برتر جهان در بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۵..... ۱۲۲
- نمودار ۶۸: مقایسه روند شاخص آمادگی شبکه‌ای ایران با کشورهای سنگاپور و امارات در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵..... ۱۲۳
- نمودار ۶۹: مقایسه رتبه و مقدار شاخص آمادگی شبکه‌ای در ۱۰ کشور برتر منطقه چشم‌انداز در سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵..... ۱۲۳
- نمودار ۷۰: دسترسی به مسکن را در دهه‌های بعد از انقلاب با توجه به تعداد خانوارها..... ۱۲۴
- نمودار ۷۱: درصد واحدهای مسکونی معمولی بادوام (دارای اسکلت فلزی یا بتنی)..... ۱۲۵
- نمودار ۷۲: روند تغییرات درصد واحدهای مسکونی روستایی با سازه پایدار و ناپایدار (۱۳۹۵-۱۳۴۵)..... ۱۲۵
- نمودار ۷۳: تعداد خانوارهای ساکن در واحدهای ملکی در مقایسه با واحدهای اجاره‌ای..... ۱۲۶
- نمودار ۷۴: تعداد مشترکین (مصرف‌کنندگان) گاز طبیعی کشور در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۰..... ۱۲۷
- نمودار ۷۵: تعداد روستاهای گازرسانی شده در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۷۵..... ۱۲۷
- نمودار ۷۶: تعداد شهرهای گازرسانی شده در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۷۵..... ۱۲۷
- نمودار ۷۷: درصد خانوارهای شهری استفاده‌کننده از خدمات آب آشامیدنی سالم ۱۳۹۴-۱۳۵۴..... ۱۲۸
- نمودار ۷۸: افزایش حجم تولید و تعداد انشعابات آب روستایی (۱۳۹۴-۱۳۸۴)..... ۱۲۸
- نمودار ۷۹: افزایش شبکه توزیع و خطوط انتقال آب شهری (۱۳۹۴-۱۳۷۴)..... ۱۲۹
- نمودار ۸۰: روند کاهشی سرانه آب تجدیدپذیر نسبت به جمعیت در ۱۰۰ سال اخیر..... ۱۲۹
- نمودار ۸۱: سهم جمعیت جهان از نظر دسترسی یا عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم..... ۱۳۰
- نمودار ۸۲: روند افزایش مشترکین برق کشور در ۴۰ سال اخیر..... ۱۳۰
- نمودار ۸۳: درصد خانوارهای استفاده‌کننده از خدمات برق ۱۳۹۴-۱۳۵۴..... ۱۳۱
- نمودار ۸۴: ارتقای رتبه ایران در شاخص دسترسی به برق در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۳..... ۱۳۱
- نمودار ۸۵: روند رو به رشد تلفن‌های ثابت (مشغول به کار) کشور طی ۵۰ سال اخیر..... ۱۳۲
- نمودار ۸۶: افزایش سرانه مشترکان تلفن‌های همراه (مشغول به کار) به ازای هر هزار نفر جمعیت طی ۲۰ سال اخیر..... ۱۳۲
- نمودار ۸۷: ضریب نفوذ اینترنت در خانوارهای کشور در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۴..... ۱۳۳
- نمودار ۸۸: گزارش فائو از تراز تجاری محصولات اصلی کشاورزی در دوره ۲۰۱۱-۱۹۶۱..... ۱۳۵
- نمودار ۸۹: روند تغییرات تراز تجاری محصولات کشاورزی در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۱..... ۱۳۶
- نمودار ۹۰: طول شبکه راه‌های زمینی کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۷..... ۱۳۷
- نمودار ۹۱: طول آزادراه‌های کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۸..... ۱۳۷
- نمودار ۹۲: طول راه‌های روستایی کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۵..... ۱۳۷
- نمودار ۹۳: طول بزرگراه‌های کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۵..... ۱۳۸
- نمودار ۹۴: توسعه خطوط ریلی در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۷..... ۱۳۸
- نمودار ۹۵: تغییرات میزان بارش کشور در سال‌های مختلف..... ۱۴۰
- نمودار ۹۶: کسری مخزن تجمیعی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۴..... ۱۴۱
- نمودار ۹۷: تخلیه سالانه از منابع آب‌های زیرزمینی (چاه عمیق، چاه نیمه‌عمیق، قنات، چشمه) طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۱۱۳۷۹..... ۱۴۱
- نمودار ۹۸: مقدار تخلیه از منابع آب‌های زیرزمینی کشور برحسب نوع برداشت در سال آبی ۱۳۹۴-۱۳۹۳..... ۱۴۲
- نمودار ۹۹: روند ساخت سدهای کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۲۶..... ۱۴۲

- نمودار ۱۰۰: امتیاز ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۳..... ۱۴۷
- نمودار ۱۰۱: وضعیت ایران در زیرشاخص‌های سرمایه انسانی جهانی ۱۴۸
- نمودار ۱۰۲: رتبه ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در میان کشورهای منطقه چشم‌انداز..... ۱۴۹
- نمودار ۱۰۳: امتیاز ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در میان کشورهای منطقه چشم‌انداز ۱۴۹
- نمودار ۱۰۴: رتبه کشورهای برتر جهان در شاخص سرمایه انسانی جهانی..... ۱۵۰
- نمودار ۱۰۵: رتبه ایران در بین ۱۴۲ کشور جهان بر مبنای شاخص رفاه لگاتوم (دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۹)..... ۱۵۱
- نمودار ۱۰۶: رتبه ایران در شاخص جهانی رقابت‌پذیری در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۰..... ۱۵۲
- نمودار ۱۰۷: مقایسه روند رشد شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۰..... ۱۵۲
- نمودار ۱۰۸: مقایسه شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز در بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۰..... ۱۵۳
- نمودار ۱۰۹: مقایسه شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران با کشورهای برتر آسیا در بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۰..... ۱۵۳
- نمودار ۱۱۰: مقایسه روند رشد شاخص نوآوری جهانی ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۵-۲۰۱۲..... ۱۵۴
- نمودار ۱۱۱: مقایسه روند رشد شاخص نوآوری جهانی ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۵-۲۰۱۲..... ۱۵۴
- نمودار ۱۱۲: مقایسه روند رشد شاخص نوآوری جهانی ایران با کشورهای برتر آسیا در بازه ۲۰۱۵-۲۰۱۲..... ۱۵۵
- نمودار ۱۱۳: مقایسه روند رشد شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۵-۲۰۱۱..... ۱۵۶
- نمودار ۱۱۴: مقایسه روند رشد شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸..... ۱۵۶
- نمودار ۱۱۵: مقایسه روند رشد شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران با کشورهای برتر آسیا دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸..... ۱۵۷
- نمودار ۱۱۶: روند شاخص‌های فرعی دولت الکترونیک در ایران بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵..... ۱۵۷

خلاصه مدیریتی

توسعه به مثابه یک فرایند، الزاماً در گروهی یک نتیجه یا هدف غایی نیست و به طور بنیادین با پیشرفت و تحرک جامعه ارتباط دارد. همچنین دستیابی به عدالت فضایی و توسعه پایدار منطقه‌ای در کشور و تبدیل شدن ایران به هژمون منطقه‌ای و موقعیت‌یابی جهانی، مستلزم داشتن برنامه و شاخص‌های عملیاتی برای سنجش توسعه است. معالوصف و متناسب با درک شرایط کنونی کشور، هدف نهایی گزارش، بررسی تجربه توسعه در ایران پس از انقلاب اسلامی با دورنگاه تبدیل شدن کشور به یک قدرت منطقه‌ای است.

ذکر این نکته لازم است که علاوه بر برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری برنامه‌ای بر شاخص‌ها و فرایند توسعه، اثر متغیرهای بیرونی مانند تحریم‌ها، رکود جهانی، جنگ، مهاجرت و غیره نیز بر روند توسعه کشور قابل تأمل است. حتی می‌توان مسیر توسعه بعد از انقلاب را با توجه به سرعت تغییرات بیرونی بالا و نیز در متن تحول فناوری و ارتباطات طبقه‌بندی کرد که خود، موضوع تحقیقات مستقل دیگری است. اما به‌رغم اهمیت تأثیر روندهای بیرونی و برنامه‌ریزی نشده بر شاخص‌های توسعه و نیز فرایند توسعه در ایران، پیش‌فرض ما مبتنی بر اهمیت هدف‌گذاری دقیق برنامه‌ای بر بهبود شاخص‌ها است و نیز بر این واقعیت تأکید داریم که همگرایی شاخص‌ها، مستلزم پیکره‌بندی برنامه‌های توسعه به لحاظ پارادایم، نظریه و اهداف است.

گزارش پیش‌رو درصدد مطالعه رویداد توسعه^۱ در ایران بعد از انقلاب اسلامی از طریق یک زاویه دید یا روایت موردی خاص، یعنی بیان توسعه در انطباق و افتراق با شاخص‌های مهم توسعه در این دوره معین است. معمولاً در روایت‌های موردی^۲ ابتدا پرسش‌های چارچوب‌دهنده مطرح می‌شوند و سپس با ترکیب‌بندی مطالعه تطبیقی و پژوهش آرشیوی^۳، عمدتاً در یک سیاق روندپژوهانه و مقایسه‌محور، به تبیین نکات کلیدی^۴ پژوهش می‌رسیم. معالوصف، گزارش در پاسخ به سه پرسش اصلی زیر تدوین شده است:

۱- پارادایم‌ها، نظریه‌ها و گفتمان‌های مطرح در تجربه توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی (با تأکید بر برنامه‌های توسعه) کدامند؟ گفتمان‌ها، اهداف، پارادایم‌ها و نظریه‌های غالب برنامه‌ها تا چه حد انسجام دارند و یک پیکره واحد را تشکیل می‌دهند؟

۲- در تجربه توسعه بعد از انقلاب اسلامی و متناسب با نظریه‌ها، چه شاخص‌هایی قابل بررسی هستند؟ روند تغییر شاخص‌ها چگونه قابل تبیین است؟ و تا چه حد عملکرد شاخص‌ها با هدف‌گذاری برنامه‌ها، همگرایی دارند؟

1. Developmental event
2. Case Stories
3. Comparative Study & Archival Research
4. Key Points

۳- میزان انطباق / عدم انطباق شاخص‌ها با برنامه‌های توسعه چگونه است؟ در صورت عدم انطباق، آیا واقعاً برنامه‌های توسعه مبنای عمل قرار گرفته؟ آیا برنامه‌ها مبتنی بر نظریه مشخص هستند؟ انسجام استراتژی چگونه است؟

در پاسخ به پرسش‌های بالا، گزارش به سه بخش تقسیم شده است. در بخش نخست با هدف ترسیم دقیق تجربه توسعه در ایران پس از انقلاب اسلامی، ابتدا پارادایم‌ها، رویکردها و نظریه‌های توسعه در جهان را در یک چشم‌انداز تاریخی بلندمدت طبقه‌بندی کردیم. سپس نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه [اهداف، اولویت‌ها، پارادایم‌ها و استراتژی‌ها] را در ایران در دو دوره دهه اول انقلاب و سال‌های جنگ تحمیلی (۱۳۶۸-۱۳۵۷) و پس از جنگ تحمیلی (۱۳۹۵-۱۳۶۸) رده‌بندی کردیم و نشان دادیم تعارض‌های گفتمانی به همراه چندگانگی در اهداف، فقدان نظریه و استراتژی مشخص و عدم انسجام در عملکرد شاخص‌ها به مثابه یکی از مشخصه‌های اصلی برنامه‌های توسعه، آن‌ها را به پیکره‌هایی تبدیل کرده که همسازی اندکی با یکدیگر دارند و گاهی حتی مفهوم توسعه و ضرورت برنامه‌های توسعه را در معرض تفسیرهای متعدد قرار داده است.

در بخش دوم، شاخص‌های توسعه را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علم-فناوری، زیرساختی و جهانی-ترکیبی به صورت تطبیقی- طولی [دوره زمانی ۴۰ ساله بعد از انقلاب اسلامی و حتی قبل از آن] در انطباق / عدم انطباق با برنامه‌ها مرور کردیم. هدف از بررسی شاخص‌ها در این دوره زمانی طولانی، مطالعه تجربه توسعه در ایران با توجه به تغییرات شاخص‌ها در مقایسه با سال‌های قبل از انقلاب و نیز در قیاس با توسعه کشورهای رقیب در منطقه چشم‌انداز است. همچنین نمودار زمانی بررسی برخی از شاخص‌ها (از جمله شاخص‌های جمعیتی، تورم و ضریب جینی...) دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ را نیز در بر گرفت که هدف آن مطالعه روند شاخص‌ها در سال‌ها و دهه‌های معطوف به انقلاب اسلامی بوده است. همچنین روند برخی از مهم‌ترین شاخص‌های جهانی-ترکیبی توسعه با تأکید بر سال‌های بعد از تدوین چشم‌انداز تبیین شد که دریابیم تا چه میزان موقعیت ایران در این شاخص‌ها با اهداف کلی چشم‌انداز (در مقایسه با کشورهای مدنظر چشم‌انداز) مطابقت دارند. طبق ارزیابی شاخص‌ها در بخش دوم گزارش، ارتقای قابل توجه در شاخص‌های دسترسی، زیرساختی و رشد علمی-تکنولوژیک در کشور محرز است؛ با این ملاحظه که در برخی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عملکرد شاخص‌ها پایین‌تر از میزان هدف‌گذاری بوده است.

بخش سوم، معطوف به چرایی عدم انطباق عملکرد شاخص‌ها با اهداف برنامه‌ای است. در این بخش به این پرسش پرداختیم که چرا برنامه‌ها در نیل به شاخص‌ها، مبنا قرار نگرفته‌اند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم در نظر گرفتن مباحث بخش‌های اول و دوم این جستار است. عدم انسجام در اهداف برنامه‌ای باعث می‌شود که این برنامه‌ها پس از طراحی، چندان مبنای عمل قرار نگیرند و به بهبود شاخص‌ها نینجامند. اثرات عدم همگرایی در پارادایم‌ها، نظریه‌ها و اهداف برنامه‌ای توسعه از یک سو و روندهای جهانی و برنامه‌ریزی نشده از سوی دیگر؛ بر عملکرد بطئی شاخص‌ها محرز است. اما مهم‌ترین ضرورت برای بهبود شاخص‌های مطرح در برنامه‌های توسعه، تدوین استراتژی مسنجم توسعه است. بنابراین تناسب بین توسعه محلی- بومی و اولویت‌های جهانی، توازن در توسعه بخش‌ها، توازن بین پیشرفت و عدالت، ایجاد زیرساخت‌های اصلی توسعه، همگرایی در گفتمان توسعه و در نظر گرفتن نگره‌های جدید در طراحی پارادایم توسعه؛ مهم‌ترین پیش‌نیاز برای طراحی مدل مطلوب توسعه با توجه به تجربه چهار دهه توسعه در کشور است.

**فصل ۱: پارادایم‌ها و نظریه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی و
بررسی تطبیقی برنامه‌های توسعه**

مقدمه

توسعه یکی از موضوعات اصلی در علوم اجتماعی و اقتصادی است که از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون مطرح بوده و مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. با وجود اینکه از این مفهوم، استنباط‌های متعددی صورت گرفته، اما همچنان از عدم شفافیت معنایی و مصداقی برخوردار است. توسعه، باور به دنیای جدید و در همانندی تاریخ با زندگی انسان نهفته است. این مرحله تازه از پیشرفت، هرچند بدون پله‌های پیشین به دست نمی‌آید؛ ولی نسبت به آن پله‌ها حرکتی روبه‌جلو یا پیشرفتی مادی و معنوی محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۲). درواقع، مرزهای توسعه ناشناخته است و با توجه به شرایط تاریخی و فرهنگی کشورها، توسعه در چندین سطح تعریف می‌شود:

- توسعه به‌مثابه پیشرفت تاریخی که معمولاً هم معطوف به تجربه غرب است؛
- توسعه به‌مثابه استخراج منابع طبیعی که بیشتر ریشه در تجربیات دوران استعمار دارد؛
- توسعه به‌عنوان تدارک برنامه‌ریزی‌شده پیشرفت در یک حوزه یا همه حوزه‌ها؛
- توسعه همچون یک وضعیت که تصویری کلی از شرایط به ما می‌دهد و درواقع وضعیتی است که فکر می‌کنیم کشورها در پایان توسعه به آن می‌رسند؛
- توسعه به‌مثابه یک فرایند که گاهی فروافتادن یک سری از سازمان‌ها و برآمدن سازمان‌های دیگر یا تغییر تکنولوژی و ظهور تکنولوژی جدید را به همراه دارد و تصور می‌شود این مسیر بالا و پایین زیادی دارد؛ اما درنهایت مسیر صعودی است؛
- توسعه به‌عنوان رشد اقتصادی که با افزایش تولید و درآمد همراه است؛
- توسعه به‌مثابه سرمایه‌گذاری برای رواداری، گفتگوی مؤثر و ریسک‌پذیری؛
- توسعه مترادف با کاهش فقر و نابرابری؛
- توسعه به‌مثابه روندی پایدار، چندجانبه و متکثر.

به‌رغم تنوع تعاریف، دیدگاه‌ها و سطوح توسعه، نگاهی به تجربه توسعه در کشورهای در حال گذار از جمله ایران، نقش دولت را در آغاز و هدایت فرایند توسعه نشان می‌دهد؛ چراکه توسعه به دلیل ذات فنی و صنعتی‌اش در اختیار نیروی مرکزی دولت است. این روند به‌خصوص با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه نظام ارزشی با الگویی خاص توسعه، قابل دریافت است. گزارش پیش‌رو، درصدد مطالعه توسعه ایران در نظریه‌ها و شاخص‌ها، در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

۱-۱- مرور اجمالی پارادایم‌ها و نظریه‌های توسعه در یک چشم‌انداز تاریخی بلندمدت

چنانچه در متون رسمی برنامه‌ریزی توسعه تأکید شده، زمینه آغاز فرایند توسعه در سطح جهان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ و لزوم ورود حمایت‌گرانه دولت در اقتصاد^۱ بود؛ اما گسترش و فراگیر شدن آن متأثر از برنامه فیردیل^۲ ترومن در سال ۱۹۴۹ و لزوم «توسعه» در کشورهای جهان سوم تحت اصل چهار ترومن و ورود آن‌ها به بلوک قدرت آمریکا در طی رقابت‌های جنگ سرد بود. این‌چنین، توسعه در بستر شرایط خاص تاریخی و فرهنگی جهان در فضای پس از جنگ جهانی دوم بارور شد و توسط سازمان‌های توسعه‌ای جهانی (بانک جهانی، صندوق) و ملی (نهادهای برنامه‌ریز در سطح کشورها) کاربست یافت. همچنین در تجربه بین‌المللی توسعه، از ابتدای دوره پس از جنگ جهانی دوم تا دوره بازاندیشی توسعه در دهه ۱۹۷۰، اهداف اقتصادی و صنعتی مانند رشد اقتصادی، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری، تولید و غیره محوریت داشتند (هنوز هم دارای اولویت هستند)؛ اما به‌طور محسوس عطف به بازاندیشی در نظریه توسعه، خیزش‌های انقلابی چپ جهانی و بعدها تعیین اهداف توسعه هزاره از سوی سازمان‌های غالب جریان سرمایه‌داری و غیره، مسائل توسعه انسانی، اجتماعی- جمعیتی، فقر، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و غیره اولویت بیشتری یافته‌اند. برخلاف اولین دهه‌های نخست توسعه (بعد از جنگ جهانی دوم) که در آن جوانب اجتماعی و اقتصادی توسعه از هم جدا مانده بودند؛ در سالیان اخیر توسعه با پسوندهایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه همه‌جانبه و پایدار به کار برده می‌شود و این نوع فهم از توسعه فرابخشی است و از شاخه‌های مختلف علوم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کند. بنابراین، می‌توان یک خط سیر مشخص را در تطور اندیشه و رویه توسعه در میان رویکردها، مکاتب، نظریه‌ها و مطالعات توسعه نظاره کرد. به‌طور خلاصه (۱) تحول نظری در دانش توسعه؛ (۲) تغییر در رهیافت‌ها، بازیگران و سطح توسعه؛ و (۳) تطور پارادایمی توسعه؛ مبنای طبقه‌بندی‌های متنوع این مفهوم در هفت دهه اخیر بوده است:

- همان‌طور که ادبیات این دانش نظری و تجربی نشان می‌دهد، اقتصاد توسعه قبل از سایر حوزه‌های مطالعات توسعه مطرح شده است؛ زیرا اولین متفکران و محققان توسعه‌ای با بینش و دانش اقتصادی به بحث و بررسی پرداخته‌اند. رشد و توسعه اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم مهم‌ترین مسئله کشورهای جهان سوم و یکی از مهم‌ترین مشغله‌های فکری و عملی ممالک توسعه‌نیافته صنعتی بوده و آن چنانکه پژوهشگران حوزه توسعه اذعان کرده‌اند؛ عملکرد توسعه در جهان سوم، مرتبط با ایجاد شرایط داخلی لازم برای توسعه، بهبود شرایط بین‌المللی، توسعه‌بخشی (کشاورزی، صنعت، خدمات)، سیاست‌های پولی و مالی، سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد مشوق‌های توسعه است (قره‌باغیان، ۱۳۹۳). دل‌مشغولی اصلی اقتصاددانان توسعه، مسئله پویایی اقتصادی بوده است؛ تعیین آن دسته از متغیرها و رابطه‌هایی که بتوانند راه‌حل اقتصادی آینده را به دست دهند. همچنین به دنبال تحلیل استراتژی‌ها و مسیرهای ممکن رشد بلندمدت هستند، اما مدل‌های رشد‌محور اقتصاد توسعه در خارج از حوزه اقتصاد، از سوی جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان توسعه و در حوزه اقتصاد از سوی نظریه‌های مارکسیستی، نئومارکسیستی و بیشتر از جانب نهادگرایان مورد انتقاد قرار گرفت.

۱. در این زمینه باید به برنامه نیودیل تئودور روزولت متأثر از توصیه‌های کینز اشاره کرد.

۲. Fair Deal: یا همان برنامه‌های مدنی هری ترومن که مبتنی بر تحکیم موقعیت اقتصادی و ثبات اجتماعی ایالات متحده بود.

سپس جامعه‌شناسان توسعه با تئوریزه کردن نظریه نوسازی، رویکرد وابستگی، نظام جهانی و دیدگاه مشارکتی به بررسی توسعه در کشورهای جهان سوم و مطالعه تجربه‌های موفق یا شکست‌خورده این کشورها در انطباق با نظریه‌های جهان‌شمول بالا پرداختند. در جدول ۱، ویژگی‌ها، دوره‌های زمانی، نقدها و رویه‌های حاکم بر هر یک از رویکردها و نظریه‌های مطرح به صورت خلاصه ارائه شده است.

۲- بازیگران و سطح توسعه نیز می‌تواند مبنای طبقه‌بندی رهیافت‌ها و نظریه‌های توسعه باشد. آن چنانکه جدول ۲ نشان می‌دهد، نظریه‌های مطرح اقتصادی توسعه (نظریه اقتصادی کلاسیک، مارکسیسم کلاسیک و نئولیبرالیسم)، نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه (نوسازی، وابستگی و پساتوسعه)، الگوهای توسعه پایدار و توسعه مبتنی بر جنسیت و اقوام، بر مبنای بازیگران و مقیاس توسعه (محلی، ملی و جهانی) تمایز می‌یابند.

۳- سرانجام باید به تطور پارادایمی توسعه به مثابه مبنایی برای ترسیم خط سیرهای تاریخی و تجربی این مفهوم اشاره کرد (جدول ۳). در حالی که پارادایم توسعه‌گرا بر اصول سرمایه‌داری و صنعتی تأکید می‌کند و ضد توسعه‌گرایان بر تناقضات صنعتی‌شدن و تأثیر آن بر توسعه‌نیافتگی جهان سوم تأکید دارند، پارادایم پساتوسعه، این مفهوم را به سان یک اختراع، سیاست و وابسته به گفتمان می‌داند که بر بستر موضوعاتی چون پایداری، بازاندیشی، فرهنگ و انسان‌گرایی روپیده است.

جدول ۱: طبقه‌بندی نظریه‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه

نام	ویژگی‌های مهم	مبنای تئوریک	نقد و نظر	
اقتصاد توسعه	ارتقای علائم بازار، به‌عنوان راهنمایی برای بهبود تخصیص منابع؛ اعطای فضای گسترده به بخش خصوصی برای فعالیت (پویش)	متکی بر تحلیل‌های کلاسیک و نئوکلاسیک تا سال‌های ۱۹۳۰	توسعه به‌مثابه رشد از آغاز شکل‌گیری برنامه‌های توسعه جهان سوم تا امروز، متداول است. در حقیقت، پس از بحران دهه ۱۹۸۰ و برنامه‌های تعدیل ساختاری، توسعه تک‌بعدی و پیش‌رونده اقتصادی در دستور سازمان‌های توسعه‌محور قرار گرفت. نقدهای وارد بر این دانش در سال‌های آغازین هزاره سوم ناظر بر محورهای زیر است:	
	جهت‌گیری صادراتی با هدف استفاده از مزیت نسبی بین‌المللی کشور؛ تجارت خارجی در پیوند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان موتور رشد	متأثر از نئولیبرالیسم اقتصادی	عبور از اندیشه کلاسیک اقتصادی، سال‌های بعد از جنگ دوم	-توسعه اقتصادی یک تغییر چرخه‌ای شامل بهبود، پس‌رفت و توسعه‌نیافتگی است؛ -عقلانیت توسعه اندر تنیده با روابط قدرت است؛
	تأکید بر رشد اقتصادی، متکی بر گسترش سریع بخش صنعت؛ تأکید بر صنایع تولیدکننده کالاها، سرمایه‌ای، معمولاً تحت اراده دولت	اولویت دگرگونی فنی بر تغییر نهادی	اولویت دگرگونی فنی بر تغییر نهادی	-سرمایه‌داری فرایندی است که قدرت و پایگاه بر آن حاکمند نه بازار طبیعی؛ -اقتصاد توسعه به‌مثابه گفتمان غالب
	مکتب پولی	مکتب پولی	سیاست اقتصادی	

نقد و نظر	مبنای تئوریک	ویژگی‌های مهم	نام		
در سال‌های بعد از جنگ دوم، همبسته ایدئولوژی مسلط نظام جهانی است.	حمایت‌گرا از سوی دولت	تکنولوژی کاربر و اشتغال‌زایی؛ توزیع مجدد بخشی از درآمد اضافی حاصل از رشد کشور بین فقرا	نیازهای اساسی	رویکردهای توسعه اقتصادی	
	الگوی کلاسیک شوروی (گسترش صنایع) و الگوی مائوئیستی (توسعه روستایی)	مالکیت اشتراکی دارایی‌های مولد با برنامه‌ریزی متمرکز فعالیت‌ها	مکتب سوسیالیستی توسعه		
	کنش آزاد اقتصادی با انگیزه خصوصی	ایجاد تشکل‌های غیردولتی کارآور جهت برعهده‌گیری سیاست‌های توسعه‌ای؛ گرایش به تحول اساسی در همه ابعاد زندگی در کشور و نوسازی	مکتب نوسازی ساختاری		
	بینش جبر جغرافیایی و اقلیمی در توسعه	وفور منابع طبیعی و اقلیمی جزء اصول اولیه و علت اساسی حرکت کشورها	تفاوت داده‌های طبیعی		
	ابتناء بر نژادگرایی و شرق‌شناسی	تحقق توسعه در مناطق جهان مبتنی بر تمایزات نژاد و قومی	تفاوت‌های نژادی		
	توسعه غرب‌گرا مبتنی بر تمایزات فرهنگی	ارزش‌های فرهنگی به‌مثابه پیش‌برنده رشد و ظهور «انسان اقتصادی»	تفاوت‌های ارزشی و فرهنگی		
	نظریه مارکسیستی استثمار در پیرامون	تأثیر نظام‌های سیاسی و قدرت محلی، ملی و بین‌المللی در توسعه‌نیافتگی	سیاسی		
	دیدگاه تطوری و اثباتی از مراحل توسعه	تبیین مسیر توسعه اقتصادی به مقاطع مختلف و مرحله‌های متوالی	تاریخی		
اقتصاد معیشتی، «توسعه‌نیافتگی»	بازدهی پایین اقتصاد معیشتی و بازتولید چرخه «تولید اندک، پس‌انداز پایین»	دور باطل			
تأثیر مفروضات تکاملی و کارکردی نظریه نوسازی در الگوهای توسعه جهان سوم محرز است و نقدهای زیر را به همراه دارد: - طرح مباحث در سطح بالای انتزاع و	مکتب تکاملی توسعه، دیدگاه تک‌خطی، روبه‌پیشرفت، درون‌زا و غیر قابل	تعریف توسعه به‌عنوان حرکتی مترقی به‌سوی اشکال یکپارچه‌تر و پیچیده‌تر یک جامعه «مدرن»؛ تلاش برای تبیین مرحله‌به‌مرحله تغییرات اقتصادی و اجتماعی هم‌زمان با صنعتی‌شدن و توسعه؛	مطالعات سنتی نوسازی	نظریه نوسازی	جامعه-شناسی توسعه

نام	ویژگی‌های مهم	مبنای تئوریک	نقد و نظر
		برگشت	عدم انطباق فرهنگی با شرایط کشورها؛ - غفلت از پوشش استعمار و سلطه بر جهان در حال توسعه
مطالعات جدید نوسازی	سنت (دین، فرهنگ) به‌مثابه دینامیسم تاریخی مؤثر در توسعه جوامع غیرغربی؛ امکان مسیرهای «چندسویه و متنوع» برای پیشرفت به‌جای دیدگاه تکاملی؛ توجه بیشتر به عوامل خارجی و ستیزهای جهان سوم؛ مطالعات موردی و تحلیل تاریخی-اقتضایی از توسعه	دیدگاه چندخطی، توسعه به‌مثابه امری تدریجی (غیرانقلابی)، درون‌زا و نظام- یافته	
نظریه وابستگی	توسعه ضرورتاً فرایندی مبتنی بر نابرابری؛ مدل «مرکز-پیرامون» در تبیین چرخه اهریمنی استعمار و توسعه‌نیافتگی؛ توسعه‌نیافتگی فرایندی برون‌زا و محصول تاریخی مناسبات مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه‌نیافته و کشورهای توسعه‌یافته؛ چالش‌های گذار به «سرمایه‌داری پیرامونی»	وابستگی به‌مثابه فرایندی عام، تکاملی، خارجی و توسعه بالا به پایین	با وجود اقبال روشنفکری و ضدسیستمی در جهان سوم به مفروضات وابستگی، انتقادات زیر مطرح است: غفلت از ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها؛ امکان «توسعه نیمه پیرامونی» مانند آمریکای لاتین و شرق آسیا
وابستگی جدید	امکان «توسعه وابسته» در پیرامون تأکید بر وضعیت خاص وابستگی در هر کشور منفرد؛ تأکید بر مؤلفه‌های مبارزات طبقات، دولت در کنار سلطه بیرونی	توسعه تکامل‌گرا و متأثر از قطب‌بندی منطقه‌ای کشورها	
نظام جهانی	کل‌گرایی؛ بازسازی علوم اجتماعی تاریخی و مقابله با سوگیری‌های مختلف مانند تکامل‌گرایی، تقلیل‌گرایی، اروپامحوری و دولت‌مداری؛ مفهوم‌سازی جهانی از توسعه به‌جای مفهوم‌سازی دولت‌مدار؛ توسعه به‌مثابه تغییر موقعیت ساختی از پیرامون به نیمه پیرامون نظام جهانی	جهان به‌منزله یک «سیستم» پیوسته و متأثر از منطق اقتصادی سرمایه	چشم‌پوشی از موارد خاص توسعه بر مبنای ویژگی فرهنگی جوامع؛ عدم تأکید کافی بر روابط میان طبقات اجتماعی درون کشورها

منبع: عظیمی، ۱۳۸۳، ۱۳۹۱؛ سو، ۱۳۸۸؛ اعظمی و دیگران، ۱۳۹۴

جدول ۲: رهیافت‌ها، بازیگران و سطح توسعه

نام	بازیگران اصلی	سطح	تعریف توسعه	شرح
نظریه اقتصادی کلاسیک	بخش خصوصی (بازار)	ملی	رشد اقتصادی	تمرکز بر رشد اقتصادی به‌عنوان مؤثرترین شیوه ساماندهی اقتصاد
مارکسیسم کلاسیک	دولت	ملی	رشد اقتصادی، صنعتی شدن، شهری شدن، پیچیدگی زیاد جوامع	دولت به‌عنوان بازیگر اصلی در ساماندهی توزیع و استفاده از منابع
کینزیانیسم	دولت و بازار	ملی	رشد اقتصادی، به‌ویژه اشتغال کامل	مداخله دولت در اقتصاد برای کمک به مناطق و گروه‌هایی که محروم هستند
نظریه نوسازی	دولت و بازار	ملی	رشد اقتصادی و پیچیدگی زیاد در سازمان	پیش‌فرض‌های اروپامدارانه مبنی بر اینکه همه کشورها باید راه ملل شمال را دنبال کنند
رهیافت‌های ساختاری	دولت	ملی	رشد اقتصادی	دولت‌های ملی به دلیل نابرابری‌های اقتصاد جهانی متعهد به حمایت از تولید ملی در برابر بازارهای جهانی و شرایط رقابتی هستند
نظریه‌های وابستگی	دولت	ملی	رشد اقتصادی	محرومیت اقتصادی پیرامون جهان نتیجه بهره‌کشی شمال است؛ نیاز به خروج از نظام اقتصاد جهانی است
نئولیبرالیسم	بخش خصوصی، سمن‌ها و افراد	ملی و محلی	رشد اقتصادی، دموکراسی لیبرال	نگرش به مداخله دولت در توسعه به‌عنوان امری مخرب؛ دولت باید چارچوب تنظیم‌کننده‌ای را فراهم کند که در آن شرکت‌ها و سمن‌ها بتوانند فعالیت کنند
توسعه پایدار	به دیدگاه بستگی دارد	ملی و محلی	حفاظت از محیط‌زیست طبیعی	رهیافت‌های متنوع به توسعه پایدار؛ برخی از آن‌ها بسیار بازارمحورند و شامل قیمت‌گذاری بر طبیعت می‌شوند، در حالی که رهیافت‌های دیگر شامل حفاظت از طبیعت در کانون سیاست و کاهش مصرف می‌شوند
توسعه با توجه به اقوام	دولت و گروه‌های قومی	ملی و محلی	به رسمیت شناختن تنوع قومی، تعاریف می‌توانند حسب گروه قومی تفاوت داشته باشند	تصمیم‌های توسعه‌ای نیازهای گروه‌های قومی مختلف را موازنه می‌بخشد
جنسیت و توسعه	به دیدگاه بستگی دارد	ملی و محلی	حرکت به‌سوی برابری جنسیتی بیشتر	رهیافت‌ها متفاوتند، اما به شکل فزاینده‌ای تأکید بر مشارکت مردمی است
پساتوسعه	سازمان‌های مردمی و افراد بومی	مقیاس کوچک	مفهومی خطرناک و اروپامحور که فرهنگ‌های بومی و محیط‌زیست را نابود می‌کند	تأکید بر فعالیت‌های مردمی و مشارکت سطح محلی است

منبع: ویلیس، ۱۳۹۳: ۲۳۱-۲۳۰

جدول ۳: پارادایم‌های توسعه

پارادایم	زمینه شکل‌گیری			نگاه بنیادی به موضوع (بینش)			روش‌شناسی		مکاتب و نظریه‌ها	
	دوره تاریخی و زمینه	واقعیت تحلیلی	زمینه نظری	مسئله‌شناسی (علت‌یابی)	الگوی تحلیل	آینده‌شناسی (پیامد)	روش تحلیل	سطح تحلیل	دیدگاه‌ها	اندیشمندان
توسعه	حوادث بعد از انقلاب صنعتی، جنگ جهانی دوم	غرب و سرمایه‌داری غربی، اروپا و آمریکا	نظریات تطورگرایی و تکامل‌گرایی، کارکردگرایی	نیازهای ملی، اغلب از درون، اقتضائات ساختی، دوگانگی ساختگی	سنتی- مدرن، روستا-شهر	توسعه، اساساً سودمند، توسعه غربی، تحرک اجتماعی و اقتصادی	روش مکانیسمی- غیرتاریخی، ایستا، انتزاعی و ساخت‌گرایانه، قانون‌گرایانه	درون ملی، دولت و ملت، جوامع و ملت‌ها	رویکرد رشد، رویکرد وابستگی، دورکیم، وبر، اسمیت، پارسونز، هیگن، روستو، اسملسر، لرنر و لیپست	رویکرد وابستگی، دورکیم، وبر، اسمیت، پارسونز، هیگن، روستو، اسملسر، لرنر و لیپست
ضد توسعه	بعد از جنگ جهانی دوم، دهه ۶۰	جهان سوم، ملل آفریقا، ملل آمریکای لاتین	نظریه‌های مارکسیستی، نیازهای جهان مرکز	مرکز- پیرامون، اقمار- متروپل	توسعه‌نیافتگی، عموماً نابرابر، دوگانگی و شقاق توسعه- نیافتگی	روش تاریخی، انتزاعی، تفریدی، ساخت‌گرایانه	بین‌المللی، رابطه اقتصادی میان ملت‌ها و ساخت‌ها	تضاد، مکتب ساختاری، امپریالیسم، وابستگی	هابسون، بوخارین، لوکزامبورگ، لنین، پربیش، باران، فرانک، سوئیزی	
پسا توسعه	اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰، ورود به جامعه فراصنعتی، انقلاب ارتباطات	رابطه غرب و غیرغرب، جهان غرب و جهان سوم، جهانی شدن	کارکردگرایی نو، نئومارکسیسم، نهادگرایی جدید، لیبرالیسم نو	الگوی تمدنی، عام-خاص، غرب- غیرغرب، هسته‌های توسعه و تمدن، الگوهای نوسازی جدید	رویکرد چندگانه به: توسعه سرمایه‌داری، توسعه مخاطره‌آمیز، توسعه تمدنی، توسعه مطلوب، توسعه بدفرجام، بن‌بست تمدنی	دینامیسمی و چندگانه: تاریخی، ساختی، تعمیمی- تفریدی، مطالعات موردی، مطالعات جهانی	سطح تحلیل متنوع: نظام جهانی، تمدن‌ها (منطقه‌ها)	متکثر و بازاندیشانه: توسعه وابسته، توسعه پایدار، نوسازی بازاندیشانه، توسعه متکثر، توسعه مشارکتی، کیفیت زندگی	هانتینگتون، مور، گیدنز، یک، والرشتاین، کاردوسو، اوانز، امین، آریگی	

منبع: عنبری، ۱۳۹۰: ۴۰۸-۴۰۷

جداول ۱، ۲ و ۳، به ترتیب شامل طبقه‌بندی نظریه‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه؛ رهیافت‌ها، بازیگران و سطح توسعه؛ و شکل‌گیری، بینش و روش‌شناسی پارادایم‌های توسعه است. ذکر این نکته لازم است که به‌مانند هر مفهوم دیگری که در نتیجه تجربه، تحول می‌یابد و با وجود نقدهای درون‌رشته‌ای و برون‌رشته‌ای

بازسازی می‌شود؛ نظریه توسعه نیز علی‌رغم تأثیرگذاری اولیه در سیاست‌گذاری جوامع انسانی، در دهه‌های اخیر از چند جنبه مورد چالش جدی قرار گرفته است:

نخستین چالش، برآمده از ضرورت بازاندیشی روایت‌های کلان^۱ در «مدرنیته متأخر» است. به‌طور مشخص، پسااخترگرایان^۲ ادبیات توسعه مطرح‌شده از جنگ جهانی دوم به بعد در کشورهای جهان سوم در قالب مفاهیم و رویکردهایی چون نوسازی، وابستگی، نظام جهانی و غیره را در حکم گفتمان^۳‌هایی می‌دانند (ساشیز، ۱۹۹۲) که همبسته قدرت دولتمردان، سیاست‌گذاران و متولیان توسعه قرار دارند. آن‌ها معتقدند این گفتمان‌ها در جهت غلبه بر فقر و نابرابری در جوامع روستایی و شهری این کشورها، لزوماً با نیازها و خواسته‌های عاملان انسانی و گروه‌های ذی‌نفع همپوشانی ندارند و برای تأثیرگذاری حداکثری و کاستن از دامنه فقر، نابرابری و سایر مشکلات انسانی، نیازمند واکاوی بیشتر در جهت درک پیچیدگی‌های ابعاد حیات اجتماعی هستند. اندیشه پسااستعمارگرایی^۴، توسعه را ایده‌ها، رویه‌ها و مکانیسمی برای تسلط استعماری و نئواستعماری «شمال» بر «جنوب» طی نیمه دوم قرن بیستم می‌داند که کارکردی تاریخی داشته و ظهور آن به پیوستگی‌های تاریخی ویژه، یعنی تبدیل کشورهای مختلف جهان به «توسعه‌نیافته» (گاردنر و لوئیس، ۱۹۹۶) و خلق تصویر سیاسی «شرق»، با استفاده از نهادهای، واژگان، دانش، دکتین‌ها، حتی بوروکراسی‌ها و شیوه‌های استعماری (سعید، ۱۳۸۶: ۱۰-۳) مشروط بوده است. پساتوسعه‌گرایان^۵ نیز معتقدند ساخت جهان سوم از خلال گفتمان‌ها و رویه‌های توسعه، باید در ارتباط خویش با تاریخ وسیع‌تر مدرنیته غربی که به نظر می‌رسد توسعه یکی از آخرین و زیرکانه‌ترین فصول آن بوده است؛ نگرینده شود (اسکوبار، ۱۹۹۵). از این نظر، گاه توسعه می‌تواند به‌عنوان دستگاهی^۶ توصیف شود که اشکالی از دانش درباره جهان سوم را با استعمال اشکالی از قدرت به یکدیگر پیوند می‌دهد که سرانجام یا درنهایت به خلق و تصویرگری^۷ جهان سوم منتج می‌شود.

دومین چالش مهم در نظریه توسعه، از ضرورت پیشرفت کشورهای جنوب در عصر جهانی‌شدن برمی‌آید که به‌نوبه خود برخی از مفاهیم موجود توسعه را دگرگون کرده است. با بررسی ادبیات توسعه درمی‌یابیم که با گذر زمان این مفهوم پیچیده‌تر شده است و علاوه بر رشد اقتصادی، مباحثی چون کاهش فقر، بهبود اشتغال، توزیع عادلانه ثروت، تأمین نیازهای اساسی، رفاه عمومی، بهبود شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، حفظ محیط‌زیست و غیره نیز در ذیل مباحث توسعه قرار می‌گیرند. این در حالی است که باوجود جهانی‌شدن اقتصاد و توسعه که در مجموع توسعه بازارها، تخصصی‌شدن تولید و تقسیم کار بین‌المللی، گسترش فعالیت شرکت‌های چندملیتی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی با انتقال دانش و انتقال سریع بحران از یک منطقه به

1. Mata- narratives
2. Post-structuralists
3. Discourse
4. Post-Colonialism
5. Post-developmentalists
6. Apparatus
7. Mapping

منطقه دیگر و غیره می‌انجامد؛ تأثیرات تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های سرمایه مالی بر روند توسعه را باید به صورت انضمامی در نظر گرفت (نیاکویی، ۱۳۸۷: ۱۲۲). باری، در شرایطی که در گذشته توسعه به مثابه جریانی تصور می‌شد که در «شمال» در جریان است (ویلیس، ۱۳۹۳: ۲۳۱)؛ رشد قدرت‌های نوظهوری مانند چین، هند، برزیل و شرق آسیا، چالش‌ها و فرصت‌های نوینی را برای نظریه و کاربرد توسعه فراهم آورده و بار معنایی توسعه را عمیقاً دگرگون کرده است.

چالش سوم، مسئله ایدئولوژی توسعه در میان کشورهای در حال گذار است. لی (۲۰۰۲) در مطالعه خود از دولت‌سازی در جهان سوم نتیجه‌گیری می‌کند که عامل اصلی در توسعه این کشورها، پیوندهای فراملیتی این حکومت‌ها به نظام جهانی مدرن^۱ بوده است (فقیهی و تنهایی، ۱۳۸۸: ۷۷ و لی، ۲۰۰۲: ۱۶۵). با وجود برخی تفاوت‌ها، کشورهای در حال توسعه در راستای هدف‌های مشترکی در حال حرکتند؛ به عبارت دیگر، همگی در ایدئولوژی توسعه مشترک هستند. هدف دوگانه این جوامع، ملت‌سازی و پیشرفت اجتماعی-اقتصادی است. ملت‌سازی ایجاد نوعی جامعه سیاسی منسجم درون مرزهای جغرافیایی ثابت است که در آن دولت-ملت، نهاد سیاسی حاکم و غالب است (فقیهی و تنهایی، ۱۳۸۸: ۹۸). پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، بهبود دائمی در رفاه مادی و اجتماعی، میل به غلبه بر فقر و توزیع، مزایای صنعتی‌شدن در جامعه است (همان: ۱۰۱). دستیابی به اهداف بالا، بر پیش‌فرض برنامه‌ریزی و چشم‌اندازگرایی در توسعه تحت‌محوریت و اراده دولت مبتنی است.

به‌رغم چالش‌های وارد بر اندیشه و رویه توسعه، دستیابی به عدالت فضایی و توسعه پایدار منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، به‌منظور تبدیل‌شدن به قدرت‌های نوظهور و دولت‌های توسعه‌گرا، مستلزم داشتن برنامه و شاخص‌های عملیاتی برای سنجش توسعه است و ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در بخش‌های بعدی، به بررسی برنامه‌ها و شاخص‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

۱-۲- بررسی پارادایم‌ها، نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی

۱-۲-۱- ضرورت و اهمیت مسئله

بی‌گمان هر کشور بر مبنای شرایط تاریخی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی خود، تجربه‌ای منحصر به فرد را در گذار به پیشرفت و ترقی طی می‌کند. به خصوص کشوری انقلابی چون ایران که دل‌مشغول‌ارائه و دستیابی به یک الگوی پیشرفت مختص به شرایط متمایز انسانی، فرهنگی و دینی خود است. مسئله‌محوری گزارش پیش‌رو، این است که در آستانه چهل سالگی انقلاب، چگونه می‌توان تجربه توسعه در ایران اسلامی را با توجه به نظریه‌ها و شاخص‌ها تبیین کرد؟ این مسئله، به‌ویژه در جایی اهمیت می‌یابد که بر کارکرد توسعه‌گرایانه دولت‌های معاصر در ایران^۲ متمرکز شویم.

۱. Modern World-System

۲. برخی از نظریه‌پردازان مطرح دولت و توسعه از جمله وینسنت، دولت را به‌عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌های تخصصی و متمرکز در نظر می‌گیرند که در مرحله خاصی از توسعه صنعتی و تقسیم کار اجتماعی پدید می‌آید. دولت طی این فرایند، وظایف ویژه‌ای انجام می‌دهد؛ بنابراین جزء مرحله خاصی از توسعه اقتصادی جامعه است. مطابق این دیدگاه، تاریخ پیدایش دولت از قرون وسطی به بعد؛ در واقع همان تاریخ تحول در شیوه‌های اقتصادی و نوسازی

از میان متفکرانِ دل‌مشغول توسعه ایران، بسیاری عدم اتخاذ مواضع و پایبندی به سیاست‌های روشن توسعه‌ای از سوی این دولت‌ها را توضیح‌دهنده «دشواره‌های» توسعه در ایران می‌دانند. با نگاه به تجربه در ایران در یک قرن اخیر، می‌توان بر چند گزاره نظری تأکید کرد:

- توسعه جامعه ایران (به‌ویژه در وجوه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی/ علمی)، مسائل بنیادین جامعه ما طی یک سده اخیر است که تحقق سایر آرمان‌ها و مطالبات جامعه ایرانی، از جمله دموکراسی و توسعه سیاسی، در گروی موفقیت در دستیابی به آن است.

- با استعانت از دیدگاه صاحب‌نظران درباره نقش دولت‌ها در اداره جوامع، فرض بر این است که با توجه به ویژگی‌های جامعه ایرانی، به‌ویژه با توجه به کنشگری اقتصاد ایران «در بستر جهانی‌شدن»، دولت در فرایند توسعه نقش اساسی و بنیادین دارد. بر همین اساس، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تحول و توسعه جامعه ایرانی به‌رغم تجربه‌های متفاوت توسعه، نهاد دولت است.

- تأکید بر نقش دولت توسعه‌گرا و برنامه‌ریز به‌عنوان موتور محرکه توسعه در شرایط فعلی جامعه ایران در این مطالعه، به معنای نفی سایر اهداف توسعه و نقش سایر متغیرها و نهادها مانند فرهنگ، مذهب و غیره به‌عنوان عناصر زمینه‌ساز در توسعه نیست؛ بلکه این بدان معناست که فعالیت بهتر از سوی یک دولت توسعه‌گرا در وضعیت کنونی ایران می‌تواند با هزینه کمتر و سرعت بیشتر، سایر اهداف متعدد توسعه را در کشور تزیق و نهادینه کند.

- همچنین توسعه برنامه‌ریزی‌شده در ایران، به‌ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه نظام ارزشی دارای الگویی خاص از توسعه که بعضاً در تقابل با جریان اصلی است، با دو چالش اصلی دیگر در پیوند است: (۱) دستیابی به عدالت فضایی و توسعه پایدار محلی- منطقه‌ای در کشور؛ (۲) تبدیل شدن ایران به هژمون منطقه‌ای با توجه به معضله‌هایی چون طولانی‌شدن روند توسعه در کشور، ارتقای شاخص‌های توسعه در کشورهای رقیب در منطقه چشم‌انداز و موقعیت‌یابی ایران در ژئوپلیتیک جهانی.

بدیهی است تا جایی که نقش دولت در هدایت و برنامه‌ریزی توسعه مدنظر باشد، یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای تبیین توسعه، ارزیابی برنامه‌های توسعه بوده تا به این طریق، موفقیت یا عدم موفقیت تجربه را با توجه به اهداف، نظریه‌ها و شاخص‌های مصرح در برنامه‌ها روندیابی کنیم. این‌چنین، گزارش پیش‌رو به مطالعه تجربه و رویداد توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی از طریق یک زاویه دید، داستان یا روایت موردی خاص، یعنی بیان رویداد توسعه در انطباق و افتراق با نظریه‌ها و شاخص‌ها در این دوره خواهد پرداخت.

بنابراین با هدف ترسیم دقیق مسیر توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، ابتدا نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه (اهداف، حوزه‌ها و اولویت‌ها) را در دو دوره زمانی مرور می‌کنیم: (۱) دهه اول انقلاب و سال‌های جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، (۲) دوره پس از جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه (۱۳۹۵-۱۳۶۸).

صنعت است که خواه و ناخواه به پیدایش شکل خاصی از سازمان اجتماعی می‌انجامد که دولت خوانده می‌شود (وینسنت، ۱۳۷۶: ۳۱۷). به نظر می‌رسد تجربه توسعه در کشور در حال گذاری مانند ایران، متأثر از دولت متمرکز از ابتدای شکل‌گیری آن در دوره پهلوی تاکنون است و نقش چنین دولتی در برنامه‌ریزی برای حصول به اهداف و شاخص‌های توسعه (حداقل از ابتدای تأسیس سازمان برنامه در هفت دهه قبل تا وضعیت کنونی)، به‌عنوان پیش‌فرض پذیرفته شده است.

۱-۲-۲- اولویت‌های برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در دهه جنگ تحمیلی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آگاهی جهانیان از آرمان‌های انقلاب، ناخرسندی اغلب کشورهای غربی و کشورهای منطقه را در پی داشت. رژیم عراق به‌عنوان بهترین گزینه برای تهاجم و تغییر حکومت ایران انتخاب شد و اختلافات ارضی ایران و عراق که در سال ۱۹۷۵ حل شده بود، با انقلاب اسلامی و توهم فروپاشی ارتش ایران از یک‌سو و به قدرت رسیدن صدام در عراق و قدرتمند شدن ارتش این کشور از سوی دیگر، زمینه تحریک‌پذیری عراق برای آغاز جنگ با ایران ایجاد شد.

جنگ تحمیلی در موقعیتی آغاز شد که اقتصاد ایران که تا پیش از انقلاب به‌شدت متکی بر درآمدهای نفتی بود، در آستانه اجرای برنامه‌ها و اقداماتی در جهت خودکفایی و نیز کاهش وابستگی به نفت برای ایجاد تحول در کشور قرار داشت. جنگ موجب شد بخشی از بودجه کشور به امور دفاعی تخصیص یافته و بخش بسیاری از سرمایه‌های انسانی و سایر منابع به امور جنگ اختصاص یابد. همچنین اشغال بخشی از اراضی حاصلخیز و نیز واحدهای اقتصادی کشور و به‌طور کلی مشکلات یک اقتصاد درگیر در جنگ را به دنبال داشت که این همه موجب شد تا اصلاح ساختار اقتصاد و بهبود مدیریت توسعه کشور با مشکلات بسیاری روبه‌رو شود و کماکان درآمدهای نفتی، مجدداً نقش مؤثری در اقتصاد ایران ایفا کند (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۲).

اوضاع کشور در طول جنگ تحمیلی از یک‌سو، حاکی از مشکلات اقتصادی و آسیب‌دیدگی زیربناها و روبناهای اقتصادی است و از سوی دیگر، حکایت از برخی دستاوردها در زمینه خودکفایی و بهبود شاخص‌های توسعه دارد. بررسی دهه ۱۳۶۷-۱۳۵۸ حکایت از آن دارد که اوضاع کشور به لحاظ رکود و رونق اقتصادی در طول جنگ یکسان نبوده و می‌توان شاخص‌های اقتصادی و توسعه‌ای ایران در دهه جنگ را در سه دوره متناوب رکود و رونق بررسی کرد (همان: ۲۰۷-۲۰۶):

- دوره اول یعنی رکودی که از سال ۱۳۵۶ شروع شده بود، با آغاز جنگ عمیق‌تر شد و به‌رغم قیمت بالای نفت در بازارهای جهانی، این رکود تا سال ۱۳۶۰ بر اقتصاد ایران حاکم بود.
- دوره دوم، از سال ۱۳۶۱ تا اواخر سال ۱۳۶۴، دوره رونق اقتصادی بوده است. به‌رغم کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی نسبت به دوره اول، به دلیل افزایش صادرات نفت و کسب درآمدهای بالای نفتی و همچنین ثبات سیاسی و اقتصادی و سیاست‌های مناسب اقتصادی سبب شد تا در این دوره، اوضاع اقتصادی بهبود یابد. در این دوره، تولید ناخالص داخلی نسبت به دوره قبل روندی افزایشی داشت. درآمد سرانه و تشکیل سرمایه ناخالص افزایش یافت و حجم نقدینگی و تورم کاهش یافت.
- دوره سوم، از سال ۱۳۶۵ تا پایان جنگ یعنی سال ۱۳۶۷، با رکود اقتصادی همراه بود. رکود در دوره سوم که بسیار متأثر از تکانه نفتی سال ۱۳۶۵ بود، عمیق‌تر از دوره اول بوده است. علائم بسیار نگران‌کننده اقتصادی، افزایش مشکلات اجتماعی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، میسر نبودن امکان بهره‌برداری از ظرفیت تولید و صادرات نفت، فشارهای شدید بین‌المللی، تشدید نبردها و جنگ نفت‌کش‌ها و غیره از مشخصه‌های دیگر این دوره است؛ به‌طوری که سال ۱۳۶۷ از بعد اقتصادی نامطلوب‌ترین سال در دوره جنگ تحمیلی بوده است.

بررسی شاخص‌های اقتصادی، جمعیتی و دسترسی، به‌خصوص در دوره زمانی ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ که محیط پیرامون اقتصاد مشکلات کمتری داشت، موفقیت برخی سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی را نشان می‌دهد. جدول ۴ نشان‌گر عملکرد مثبت شاخص‌ها و وجود پارادایم مشخصی از توسعه در دوره جنگ تحمیلی است.

جدول ۴: خلاصه‌ای از اولویت‌های برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در دهه اول انقلاب و جنگ تحمیلی

دوره	برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها	
۱۳۵۷-۱۳۶۷	برنامه اول توسعه (۱۳۶۷-۱۳۶۲)	پارادایم توسعه	جایگزینی واردات	نیازهای اساسی	۱- درآمد سرانه (هزار ریال) *GDP Per Capita: متوسط درآمد سرانه ایران در دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۸، به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ برابر ۴۱۵۰ هزار ریال و بیش از متوسط دوره ۱۳۶۸-۱۳۶۸ است؛ اما نسبت به دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۲ (۷۳۶۵ هزار ریال) کاهش دارد (نگاه کنید به نمودار ۸: ۴۶). اصلی‌ترین دلایل کاهش درآمد سرانه در ۱۳۶۷-۱۳۶۵، رکود سال‌های پایانی جنگ و البته نرخ رشد بالای جمعیت در دهه ۶۰ است.	
	* این برنامه به دلایل مختلف و در شرایط جنگ عملیاتی نشد؛ اما جهت‌دهنده توسعه‌ای کشور در دوره جنگ و مبنای بودجه‌ریزی بود.	* ضرورت توسعه «نظام اقتصاد ملی»	نیازهای اساسی	* اهمیت یافتن شاخص‌هایی چون دسترسی به تسهیلات زندگی، عدالت اجتماعی، کنترل تورم، اندازه دولت، کاهش ضریب جینی...	۱۳۵۹ ۴۵۸۳ ۴۰۷۴ ۴۴۲۷ ۴۴۷۶ ۴۱۷۹ ۳۹۷۵ ۳۹۶۴ ۱۳۶۴ ۱۳۶۳ ۱۳۶۲ ۱۳۶۱ ۱۳۶۰ ۱۳۶۷ ۲۴۹۸ ۳۵۲۹ ۳۹۶۴	
	۲- جمعیت	* نرخ رشد جمعیت در سرشماری سال ۱۳۶۵، ۳،۵ درصد و بالاتر از سایر دوره‌ها در کشور بوده است (نگاه کنید به: نمودار ۲۶: ۶۷). تبیین دینامیسم‌های اقتصادی توسعه در کشور، بدون در نظر گرفتن پویای جمعیتی پس از سال‌های جنگ، غیرممکن است.	۳- تورم	* کشور در دوره ۱۳۶۴-۱۳۶۱ و به‌خصوص سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ کشور یکی از پایین‌ترین نرخ‌های تورم را در مقایسه با سال‌های بعد از جنگ تجربه کرد که عملکرد دولت زمان جنگ را نشان می‌دهد. نرخ تورم در دهه جنگ [۱۶،۴ درصد] است (دژپسند و رثوفی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).	۴- اندازه دولت	* شاخص اندازه دولت در سال‌های دوره انقلاب و جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۸)، عدد ۴۰،۸ بود که کوچک‌تر از اندازه دولت در برنامه دوم تا پنجم است (جدول ۱۷: ۵۲). در شرایط جنگ و محدودیت‌های درآمدی، بودجه دولت کوچک‌تر و اندازه دولت کمتر شد.
	۵- ضریب جینی	* متوسط ضریب جینی در دوره جنگ، ۰،۴۱ است. ضریب جینی با سیاست‌های مساوات‌گرایانه دوران انقلاب تا سال ۱۳۵۹ کاهش یافت (نسبت به عدد ۰،۵۱ در سال ۱۳۵۸) و در دوران جنگ با توجه به اولویت کاهش فاصله اجتماعی و طبقاتی در جامعه، به‌استثنای سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۰، روند کاهشی داشت (دژپسند و رثوفی، ۱۳۸۷: ۱۷۵).	۱۳۵۹ ۲۳،۷ ۲۲،۸ ۱۹،۴ ۱۴،۸ ۱۰،۴ ۶،۹ ۲۳،۷ ۲۷،۵ ۲۹			
						۱۳۶۷ ۱۳۶۶ ۱۳۶۵ ۱۳۶۴ ۱۳۶۳ ۱۳۶۲ ۱۳۶۱ ۱۳۶۰ ۱۳۶۷

۰,۴۰	۰,۴۰	۰,۳۹	۰,۳۹	۰,۴۰	۰,۴۵	۰,۴۴	۰,۴۶	۰,۳۹					
<p>۶- دسترسی به تسهیلات زندگی (نمونه: دسترسی خانوارهای کشور به گاز طبیعی-هزار نفر)</p> <p>* تعداد مصرف‌کنندگان خانگی گاز طبیعی در سطح کشور از حدود ۱۳۰,۰۰۰ در سال ۱۳۶۰ با افزایش مداوم در سال ۱۳۶۷ به ۶۰۰ هزار نفر و در سال ۱۳۹۴ به حدود ۱۹ میلیون انشعاب رسیده است. افزایش شاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و تسهیلات زندگی، روند مداوم دهه‌های بعد از انقلاب تاکنون است و در همه برنامه‌های توسعه مشاهده می‌شود (نمودار ۷۴: ۱۱۴).</p>													
۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹					
۶۰۰	۴۹۲	۳۸۴	۳۰۰	۲۵۹	۲۰۹	۱۷۵	۱۳۰	-					

منبع: یافته‌های تحقیق

بررسی داده‌های جدول ۴ و گزاره‌های خلاصه‌شده زیر نشان می‌دهد دهه ۱۳۶۷-۱۳۵۸، تجربه‌ای مهم در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه در کشور بوده است:

- نخست، در سال‌های جنگ تحمیلی، برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۶۲) تهیه شد، اما به دلیل اصلی شکاف تئوریک میان شورای اقتصاد و بدنه دولت بر سر ضرورت توسعه به‌مثابه مکانیسمی غرب‌گرا در یک جامعه انقلابی و مآلاً، تمرکز دولت در اداره کشور در شرایط جنگ تصویب نشد. با این حال، سیاست‌های دولت در هدایت امور اقتصادی شامل ابزارهای ارشادی نظام بازار (سیاست‌های پولی و مالی) و ابزارهای نظام متمرکز (سه‌می‌بندی‌ها) به سطح بهینه رسید؛ دستیابی به رشد اقتصادی، افزایش سطح اشتغال و تولید، کنترل تورم و نقدینگی ممکن شد و یکی از توسعه‌گراترین رویکردهای برنامه‌ای شکل گرفت (جدول ۴).

- دوم، تجربه جنگ تحمیلی با وجود کمک به فرایند دولت-ملت‌سازی و تثبیت بوروکراسی و ساخت برخی از نهادهای توسعه‌ای در شرایط کمبود منابع با تقویت ناسیونالیسم، انگیزه‌ای مهم برای توسعه اقتصادی در کشور در سال‌های بعد از جنگ ایجاد کرد که کمتر می‌توان در صحت آن شک کرد. نیاز به ثبات، نهادسازی و بازساماندهی باعث شد پویای انقلابی به‌منظور سازگاری با واقعیت‌های جهانی و محلی و در پاسخ به نیازهای جامعه به بازساخت، توسعه زیرساختی و وفاق نخبگان تغییر یابد (فرازمند، ۲۰۰۲: ۱۴۷-۱۴۶). کوتاه سخن اینکه، دولت در ایران در دهه جنگ، گام‌های بلندی را در راستای بازساماندهی، رفرم و توسعه برداشت که در پاسخ به تقاضاهای تغییریافته مردم بود.

- سوم، سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۵۷ بخشی از روند کلی برنامه‌ریزی توسعه در ایران در هفت دهه گذشته است که در آن، گرایش‌های توسعه‌گرا بیش از نگره‌های چپ^۱ حاکم بوده است. با این‌که استدلال شده با استقرار

۱. در عرف سیاست‌گذاری عمومی، چپ به دولت‌هایی اطلاق می‌شود که اصرار بر افزایش مداخله دولت در اقتصاد دارند. مؤمنی (نوروزیان، ۱۳۸۹) با ارجاع به گزارش پیوست سند قانون برنامه اول توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، معتقد است در حالی که در سال ۱۳۵۶ تملک واحدهای تولیدی توسط دولت معادل ۶۳ درصد بود؛ در سال ۱۳۶۷ یعنی سال پایان جنگ تحمیلی و عبور کشور از یک دوره ۸ ساله اقتصاد جنگی، این

جمهوری اسلامی و در طول دهه جنگ برعکس روال گذشته، نگره چپ بر روابط اقتصادی کشور حاکم شد (دوران پس از انقلاب در ایران تقریباً با تحولات دو دوره در ترکیه- از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵- که آزادسازی اقتصادی در آن کشور محوریت یافت، هم‌زمان است) (سامی، ۱۳۹۰)؛ برخی دیگر از پژوهشگران اقتصاد توسعه، عملکرد آن دوران را محصول پارادایم اولویت‌دهی به «نظام اقتصاد ملی» در شرایط تهدیدهای امنیتی و ضرورت بازساماندهی اداری-اجرایی کشور می‌دانند.

- چهارم، پایان جنگ تحمیلی با مشخصه اصلی رکود سال ۱۳۶۷، با چندین رویداد تاریخی-ساختاری دیگر نیز هم‌زمان بود که اثرات خود را بر برنامه‌های توسعه در دهه‌های بعدی حک کرد؛ از جمله:

۱- انبساط فراگیر بازارهای پولی و مالی جهانی در موج دوم جهانی‌شدن دهه ۹۰: ضرورت پاسخ و تعیین موضع نسبت به انبساط اقتصاد جهانی و موقعیت‌یابی منطقه‌ای ایران، مهم‌ترین کارکرد توسعه برنامه‌ریزی شده در سه دهه اخیر- البته در پاسخ به اهداف توسعه در زمینه کاهش فقر، نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای- است؛

۲- فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد که نه‌تنها عملیاتی شدن ایده جهانی‌سازی و ادغام ملل مختلف در بازارهای مالی را تحقق بخشید، بلکه زمینه لازم برای اعمال برنامه‌های تعدیل ساختاری و تغییرات نهادینه‌شده در اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله ایران را ایجاد کرد؛

۳- پایان جنگ تحمیلی، برنامه‌ریزی توسعه و بازساخت اقتصادی در کشور که مداخله‌گری فعال دولت در توسعه اقتصادی برای رفع نابسامانی‌های کشور و نیز گذار از رکود اقتصادی را ضرورت بخشید؛

۴- ایجاد چارچوب‌های قانونی لازم در زمینه نهادینه شدن اقتدار کاریزماتیک در حاکمیت ایران که توازن نخبگان و نیروهای طرف کشمکش در مناسبات متقابل قدرت و توسعه را بازتعریف کرد.

۱-۲-۳- نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه پس از جنگ تحمیلی (۱۳۹۵-۱۳۶۸) و ارزیابی شاخص‌ها

شکی نیست که دولت‌های پس از جنگ تحمیلی، ویژگی‌های جداگانه‌ای داشته و بر اساس ویژگی‌های خاص خود، هرکدام نگرش متمایزی به توسعه داشته‌اند. بنابراین، برنامه‌های شش‌گانه پس از جنگ، بر مبنای نگرش خاص هرکدام از دولت‌ها تنوع داشته و در مقاطعی می‌توان عدم تداوم در اهداف، گفتمان‌ها و برنامه‌های توسعه را مشاهده کرد. حتی می‌توان ادعا کرد تفاوت‌های معنی‌دار میان اهداف و کنش دولت‌های بعد از جنگ تحمیلی، به تنوع گفتمان‌ها، برنامه‌ها و شاخص‌های توسعه منجر شده؛ «مسئله» توسعه را در معرض تفسیرهای متعدد قرار داده و کاستی در اتخاذ استراتژی مشخص توسعه را، تقریباً به ویژگی مشترک تمام برنامه‌ها تبدیل کرده است.

جدول ۵، مقایسه‌ای از اهداف اصلی، اهداف کلی و افق زمانی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی است. گزاره‌های مندرج در جدول ۵، خلاصه‌ای بسیار مختصر از اهداف برنامه‌ها و اسناد پشتیبان است. بخش‌های

رقم به ۴۰ درصد رسید؛ یعنی به‌رغم شرایط جنگی، اقتصاد ایران [و ضرورت] به تملک درآمدن بخش‌های بزرگی از واحدهای تولیدی توسط دولت، باید دولت بزرگ می‌شد، [اما] چنین اتفاقی صورت نگرفت.

بعدي این بند از گزارش، ناظر بر بررسی و بسط نظریه‌ها و برنامه‌های پس از جنگ تحمیلی (۱۳۹۵-۱۳۶۸) در انطباق با شاخص‌های اصلی توسعه است.

جدول ۵: مقایسه اهداف اصلی، اهداف کلی، ارکان برنامه‌ریزی، اسناد و افق زمانی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی

برنامه	هدف اصلی	اهداف کلی	افق زمانی
اول ۱۳۶۸-۷۲	*سازمان‌دهی توسعه و بازسازی اقتصادی کشور در پایان جنگ	<ul style="list-style-type: none"> ◇ بازسازی و راه‌اندازی چرخه تولید ◇ توسعه امکانات فیزیکی و زیربنایی ◇ توسعه خدمات اجتماعی دولت ◇ رفع عدم تعادل‌های عمده مناطق و اقشار 	جهت‌گیری بلندمدت ندارد جامع
دوم ۱۳۷۴-۷۸	*تثبیت اقتصادی و ساماندهی فعالیت‌های بخش بازار	<ul style="list-style-type: none"> ◇ تثبیت دستاوردهای برنامه اول ◇ ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی ◇ کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه 	جهت‌گیری بلندمدت ندارد جامع
سوم ۱۳۷۹-۸۳	*نهادسازی و اصلاح ساختارها	<ul style="list-style-type: none"> توسعه اقتصاد رقابتی از طریق: ◇ آزادسازی نظام اقتصادی ◇ شکل‌گیری نظام تأمین اجتماعی ◇ اصلاحات قانونی نهادی ◇ لغو انحصارات برای مشارکت بخش خصوصی ◇ کاهش تصدی‌گری دولت 	جهت‌گیری بلندمدت ندارد جامع
چهارم ۱۳۸۴-۸۸	*رشد پایدار اقتصادی دانایی‌محور	<ul style="list-style-type: none"> ◇ رشد اقتصاد دانایی‌محور در تعامل با اقتصاد جهانی ◇ حفظ محیط‌زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای ◇ توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی ◇ صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی ایرانی ◇ تأمین مطمئن امنیت ملی ◇ نوسازی دولت و اثربخشی حاکمیت 	مبتنی بر چشم‌انداز جامع
پنجم ۱۳۹۰-۹۴	*پیشرفت عدالت‌محور	<ul style="list-style-type: none"> ◇ ترویج شیوه زندگی اسلامی ◇ گسترش عدالت همه‌جانبه و پاسداشت کرامت انسانی، ◇ تقویت هویت اسلامی- ایرانی، ◇ ایجاد جامعه‌ای خودباور با محوریت نهاد خانواده، ◇ 	مبتنی بر چشم‌انداز جامع

	<p>توسعه دانش و فناوری با تأکید بر فناوری اطلاعات، رشد اقتصادی پایدار و عدالت‌محور + ارتقای بهره‌وری، اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تأمین اجتماعی فراگیر و ارتقاء سلامت آحاد جامعه، تحکیم امنیت ملی و توسعه روابط خارجی بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، آمایش سرزمین و توسعه و توازن منطقه‌ای</p>			
<p>مبانی بر چشم‌انداز ۵ ر</p>	<p>ثبات اقتصاد کلان از طریق اصلاح نظام مالی و بیمه‌ای، اصلاح نظام ارزی و تجاری و تعامل دولت و نهاد بازار</p> <p>تقویت قابلیت‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی از طریق ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، پایداری محیط‌زیست</p> <p>ارتقای حکمرانی و تدبیر شایسته از طریق کارآمدسازی نظام حاکمیتی کشور، ایجاد شفافیت و جلوگیری از فساد و برابری فرصت‌ها، حاکمیت قانون و نظارت جامع فراگیر</p> <p>تقویت برون‌گرایی و تعامل با اقتصاد جهانی باهدف:</p> <p>بهبود فضای کسب‌وکار، توانمندسازی بخش خصوصی، ارتقای رقابت‌پذیری، مقاوم کردن اقتصاد، پیشتازی در عرصه علم و فناوری، تعالی فرهنگی</p>	<p>*رشد تولید رقابتی مبتنی بر دانش و بهره‌وری در چارچوب اقتصاد مقاومتی و فرهنگ اسلامی-ایرانی و تعامل سازنده با جهان</p>	<p>۱۳۹۶-۱۴۰۰</p>	<p>ششم</p>

منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، مهر ۱۳۹۵

۱-۲-۳-۱- برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران تاکنون شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا شده است. برنامه اول توسعه در شرایط پایان جنگ تحمیلی و با ضرورت سازمان‌دهی و بازسازی اقتصادی کشور طراحی و اجرا شد و هدف از اجرای آن، راه‌اندازی چرخه تولید، توسعه امکانات فیزیکی و زیربنایی و رفع عدم تعادل عمده مناطق کشور و اقشار مردم بود. جدول ۶، خلاصه‌ای از پارادایم غالب، استراتژی، اولویت‌ها، نظریه‌محوری و ارزیابی برخی شاخص‌های مهم برنامه اول توسعه است.

جدول ۶: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	اولویت‌ها	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها
برنامه اول	پارادایم توسعه	استراتژی جایگزینی	۱- تغییر روندهای منفی اقتصادی با	رویکرد نظری غالب در برنامه اول، مانند دهه جنگ،	۱- رشد اقتصادی * متوسط رشد اقتصادی در برنامه اول، ۷,۲

<p>توسعه -۱۳۷۲) (۱۳۶۸</p>	<p>*ضرورت جبران عقب‌ماندگی‌ها و بازساخت سریع اقتصادی، غلبه بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای و بخشی</p>	<p>واردات * ضرورت حمایت از تولید داخلی و بازسازی زیرساخت‌ها</p>	<p>سرمایه‌گذاری دولت در بازساخت اقتصادی؛ ۲- بهره‌برداری حداکثر از ظرفیت‌های موجود؛ ۳- فراهم‌سازی بستر تداوم رشد در آینده.</p>	<p>رویکرد نیازهای اساسی بود. *اهمیت شاخص‌های جمعیتی، آموزشی، خدمات‌رسانی و تسهیلات زندگی، خودکفایی و غیره، در کنار شاخص‌های اقتصادی مانند رشد، تورم، بیکاری، اندازه دولت</p>	<p>درصد است. بالاترین نرخ رشد در این برنامه مربوط به سال ۱۳۶۹ [۱۲,۲ درصد] است. این نرخ رشد در مقایسه با سایر برنامه‌ها، دارای بیشترین میزان است؛ هرچند هنوز پایین‌تر از نرخ رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده برای همین برنامه [۸,۱ درصد] است (نمودار ۱: ۳۷ و جدول ۱۴: ۳۸).</p> <p>۲- درآمد سرانه</p> <p>* درآمد سرانه در برنامه اول (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) برابر ۳۵۰۵ هزار ریال است که پایین‌تر از دوره جنگ (۱۳۶-۱۳۵۸) و برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه است (نمودار ۸: ۴۶). تأثیر رکود اقتصادی سال‌های پایانی جنگ، اختصاص منابع به رفع خسارت‌ها و نابسامانی‌ها، در ترکیب با رشد فزاینده جمعیت در دهه ۶۰، توضیح‌دهنده افت درآمد سرانه در طول برنامه اول است.</p> <p>۳- تورم</p> <p>*متوسط نرخ تورم در برنامه اول ۱۷,۸ است که از میزان هدف‌گذاری شده در این برنامه [۱۴,۴ درصد] بیشتر بود. این شاخص بالاتر از نرخ تورم در دهه جنگ و بیشتر از میزان تورم در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم است (جدول ۲۰: ۵۹). ایران یکی از ۱۰ کشور دارای بیشترین میزان تورم در جهان است و نرخ تورم حدود ۱۵ درصد، به‌استثنای برخی سال‌ها، ویژگی ساختاری اقتصاد ایران در چهار دهه اخیر است.</p> <p>۴- بیکاری</p> <p>*متوسط نرخ بیکاری در برنامه اول، ۱۱,۵ درصد و پایین‌تر از هدف‌گذاری برنامه یعنی رساندن نرخ بیکاری به ۱۲,۶ درصد است. در سایر برنامه‌ها (دوم تا پنجم) همواره میزان بیکاری بالاتر از هدف برنامه بوده است (جدول ۱۹: ۵۴). مطالعه روند بیکاری از بابت نشان دادن شکاف‌های جنسی و نسلی مهم در این شاخص، حائز اهمیت است.</p> <p>۵- اندازه دولت</p> <p>*شاخص اندازه دولت (بخش عمومی) در برنامه اول توسعه، ۳۹,۳ درصد و پایین‌ترین میزان در میان تمام برنامه‌های توسعه است. اندازه دولت</p>
-----------------------------------	---	---	---	--	---

<p>پس از برنامه اول افزایش یافت و در سال ۹۵ به بیش از ۷۰ درصد رسیده است. گفتمان لیبرال به‌مثابه جریان اصلی اقتصاد در ایران، اندازه بزرگ دولت پس از جنگ تحمیلی را به اصلی‌ترین معضل اقتصاد ایران تعبیر کرده و کوچک‌سازی دولت را، مهم‌ترین راه‌حل معضلات اقتصادی می‌داند.</p>					
<p>۶- روندهای جمعیتی</p> <p>* کاهش نرخ رشد جمعیت: جمعیت کشور پس از نرخ رشد نمونه‌وار در سرشماری سال ۱۳۶۵ یعنی ۳٫۵ درصد، در سرشماری سال ۱۳۷۵ به عدد ۱٫۶ درصد رسید. دهه دوم بعد از انقلاب مقارن با برنامه پنج‌ساله اول و دوم توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور (۱۳۶۸-۱۳۷۷) بود و کنترل جمعیت در این دو برنامه از اولویت ویژه‌ای برخوردار شد؛ به طوری که شاهد کاهش بیش از ۵۰ درصد در نرخ رشد جمعیت در فاصله یک دهه بودیم (نمودار ۲۶: ۶۷). باید خاطرنشان کرد حمایت رهبران مذهبی، به برنامه‌های تنظیم خانواده دولت مشروعیت بخشید و این مشروعیت زمینه‌ساز انجام فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی دیگر، نظیر ایجاد کارگاه‌هایی برای زوج‌های جوان، آموزش از طریق رسانه‌ها، آموزش در دبیرستان‌ها و غیره شد.</p>					
<p>۷- ضریب جینی</p> <p>* متوسط شاخص ضریب جینی در طول برنامه اول، ۰٫۳۹۸۰ است. ضریب جینی در طول برنامه‌های بعدی نیز تقریباً ثابت مانده و با عدد ۰٫۵ که در سال ۱۳۵۳ به ثبت رسید؛ هنوز فاصله دارد (نمودار ۳۶: ۷۷). روند پنج‌ساله اخیر این شاخص بیانگر شیب مثبت در منحنی تغییرات آن و افزایش پی‌درپی است و در صورت تداوم این روند، احتمالاً در سال ۱۴۰۰ به حدود ۰٫۴۳ خواهد رسید.</p>					
<p>۸- آموزش</p> <p>* ارتقای شاخص برابری جنسیتی (GPI): شاخص برابری جنسیتی (GPI) یکی از شاخص‌های مهم بین‌المللی در اندازه‌گیری شکاف جنسیتی در زمینه آموزش است. این شاخص از نسبت ثبت‌نام‌شدگان دختر به ثبت‌نام‌شدگان پسر</p>					

<p>به دست می‌آید. بر مبنای داده‌های بین کشوری در زمینه نسبت‌های ثبت‌نام خام، GPI در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، نزدیک یا اندکی بزرگ‌تر از ۱۰۰ است. ارتقای شاخص GPI از برنامه اول در کشور مشاهده می‌شود. شاخص GPI در طول برنامه اول، از ۷۷ در سال ۱۳۶۸ به ۸۲٫۱ در سال ۱۳۷۲ رسید و در طول ۳۲ سال اخیر همواره افزایش یافته، به طوری که در سال ۱۳۹۵ و پایان برنامه پنجم به عدد ۹۳٫۲ رسید (نگاه کنید به: نمودار ۴۷: ۸۷).</p>					
<p>۹- ضریب خودکفایی محصولات اساسی</p> <p>* متوسط ضریب خودکفایی محصولات اساسی در برنامه اول ۸۰٫۴۲ است (نگاه کنید به: جدول ۲۹: ۱۲۱). این عدد از محاسبه میانگین ضریب خودکفایی ۱۰ محصول اساسی در ابتدا و انتهای این برنامه به دست آمده است. ضریب خوداتکایی در محصولات اساسی، نخستین اقدام عملی تحقق اقتصاد مقاومتی و اولویت تمام برنامه‌های توسعه در کشور در سال‌های بعد از انقلاب، از جمله برنامه اول است.</p>					

منبع: یافته‌های گزارش

۱-۲-۳-۲- برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

برنامه دوم توسعه با توجه به اهدافی چون تثبیت دستاوردهای برنامه اول، ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی، کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه طراحی شد. آزادسازی، خصوصی‌سازی و سیاست‌های تعدیل ساختاری، شاکله‌های اصلی برنامه دوم بود؛ برنامه‌ای که در متن روند تحکیم سیاست‌های «نولیبرال» در جهان (و کشور) اجرا شد و ایجاد نوعی خوانش از مناسبات بازاری به مثابه «رژیم حقیقت» پیش‌فرض آن بود. بدون اینکه درصدد ارائه خطابه‌ای کلی درباره این برنامه باشیم؛ در ادامه گزارش و در جدول ۷، خلاصه‌ای از پارادایم غالب، استراتژی، اولویت‌ها، نظریه‌محوری و ارزیابی برخی شاخص‌های مهم برنامه دوم توسعه را ارائه می‌کنیم.

جدول ۷: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	اولویت‌ها	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها
برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	پارادایم توسعه	استراتژی توسعه صادرات	اولیاتی به رشد و توسعه اقتصادی از طریق آزادسازی و خصوصی‌سازی	رویکرد نظری غالب در برنامه دوم، رویکرد رشد بود که دیدگاه متمایز این برنامه را با دهه جنگ و برنامه اول	۱- رشد اقتصادی * متوسط رشد اقتصادی در برنامه دوم، ۲٫۶ درصد است. این نرخ رشد پایین‌تر از میزان هدف‌گذاری شده یعنی ۵٫۱ درصد و در مقایسه با سایر برنامه‌ها، کمترین میزان رشد اقتصادی در دهه‌های بعد از جنگ است (البته به استثنای

<p>برنامه پنجم، نمودار ۱: ۳۷ و جدول ۱۴: ۳۸).</p>	<p>توسعه نشان می‌دهد.</p>		<p>سیاست‌های تعدیل ساختاری</p>	<p>ساختاری، بنیان گرفتن الگوی «نتولیبرال» در کشور</p>	
<p>۲- درآمد سرانه</p> <p>* درآمد سرانه در برنامه دوم (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) برابر ۳۹۹۴٫۵ هزار ریال است که پایین‌تر از دوره جنگ (۱۳۶-۱۳۵۸)، برنامه‌های سوم، چهارم توسعه و بالاتر از برنامه اول توسعه است.</p>	<p>* تأکید بر شاخص‌های اقتصادی مانند رشد، تورم، بیکاری، اندازه دولت، درآمد سرانه، اهمیت یافتن شاخص‌های آموزشی، فرهنگی و تداوم رشد شاخص‌های دسترسی</p>				
<p>۳- تورم</p> <p>* متوسط نرخ تورم در برنامه دوم، ۲۳٫۵ درصد است که نه تنها از میزان هدف‌گذاری شده در این برنامه [۱۲٫۴ درصد] بیشتر بود، بلکه بالاترین نرخ تورم نسبت به سایر برنامه‌های توسعه و نیز دهه جنگ [۱۹٫۸ درصد] است (جدول ۲۰: ۵۹).</p>					
<p>۴- بیکاری</p> <p>* متوسط نرخ بیکاری در برنامه دوم، ۱۳ درصد و بالاتر از هدف‌گذاری برنامه یعنی رساندن نرخ بیکاری به ۱۲٫۶ درصد است. در برنامه‌های سوم تا پنجم نیز میزان بیکاری بالاتر از هدف برنامه بود.</p>					
<p>۵- اندازه دولت</p> <p>* میانگین شاخص اندازه دولت (بخش عمومی) در برنامه دوم توسعه، ۵۰٫۶ درصد و بالاتر از دهه جنگ و برنامه اول است. روند افزایشی اندازه دولت پس از برنامه دوم تداوم یافته است.</p>					
<p>۶- ضریب جینی</p> <p>* متوسط شاخص ضریب جینی در طول برنامه دوم، ۰٫۳۹۹۷ است که افزایش اندکی را نسبت به برنامه اول نشان می‌دهد (نمودار ۳۶: ۷۷).</p>					
<p>۷- روندهای جمعیتی</p> <p>* کاهش نرخ رشد جمعیت: جمعیت کشور پس از نرخ رشد نمونه‌وار در سرشماری سال ۱۳۶۵ یعنی ۳٫۵ درصد، در سرشماری سال ۱۳۷۵ به عدد ۱٫۶ درصد رسید. دهه دوم بعد از انقلاب مقارن با برنامه پنج‌ساله اول و دوم توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور (۱۳۷۷-۱۳۶۸) بود.</p> <p>* کاهش نسبت جنسی جمعیت: شاخصی است که تعداد مردانی که در برابر هر ۱۰۰ زن</p>					

<p>در ساختار جمعیتی قرار می‌گیرند، نشان می‌دهد. ساختار جنسیتی جمعیت، تحت تأثیر عوامل خارجی (مهاجرت) و عوامل درونی (مرگ‌ومیر مربوط به جنس خاص) قرار دارد. در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ [برنامه‌های دوم تا چهارم] نسبت جنسیتی از ۱۰۳,۳ به حدود ۱۰۱ رسید که حد نرمال است (نمودار ۲۹: ۶۹)؛ هرچند در حدفصل سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ [برنامه پنجم] نسبت جنسیتی اندکی افزایش یافته و به ۱۰۲,۷ رسیده است.</p>					
<p>۸- تغییرات خانوار</p> <p>*کاهش بعد خانوار: سال‌های برنامه دوم هم‌زمان با روند کاهشی بعد خانوار و درعین‌حال افزایش تعداد خانوار است. درواقع، پس از سرشماری ۱۳۷۵ که بعد خانوار در آن از ۵,۱ به ۴,۸ رسید، تاکنون همواره بعد خانوار روند کاهشی داشته و در سرشماری سال ۱۳۹۵ و سال پایانی برنامه پنجم، به عدد ۳,۳ رسید (نمودار ۳۷: ۷۹). اهمیت شاخص بعد خانوار در مطالعات توسعه در این است که در حال حاضر میان کاهش بعد خانوار استان‌ها و سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها همبستگی وجود دارد [البته تفاوت‌های قومی و فرهنگی کشور را نیز باید همواره در این زمینه مدنظر داشت].</p>					
<p>۹- سواد</p> <p>*افزایش نرخ باسوادی: نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور، از دهه ۷۰ به بعد افزایش کامل داشته است که در سرشماری سال ۱۳۷۴ (سال دوم برنامه دوم) به عدد ۸۰ درصد رسید. این افزایش در تمام برنامه‌های بعدی تداوم داشته و در سال پایانی برنامه پنجم (در سرشماری سال ۱۳۹۵) در سطح نزدیک به ۸۸ درصد قرار دارد (نمودار ۴۴: ۸۴).</p>					
<p>۱۰- آموزش</p> <p>* بهبود سرانه نسبت دانش‌آموز به ازای هر معلم: در ایران در طی دو دهه اخیر سرانه دسترسی به معلم (سرانه نسبت دانش‌آموز به ازای هر معلم) با ارتقاء چشم‌گیر همراه بوده و این روند از برنامه دوم به بعد تقریباً تداوم داشته، به‌گونه‌ای که از ۳۱,۵ دانش‌آموز به ازای هر معلم</p>					

در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵ به ۲۳٫۷ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ (سال پایانی برنامه پنجم) کاهش یافته است (نمودار ۴۶: ۸۶).					
۱۱- دسترسی به تسهیلات زندگی					
* روند افزایشی مشترکین برق: در حالی که تعداد مشترکین برق در سال ۱۳۵۷ رقم ۳،۳۹۹،۰۰۰ بود و بسیاری از روستاهای کشور فاقد برق بودند، تعداد مشترکین برق در طول سال‌های جنگ و برنامه‌های اول تا پنجم افزایش چشم‌گیر یافته و در سال ۱۳۹۰ از مرز ۲۹ میلیون گذشت و در پایان سال ۱۳۹۵ به ۳۳ میلیون و ۶۸۹ هزار مشترک رسید (نمودار ۸۲: ۱۱۷).					
۱۲- ضریب خودکفایی محصولات اساسی					
* متوسط ضریب خودکفایی محصولات اساسی برنامه دوم ۷۹٫۹ است. این عدد از محاسبه میانگین ضریب خودکفایی ۱۰ محصول اساسی در ابتدا و انتهای این برنامه به دست آمده و نسبت به برنامه اول تقریباً ثابت مانده است. داده‌های ضریب خودکفایی در برنامه‌های اول تا پنجم و روند تغییرات آن به تفکیک، در جدول ۲۹: ۱۲۱ در این گزارش ارائه شده است.					

منبع: یافته‌های گزارش

۱-۲-۳- برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

برنامه سوم باهدف نهادسازی و اصلاح ساختارهای اجرایی کشور و توسعه اقتصاد رقابتی از طریق آزادسازی نظام اقتصادی، شکل‌گیری نظام تأمین اجتماعی، لغو انحصارات برای مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت طراحی و به اجرا درآمد. صاحب‌نظران توسعه در کشور معتقدند اصلاحات اقتصادی-نهادی در قالب قانون برنامه سوم توسعه، اثر مثبت و معنی‌داری بر شتاب رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش تورم در این دوره داشت و نسبت به سایر برنامه‌ها قابلیت بیشتری داشته است. در جدول ۸ خلاصه‌ای از پارادایم غالب، استراتژی، اولویت‌ها، نظریه‌محوری و ارزیابی برخی شاخص‌های مهم برنامه سوم توسعه به‌صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۸: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	اولویت‌ها	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها
۶۸۲۹ (۱۳۷۹) - (۱۳۸۳)	پارادایم توسعه	استراتژی توسعه	۱-شناخت چالش‌های اساسی فرایند	به‌مانند برنامه دوم توسعه رویکرد نظری غالب در برنامه سوم، رویکرد رشد	۱-رشد اقتصادی * متوسط رشد اقتصادی در برنامه سوم، ۵٫۸ درصد و نزدیک به هدف برنامه (رشد ۶

<p>درصدی) است. این نرخ رشد بالاتر از همه برنامه‌های توسعه و دهه جنگ است [به استثنای برنامه اول] (جدول ۱۴: ۳۸). برخی از صاحب‌نظران توسعه، اصلاحات اقتصادی- نهادی در قالب قانون برنامه سوم را واجد بیشترین اثر بر شتاب رشد اقتصادی در این دوره می‌دانند.</p>	<p>بود؛ با این تفاوت که ملزومات رویکرد نهادی (تأثیر الزامات و اندیشه نهادی در توسعه) پذیرفته شد.</p>	<p>توسعه اقتصادی کشور ۲- فراهم ساختن الزامات تحقق توسعه پایدار</p>	<p>صادرات *به دلیل استراتژی ارتقای رقابت‌پذیری در برنامه</p>	<p>*توسعه سرمایه‌دارانه و صنعتی، پذیرش تأثیر اندیشه نهادی و اصلاحات ساختاری در توسعه</p>	
<p>۲- درآمد سرانه * درآمد سرانه در برنامه سوم (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) برابر ۴۹۹۸٫۷ هزار ریال است که بالاتر از دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۸) و برنامه‌های اول و دوم توسعه است (نمودار ۸: ۴۶).</p>	<p>*شتاب در بهبود شاخص‌های اقتصادی مانند رشد، تورم، بیکاری، درآمد سرانه اندازه دولت، درآمد سرانه، اهمیت یافتن شاخص‌های جمعیتی و رفاهی، آموزشی، فرهنگی و تداوم رشد شاخص‌های دسترسی</p>				
<p>۳- تورم *متوسط نرخ تورم در برنامه سوم، ۱۴٫۱ درصد است که نه تنها از میزان هدف‌گذاری شده در این برنامه [۱۵٫۹ درصد] پایین‌تر بود، بلکه پایین‌ترین نرخ تورم نسبت به سایر برنامه‌های توسعه و نیز دهه جنگ [۱۹٫۸ درصد] است (نمودار ۲۰: ۵۹).</p>					
<p>۴- بیکاری *متوسط نرخ بیکاری در برنامه سوم، ۱۲ درصد و مطلوب‌تر از هدف‌گذاری برنامه یعنی رساندن نرخ بیکاری به ۱۲٫۷ درصد است؛ برخلاف سایر برنامه‌های توسعه که عملکرد بیکاری همواره از میزان هدف‌گذاری شده در برنامه نامطلوب‌تر بوده است (جدول ۱۹: ۵۴).</p>					
<p>۵- اندازه دولت *میانگین شاخص اندازه دولت (بخش عمومی) در برنامه سوم توسعه، ۵۳ درصد و بالاتر از دهه جنگ و برنامه‌های اول و دوم است. روند افزایشی اندازه دولت پس از برنامه دوم تاکنون تداوم یافته است (جدول ۱۷: ۵۲).</p>					
<p>۶- ضریب جینی * متوسط شاخص ضریب جینی در طول برنامه سوم، ۰٫۴۰۶۳ است که افزایش اندکی را نسبت به برنامه اول و دوم نشان می‌دهد. ضریب جینی در برنامه‌های اول تا سوم، روندی</p>					

<p>افزایشی داشت. در بخش دوم این گزارش، تغییرات ضریب جینی ایران در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۸ ارائه شده است.</p>					
<p>۷- روندهای جمعیتی</p> <p>* کاهش نرخ رشد جمعیت: سیاست‌های جمعیتی در برنامه سوم نیز تداوم یافت و در ترکیب با سایر عوامل، به رسیدن نرخ رشد به ۱,۳ در سرشماری سال ۱۳۸۵ کمک کرد. در برنامه‌های چهارم و پنجم نیز نرخ رشد جمعیت روند کاهشی داشته است که در سرشماری سال ۱۳۹۵ (سال پایانی برنامه پنجم) به ۱,۲ درصد رسید.</p> <p>* افزایش تغییر نسبت شهر-روستا: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۳۵ بیانگر رشد شتابان شهرنشینی در سطح کشور است که بیش از هر چیز متأثر از جریان مداوم مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری، سیاست‌های اقتصادی-جمعیتی برنامه‌های توسعه و البته روند جهانی رشد شهرنشینی است. نسبت شهر-روستا در حالی که در شروع انقلاب برابر بود، برای نخستین بار در سال‌های پایانی برنامه سوم به ۶۵ درصد شهرنشینی و ۳۵ درصد روستائینشی رسید. این روند افزایشی در دوره‌ها و برنامه‌های بعدی همچنان تداوم داشته (نمودار ۳۰: ۸۰) و در سال ۱۳۹۵ به ۷۴ درصد شهرنشینی و ۲۶ درصد روستائینشی رسیده است.</p>					
<p>۸- تغییرات خانوار</p> <p>* افزایش خانوارهای تک‌نفره: افزایش خانوارهای تک‌نفره بخشی از یک‌روند جهانی از تغییرات نظام خانواده و الگوهای ازدواج-تجرد است و فعلاً درصد خانوارهای تک‌نفره ایران نسبت به سایر کشورهای جهان (به‌خصوص اروپای غربی، اسکاندیناوی و آمریکای شمالی) پایین است. آمار سرشماری‌ها نشان می‌دهد از سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ (برنامه سوم به بعد)، رشد خانوارهای تک‌نفره روندی تصاعدی یافته است (نمودار ۳۹: ۷۹).</p>					
<p>۹- امید به زندگی</p> <p>* همان‌طور که در نمودار روند امید به زندگی</p>					

<p>کشور طی ۶۰ سال گذشته نیز مشخص است امید به زندگی از سال ۱۳۳۴ با ۴۰٫۶ سال، به ۷۵٫۱ سال در سال ۱۳۹۴ رسیده است (نمودار ۴۲: ۸۲). ذکر این نکته لازم است که برای نخستین بار در برنامه سوم و به دلیل تداوم رویکردهای جمعیتی- بهداشتی برنامه‌های قبلی، شاخص امید به زندگی به ۷۱٫۱ سال رسید که حاکی از روندی تصاعدی نسبت به دهه‌های قبل بود.</p>					
<p>۱۰- آموزش</p> <p>* رشد افراد دارای تحصیلات عالی: بررسی اجمالی روند ۵۰ ساله جمعیت دارای تحصیلات عالی بیانگر افزایش روزافزون و شتابان آموزش عالی در سطح کشور دارد. چنانکه سهم افراد دارای تحصیلات عالی از ۲ درصد کل افراد باسواد ۶ ساله و بیشتر در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۲۱٫۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (نمودار ۴۸: ۸۸). داده‌های نمودار نشان می‌دهد تکانه اصلی در رشد تحصیلات عالی عمدتاً در سال‌های برنامه سوم به بعد، اتفاق افتاد و روند افزایشی آن تداوم دارد.</p>					
<p>۱۱- دسترسی به تسهیلات زندگی</p> <p>* روند روبه رشد دسترسی به تلفن ثابت: بر اساس آمار و اطلاعات سالنامه آماری کشور تلفن‌های ثابت در سطح کشور طی روندی قریب به ۵۰ سال، بیش از ۱۳۵ برابر افزایش یافته‌اند، درواقع تعداد تلفن‌های ثابت فعال کشور از حدود ۲۲۴ هزار تلفن در سال ۱۳۴۶ به ۳۰۲۶۲۱۵۷ تلفن فعال در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است (نمودار ۸۵: ۱۱۹). جهش اصلی در این افزایش سال‌های پایانی دهه ۷۰ و از برنامه سوم به بعد آغاز شده و در دهه اخیر در بین خانوارها همه‌گیر شده است.</p>					
<p>۱۲- ضریب خودکفایی محصولات اساسی</p> <p>* متوسط ضریب خودکفایی محصولات اساسی برنامه سوم ۸۱٫۵۸ است. این عدد از محاسبه میانگین ضریب خودکفایی ۱۰ محصول اساسی در ابتدا و انتهای این برنامه به دست آمده و نسبت به برنامه اول و دوم، افزایش نشان می‌دهد.</p>					

منبع: یافته‌های گزارش

۱-۲-۳-۴- برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

در قانون برنامه چهارم توسعه، رشد پایدار اقتصادی دانایی محور در تعامل با پویایی‌های اقتصاد جهانی و منطقه‌ای و در تطابق با حفظ محیط‌زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای؛ توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی؛ صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی ایرانی؛ تأمین مطمئن امنیت ملی و نوسازی دولت و اثربخشی حاکمیت؛ به‌عنوان ضرورت طراحی و اجرای این برنامه اعلام شد. شروع برنامه چهارم، هم‌زمان با تدوین و ابلاغ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بود. در جدول ۹، خلاصه‌ای از پارادایم غالب، استراتژی، اولویت‌ها، نظریه محوری و ارزیابی برخی شاخص‌های مهم برنامه چهارم توسعه به‌صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۹: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	اولویت‌ها	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها
برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	پارادایم توسعه	استراتژی توسعه صادرات	۱- رشد پایدار اقتصادی	مبنای نظری برنامه چهارم به‌مانند برنامه قبلی، رویکرد رشد و رویکرد نهادی بود؛ با این توضیح که در طراحی این برنامه بر مکتب نگرشی و ارزشی [پذیرش تفاوت‌های ارزشی-فرهنگی مناطق و اقشار در ایجاد توسعه متوازن] نیز تأکید شد.	۱- رشد اقتصادی
			۲- اصلاحات ساختاری عطف به چشم‌انداز و تأکید بر توازن منطقه‌ای	*عدم مطلوبیت شاخص‌های اقتصادی مانند رشد، تورم، بیکاری، درآمد سرانه اندازه دولت، درآمد سرانه، کاهش ضریب جینی، تداوم روند سالخوردگی جمعیت، افزایش زنان سرپرست خانوار و کاهش بودجه خانوار، تداوم شاخص‌های آموزشی و سوادآموزی، فرهنگی و رشد شاخص‌های دسترسی	۲- اصلاحات ساختاری عطف به چشم‌انداز و تأکید بر توازن منطقه‌ای
			* ضرورت تعیین موضع نسبت به شرایط ساختاری بین‌المللی و پاسخ به اهداف توسعه در کاهش فقر، نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای		
					۱- رشد اقتصادی
					۲- درآمد سرانه
					۳- تورم
					۴- بیکاری

<p>*متوسط نرخ بیکاری در برنامه چهارم، ۱۱،۱ درصد و بالاتر از هدف گذاری برنامه یعنی رساندن نرخ بیکاری به ۱۰،۱ درصد بود؛ که به استثنای برنامه اول، بالاترین نرخ بیکاری در تمام برنامه هاست.</p>				
<p>۵- اندازه دولت</p> <p>*میانگین شاخص اندازه دولت (بخش عمومی) در برنامه چهارم توسعه، ۷۰،۹ درصد و بالاتر از دهه جنگ و برنامه های قبلی است. روند افزایشی اندازه دولت پس از برنامه دوم تاکنون تداوم یافته است.</p>				
<p>۶- ضریب جینی</p> <p>* متوسط شاخص ضریب جینی در طول برنامه چهارم، ۰،۳۹۷۴ است که کاهش اندکی را نسبت به برنامه دوم و سوم نشان می دهد. ضریب جینی در برنامه های اول تا سوم، روندی افزایشی داشت.</p>				
<p>۷- روندهای جمعیتی</p> <p>* شکاف بزرگ جمعیت در مراکز استان های کشور: با نگاه به نرخ رشد کلان شهرهای کشور طی شش دهه گذشته، می توان دو برهه زمانی را در رشد جمعیت کلان شهرها طبقه بندی کرد. برهه نخست شامل سال های ۶۵-۱۳۵۵ است [سال های معطوف به انقلاب و دهه جنگ] که در این سال ها اغلب کلان شهرها نرخ رشد بسیار بالایی را تجربه کردند. برهه دوم در فاصله سال های ۹۵-۱۳۸۵ [سال های برنامه چهارم و پنجم] رخ داده است (نمودار ۲۸: ۶۸).</p> <p>* افزایش روند سالخوردگی جمعیت: روند سالخوردگی جمعیت (جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر) که از سرشماری سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، ۳،۲ درصد رشد داشته، از سال های انتهایی دهه ۶۰ و پس از اعمال سیاست های جمعیتی در برنامه اول افزایش بیشتری یافت. نمودار ۳۱: ۷۱ گزارش، نشان می دهد جمعیت ۱۸ سال و بالاتر از ۴۵ درصد در دهه جنگ، به ۶۵ درصد در ۱۳۸۵ [میان برنامه چهارم] رسید.</p>				
<p>۸- تغییرات خانوار</p>				

<p>*افزایش درصد خانوارهای زن سرپرست:</p> <p>بحث زنان سرپرست خانوار از مقوله‌های پرفرازونشیب این سال‌ها بوده و بارها از سوی نهادها و مؤسسه‌های گوناگون بر رفع آن تأکید شده است. دلایلی مانند، تغییر در الگوهای زندگی خانواده‌ها و افزایش تک زیستی زنان جوان، افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان و به تبع آن رشد زنان سرپرست خانوار در سن سالخوردگی، افزایش نرخ طلاق و غیره می‌دانند. مع‌الوصف، در تمام دهه‌های بعد از انقلاب تاکنون شاهد رشد خانوارهای زن سرپرست هستیم؛ به طوری که درصد این خانوارها از ۷,۳ درصد در دهه جنگ، به ۹,۵ درصد در سال‌های برنامه چهارم و ۱۲,۷ درصد در سرشماری سال [آپایان برنامه پنجم] رسید (نمودار ۳۸: ۷۹).</p> <p>*کاهش بودجه خانوار: داده‌های بانک مرکزی از روند بودجه خانوار در دوره (۱۳۹۵-۱۳۷۸) نشان می‌دهد، پس از برنامه سوم که بودجه خانوار در سطحی بالاتر از تولید ناخالص ملی قرار داشت (البته به استثنای سال ۱۳۸۲، نمودار ۴۰: ۸۱)، در طول سال‌های معطوف به برنامه‌های چهارم و پنجم شاهد کاهش بودجه خانوار در سطحی پایین‌تر از تولید ناخالص هستیم.</p>				
<p>۹- شاخص توسعه انسانی</p> <p>* این شاخص، دستیابی یک کشور را در سه بعد اساسی توسعه انسانی اندازه‌گیری می‌کند: زندگی طولانی توأم با سلامت که با معیار امید به زندگی در بدو تولد مشخص می‌شود. دانش که توسط نرخ سواد بزرگسالان (با وزن دوسوم) و نسبت ثبت‌نام ناخالص دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (با وزن یک‌سوم) محاسبه می‌شود. استاندارد شایسته زندگی که توسط تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه با معیار برابری قدرت خرید دلار آمریکا محاسبه می‌شود. همان‌طور که نمودار ۴۳: ۸۴ این گزارش نشان می‌دهد شاخص توسعه انسانی از سال‌های دهه جنگ و تمام برنامه‌های توسعه، روندی افزایشی را نشان می‌دهد؛ اما به‌طور مشخص در طول برنامه چهارم و پنجم این شاخص افزایش بیشتری داشته و از ۰,۶۱ در</p>				

<p>سال ۱۳۸۵ به ۰.۷۸ در سال ۱۳۹۵ ارتقاء یافته است.</p>				
<p>۱۰- سواد</p> <p>* کاهش جمعیت بی‌سواد مطلق: روند تعداد سوادآموزان کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۴ (برنامه دوم تا پنجم) نشان می‌دهد تعداد سوادآموزان کشور (جمعیت بی‌سواد مطلق)، به‌خصوص در نقاط روستایی از میانه دهه ۱۳۸۰ [در طول برنامه چهارم] به بعد، به نحو چشمگیری کاهش یافت و به عدد ۲۲۰ هزار در مناطق روستایی و ۲۶۰ هزار در مناطق شهری در پایان سال ۹۵ رسید (نمودار ۴۵: ۸۵).</p>				
<p>۱۱- آموزش</p> <p>* روند افزایشی تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی: در نمودار ۴۹: ۸۸، ضمن مقایسه تعداد دانشجویان کشور به تفکیک مقاطع تحصیلی در سال‌های ۹۵-۱۳۵۵ به تفکیک، روند جذب دانشجو در سه مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر ارائه شده است. داده‌ها نشان می‌دهد افزایش سریع دانشجویان ارشد و دکتری از سال ۱۳۸۵ به بعد، یعنی در سال‌های برنامه چهارم شروع شده و در برنامه پنجم تاکنون تداوم یافته است. افزایش دانشجویان مقطع دکتری عموماً با شرایط ساختاری اقتصاد، تقاضا در بازار کار و انتظار دریافت شغل با امتیازات بیشتر به‌خصوص در بدنه بوروکراسی کشور ارتباط دارد و عدم تعادلی که از تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری در ایران ایجاد شده، تعداد بیکاران در این جمعیت را در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴، چهار برابر کرده است.</p>				
<p>۱۱- روند روبه رشد انتشار کتاب</p> <p>بررسی روند تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۵ بر مبنای اطلاعات سالنامه‌های آماری کشور حاکی از روند پرشتاب، مداوم و افزایشی تعداد عناوین کتب چاپ‌شده به‌ویژه کتب تألیفی است که پس از برنامه چهارم و پنجم، شتاب بیشتری</p>				

گرفته است (نمودار ۵۰: ۹۰).				
<p>۱۲- دسترسی به تسهیلات زندگی</p> <p>* روند روبه رشد دسترسی به تلفن همراه: بر مبنای آمار سالنامه آماری کشور، تعداد خطوط تلفن همراه (مشغول به کار) طی روندی بسیار پرشتاب و صعودی، در واقع طی دو دهه مورد بحث سرانه خطوط مشغول به کار تلفن همراه در کشور از ۱ خط به ازای هر هزار نفر جمعیت به ۱۰۳۹ خط به ازای هر هزار نفر جمعیت افزایش یافته است. به‌ویژه از سال ۱۳۸۴ (شروع برنامه چهارم) دسترسی تلفن همراه از ۱۲۴ به ۱۰۲۳ در سال ۱۳۹۴ (سال پایانی برنامه پنجم) رسیده است.</p>				
<p>۱۳- ضریب خودکفایی محصولات اساسی</p> <p>* متوسط ضریب خودکفایی محصولات اساسی برنامه چهارم ۸۰٫۷۰ است. این عدد از محاسبه میانگین ضریب خودکفایی ۱۰ محصول اساسی در ابتدا و انتهای این برنامه به دست آمده و نسبت به برنامه سوم، کاهش نشان می‌دهد.</p>				

منبع: یافته‌های گزارش

۱-۲-۳-۵- برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

هدف‌گذاری برنامه پنجم توسعه بر پیشرفت عدالت‌محور در مسیر ترویج شیوه زندگی اسلامی، گسترش عدالت همه‌جانبه و پاسداشت کرامت انسانی، تقویت هویت اسلامی- ایرانی، ایجاد جامعه‌ای خودباور با محوریت نهاد خانواده، توسعه دانش و فناوری با تأکید بر فناوری اطلاعات، رشد اقتصادی پایدار و عدالت‌محور، ارتقای بهره‌وری، اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تحکیم امنیت ملی و توسعه روابط خارجی و آمایش سرزمین و توسعه و توازن منطقه‌ای مبتنی بود. جدای از چالش‌های تأثیرگذار در طراحی برنامه پنجم و دیدگاه‌های انتقادی در زمینه نسبت بین اهداف این برنامه و شاخص‌های کمی مهم، سال‌های اجرای برنامه پنجم با تحریم‌های گسترده هسته‌ای همراه بود که بر عملکرد بسیاری از شاخص‌های توسعه تأثیرگذار بود. در جدول ۱۰، خلاصه‌ای از پارادایم غالب، استراتژی، اولویت‌ها، نظریه‌محوری و ارزیابی برخی شاخص‌های مهم برنامه پنجم توسعه به‌صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۱۰: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌ای و شاخص‌های توسعه در برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	اولویت‌ها	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها
برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)	پارادایم توسعه	استراتژی توسعه صادرات	۱- رشد اقتصادی پایدار ۲- تأکید بر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ ۳- تحکیم امنیت ملی ۴- آمایش سرزمین و توسعه منطقه‌ای	مبنای نظری برنامه پنجم تفاوت چندانی با برنامه چهارم ندارد و به‌مانند برنامه قبلی، رویکرد رشد و رویکرد نهادی و مکتب‌نگرشی و ارزشی، بنیان‌های نظری برنامه را تشکیل می‌دهند.	۱- رشد اقتصادی * متوسط رشد اقتصادی در برنامه پنجم، ۰٫۴- بود. از این نظر سال‌های برنامه پنجم تنها دوره‌ای در کشور بوده (به‌استثنای دهه جنگ) است که رشد اقتصادی منفی به ثبت رسید. رکورد رشد منفی اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، یعنی سال‌های تشدید تحریم‌ها بود (نمودار ۱: ۳۷).
	* ضرورت تعیین موضع نسبت به شرایط ساختاری بین‌المللی و پاسخ به اهداف توسعه در کاهش فقر، نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای	* به دلیل ابتناء بر چشم‌انداز		* عدم مطلوبیت شاخص‌های اقتصادی مانند رشد، تورم، بیکاری، درآمد سرانه اندازه دولت، درآمد سرانه، کاهش ضریب جینی، تداوم روند سالخوردگی جمعیت، افزایش درصد افراد زیر خط فقر، رشد شاخص‌های علمی و فناوری، ارتقای شاخص گردشگری خارجی و شاخص‌های دسترسی	۲- تورم * متوسط نرخ تورم در برنامه پنجم، ۲۱٫۱ درصد است که از میزان هدف‌گذاری شده در این برنامه [۱۴٫۴ درصد] بالاتر بود؛ و بعد از برنامه دوم بالاترین متوسط تورم در برنامه‌های توسعه کشور است.
					۳- بیکاری * متوسط نرخ بیکاری در برنامه پنجم، ۱۱٫۳ درصد و بالاتر از هدف‌گذاری برنامه یعنی رساندن نرخ بیکاری به ۷ درصد بود؛ نرخ بیکاری بالای ۱۰ درصد مشخصه همه سال‌های سه دهه اخیر [دوره‌های معطوف به برنامه توسعه] بوده است.
					۴- اندازه دولت * میانگین شاخص اندازه دولت (بخش عمومی) در برنامه پنجم توسعه، ۷۲٫۸۶ درصد و بالاتر از دهه جنگ و برنامه‌های قبلی است. روند افزایشی اندازه دولت پس از برنامه دوم تاکنون تداوم یافته است.
					۶- ضریب جینی * متوسط شاخص ضریب جینی در طول برنامه پنجم، ۰٫۳۹۰۳ است که کاهش اندکی را نسبت به برنامه چهارم نشان می‌دهد. ضریب جینی در برنامه‌های اول تا سوم، روندی افزایشی داشت و در برنامه‌های چهارم و پنجم اندکی کاهش یافت (نمودار ۳۶: ۷۷).
					۷- روندهای جمعیتی * تداوم روند سالخوردگی جمعیت: روند سالخوردگی جمعیت (جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر) که از سرشماری سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، ۳٫۲ درصد رشد داشته، از سال‌های انتهای دهه ۶۰ و پس از اعمال سیاست‌های جمعیتی در برنامه اول افزایش بیشتری یافت. نمودار ۳۱: ۷۱، نشان

<p>می‌دهد جمعیت ۱۸ سال و بالاتر از ۴۵ درصد در دهه جنگ، به ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۵ و انتهای برنامه پنجم رسید. خوشبختانه هنوز بخش مهمی از این جمعیت ۷۱ درصدی زیر ۶۰ سال هستند؛ اما کارشناسان جمعیتی، روند افزایشی جمعیت سالمند را در پایان افق چشم‌انداز و با نرخ فعلی رشد جمعیت پیش‌بینی می‌کنند.</p>				
<p>۸- خط فقر</p> <p>※افزایش درصد افراد زیر خط فقر: خط فقر یا آستانه فقر، حداقل درآمدی است که برای زندگی در یک کشور خاص در نظر گرفته می‌شود. در سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و سال‌های آغازین دهه ۱۳۹۰ [طول برنامه‌های چهارم و پنجم] که اشتغال کشور تقریباً ثابت و نسبت جمعیت به افراد شاغل رو به افزایش بود، قدرت خرید خانوارهای ایرانی نیز در یک روند نزولی قرار گرفت (نمودار ۳۵: ۷۶).</p>				
<p>۹-افزایش سرانه کتابخانه‌های عمومی</p> <p>※بررسی سرانه کتابخانه‌های عمومی طی دوره ۱۳۹۴- ۱۳۶۵ نشان‌گر افزایش سرانه کتابخانه‌های عمومی (نمودار ۵۱: ۹۳) است که به‌خصوص در سال‌های میانه دهه ۸۰ (هم‌زمان با برنامه‌های چهارم و پنجم) از سرانه ۲،۴ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به ۴،۴ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت رسیده است. این کمیت هرچند نمایانگر تلاش‌های قابل تحسین، به‌خصوص در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی است؛ اما لزوماً به توسعه فرهنگی ترجمه نمی‌شود و توسعه فرهنگی بیش از همه مترادف با ایجاد آگاهی و تغییر در نظام فکری افراد است.</p>				
<p>۱۰-گردشگری</p> <p>※افزایش گردشگران خارجی: نگاهی به روند ورود گردشگران خارجی به کشور طی بیش از ۶۰ سال گذشته بیانگر روند بسیار رو به رشد کشور در سال‌های اخیر [دهه ۹۰ به بعد و در طول سال‌های برنامه پنجم و ابتدای برنامه ششم]، در جذب گردشگران خارجی به کشور است. روند ورود گردشگران خارجی به کشور از سال ۱۳۸۸ پرشتاب بوده که امید می‌رود با ادامه همین وضعیت ایران به سهم قابل‌توجهی از صنعت گردشگری در سطح جهانی دست یابد (نمودار ۵۳: ۹۵).</p>				
<p>۱۱-علم و فناوری</p> <p>※افزایش روند تولید علم در کشور: به‌طور محسوس رتبه ایران در برخی از مهم‌ترین شاخص‌های علمی به‌خصوص در دوره دهساله اخیر [هم‌زمان با تدوین</p>				

<p>چشم‌انداز و از برنامه‌های چهارم و پنجم به بعد ارتقا یافته است. روند تولید علم در یک کشور بیشتر با تعداد مقالات علمی معتبر بین‌المللی منتشر شده در نشریات بین‌المللی سنجیده می‌شود. چنین مسیری در سال‌های ۲۰۱۰، روندی که از دهه ۱۹۸۰ شروع شده، به بعد در کشور دیده می‌شود (بخش شاخص‌های علمی: ۱۰۴).</p> <p>*بهبود شاخص توسعه فاوا: گزارش ۲۰۱۶ اتحادیه بین‌المللی مخابرات سازمان ملل، جزئیات شاخص توسعه فاوا (IDI) در ایران و سایر کشورهای دنیا را در دوره ۱۴ ساله ۲۰۱۵-۲۰۰۲، نشان می‌دهد به‌طور محسوس از دوره زمانی ۲۰۰۵ به بعد، یعنی سال ۱۳۸۴ به بعد شاخص توسعه فاوا در ایران نسبت به کشور رقیب ارتقا یافته است. به‌خصوص در سال ۲۰۱۵، رتبه ایران در این شاخص به ۴،۹۹ رسید که اکثر متخصصان سیاست‌های معطوف به جامعه ارتباطی [اعمال شده در دولت یازدهم و هدف‌گذاری شده در چشم‌انداز و برنامه پنجم] را در این امر مؤثر می‌دانند.</p>			
<p>۱۲-دسترسی به تسهیلات زندگی</p> <p>* گسترش شبکه راه‌های کشور: ۶ برابر شدن طول شبکه راه‌های کشور در دوره پس از انقلاب اسلامی، یکی از شاخص‌های اساسی توسعه زیرساخت‌ها در کشور است. نمودار ۹۰: ۱۲۳ نشان می‌دهد طول شبکه راه‌های کشور در تمام دوره بعد از انقلاب اسلامی و سال‌های مختلف برنامه‌های توسعه، افزایش یافته و از ۴۶۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۵۷ به ۲۱۰۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۹۲ (میان‌برنامه پنجم) رسید و در افق ۱۴۰۰، افزایش شبکه راه‌ها تا ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر پیش‌بینی شده است.</p>			
<p>۱۳-ضریب خودکفایی محصولات اساسی</p> <p>* متوسط ضریب خودکفایی محصولات اساسی در دولت یازدهم ۷۹ درصد اعلام شده که این عدد حکایت از کاهش ضریب خودکفایی نسبت به برنامه‌های قبلی دارد. داده‌های ضریب خودکفایی در برنامه‌های اول تا پنجم و روند تغییرات آن به تفکیک، در جدول ۲۹: ۱۲۱ گزارش ارائه شده است.</p>			

منبع: یافته‌های گزارش

۱-۲-۳-۶- برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

برنامه ششم باهدف کلی رشد تولید رقابتی مبتنی بر دانش و بهره‌وری در چارچوب اقتصاد مقاومتی و فرهنگ اسلامی-ایرانی و تعامل سازنده با جهان و در راستای ثبات اقتصاد کلان از طریق اصلاح نظام مالی و بیمه‌ای،

اصلاح نظام ارزی و تجاری و تعامل دولت و نهاد بازار؛ تقویت قابلیت‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی از طریق ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، پایداری محیط‌زیست؛ ارتقای حکمرانی و تدبیر شایسته از طریق کارآمدسازی نظام حاکمیتی کشور؛ ایجاد شفافیت و جلوگیری از فساد و برابری فرصت‌ها، حاکمیت قانون و نظارت جامع فراگیر؛ تقویت برونگرایی و تعامل با اقتصاد جهانی به منظور بهبود فضای کسب‌وکار و توانمندسازی بخش خصوصی طراحی شده و هم‌اکنون در پایان سال اول از اجرای آن قرار داریم و امکان ارزیابی اهداف و شاخص‌های کمی برنامه وجود ندارد. مع‌الوصف، برنامه ششم با رویکرد کاهش آسیب‌های برنامه‌های قبلی طراحی شد که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد. در جدول ۱۱، خلاصه‌ای از پارادایم غالب، استراتژی، اولویت‌ها، نظریه‌محوری آن به صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۱۱: خلاصه‌ای از روندهای برنامه‌های و شاخص‌های توسعه در برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

برنامه	پارادایم غالب	استراتژی	اولویت‌ها	نظریه محوری	ارزیابی برخی شاخص‌ها
برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)	پارادایم توسعه و پساتوسعه	استراتژی توسعه صادرات	۱- رشد اقتصادی مداوم ۲- تحکیم امنیت ملی و قدرت دفاعی ۳- سیاست خارجی توسعه‌گرا و دیپلماسی اقتصادی ۴- توسعه فناوری و گذار به اقتصاد معرفتی ۵- اصلاح اداری-قضایی	به‌مانند برنامه‌های قبلی، رویکرد رشد و رویکرد نهادی، نظریه غالب در برنامه را تشکیل می‌دهند. اما توسعه متکثر و همه‌جانبه و مشارکتی را می‌توان به‌مثابه سایر بنیان‌های نظری این برنامه در نظر گرفت.	* از بابت هدف‌گذاری، پارادایم، اولویت‌ها و چارچوب نظری انسجام بیشتری در برنامه ششم نسبت به سایر برنامه‌ها دیده می‌شود و در طراحی آن سعی شده نگاه آمایش، داشتن سناریوهای آینده‌نگرانه، تعریف روشن از توسعه و نگاه نظارتی به بودجه، در نظر گرفته شود. * از بابت اجرا در سال اول برنامه بهبود در شاخص‌های اقتصادی، علم-فناوری... به ثبت رسیده، اما امکان احصاء میانگین شاخص‌ها و ارزیابی آن‌ها در شرایطی که چهار سال از اجرای برنامه باقی مانده، وجود ندارد.

منبع: یافته‌های گزارش

۱-۳- مقایسه برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی

۱-۳-۱- واگرایی در گفتمان‌ها

رواج تحلیل گفتمان به کارهای فوکو (۱۹۷۰)، فیلسوف پسا ساختارگرای فرانسوی برمی‌گردد و پس از وی، لاکلاو و موفه در کتاب *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی* (۱۹۸۵)، چارچوب‌های تحلیل گفتمان را نهادینه کردند. تا آنجاکه به مطالعات توسعه برمی‌گردد، تحلیل گفتمان‌های زیادی بر روی برنامه‌های توسعه و دولت‌های پسا جنگ تحمیلی انجام شده است (جمشیدی‌ها و نوذری، ۱۳۹۳؛ سلطانی، ۱۳۸۴). تحلیل گفتمان، روشی بسیار مفصل و مبتنی بر چارچوب متنی است و در این بخش از گزارش صرفاً درصددیم با

رجوع به اهداف و اولویت‌های مندرج در برنامه‌های توسعه، دال مرکزی و نشانه‌های اصلی پیوندیافته با آنها را مفصل‌بندی کنیم.

جدول ۱۲، تحولات توسعه پس از انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. شکی نیست که تعارض بر سر معنای توسعه، یکی از پیشران‌های اصلی بروز انقلاب اسلامی است. حتی آنچه در چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران در خصوص توسعه جلب توجه می‌کند، رقابت گفتمان‌های مختلف درباره معنا و مفهوم توسعه است. تصور گفتمان‌های غالب برنامه‌ها، مبین این موضوع است که گفتمان‌های توسعه پساجنگ که با طرد مؤلفه‌ها و مفاهیم دهه اول انقلاب شروع شدند، با شکل‌گیری مجدد توسعه در اواسط دهه شصت به غیریت‌سازی از عناصر رقیب که توسعه را اندیشه‌ای غیرضروری در جامعه‌ای انقلابی می‌دانستند؛ پرداختند.

به‌طور خلاصه طی سه دهه پس از جنگ، چهار گفتمان هژمون در توسعه شکل گرفته است. ابتدا گفتمان غالب رشد اقتصادی با مفصل‌بندی عناصری از نظریه نولیبرالیسم حول رشد اقتصادی در گذار از دهه اول انقلاب شکل گرفت. سپس با ساختارشکنی از گفتمان رشد و درنهایت با برجسته‌سازی دال بر رقیب آن، یعنی آزادی سیاسی، گفتمان رشد لیبرال به حاشیه رانده شد. گفتمان توسعه سیاسی هرگونه معنابخشی به توسعه که سازوکارهای آزادی سیاسی و جامعه مدنی را نادیده گیرد، بیهوده تلقی می‌کرد. توزیع منابع، دال مرکزی گفتمان دیگری با عنوان توزیع نولیبرال است که یک‌بار دیگر در اواسط دهه هشتاد، توسعه را در عرصه اقتصادی معنا کرد؛ اما این بار حول توزیع منابع و نه رشد اقتصادی. وارداتی بودن مفهوم توسعه و انحصار منابع در گفتمان‌های دیگر، دو گزاره‌ای بود که گفتمان توزیع نولیبرال برای غیریت‌سازی با دو گفتمان قبلی به کار برد. این گفتمان، تعارض با گفتمان‌های دیگر را در حد دوست/ دشمنی وسعت داد. سرانجام اینک، توسعه اعتدالی، به‌مثابه نگره غالب در برنامه ششم خصلت تعارض‌آمیز کمتری با سایر گفتمان‌ها دارد که بعضاً آن را به شبه گفتمان تبدیل می‌کند. همچنین عناصر مفصل‌بندی شده به دال مرکزی آن یعنی اعتدال سیاسی، قوام کمتری دارند و به نظر می‌رسد مفاهیم عاریه‌ای زیادی از گفتمان توسعه سیاسی در خود دارد و عناصر مرکزی و شناور آن چندان در غیریت‌سازی با گفتمان‌های قبلی تعریف نشده‌اند. با این حال، خصلت اصلی آن، ضرورت نوعی اتفاق نظر پیرامون اقتصاد دانش‌بنیان جهانی، سیاست متعامل و همگرا، دولت توسعه‌گرا و غیره است.

جدول ۱۲: گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی

گفتمان	دال مرکزی	عناصر مفصل‌بندی شده	برنامه، دولت
گفتمان رشد	رشد اقتصادی	ایجاد زیرساخت‌ها، توسعه کالبدی، توسعه صنعتی، بازسازی جنگ، اصلاحات اقتصادی، تکنوکراسی	برنامه‌های اول و دوم دولت‌های پنجم، ششم و هفتم
گفتمان سیاسی توسعه	آزادی‌های سیاسی	اصلاحات نهادی-سیاسی، دموکراسی، مشارکت مدنی، قانون‌گرایی	برنامه سوم دولت‌های هفتم و هشتم
گفتمان توزیع نولیبرال	توزیع منابع	امنیت توسعه‌گرا، پیشرفت علم-فناوری، بازمهندسی فرهنگی، تأکید بر اشتغال	برنامه چهارم

دولت‌های نهم و دهم			
برنامه پنجم و ششم دولت‌های یازدهم و دوازدهم	توسعه دانش‌بنیان، امنیت توسعه‌گرا، پیشرفت علم-فناوری، عقلانیت فرهنگی، همگرایی سیاسی، اقتصاد تعاملی جهانی	اعتدال سیاسی- نهادی	شبه‌گفتمان توسعه اعتدالی

۱-۳-۲- چندگانگی در اهداف، نظریه‌ها، استراتژی‌ها و عملکرد شاخص‌ها

۱-۳-۲-۱- اهداف

در حالی که هدف اصلی در طراحی برنامه اول در دهه جنگ تحمیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۲ اداره کشور در شرایط جنگی از طریق تخصیص بهینه منابع درآمدی برای رفع نیازهای اساسی تعریف شده بود؛ در دهه‌های بعد از جنگ تحمیلی شاهد تنوع در اهداف برحسب شرایط هر دوره، گفتمان‌های غالب دولت‌ها و ضرورت‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی توسعه بوده‌ایم. آن چنانکه هدف اصلی در برنامه اول، سازمان‌دهی توسعه و بازسازی اقتصادی کشور در پایان جنگ، تکامل مادی و معنوی جامعه و خودکفایی بود؛ در برنامه دوم با شکل‌گیری اندیشه و سیاست‌های تعدیل ساختاری در ابتدای دهه ۱۳۷۰، تثبیت اقتصادی و ساماندهی بازارهای مختلف و نقش دولت برای رفع نوسانات فعالیت‌های بازاری محوریت یافت. این در حالی است که در برنامه سوم اصلاح ساختار اقتصادی هم‌راستا با توسعه اقتصاد رقابتی و باهدف کاهش تصدی‌گری دولت و توجه به ضرورت خصوصی‌سازی محوریت یافت. برنامه سوم به‌نوعی تداوم اهداف برنامه قبلی را در دستور قرار داد با این تفاوت که دیدگاه نهادی در الگوی توسعه برنامه سوم پذیرفته شد. برنامه چهارم با اهدافی چون توسعه مبتنی بر دانایی، سرمایه اجتماعی، رشد سریع اقتصادی، ابتناء بر چشم‌انداز، تقویت خصوصی‌سازی و جهانی‌شدن، تعریف شد و تقویت سرمایه اجتماعی برنامه‌ریزی پایین-بالا و در نظر گرفتن تفاوت‌های ارزشی، نگرشی و منطقه‌ای در توسعه، مبین اهمیت اهداف اجتماعی-فرهنگی در طراحی برنامه چهارم بود. در برنامه پنجم، واگرایی بیشتری در اهداف نسبت به سایر برنامه‌های قبل دیده می‌شود و عدالت‌محوری در توزیع منابع و نه رشد اقتصادی، به همراه استقرار الگوی توسعه اسلامی، ایرانی و اصلاح نظام اداری محوریت یافت.

به طور خلاصه، در حالی که اهداف اقتصادی و بازساخت و گذار از شرایط جنگی و سپس سیاست‌های تعدیل ساختاری، در برنامه‌های اول و دوم محوریت داشت، اهداف توسعه سیاسی و اصلاحات نهادی مشخصه برنامه سوم و رشد توأم با توزیع منابع، پیشرفت عدالت‌محور و درنهایت، توسعه متکثر و متعامل، مشخصه برنامه‌های بعد از چشم‌انداز (چهارم، پنجم و ششم) است.

۱-۳-۲-۱- اولویت‌ها

در جداول ۶ تا ۱۱، اولویت‌های برنامه‌های اول تا ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ارائه شده است. می‌توان اولویت‌های اصلی برنامه‌های توسعه کشور را به‌صورت زیر مقوله‌بندی کرد:

- ترمیم زیرساخت‌ها و توسعه سریع برای جبران عقب‌ماندگی‌ها در برنامه اول؛
- سیاست‌های تعدیل ساختاری در برنامه دوم؛

- رشد اقتصادی در تمام برنامه‌ها؛
- شناخت چالش‌های توسعه و تأکید بر اندیشه نهادی و توازن سیاسی در برنامه سوم؛
- توزیع منابع، پیشرفت عدالت‌محور، رفع تنگناها در میان مناطق و اقشار در برنامه‌های چهارم و پنجم؛
- اقتصاد دانش‌بنیان، اعتدال و سیاست توسعه‌گرا در برنامه ششم.

۱-۳-۲-۳- پارادایم‌ها

مقایسه و طبقه‌بندی برنامه‌های توسعه بر مبنای پارادایم، کوششی در جهت شناخت بهتر اهداف و اولویت‌ها در طراحی و اجرای هر برنامه است. تطور پارادایمی توسعه به مثابه مبنایی برای ترسیم خط سیرهای تاریخی و تجربی این مفهوم، هم‌زمان با آغاز شکل‌گیری فرایند توسعه بعد از جنگ جهانی دوم است. تجربه توسعه در سطح جهانی حکایت از غلبه سه پارادایم توسعه، ضد توسعه و پساتوسعه در جغرافیای سیاسی-اقتصادی جهان پساجنگ جهانی است. در حالی که پارادایم توسعه از ابتدای شکل‌گیری این مفهوم در دهه ۱۹۵۰ بر اصول سرمایه‌داری و صنعتی تأکید کرده و بر رفع دوگانگی‌های جوامع، مناطق و تحرک اجتماعی و اقتصادی اصرار داشته و پارادایم ضد توسعه متأثر از فضای انقلابی جهان سوم و غلبه رویکرد وابستگی در دهه ۱۹۷۰، بر تناقضات صنعتی شدن و تأثیر آن بر توسعه‌نیافتگی جهان سوم تأکید دارد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ با ورود کشورها به جامعه فراسنتی و انقلاب ارتباطات و نیز طرح اندیشه‌های پسا ساختارگرا در توسعه، پارادایم پساتوسعه مطرح شده است که با دو پارادایم پیش‌گفته تفاوت محوری دارد. در اینجا، مفهوم توسعه نه واقعیتی بیرونی و پیشینی، بلکه به‌سان یک ابداع، سیاست و چارچوب وابسته به گفتمان بر بستر مفاهیم و موضوعاتی چون پایداری، بازاندیشی، فرهنگ و انسان‌گرایی روییده است.

ذکر این نکته لازم است که پارادایم غالب تمام برنامه‌های شش‌گانه توسعه و نیز دوره جنگ، پارادایم توسعه است و در برنامه ششم به دلیل مطرح‌شدن اندیشه توسعه متکثر و مبتنی بر بازاندیشی، عناصری از پارادایم پساتوسعه نیز دیده می‌شود. به‌واقع، تمام برنامه‌های توسعه در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی با توجه به ضرورت رشد، رفع عقب‌ماندگی‌ها، غلبه بر عدم تعادل‌ها و در تناسب با ضرورت‌های فضای بین‌المللی تدوین شده است. به لحاظ پارادایمی می‌توان برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب را به شکل زیر مقوله‌بندی کرد:

۱. دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹): ضرورت توسعه «نظام اقتصاد ملی» و تخصیص بهینه منابع درآمدی برای رفع نیازهای اساسی.
۲. برنامه اول: ضرورت جبران عقب‌ماندگی‌ها و بازساخت اقتصادی، غلبه بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای.
۳. برنامه دوم: توسعه سرمایه‌دارانه، سیاست‌های تعدیل ساختاری، بنیان گرفتن الگوی «نتولیبرال» در کشور.

۴. برنامه سوم: توسعه سرمایه‌دارانه و صنعتی، پذیرش تأثیر اندیشه نهادی و اصلاحات ساختاری در توسعه.

۵. برنامه‌های چهارم و پنجم: ضرورت تعیین موضع نسبت به شرایط ساختاری بین‌المللی و پاسخ به اهداف توسعه در کاهش فقر، نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای.

۶. برنامه ششم: بهبود کسب‌وکار، توسعه فناوری و گذار به اقتصاد معرفتی؛ در نظر گرفتن توسعه به‌مثابه یک گفتمان قابل مذاکره میان نخبگان داخلی؛ اعتدال درون‌نخبگی و سیاست خارجی توسعه‌گرا.

۱-۳-۲-۴- استراتژی‌ها

به استثنای دوره جنگ و برنامه اول توسعه به دلایلی چون ضرورت حمایت از تولید داخلی، اندیشه‌های مبتنی بر خودکفایی و بازسازی زیرساخت‌ها و غیره، اولویت با استراتژی جایگزینی واردات بود؛ در برنامه‌های دوم تا ششم، به‌خصوص از برنامه چهارم (پس از تدوین سند چشم‌انداز) اولویت‌های توسعه با استراتژی توسعه صادرات بوده است. به لحاظ استراتژی می‌توان برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب را طبقه‌بندی کرد:

- دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و برنامه اول: استراتژی جایگزینی واردات.
- برنامه دوم (به دلیل سیاست‌های تعدیل ساختاری)، سوم (به دلیل رویکرد رقابت‌پذیری) و برنامه‌های چهارم تا ششم (به دلیل ابتناء بر چشم‌انداز): استراتژی توسعه صادرات.

۱-۳-۲-۵- نظریه‌ها

برنامه‌های توسعه بعد از جنگ به لحاظ نظری، تنوع و بعضاً واگرایی بیشتری دارند که بخشی از آن مربوط به روندهای تاریخی و جهانی توسعه و بخشی دیگر، برآیندی از تعارض گفتمانی در میان نخبگان است. رویکرد نیازهای اساسی و رویکرد رشد اقتصادی به‌مثابه نظریه‌های غالب در برنامه‌های اول و دوم توسعه، از ضرورت مداخله‌گری فعال دولت در توسعه اقتصادی برای رفع عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌های کشور، برای پاسخ به اهداف توسعه در کاهش فقر، نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای برآمد. اقتضات ساختی و ضرورت اصلاحات ساختاری-نهادی، مکتب هنجاری-نهادی را به نظریه غالب برنامه سوم تبدیل کرد. در برنامه چهارم به‌مثابه نخستین برنامه معطوف به چشم‌انداز، مکتب نگرشی-ارزشی و در نظر گرفتن تمایزهای مناطق و اقشار مردم؛ به یک کانون نظری دیگر در این برنامه در کنار سایر نظریه‌ها تبدیل شد. برنامه‌های پنجم و ششم نیز ضرورت تعیین موضع نسبت به شرایط ساختاری بین‌المللی و پاسخ به اهداف توسعه در کاهش فقر، نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای در کشور را مبنا قرار داده‌اند؛ به‌خصوص برنامه ششم بر توسعه متکثر و همه‌جانبه (با تأکید بر اشتغال، کاهش فقر و غلبه بر چالش‌های منطقه‌ای) تأکید دارد. می‌توان نظریه‌های غالب در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب را به شکل زیر طبقه‌بندی کرد:

- دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹): نیازهای اساسی.
- برنامه اول: رویکرد نظری غالب در برنامه اول مانند دهه جنگ، رویکرد نیازهای اساسی بود.

- برنامه دوم: رویکرد نظری غالب در برنامه دوم، رویکرد رشد بود که دیدگاه متمایز این برنامه را با دهه جنگ و برنامه اول توسعه نشان می‌دهد.
- برنامه سوم: به‌مانند برنامه دوم توسعه رویکرد نظری غالب در برنامه سوم، رویکرد رشد بود؛ با این تفاوت که ملزومات رویکرد نهادی (تأثیر الزامات و اندیشه نهادی در توسعه) پذیرفته شد.
- برنامه چهارم و پنجم: مبنای نظری برنامه‌های چهارم و پنجم به‌مانند برنامه قبلی، رویکرد رشد و رویکرد نهادی بود؛ با این توضیح که در طراحی این برنامه‌ها بر مکتب‌نگرشی و ارزشی (پذیرش تفاوت‌های ارزشی-فرهنگی مناطق و اقشار در ایجاد توسعه متوازن) نیز تأکید شد.
- برنامه ششم: رویکرد رشد و رویکرد نهادی نظریه غالب در برنامه را تشکیل می‌دهند، اما توسعه متکثر و همه‌جانبه و مشارکتی را نیز می‌توان به‌مثابه سایر بنیان‌های نظری این برنامه در نظر گرفت.

۱-۳-۲-۶- شاخص‌ها

مقایسه برنامه‌های توسعه بر مبنای شاخص‌ها، ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت برنامه‌ها در نیل به اهداف و در تناسب با نظریه‌ها، در اختیار ما قرار می‌دهد. در جداول ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ در این بخش از گزارش، ارقام برخی از شاخص‌ها به تفکیک دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و برنامه‌های اول تا پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۶۸) ارائه و ارزیابی شده است. آن چنانکه داده‌های این جداول نشان می‌دهد ارتقای قابل توجه در شاخص‌های دسترسی، زیرساختی و رشد علمی-تکنولوژیک در کشور محرز است؛ اما در بسیاری از موارد تحولات و افت‌وخیز شاخص‌های اقتصادی، درآمد سرانه، بیکاری، تورم، اندازه دولت، ضریب جینی، خط فقر و غیره با هدف‌گذاری برنامه‌ها تناسب چندانی ندارند. در بخش دوم این گزارش به دلایل تأثیرگذار بر روند تحول شاخص‌های توسعه در کشور^۱ پرداخته شده است.

۱. آشکار است که علاوه بر اثرات برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری برنامه‌ای بر شاخص‌ها، اثر متغیرهای بیرونی-جهانی و برنامه‌ریزی نشده مانند تحریم‌ها، رکود جهانی، جنگ، مهاجرت، ارتباطات، تکنولوژی و غیره بر تغییرات شاخص‌ها محرز است که خود موضوع تحقیقات مستقل دیگر است. مع‌الوصف، زاویه دید ما در این متن، توجه به این واقعیت است که به‌رغم اثرات بیرونی-جهانی، تدوین استراتژی مسنجم توسعه، ضرورت اصلی بهبود روند شاخص‌ها و همگرایی آن‌ها است.

**فصل ۲: طبقه‌بندی و بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه در ایران بعد از
انقلاب اسلامی**

مقدمه

به دلیل اهمیت تبیین تجربه توسعه در ایران در انطباق و افتراق با شاخص‌ها، در بخش دوم این گزارش به‌طور مفصل و طبقه‌بندی شده، به شاخص‌های مهم توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علم-فناوری، زیرساختی، ترکیبی-جهانی و غیره می‌پردازیم تا بر تجربه توسعه در چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی (البته در مقایسه با سایر کشورها و در تطبیق با اهداف برنامه‌ها و چشم‌انداز ۱۴۰۴) تحلیل دقیق‌تری داشته باشیم. ذکر این نکته ضروری است که ارقام یک شاخص، معرف کیفیت توسعه برای افراد کشور نیست و میانگین‌های معرف یک شاخص نمی‌تواند نابرابری‌های توسعه در یک کشور را به‌دقت توضیح دهند. اما تجربه نشان داده، چنانچه شاخص‌ها به‌دقت سنجیده شوند و داده‌های آن‌ها به سیاق تطبیقی با یکدیگر پیوند یافته و تبیین گردند؛ به سهم خود می‌توانند تجربه توسعه و دورنگاه آن را در یک کشور توضیح دهند و کمیت‌های قابل اتکایی در پایش و نظارت بر اسناد توسعه در کشور-مانند برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز-باشند.

این مهم، به‌ویژه از سال ۱۳۸۴ و با توجه به طراحی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نیز سال‌های پس از برنامه چهارم، ضرورتی ویژه یافت؛ تا جایی که به تدوین شاخص‌های ارزیابی و پایش سند چشم‌انداز (۱۳۸۹) و توسعه؛ شاخص‌ها و نماگرها (۱۳۸۸) توسط کمیسیون‌های تخصصی مجمع تشخیص مصلحت نظام انجامید. در جدول ۱۳، برخی از شاخص‌های دو مأخذ بالا در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علم-فناوری طبقه‌بندی شده است. در بخش دوم این گزارش، به روند کمی و کیفی تعدادی از این شاخص‌ها با تأکید بر بازه زمانی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی رجوع می‌کنیم. البته نمودار زمانی بررسی برخی از شاخص‌ها (از جمله رشد اقتصادی، جمعیت، تورم، ضریب جینی و غیره) دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ را نیز دربر می‌گیرد که هدف از آن مطالعه روند شاخص‌ها در سال‌ها و دهه‌های معطوف به انقلاب اسلامی است. همچنین به دلیل اینکه داده‌های شاخص‌های جهانی، ترکیبی و علم-فناوری جدیدتر بوده و توسط مؤسسات توسعه جهانی بیشتر از دهه ۲۰۰۰ به بعد محاسبه شده است؛ این شاخص‌ها را در مقطع زمانی بالا، روند پژوهی می‌کنیم تا دریابیم تا چه میزان موقعیت ایران در این شاخص‌های جهانی با اهداف کلی چشم‌انداز مطابقت دارند.

جدول ۱۳: محورها و شاخص‌های توسعه با توجه به عناوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

منبع اخذ شاخص	شاخص‌ها	محورها	عنوان‌ها
	۱- ارزش GDP (برحسب دلار و برابری قدرت خرید)		کشوری توسعه‌یافته با رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، اشتغال کامل و متکی بر سهم برتر منابع انسانی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه
۱- بانک جهانی	۲- درآمد سرانه (برحسب دلار و برابری قدرت خرید)		
۲- بانک جهانی	۳- نرخ رشد اقتصادی		
۳- بانک جهانی	۴- سهم درآمد مالیاتی دولت از GDP		
۴- بانک جهانی	۵- بهره‌وری کامل عوامل تولید (TPF)		
۵- سازمان بهره‌وری آسیایی	۷- نسبت سرمایه‌گذاری به GDP		
UNDP-۷	۸- سهم واردات کالاهای مصرفی به کل واردات		
UNDP-۸	۹- نسبت سهم درآمدهای نسبی از درآمدهای عمومی دولت		
۹- مرکز آمار ایران، بانک مرکزی	۱۰- میزان پس‌انداز ناخالص درصد از GDP		
۱۰- بانک جهانی	۱۱- نرخ بیکاری	اقتصادی	
ILO-۱۱	۱۳- نسبت بدهی خارجی به GDP		
۱۳- بانک جهانی	۱۴- سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP		
UNDP-۱۴	۱۵- نسبت صادرات کالا و خدمات به GDP		
UNDP-۱۵	۱۶- سهم صادرات ساخته شده صنعتی به صادرات غیرنفتی		
۱۶- مرکز آمار ایران	۱۸- میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری		
۱۸- بانک جهانی	۱۹- اندازه دولت		
۱۹- بانک جهانی	۲۰- سهولت فضای کسب و کار		
۲۰- بانک جهانی	۲۱- نسبت ارزش جاری بازار سهام به GDP		
۲۱- بورس	۲۲- نسبت ارزش سهام معامله شده به GDP		
۲۲- بورس	۲۳- سهم بخش خصوصی از GDP		

	۲۴- نرخ تورم ۲۵- رشد پایه پولی		
۱- بانک جهانی ۲- ISI و ISC ۳- مرکز ثبت اختراعات اکتشافات آمریکا و اروپا ۴- بانک جهانی ۵- UNDP, UNESCO ۶- UNDP, UNESCO ۷- ITU ۸- UNDP ۹- UNCTAD	۱- سهم صادرات با فناوری بالا (Hi-Tech) به کل صادرات کارخانه‌ای ۲- تولید علم ۳- تعداد اختراعات و اکتشافات ثبت‌شده در مراجع ملی و بین‌المللی ۴- سهم هزینه‌های R&D از کل هزینه‌های بنگاه ۵- سهم هزینه‌های تحقیقات و پژوهش از GDP ۶- سهم هزینه‌های آموزشی از GDP ۷- توسعه ICT (IDI) ۸- دستیابی به تکنولوژی (TAI) ۹- نوآوری (II)	علم و فناوری	برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، تأکید بر جنبش نرم‌افزاری
۱- مؤسسه لگاتوم ۲- UNDP ۳- UNDP ۴- UNDP ۵- UNDP ۶- UNDP ۷- UNDP ۸- WHO ۹- WHO ۱۱- UNDP ۱۲- سازمان تأمین اجتماعی جهانی ۱۳- سازمان تأمین اجتماعی جهانی ۱۴- مرکز آمار ایران ۱۵- مرکز آمار ایران ۱۷- UNDP	۱- رفاه اجتماعی (لگاتوم) ۲- توسعه انسانی (HDI) ۳- توسعه انسانی همراه با عدالت ۴- ضریب جینی (GINI) ۵- نسبت درآمد ۲۰ درصد ثروتمند به ۲۰ درصد فقیر جمعیت ۶- نسبت درآمد ۱۰ درصد جمعیت به ۱۰ درصد فقیر جمعیت ۷- توسعه جنسیتی (GDI) ۸- درصد پرداخت مردم در زمان دریافت خدمات درمانی (O.O.P) ۹- ترکیب الگوی غذایی و انرژی ۱۱- فقر انسانی (HPI) ۱۲- ضریب نفوذ بیمه اجتماعی ۱۳- ضریب نفوذ بیمه درمان ۱۴- سهم هزینه مسکن از هزینه خانوار	اجتماعی	عدالت اجتماعی، فرصت‌های برابر، مناسب درآمد، به دور از تبعیض، سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، به دور از فقر، امنیت غذایی

<p>WHO-۱۸ UNDP-۱۹</p>	<p>۱۵- تراکم خانوار در واحد مسکونی ۱۷- درصد جمعیت زیر خط فقر شدید ۱۸- امید به زندگی توأم با سلامت در بدو تولد (HALE) ۱۹- درصد جمعیت زیر خط فقر شدید</p>		
<p>۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۳- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۴- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۵- مرکز آمار ایران ۶- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷- مرکز آمار ایران ۸- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹- مرکز آمار ایران ۱۰- مرکز آمار ایران ۱۱- مرکز آمار ایران ۱۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳- سازمان تربیت‌بدنی ۱۴- سازمان تربیت‌بدنی ۱۵- سازمان تربیت‌بدنی ۱۶- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۷- شورای عالی انقلاب فرهنگی</p>	<p>۱- رضایت‌مندی مردم ۲- وجدان کاری ۳- مردم‌سالاری دینی ۴- انضباط اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی ۵- تعداد موقوفات ۶- میزان پایبندی به احکام اسلامی ۷- نسبت فضای برپایی نماز جماعت در مسجد به نسبت جمعیت کشور ۸- پایبندی به ارزش‌های ملی (هویت ملی) ۹- سرانه شمارگان و سرانه عناوین منتشره در هر ۱۰۰۰ نفر ۱۰- نسبت هزینه‌های فرهنگی در سبد خانوار ۱۱- نسبت مخارج فرهنگی به GDP ۱۲- مفتخر به ایرانی بودن ۱۳- سرانه فضاهای ورزشی ۱۴- نسبت جمعیت تحت پوشش ورزش همگانی ۱۵- نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری ورزش ۱۶- سرمایه اجتماعی ۱۷- سازگاری اجتماعی</p>	<p>فرهنگی</p>	<p>فعال، مسئولیت‌پذیر، برخوردار از وجدان کاری و رضایتمند، مردم‌سالاری دینی، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و غیره، انضباط متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و ارزش‌های ملی، نهاد مستحکم خانواده</p>
<p>۱- بانک جهانی ۲- بانک جهانی</p>	<p>۱- ثبات سیاسی ۲- اثربخشی دولت</p>	<p>سیاست داخلی و حکمرانی</p>	<p>آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، شکوفایی ایران</p>

<p>۳-بانک جهانی ۴-بانک جهانی ۵-بانک جهانی ۶-بانک جهانی</p>	<p>۳-حاکمیت قانون ۴-کیفیت قوانین و مقررات ۵-حق اظهارنظر و کیفیت پاسخگویی دولت ۶-کنترل فساد</p>		
<p>۱-وزارت امور خارجه ۲-وزارت امور خارجه ۳-وزارت امور خارجه ۴-وزارت امور خارجه ۵-وزارت امور خارجه ۶-وزارت امور خارجه ۷-وزارت امور خارجه ۸-وزارت امور خارجه ۹-وزارت امور خارجه</p>	<p>۱-میزان رشد ارتباط با دیگر کشورها ۲-میزان رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ۳-میزان رشد سرمایه‌گذاری ایران در خارج از کشور ۴-میزان رشد مبادلات تجاری ایران با کشورهای خارجی ۵-میزان رشد نیروی کار شاغل ایرانی در خارج از کشور ۶-میزان رشد تعداد جهانگرد ورودی به کشور ۷-میزان رشد تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۸-میزان رشد تعداد مراودات بین‌المللی بدون روادید ۹-دیپلماسی عمومی</p>	<p>سیاست خارجی و بین‌الملل</p>	<p>الهام‌بخش و مؤثر در جهان اسلام، تعامل مؤثر و سازنده با جهان</p>
<p>۱- سازمان بهره‌وری آسیایی ۲-بانک جهانی UN-۳ UN-۵ ۶-مرکز آمار ایران ۷-مرکز آمار ایران ۸-بانک جهانی UN-۹ ۱۱-بانک جهانی ۱۲-مرکز آمار ایران ۱۳-بانک جهانی</p>	<p>۱-بهره‌وری کل عوامل تولید (در تعامل با حوزه اقتصادی) ۲-بهره‌وری انرژی ۳-راندمان کل نیروگاه‌ها ۵-ضریب خودکفایی محصولات اساسی ۶-نسبت مراکز شهری دارای طرح جامع شهری به کل شهرها ۷-نسبت مراکز روستایی دارای طرح‌های روستایی به کل روستاهای بالای ۲۰ خانوار ۸-درصد جمعیت تحت پوشش استفاده از فاضلاب شهری</p>	<p>زیرساختی (با اولویت پایداری زیست‌محیطی)</p>	<p>دارای توسعه کارآمد متناسب با مقتضیات جغرافیایی، محیط‌زیست مطلوب</p>

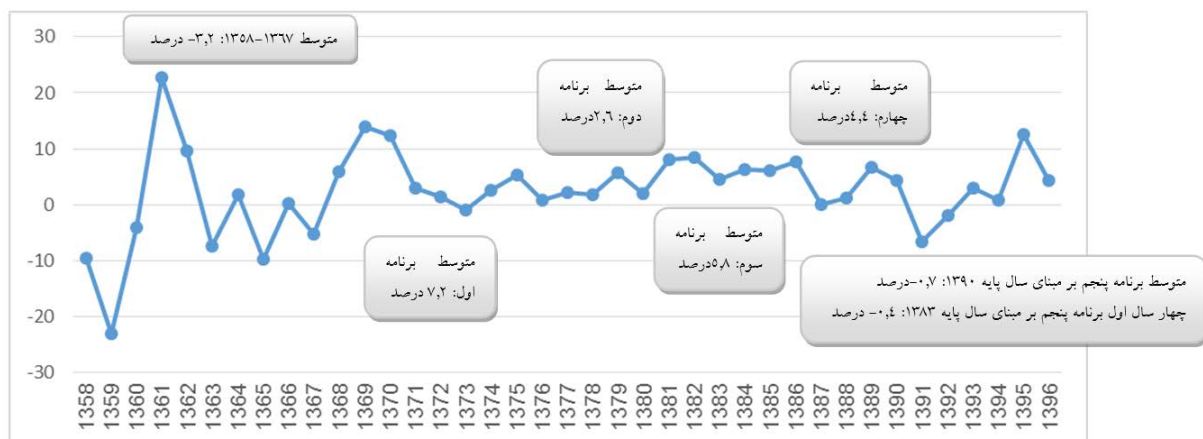
<p>۱۴-بانک جهانی ۱۵-وزارت راه و ترابری ۱۶-وزارت راه و ترابری ۱۷-بانک جهانی</p>	<p>۹-درصد زمین‌های آبی از کل زمین‌های قابل کشت ۱۱-مصرف سرانه برق و آب ۱۲-سهام حمل‌ونقل عمومی از کل سفرهای شهری ۱۳-سهام حمل‌ونقل ریلی به کل حمل‌ونقل (بار، مسافر) ۱۴-طول کل شبکه راه‌های کشور به کیلومتر (نسبت به مساحت کشور) ۱۵-ظرفیت فرودگاهی کشور ۱۶-ظرفیت بندری کشور ۱۷-میزان بهره‌وری آب در کشاورزی</p>		
	<p>۱- ژئوپلیتیک (شکل هندسی کشور، ارتفاعات، شبکه آب‌ها، وضع توپوگرافی) ۲-جنگ (اصل هدف، اصل آفند، اصل سادگی، استراتژی کلان، صرفه‌جویی در قوا) ۳-جنگ نرم (اطلاعات استراتژیک، قدرت نرم، روحیه، تبلیغات، منابع اطلاعاتی) ۴-تسلیمات (تسلیمات متعارف، وابستگی تسلیحاتی، تسلیحات مستقل، خلع سلاح) ۵-استراتژی (استراتژی فضایی، استراتژی هوایی، استراتژی دریایی، استراتژی زمینی) ۶-توان دفاعی (قابلیت دفاعی، صنعت پایه دفاعی، بودجه‌های دفاعی)</p>	<p>دفاعی - امنیتی</p>	<p>امن، امنیت اجتماعی و قضایی</p>

منبع: شاخص‌های ارزیابی و پایش سند چشم‌انداز (۱۳۸۹) و توسعه؛ شاخص‌ها و نماگرها (۱۳۸۸)

۲-۱- شاخص‌های اقتصادی

۲-۱-۱- رشد اقتصادی

روندی از همگرایی جهانی در جغرافیای سیاسی-اقتصادی جهان جریان دارد که طی آن کشورهای نوظهور درصدد هستند با افزایش رشد تولید سرانه به کشورهای توسعه‌یافته برسند و در این نکته تردیدی وجود ندارد که رشد اقتصادی در درازمدت منجر به بهبود اساسی و قابل توجه در سطح زندگی شده است. در مورد مفهوم رشد، توجه به دو نکته اساسی ضرورت دارد. نخست، تفکیک آن به دو مؤلفه رشد تولید سرانه و رشد جمعیت است. با این وصف، بخشی از اثرات بطئی آهنگ رشد اقتصادی در طول دهه‌های اخیر بر روی ساختارهای کلان اقتصادی و نهادی کشور را باید در پرتو آهنگ سریع رشد جمعیت کشور در مقایسه با روند سایر کشورهای در حال توسعه تبیین کرد (نمودار ۱). آشکار است که ارقام بالای رشد جمعیت در کشوری چون ایران (با میانگین نرخ رشد جمعیت حدود ۲ درصد از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون که به افزایش سریع جمعیت در کشور به‌خصوص در دهه اول انقلاب انجامید) (نمودار ۲: ۶۴، در بخش تغییرات جمعیتی)؛ باید به‌دقت از بازدهی ارقام مربوط به رشد اقتصادی تمایز یابد. دوم، باوجود نابرابری‌های اساسی بین کشورهای فقیر و غنی و نیز نابرابری بین بخش‌های اقتصادی، تکیه بر داده‌های میانگین رشد اقتصادی بدون در نظر گرفتن تغییرات سبک زندگی افراد و ساختارهای اقتصادی خانوارها؛ گمراه‌کننده خواهد بود. در نمودار ۱ و جدول ۱۴، رشد اقتصادی ایران در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی در دو ستون هدف‌گذاری و عملکرد رشد ارائه شده است. مقایسه داده‌ها، ما را به چند گزاره رهنمون می‌کند:



نمودار ۱: رشد اقتصادی ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۹۶-۱۳۵۷)

منبع: بانک مرکزی ایران

*توضیح: محاسبات دوره جنگ و برنامه‌های اول تا چهارم بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ است.

جدول ۱۴: رشد اقتصادی ایران در سال‌ها و دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی

رشد اقتصادی (درصد)				دوره‌ها
عملکرد		هدف‌گذاری		
منبع	عدد	منبع	عدد	
منبع: بانک مرکزی ایران سری زمانی حساب‌های ملی کشور، محاسبات مطالعه	-۳,۲	-	-	دوران انقلاب جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۸)
منبع: گزارش عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۷,۲	منبع: قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۸	برنامه اول توسعه (۱۳۷۳-۱۳۶۸)
منبع: گزارش عملکرد برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۲,۶	منبع: قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۵,۱	برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)
منبع: گزارش عملکرد برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۵,۸	منبع: قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۶	برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
منبع: گزارش عملکرد برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۴,۴	منبع: قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور *پس از تدوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هدف‌گذاری همه برنامه‌ها رشد اقتصادی ۸ درصد است.	۸	برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)
منبع: بانک مرکزی ایران سری زمانی حساب‌های ملی کشور، محاسبات مطالعه	متوسط برنامه پنجم بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰: ۰,۷- درصد چهار سال اول برنامه پنجم بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳: ۰,۴- درصد	منبع: قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۸	برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)
۱- رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶: بانک مرکزی ۲- گزارش صندوق از بخش آسیای میانه و خاورمیانه، ۲۰۱۵ ۳- رشد سال ۹۷ تا ۱۴۰۰: گزارش هیئت مشاوره‌ای ماده ۴ صندوق بین‌المللی پول درباره ایران، ۲۰۱۷ ۴- برآورد یورگنسن و هوانگ (۲۰۱۰) از پتانسیل رشد اقتصادی تا ۲۰۲۰	سال ۱۳۹۵: ۱۲,۵؛ سال ۱۳۹۶: ۳,۷؛ برآورد سال ۱۳۹۷: ۴,۶؛ برآورد سال ۱۴۰۰: (۱) برآورد صندوق ۲۰۱۷: ۴,۴ (۲) برآورد یورگنسن و هوانگ: ۴,۰۱ (۳) هدف‌گذاری برنامه ششم: ۸	منبع: سند قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۸	برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶)
منبع: سند قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۶,۱	-	-	دوره باثبات ۱۳۸۶-۱۳۷۹
منبع: سند قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۴	-	-	دوره اول تا پنجم توسعه ۱۳۹۴-۱۳۶۸

۱) کاستی عملکرد نسبت به اهداف برنامه‌های توسعه: در بیشتر برنامه‌های توسعه، عملکرد رشد اقتصادی از هدف‌گذاری آن پایین‌تر بوده است. مطابق جدول ۱۴، در برنامه‌های اول و دوم توسعه و

برنامه‌های معطوف به چشم‌انداز (چهارم، پنجم) عملکرد رشد از هدف تعیین شده، پایین‌تر بوده است.

(۲) وابستگی رشد اقتصادی به نفت و تأثیر شوک‌های اقتصادی برون‌زا: خصوصیت مشترک رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه، وابستگی به درآمدهای در حال نوسان نفت است؛ به طوری که موفقیت هدف‌های توسعه به سطح درآمدهای نفتی وابسته است. با وجود اینکه رشد اقتصادی، نخستین هدف برنامه‌های توسعه بوده؛ به دلیل نوسان قیمت نفت در بازارهای جهانی، شاهد وابستگی رشد اقتصادی به نوسان‌های نفت و افت و خیز در این شاخص هستیم.

(۳) تأثیر شرایط سیاسی در کاهش شتاب رشد: به عنوان نمونه باید به تأثیر سال‌های انقلاب و جنگ در کاهش شتاب رشد و عدم تداوم آن اشاره کرد. داده‌های نمودار ۱ نشان می‌دهد متوسط نرخ رشد اقتصادی دهه ۱۳۶۷-۱۳۵۸، ۳٫۵- درصد است.

(۴) چالش تداوم رشد اقتصادی در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی: رشد اقتصادی تقریباً ۴ درصدی در دوره برنامه‌های پس از جنگ تا پایان برنامه پنجم (۱۳۹۵-۱۳۶۸) (نگاه کنید به: سطر آخر جدول ۱۴)، قابل توجه است؛ اما به دلیل وابستگی به منابع نفتی، تنوع زیادی در بخش‌های اقتصادی ایجاد نکرده است. به علاوه، در مقایسه با رشد نمونه‌وار و ۸ درصدی چین، هند، شرق آسیا (کره جنوبی، تایوان و مالزی) و برخی از کشورهای خاورمیانه و منطقه چشم‌انداز (ترکیه) در همین دوره زمانی، بازهم جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای فوق، پایین بوده و اتکا به داده‌های رشد اقتصادی نمی‌تواند گویایی لازم را داشته باشد.^۱

(۵) ضرورت نگاه تطبیقی به رشد اقتصادی ایران و کشورهای منطقه چشم‌انداز: از لحاظ سرعت تغییرات تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی)، وضعیت کشورهای منطقه چشم‌انداز متفاوت از حجم تولید ناخالص داخلی است. برخی از کشورهایی که از لحاظ حجم تولید در رده پایین بوده و در مراحل اولیه توسعه قرار دارند، نظیر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز یا عراق، طی سال‌های اخیر رشد بالایی را تجربه کرده‌اند. جدول ۱۵ و نمودار ۲ نشان می‌دهند که در دوره ۱۲ ساله اجرای چشم‌انداز (۲۰۱۷-۲۰۰۵) (۱۳۸۴ تاکنون)، متوسط رشد اقتصادی ایران در رده‌ای پایین‌تر از کشورهای عربستان، ترکیه، افغانستان، آذربایجان، عراق، قطر و ازبکستان قرار گرفته است. در این دوره، متوسط رشد اقتصادی ایران تقریباً ۳ درصد، ترکیه ۵٫۴ درصد (کشور اول منطقه) و عربستان

۱. مطالعات اخیر به بررسی نقش نهادها و سیاست‌ها که عمدتاً شامل حقوق مالکیت، قوانین و مقررات، اعتماد بین افراد و ترتیبات اجتماعی دیگر از جمله سرمایه اجتماعی، تعاملات برون‌گروهی، وجود انجمن‌ها و گروه‌های اقتصادی است، بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. اصلاحات اقتصادی-نهادی در قالب قوانین برنامه‌های توسعه می‌توانند اثر مثبت و معنی‌داری بر شتاب رشد اقتصادی داشته باشند. مباحثات سودمندی پیرامون نقش نهادها و سیاست‌های حصول به شاخص‌های کمی توسعه، توسط برخی محققان داخل و خارج از کشور صورت گرفته است (نگاه کنید به: آسم‌اوغلو و دیگران، ۲۰۰۱، رودریک، ۲۰۰۴، صمدی، ۱۳۸۷، رحمانی و دیگران، ۱۳۸۶، جهانگرد و اقلامی، ۱۳۸۹).

۳,۹ درصد است. تداوم این روند موجب سبقت گرفتن کشورهای با تولید کمتر از ایران، در سال‌های آینده خواهد شد. شایان ذکر است متوسط رشد اقتصادی ایران در دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۵ حدود ۳,۷ درصد بود و با شروع تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، رشد ایران از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، ۱,۸ درصد شد. علت رشد اقتصادی بطئی قبل از تحریم‌ها، فقدان عوامل نهادی بود و بعد از سال ۲۰۱۱، تحریم‌های مالی به مجموعه مذکور اضافه شده است.^۱ همچنین با اینکه، طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، ایران در سال ۲۰۱۸ از کشورهای صادرکننده نفت در منطقه، میانگین رشد اقتصادی بیشتری دارد؛ اما هنوز رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۸، پایین‌تر از کشورهای رقیب منطقه‌ای در چشم‌انداز مانند ترکیه، ازبکستان و فلسطین اشغالی بوده که دشواری‌های مسیر را نشان می‌دهد.

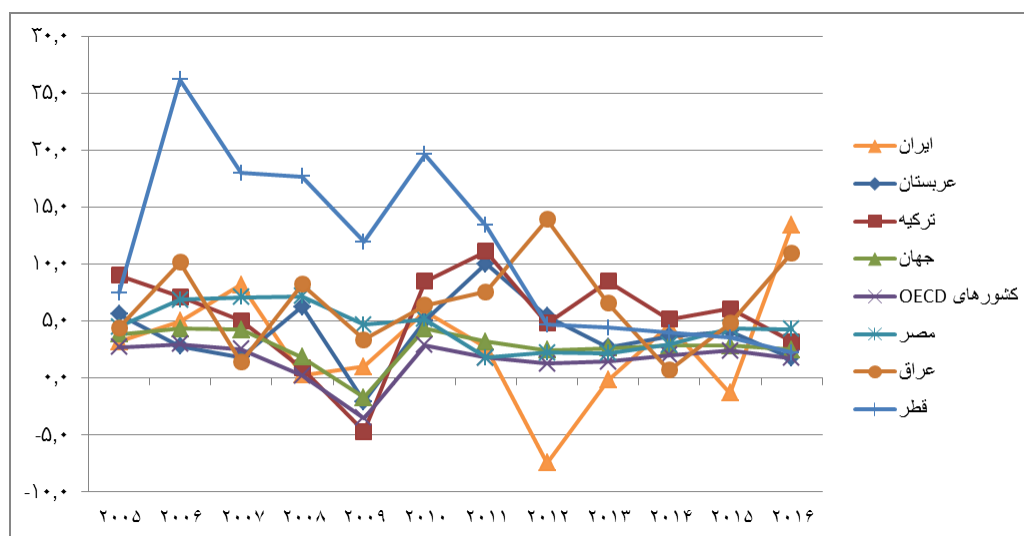
جدول ۱۵: مقایسه روند رشد اقتصادی ایران با کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۶

انحراف معیار	متوسط دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۶	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
قطر	۷,۵	۲۶,۲	۱۸	۱۷,۷	۱۴	۱۹,۶	۱۳,۴	۴,۷	۴,۴	۴	۳,۶	۲,۲	۱۱,۱
ترکمنستان	۱۳	۱۱	۱۱,۱	۱۴,۷	۹,۲	۱۱,۱	۱۰,۲	۱۰,۳	۶,۲	۶,۵	۱۰,۳	۴	۷,۹
آذربایجان	۲۶,۴	۲۴,۵	۲۵	۱۰,۸	۹,۴	۲,۹	-۱	۲,۲	۵,۸	۲	۱,۱	-۳,۱	۱۲,۱
ازبکستان	۷	۷,۳	۹,۹	۹	۸,۱	۸,۵	۸,۳	۸,۲	۸	۷,۸	۸	۸,۲	-۰,۸
افغانستان	۱۱,۲	۵,۶	۱۳,۷	۳,۶	۳,۱	۸,۴	۶,۱	۱۳,۴	۲	۱,۳	۱,۱	۲,۲	۶,۱
ناجیکستان	۶,۷	۷	۷,۸	۷,۹	۷,۸	۷,۴	۷,۵	۷,۴	۶,۵	۳,۸	۶,۸	۶,۹	۱,۱
عراق	۴,۴	۱۰,۲	۱,۴	۸,۲	۳,۴	۶,۴	۷,۵	۱۳,۹	۶,۶	-۷	۴,۸	۱۱	۳,۹
ترکیه	۹	۷,۱	۵	-۴,۷	-۸	۸,۵	۱۱,۱	۴,۸	۸,۵	۵,۲	۶,۱	۵,۴	۴,۲
گرجستان	۹,۶	۹,۴	۱۲,۳	۲,۳	-۲,۷	۶,۲	۷,۲	۶,۴	۳,۴	۲,۸	۲,۹	۲,۸	۴,۲
عمان	۲,۵	۵,۴	۴,۵	۸,۲	۶,۱	۴,۸	-۱,۱	۹,۳	۴,۴	۲,۵	۵,۷	-	۲,۸
مصر	۴,۵	۶,۹	۷,۱	۷,۲	۴,۷	۵,۱	۱,۸	۲,۲	۲,۲	۲,۹	۴,۴	۴,۳	۱,۹
قزاقستان	-۰,۲	۳,۱	۸,۵	۸,۴	۲,۹	-۰,۵	۶	-۱	۱,۰	۴	۳,۹	۳,۸	۳,۷
پاکستان	۷,۷	۶,۲	۴,۸	۱,۷	۲,۸	۱,۶	۲,۷	۳,۵	۴,۴	۴,۷	۴,۷	۵,۵	۱,۸
عمان	۵,۶	۲,۸	۱,۸	۶,۲	-۳,۱	۵	۱	۵,۴	۲,۷	۲,۷	۱,۷	۲,۹	۲
امارات	۴,۹	۹,۸	۳,۲	۳,۲	-۵,۲	۱,۶	۶,۴	۵,۱	۵,۱	۲,۳	۲	۲	۲,۵
کویت	۱۰,۱	۷,۵	۶	۲,۵	-۷,۱	۹,۶	۶,۶	۱,۱	-۵	-۶	۳,۵	۳,۵	۵,۱
ایران	۳,۲	۵	۸,۲	-۰,۳	۱	۵,۸	۲,۶	-۷,۴	-۰,۲	۴,۶	-۱,۳	۱۳,۴	۵,۲
جهان	۳,۸	۴,۳	۴,۳	۱,۸	-۱,۷	۴,۳	۴,۳	۴,۳	۲,۴	۲,۶	۲,۸	۲,۵	۱,۶
کشورهای OECD	۲,۷	۲,۹	۲,۵	-۰,۲	-۳,۵	۲,۹	۱,۸	۱,۳	۱,۳	۱,۳	۲,۰	۲,۴	۱,۸
آسای شرقی و حوزه پانسیفیک	۵,۰	۵,۵	۶,۵	۳,۵	۱,۳	۷,۱	۴,۶	۴,۷	۴,۸	۴,۱	۴,۱	۴,۱	۱,۵

منبع: <http://data.worldbank.org> (WDI)، ۲۰۱۸، در امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، اسفندماه ۱۳۹۶

توضیح: طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، ایران در سال ۲۰۱۸ از کشورهای صادرکننده نفت در منطقه، میانگین رشد اقتصادی بیشتری دارد؛ اما هنوز رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۸ پایین‌تر از کشورهای رقیب منطقه‌ای در چشم‌انداز مانند ترکیه، ازبکستان خواهد بود.

۱. «مقایسه تطبیقی عملکرد اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۴ و الزام‌های بهبود جایگاه آن در سال‌های باقیمانده»، امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، گزارش شماره ۳-۵۵، اسفندماه ۱۳۹۶.

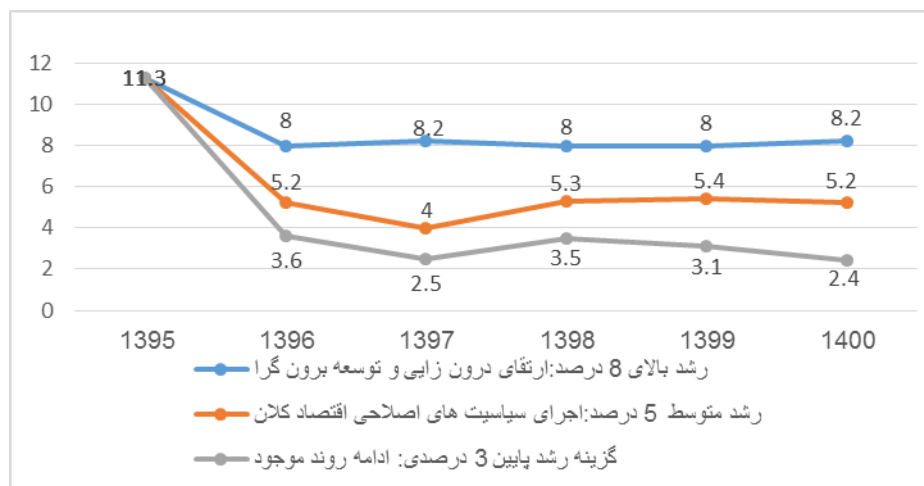


نمودار ۲: مقایسه روند رشد اقتصادی ایران با کشورهای منتخب منطقه چشم‌انداز در دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۶

مآخذ: (WDI) <http://data.worldbank.org>، ۲۰۱۸، محاسبات توسط امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، اسفندماه ۱۳۹۶

۶) اقتصادهای در حال گذار از طریق تقویت فرایند یادگیری فناورانه، انتقال و جذب دانش علمی و فنی، سریع‌تر به مرز پیشرفت و فناوری جهانی می‌رسند (نگاه کنید به: گروشنکرون، ۱۹۶۲ و اوانز، ۱۳۸۰): تحقیق پیکتی (۱۳۹۶: ۱۴۸-۱۴۰) نشان می‌دهد رشد اقتصادی استثنایی کشورهای چینی و آلمان در دوره ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴، اروپای غربی در دوره ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ و چین و اقتصادهای نوظهور در دوره ۱۹۹۰ تاکنون؛ برای جبران عقب‌افتادگی، رسیدن به مرز نوآوری جهانی و جبران فاصله با اقتصادهای پیشرو بوده است. به‌واقع، حتی با یک درصد رشد اقتصادی سالانه در یک روند طولانی‌مدت، جامعه عمیقاً می‌تواند دگرگون شود. به‌طور مشخص، رشد تولید سرانه اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن طی سی سال گذشته [۲۰۱۲-۱۹۸۲] به زحمت ۱,۵ درصد بوده و زندگی آنان با همین نرخ رشد دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است (همان: ۱۴۳). گزاره بالا توضیح می‌دهد چرا رشد اقتصادی حدود ۴ درصد در ایران ۱۳۶۸-۱۳۹۵ (جدول ۱۴) که در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان رکوردی قابل توجه است، اثرات ملموس چندانی با خود به همراه نداشته است. نخست، تکیه رشد اقتصاد ایران به درآمدهای بالای نفتی، به ویژگی ساختاری آن تبدیل شده که به ایجاد تنوع نهادی و تمایز نقشی و بخشی در اقتصاد منجر نمی‌شود. دوم، همین ارقام رشد در ایران، در زمانی صورت گرفته که بسیاری از کشورهای در حال گذار، نرخ رشد بالاتری تجربه کرده‌اند. نمونه واضح و معروف این مسئله، رشد اقتصادی بالای چین و هند در دهه نخست هزاره سوم است، اما یافتن دیگر کشورهایی که بعضاً نرخ رشد سریع‌تری از ایران داشته‌اند؛ در کشورهای آسیای جنوب شرقی (کره جنوبی، تایوان و مالزی)، آمریکای لاتین (برزیل)، اروپای شرقی و خاورمیانه (ترکیه) کار دشواری نیست (تیموری، ۱۳۹۵). سوم، چشم‌انداز رشد در ایران پس از انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن سایر شاخص‌ها از جمله تورم، رشد جمعیت و غیره معتبر خواهد بود و دستیابی به

نرخ رشد اقتصادی افق چشم‌انداز یعنی ۸ درصد تا پایان برنامه ششم، مستلزم گزینه ارتقای درون‌زایی و گذار به توسعه برون‌گرا در کشور است (نمودار ۳).



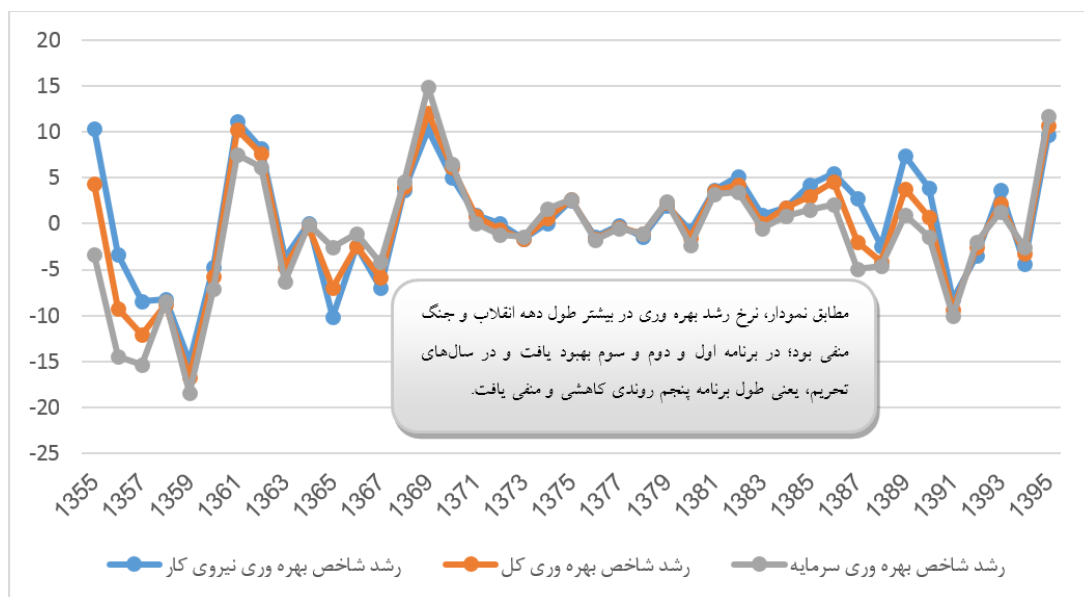
نمودار ۳: سناریوهای رشد اقتصادی ایران تا ۱۴۰۰

منبع: نیلی و همکاران، ۱۳۹۶، جلد دوم، ص ۷۶

۲-۱-۲- بهره‌وری

امروزه در همه کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه به اهمیت بهره‌وری به‌عنوان یکی از ضرورت‌های توسعه اقتصادی و کسب برتری رقابتی در عرصه‌های بین‌المللی تأکید دارند، زیرا در دنیای کنونی رقابت در صحنه‌های جهانی ابعاد دیگری به خود گرفته و تلاش برای نیل به سطح بهره‌وری بالاتر، یکی از پایه‌های اصلی این رقابت‌ها را تشکیل می‌دهد. بهره‌وری^۱ یکی از مفاهیم مهم در اقتصاد به شمار می‌آید که رابطه بین استفاده از عوامل تولید و محصول تولیدشده را نشان می‌دهد. از سوی سازمان‌های بین‌المللی برای بهره‌وری تعاریف مختلفی مطرح شده است، به‌عنوان مثال سازمان بین‌المللی کار (ILO)، بهره‌وری را «تولید محصولات مختلف با ادغام چهار عامل اصلی زمین، سرمایه، کار و سازماندهی» تعریف می‌کند.

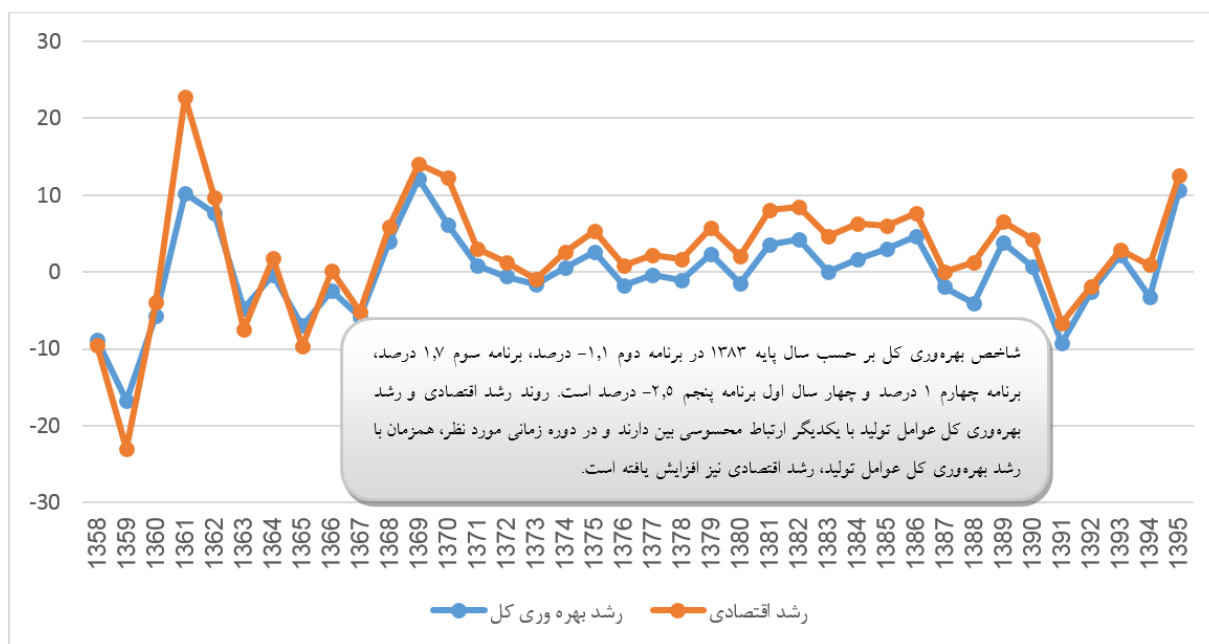
نمودار ۴، شاخص‌های بهره‌وری در ایران بعد از انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. مطابق نمودار، نرخ رشد بهره‌وری در بیشتر طول دهه انقلاب و جنگ منفی بود؛ در برنامه اول و دوم و سوم اندکی بهبود یافت؛ و در سال‌های تحریم یعنی طول برنامه پنجم، روندی کاهشی و منفی یافت. همچنین مطابق نمودار ۵، روند رشد اقتصادی و رشد بهره‌وری کل عوامل تولید با یکدیگر ارتباط محسوسی دارند و در دوره زمانی مورد نظر، هم‌زمان با رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، رشد اقتصادی نیز افزایش یافته است.



نمودار ۴: شاخص‌های بهره‌وری در دوره بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

منبع: بانک مرکزی ایران

*توضیح: محاسبات قبل از سال ۱۳۸۳ بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ و بعد از ۱۳۸۴ بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰ است.



نمودار ۵: شاخص‌های رشد اقتصادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در دوره بعد از انقلاب اسلامی

منبع: بانک مرکزی ایران

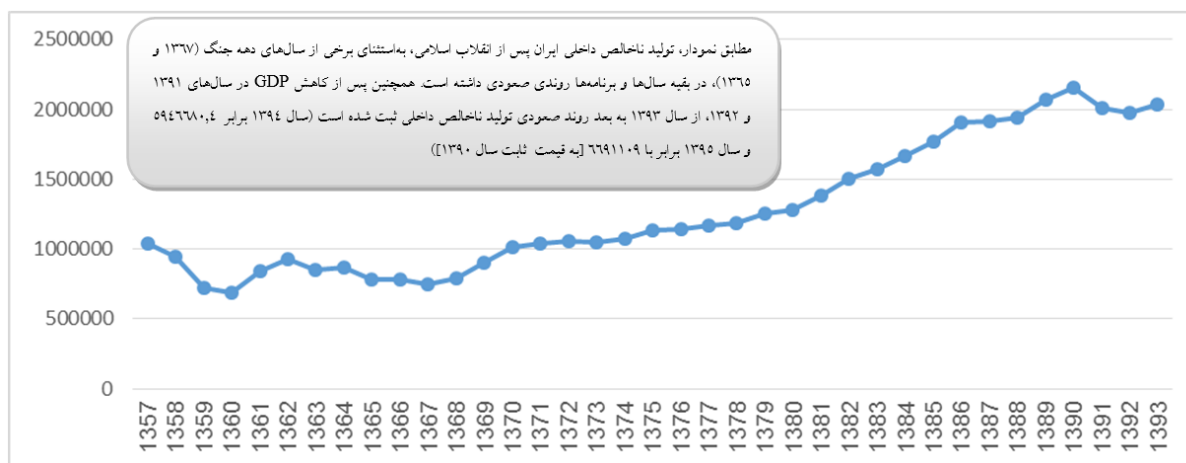
*توضیح: محاسبات شاخص بهره‌وری کل، قبل از سال ۱۳۸۳ بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ و بعد از ۱۳۸۴ بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰ است.

با توجه به داده‌های این بخش، شاخص‌های بهره‌وری در دوره بعد از انقلاب اسلامی آدر طول برنامه‌های توسعه در قیاس با کشورهای برتر آسیا پایین‌تر است. طی سه دهه گذشته تعدادی از کشورهای آسیای جنوب شرقی یا همان دولت‌های توسعه‌گرای هسته مرکزی شرق آسیا (ژاپن، کره، مالزی و سنگاپور) از رشد

اقتصادی چشمگیری برخوردار بوده‌اند. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که این کشورها سهم قابل توجهی از رشد اقتصادی خود را نه از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید، بلکه از طریق بهبود ساختارهای مدیریتی، نیروی انسانی، تجهیزات و ماشین‌آلات به دست آورده‌اند.

۲-۱-۳- درآمد سرانه

این شاخص، معیاری تعدیل‌شده و مناسب‌تر از تولید ناخالص داخلی برای شناخت وضعیت و توانمندی اقتصادی یک کشور است، زیرا در آن عامل جمعیت نیز به حساب آمده است. در واقع، درآمد سرانه سهم هر فرد از میزان تولید کالاها و خدمات انجام گرفته در یک کشور را بیان می‌کند تا حجم تولید به‌تنهایی مبنای قضاوت قرار نگیرد و توانمندی و رفاه جامعه با تعیین سهم هر فرد محاسبه و نشان داده شود. برای نمونه و در دوره بعد از انقلاب، حجم تولید ناخالص داخلی در همه برنامه‌ها روندی صعودی داشته (نگاه کنید به: نمودار ۶) و بر مبنای حجم تولید ناخالص داخلی در دوره پس از چشم‌انداز (۲۰۱۶-۲۰۰۵)، ایران یکی از سه کشور اول منطقه بوده است (جدول ۱۶ و نمودار ۷)؛ اما بر مبنای درآمد سرانه (در رده‌بندی‌های جهانی و منطقه‌ای)، در رتبه‌ای پایین‌تر قرار می‌گیرد (نمودار ۹ و ۱۰). به همین دلیل، درآمد سرانه یکی از شاخص‌های سنجش رفاه یک کشور و نشان‌دهنده این است که سهم هر فرد از میزان تولید کالاها و خدمات انجام گرفته در یک کشور چقدر باشد (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

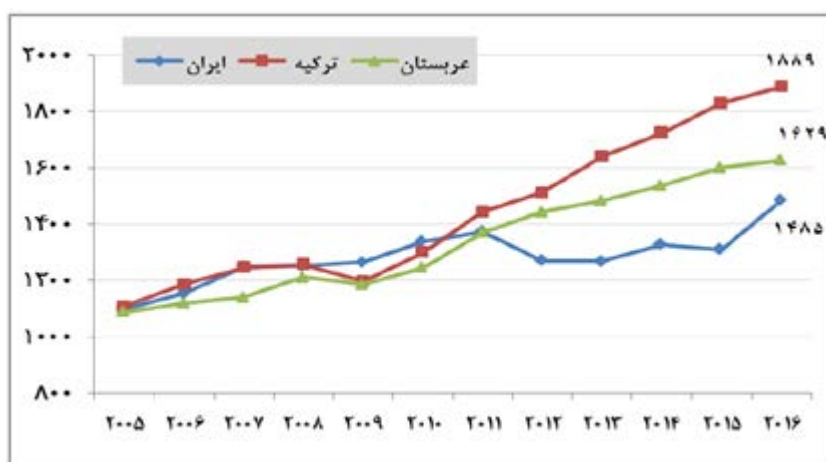


نمودار ۶: تولید ناخالص داخلی ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی - میلیارد ریال و سال پایه ۱۳۸۳

جدول ۱۶: مقایسه تولید ناخالص داخلی برحسب PPP ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز به قیمت ثابت ۲۰۱۱ و به میلیارد

ردیف	۲۰۰۵ (سال شروع اجرای سند چشم‌انداز)		۲۰۱۶		متوسط دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۶	
	ترکیه	۱۱۰۷.۵	ترکیه	۱۸۸۸.۹	ترکیه	۱۴۴۴.۵
۲	ایران	۱۰۹۹.۷	عربستان	۱۶۲۸.۶	عربستان	۱۳۳۷.۹
۳	عربستان	۱۰۸۸.۶	ایران	۱۴۸۴.۹	ایران	۱۲۸۲.۷
۴	پاکستان	۶۱۷.۷	مصر	۹۸۷.۴	مصر	۸۱۴.۵
۵	مصر	۶۱۴.۳	پاکستان	۹۳۷.۹	پاکستان	۷۶۰.۴
۶	امارات	۴۲۲.۸	امارات	۶۲۲.۳	امارات	۵۱۸.۰
۷	عراق	۲۹۴.۳	عراق	۵۹۸.۵	عراق	۴۲۷.۱
۸	قزاقستان	۲۴۲.۶	قزاقستان	۴۱۷.۲	قزاقستان	۳۴۰.۸
۹	کویت	۲۱۲.۸	قطر	۳۰۳.۸	کویت	۲۴۸.۶
۱۰	عمان	۱۰۴.۱	کویت	۲۷۹.۱	قطر	۲۱۷.۷
۱۱	قطر	۹۵.۰	ازبکستان	۱۹۲.۳	عمان	۱۲۵.۵
۱۲	یمن	۸۵.۵	آذربایجان	۱۵۶.۱	آذربایجان	۱۳۳.۸
۱۳	ازبکستان	۸۰.۳	ترکمنستان	۸۸.۶	ازبکستان	۱۲۹.۹
۱۴	آذربایجان	۶۷.۶	لبنان	۷۹.۷	یمن	۹۰.۳
۱۵	اردن	۵۰.۳	اردن	۷۹.۳	اردن	۶۷.۴
۱۶	لبنان	۴۸.۹	یمن	۶۴.۱	لبنان	۶۷.۳
۱۷	بحرین	۲۸.۴	افغانستان	۶۰.۳	ترکمنستان	۵۷.۳
۱۸	ترکمنستان	۳۰.۹	گرجستان	۳۴.۵	بحرین	۴۹.۹
۱۹	افغانستان	۲۸.۵	تاجیکستان	۲۴.۱	افغانستان	۴۶.۵
۲۰	گرجستان	۲۰.۵	ارمنستان	۲۴.۰	گرجستان	۲۸.۰
۲۱	ارمنستان	۱۶.۰	قرقیزستان	۲۰.۰	ارمنستان	۲۰.۸
۲۲	قرقیزستان	۱۲.۲	بحرین	-	تاجیکستان	۱۷.۳
۲۳	تاجیکستان	۱۱.۷	عمان	-	قرقیزستان	۱۶.۰
۲۴	سوریه	-	سوریه	-	سوریه	-
۲۵	سهام ایران از تولید جهانی	۱.۵		۱.۴		۱.۴

مأخذ: <http://data.worldbank.org> (WDI)، ۲۰۱۸، محاسبات توسط امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، اسفندماه ۱۳۹۶

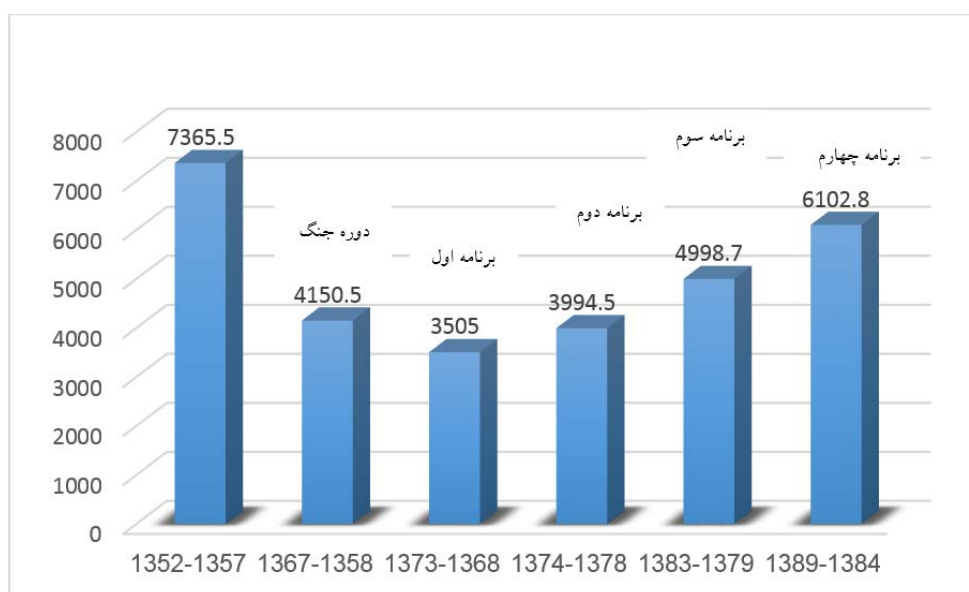


نمودار ۷: مقایسه تولید ناخالص داخلی برحسب PPP ایران با عربستان و ترکیه (به قیمت ثابت ۲۰۱۱ و به میلیارد دلار)

مأخذ: <http://data.worldbank.org> (WDI)، ۲۰۱۸، محاسبات توسط امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، اسفندماه ۱۳۹۶

در نمودار ۸، درآمد سرانه ایران در دوره جنگ و برنامه‌های اول تا چهارم، بر مبنای قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ محاسبه و به تصویر کشیده شده است. متوسط درآمد سرانه ایران در دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۸، به قیمت ثابت سال

۱۳۷۶ برابر ۴۱۵۰ هزار ریال و بیش از متوسط دوره ۱۳۷۸-۱۳۶۸ (برنامه‌های اول و دوم توسعه) است؛ اما نسبت به دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۲ (۷۳۶۵ هزار ریال) کاهش دارد. همچنین درآمد سرانه در برنامه سوم (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) برابر ۴۹۹۸٫۷ هزار ریال است که بالاتر از دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۸) و برنامه‌های اول و دوم توسعه است و همین روند صعودی در برنامه چهارم نیز تداوم دارد. درآمدهای بالای نفتی در افزایش درآمد سرانه در سال‌های برنامه چهارم نقش اصلی را داشت؛ مسئله‌ای که پس از تحریم‌های سال ۱۳۸۹ به کاهش درآمد سرانه در ایران، در برنامه پنجم^۱ و در مقایسه با سایر کشورها منتهی شد.



نمودار ۸: درآمد سرانه کشور در ادوار مختلف - بر حسب هزار ریال

منبع: بانک مرکزی ایران، دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۱۱۲

درآمد سرانه شاخصی مهم در تبیین توسعه در یک کشور، در مقایسه با سایر کشورها و مناطق است و معیارهای نرخ جاری ارز و برابری قدرت خرید^۲ به‌عنوان مبنای محاسبه درآمد سرانه قرار می‌گیرند. با توجه به این گزاره که نابرابری بین کشورها، واقعیتی چندبعدی است و به دلیل عدم اطمینان‌هایی که نسبت به معیارهای نرخ جاری ارز و برابری قدرت خرید به‌عنوان شاخص‌های درآمد سرانه وجود دارد، میانگین درآمد سرانه را باید به‌عنوان برآوردهایی تقریبی از درآمد تلقی کرد، نه قطعیت‌های ریاضی. از میان دو معیار بالا، برابری قدرت خرید اعتبار بیشتری دارد و مزیت استفاده از برابری قدرت خرید این است که این برابری‌ها اصولاً باثبات‌تر از نرخ‌های جاری ارز هستند. همان‌گونه که مروری بر نوسانات بسیار شدید نرخ ارز در طول چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد، نرخ‌های جاری ارز فوق‌العاده بی‌ثبات هستند. بنابراین، معمول است پژوهشگران بر مبنای برابری قدرت خرید، کشورهای جهان را به سه رده کشورهایی با درآمد بالا، درآمد متوسط و درآمد پایین تقسیم کنند و به مطالعه تغییرات درآمد سرانه در یک کشور، در مقایسه با سایر کشورها بپردازند.

۱. از سال ۱۳۹۰ یعنی در طی برنامه پنجم، بانک مرکزی داده‌های درآمد سرانه را بر مبنای قیمت سال ۱۳۹۰ محاسبه کرده است.

۲. Purchasing Power Parity (PPP)

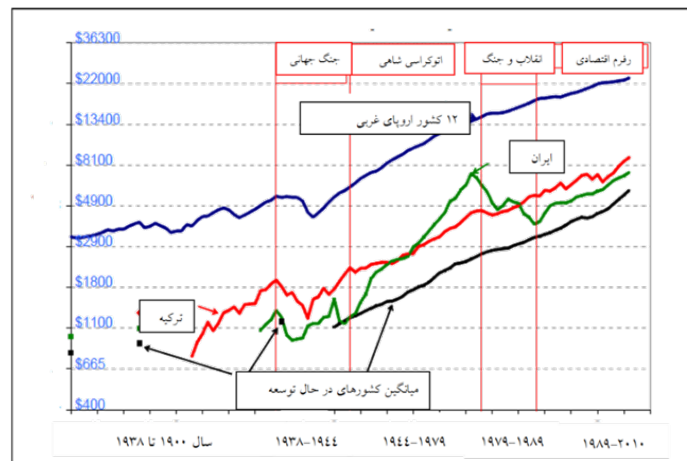
از میان پژوهشگران ایرانی، پسران و صالحی اصفهانی (۱۳۹۲) قابل اتکاترین تخمین از درآمد سرانه ایران را در فاصله سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰ ارائه کرده‌اند. از دیدگاه آنان، اطلاعات کلان در مورد درآمد سرانه ایران در سال‌های قبل از ۱۹۵۹ پراکنده و غیر قابل اتکاست. تنها بانک مرکزی ایران از سال ۱۹۵۹، شروع به تولید اطلاعات تفصیلی و سازگار از حساب‌های ملی نموده و تخمین‌هایی تقریبی از اطلاعات مربوط به اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۸ توسط خاوری‌نژاد (۲۰۰۳) ارائه شده است. آن‌ها درآمد سرانه را از اطلاعات مرجع گفته شده محاسبه کرده و به منظور تکمیل اطلاعات، نتیجه حاصله را با اطلاعات عرضه شده توسط مدیسون (۲۰۰۷) که تخمین‌هایی در مورد ارقام مربوط به سال‌های اولیه قرن ارائه نموده، مقایسه کرده‌اند. مقایسه آن‌ها به نتایج زیر انجامید (نمودار ۹):

۱- در ابتدای قرن بیستم، درآمد سرانه ایران برحسب شاخص قدرت خرید [بر مبنای سال ۲۰۰۰] حدود ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار بود؛ رقمی بالاتر از میانگین کشورهای در حال توسعه و تنها ۲۰ درصد پایین‌تر از درآمد سرانه مردم آمریکای لاتین و ژاپن.

۲- افزایش تدریجی درآمد سرانه در سال‌های منتهی به جنگ جهانی دوم، به دلیل سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایران: در خلال سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۰، رژیم پهلوی اول برخی تغییرات نهادی را در ایران به وجود آورد. این تغییرات، غیر از شکل‌دهی به ارتش مدرن، در تأسیس بوروکراسی بود که منجر به آغاز پروژه‌های توسعه‌ای زیرساختی شد. در این دوره، درآمد سرانه ایران ۱۳۰۰ دلار در ردیف کشورهای در حال توسعه و بسیار پایین‌تر از کشورهای OECD بود.

۳- افزایش سریع رشد اقتصادی و درآمد در دولت پهلوی دوم، افزایش قیمت نفت و توسعه بوروکراتیک در فاصله ۱۹۷۹-۱۹۵۳: در این دوره نقطه اوج درآمد سرانه ایران حدود ۷۸۰۰ دلار در سال ۱۹۷۴ بود که بالاتر از ترکیه و سایر کشورهای در حال توسعه و نزدیک به کشورهای اروپایی بود.

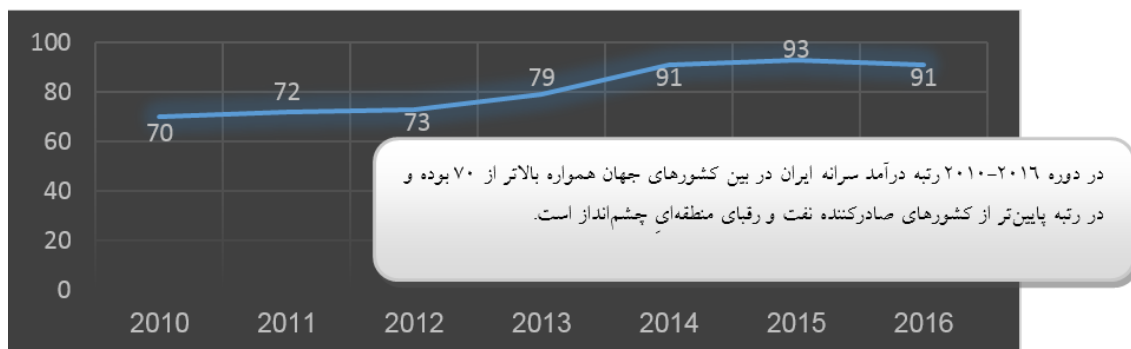
۴- کاهش شدید درآمد سرانه در سال‌های شوک نفتی و انقلاب (۱۹۸۹-۱۹۷۸) و افزایش مجدد آن در سال‌های بازساخت و توسعه اقتصادی پس از جنگ تحمیلی (۲۰۱۰-۱۹۸۹): دلیل افزایش مجدد درآمد سرانه در دهه اول بعد از جنگ تحمیلی (سال‌های برنامه اول و دوم) سیاست‌های بازتوزیعی و بازساخت اقتصادی؛ و در سال‌های اصلاحات و پس از آن (سال‌های برنامه سوم و چهارم) استراتژی رقابتی و متعاقباً، افزایش درآمد از طریق فروش نفت بود. در نهایت، در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۸، پایین‌ترین میزان درآمد سرانه کشور ۳۴۰۰ دلار در سال ۱۹۸۸ و بالاترین میزان ۷۵۰۰ دلار در طی دو سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بود (نمودار ۹).



نمودار ۹: رشد اقتصادی و درآمد سرانه ایران در یک چشم‌انداز تطبیقی

منبع: پسران و صالحی اصفهانی، ۱۳۹۲

۵- کاهش درآمد سرانه در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۶: دلایل اصلی کاهش درآمد سرانه در ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه در این دوره (سال‌های برنامه پنجم)، تحریم‌های اقتصادی و کاهش دسترسی به درآمدهای نفتی، سبقت گرفتن رقبای منطقه‌ای از ایران در سیستم جهانی نیز، رشد پایین اقتصاد جهانی و همچنین تداوم رکود در کشور است. با اینکه طبق گزارش‌های بانک جهانی درباره درآمد سرانه کشورها، در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۶ ایران در رده کشورهای با درآمد متوسط به بالا قرار دارد؛^۱ اما در این فاصله، رتبه ایران بین ۷۰ تا ۹۰ بوده و هنوز وضعیتی پایین‌تر از کشورهای صادرکننده نفت و رقبای منطقه‌ای چشم‌انداز دارد (نمودار ۱۰).



نمودار ۱۰: رتبه درآمد سرانه ایران در بین کشورهای جهان (بر مبنای برابری قدرت خرید)

منبع: گزارش‌های سالیانه بانک جهانی از رتبه‌بندی کشورها بر مبنای درآمد سرانه

۱. در سال ۲۰۱۵، بانک جهانی کشورها را برحسب میزان درآمد ناخالص ملی سرانه آن‌ها به چهار دسته دارای درآمد پایین، درآمد متوسط پایین، درآمد متوسط بالا و دارای درآمد بالا تقسیم کرده است. بر این اساس: ۱- اقتصادهای کم‌درآمد، اقتصادهایی هستند که درآمد ناخالص ملی سرانه آن‌ها، ۱۰۲۵ دلار یا کمتر است؛ ۲- اقتصادهایی با درآمد متوسط پایین، دارای درآمد ناخالص ملی سرانه بین ۱۰۲۶ تا ۴۰۳۵ دلار هستند؛ ۳- اقتصادهای با درآمد متوسط به بالا، اقتصادهایی با درآمد ناخالص ملی سرانه بین ۴۰۳۶ تا ۱۲۴۷۵ دلار هستند؛ و ۴- اقتصادهای با درآمد بالا، اقتصادهایی با درآمد ناخالص ملی سرانه ۱۲۴۷۶ دلار و بیشتر در سال ۲۰۱۵، تعریف شده‌اند.

۲-۱-۴- اندازه دولت

در مورد اندازه مطلوب دولت بین دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، اتفاق نظر وجود ندارد. دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت قانون‌گذار، دولت رفاه، دولت سیاست‌گذار و دولت برنامه‌ریز ختم می‌شود. با این حال، بیشتر صاحب‌نظران بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاست‌گذاری، الزام به اجرای تعهدات و نظام باثبات مالی است، برای عملکرد بهتر بازار تأکید می‌کنند و ارائه خدمات اصلی یا پایه‌ای مبتنی بر نهادهای بالا را که شامل تأمین امنیت و سطحی از رفاه اجتماعی است، ضروری می‌دانند. ارتباط میان مخارج دولت و رشد اقتصادی نیز در نظریه‌های اقتصادی چندان روشن نیست، اما انتظار می‌رود که دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و ارائه مطلوب و کارآمد خدمات پایه، به رشد اقتصادی کمک کند. شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دست است که نشان می‌دهد فراتر رفتن اندازه دولت از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، در موارد شکست بازار نمی‌توان از وظایف مهم دولت مانند ایجاد زیرساخت‌های نهادی و قانونی، بازتوزیع درآمد و ثروت و ارائه کالاهای عمومی چشم‌پوشی کرد (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۴-۲). به‌رغم تنوع دیدگاه‌ها و تجارب فوق‌الذکر، این تصور که دولت از اندازه بزرگی در اقتصاد ایران برخوردار است، امروزه در میان اکثریت قریب به اتفاق اقتصاددانان، سیاست‌گذاران دولتی و فعالان بخش خصوصی، اصلی مسلم تلقی می‌شود؛ نوعاً، «گفتمان لیبرال» بر این است که اندازه بزرگ دولت پس از جنگ به اصلی‌ترین معضل اقتصاد ایران بدل شده و کوچک‌سازی دولت، مهم‌ترین راه‌حل معضلات اقتصادی ایران است. در چارچوب چنین تصویری، «عدم تناسب اندازه بدنه دولتی با نظام اقتصادی سرچشمه همه مشکلات اقتصادی معرفی می‌شود» (مالجو، ۱۳۸۴: ۱). عموماً سه دلیل اصلی برای تأثیرگذاری منفی بزرگ شدن بیش از اندازه دولت بر رشد اقتصادی ذکر می‌شود (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۳):

الف) افزایش مالیات‌ها و استقراض بیشتر دولت برای تأمین هزینه‌های «دولت بزرگ»، موجب کاهش منابع مالی و نیز کاهش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های با بهره‌وری بالاتر می‌شود.

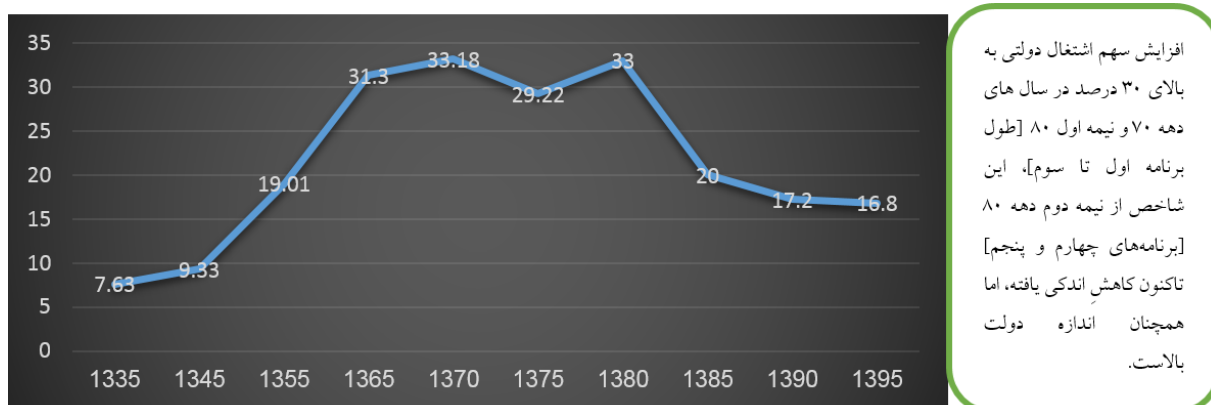
ب) بازدهی نزولی در فعالیت‌های «دولت بزرگ»، موجب تخصیص غیربهبینه و اتلاف بخشی از منابع موجود در اقتصاد می‌شود.

ج) واکنش آهسته بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی برای جبران اشتباهات، انطباق با تغییرات محیط فعالیت، دریافت اطلاعات جدید و استفاده از نوآوری‌ها نیز کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

اندازه دولت در اقتصاد ایران، طی چند دهه اخیر متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ و رشد قیمت‌ها دستخوش نوساناتی بوده است. به‌خصوص وابستگی منابع مالی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام در این دوره، تأثیر مستقیمی بر ایجاد ساختار دولتی اقتصاد و گسترش اندازه دولت داشته است. هم‌زمان، نوسانات یا تکان‌های جهانی قیمت نفت نیز اسباب بی‌ثباتی اقتصاد و تشدید مداخلات دولت در اقتصاد ایران را فراهم کرده است. در این بخش از گزارش، برای بررسی

اندازه دولت در ایران^۱ از دو شاخص: (۱) نسبت شاغلان بخش دولتی به کل شاغلان کشور و (۲) نسبت هزینه‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی؛ شامل سه شاخص اندازه دولت مرکزی، اندازه دولت عمومی و اندازه بخش عمومی استفاده می‌شود.

شاخص اشتغال بخش دولتی به کل اشتغال کشور در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ روندی صعودی داشته و نشان می‌دهد این شاخص از ۷٫۶۳ در سال ۱۳۳۵ به ۱۶٫۸ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نمودار ۱۱ نشان می‌دهد پس از افزایش سهم اشتغال دولتی به بالای ۳۰ درصد در سال‌های دهه ۷۰ و نیمه اول ۸۰، از نیمه دوم دهه ۸۰ تاکنون کاهش یافته، اما همچنان طبق این شاخص می‌توان گفت اندازه دولت در ایران بالاست.



نمودار ۱۱: شاخص اشتغال بخش دولتی به کل اشتغال کشور در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

منبع: گزارش معاونت منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰؛ وبسایت اقتصاد آنلاین، ۲ آذر ۱۳۹۶

پژوهشگران برای سنجش اندازه دولت عمدتاً ترجیح می‌دهند از نسبت هزینه‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی استفاده کنند که شامل سه شاخص اندازه دولت مرکزی^۲، اندازه دولت عمومی^۳ و اندازه بخش عمومی^۴ می‌شود. طبق قوانین بودجه، دولت مرکزی در ایران شامل وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است. دولت عمومی همه واحدهای دولتی و همه مؤسسات غیرانتفاعی غیربازاری که توسط واحدهای دولتی کنترل و تأمین مالی می‌شوند را دربر می‌گیرد و شامل شرکت‌های عمومی یا شبه‌عمومی نمی‌شود. بخش عمومی فراگیرترین سطح دولت در اقتصاد است و طبق تعریف قانون بودجه، شامل دولت مرکزی، سازمان‌های تأمین اجتماعی، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها (شامل بانک مرکزی)، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی می‌شود.^۵

۱. برای بررسی اندازه دولت در ایران تحقیقات متعددی انجام شده که در این گزارش به برخی از آن‌ها استناد شده است از جمله:

- بازمحمدی، حسین و اکبر چشمی (۱۳۸۵). «اندازه دولت در اقتصاد ایران». اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی، گزارش شماره ۲۹.

- کمیحانی، اکبر و روح‌الله نظری (۱۳۸۸). «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران». پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره ۳.

- مالجو، محمد (۱۳۸۴). «کوچک‌سازی دولت در ایران: منطق قدرت یا خطابه حقیقت؟». گفتگو، شماره ۴۵.

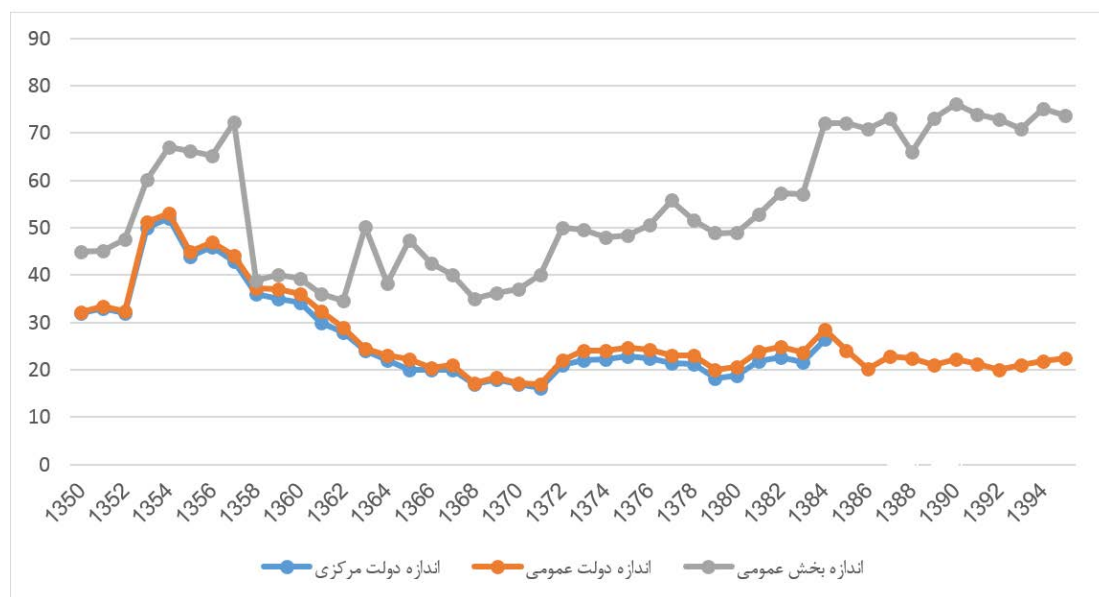
2. Central Government

3. General Government

4. Public Sector

۵. برای بررسی دقیق‌تر تعاریف و محاسبات این بخش از گزارش، نگاه کنید به: بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵.

نمودار ۱۲، معرف روند شاخص اندازه دولت در ایران است و افزایش در اندازه دولت را در یک بازه زمانی ۴۰ ساله بعد از انقلاب (و در طول سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه) تأیید می‌کند. به‌طور خاص در نمودار ۱۶ که معرف اندازه دولت مرکزی، اندازه دولت عمومی و اندازه بخش عمومی در دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۵ است؛ ملاحظه می‌شود اندازه دولت در دوره رونق درآمدهای نفتی (۱۳۵۲-۱۳۵۷) افزایش یافته و پس از کاهش در دهه جنگ، دهه ۱۳۷۰ و نیمه اول ۱۳۸۰، در سال‌های برنامه چهارم و پنجم (پس از چشم‌انداز) مرتب افزایش یافته است. به‌عبارت‌دیگر، اندازه دولت در ایران از دوره جنگ به بعد و در طول تمام سال‌های برنامه‌های توسعه (اول تا پنجم) روندی افزایشی داشته است (جدول ۱۷ و نمودارهای ۱۶ تا ۱۹).



نمودار ۱۲: مقایسه اندازه دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش عمومی در ایران (دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۵)
منبع: بانک مرکزی، محاسبات از: بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵ (قبل از ۱۳۸۴) و اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶/۱۰/۲ (بعد از ۱۳۸۵)

جدول ۱۷: مقایسه اندازه دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش مرکزی در ایران در برنامه‌ها و دوره‌های منتخب بعد از انقلاب اسلامی

دوره شاخص	دوره رونق درآمدهای نفتی	دوره انقلاب و جنگ	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
اندازه دولت مرکزی	۴۵,۱	۲۷,۳	۱۷,۴	۲۲,۱	۲۰,۶	سال اول برنامه: ۲۶,۴	-
اندازه دولت عمومی	۴۵,۶	۲۸,۲	۱۸,۸	۲۳,۸	۲۲,۶	۲۳,۶۳	۲۲,۲۴
اندازه بخش عمومی	۶۳,۱	۴۰,۸	۳۹,۳	۵۰,۶	۵۳	۷۰,۹	۷۲,۸۶

منبع: بانک مرکزی، محاسبات از: بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵ (قبل از ۱۳۸۴) و اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶/۱۰/۲ (بعد از ۱۳۸۵)

در اینجا از نگاه برنامه‌ریزی توسعه که مطالعه تطبیقی و بین‌کشوری شاخص‌ها را برای ارزیابی دقیق آن‌ها به‌عنوان پیش‌فرض پذیرفته؛ دو نکته را مطرح می‌کنیم:

نخست، باید به مقایسه اندازه دولت میان کشورهای مختلف و مطالعه رابطه آن با کارآمدی اقتصادی توجه داشت. جدول ۱۸، اندازه دولت مرکزی در کشورهای مختلف جهان در سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۷۵ را نشان می‌دهد (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۴۸). بر اساس این جدول، اندازه دولت در ایران کوچک‌تر از برخی کشورهای OECD (انگلستان، فرانسه...)، اسکاندیناوی (نروژ) و دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا (مالزی) است؛ بنابراین، «دولت بزرگ» لزوماً با نقش توسعه‌گرایی تباین ندارد و نظام‌های رفاه اسکاندیناوی که به‌اصطلاح از دولت‌های بزرگ برخوردار بوده‌اند؛ از دهه ۱۹۹۰ به بعد همواره در شاخص‌های اقتصادی توسعه وضعیت مطلوبی داشته‌اند.

جدول ۱۸: مقایسه اندازه دولت مرکزی در میان کشورهای منتخب (۱۹۷۵-۲۰۱۵)

دوره	کشور	۱۹۷۵	۱۹۸۱	۱۹۸۶	۱۹۹۱	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
ایران	۴۸	۳۶	۲۳	۲۰	۱۹	۱۹	۲۳	۲۴	۲۱٫۲	۲۱٫۸
کانادا	۲۱	۲۱	۲۴	۲۶	۲۵	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷٫۴	۱۸
فرانسه	۳۶	۳۹	۴۴	۴۲	۴۶	۴۶	۴۸	۴۷	۴۶٫۹	۴۵
انگلستان	۳۹	۳۸	۴۰	۳۷	۴۱	۳۶	۳۸	۴۰	۴۱٫۸	۴۱
لهستان	-	-	۴۵	-	۴۰	۳۳	۳۶	-	۳۵٫۳	۳۳
مجارستان	-	-	۵۳	۵۲	۵۱	۴۱	۴۵	۴۴	۴۳٫۴	۴۲
ترکیه	۱۷	۲۱	۲۰	۱۷	۲۲	۳۹	۵۰	-	-	-
کره	۱۶	۱۷	۱۶	۱۶	۱۷	۱۹	۲۰	-	-	-
مالزی	۲۵	۲۸	۲۹	۲۹	۲۲	-	۲۸	-	۲۱٫۷	۲۲
مکزیک	۱۵	۱۶	۲۳	۱۸	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	-	-
نروژ	۳۱	۳۴	۴۱	۳۴	۳۹	۳۳	۳۴	۳۸	۳۵٫۳	۳۳٫۲

منبع: داده‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۴ گردآوری شده از IFS, GFS, WDI در: بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۴ و داده‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ در: فیض‌پور و رضانی، ۱۳۹۶

دوم، سیاست کوچک‌سازی دولت در ایران پس از آن‌که «اندازه بزرگ دولت» را «معضل» تشخیص می‌دهد، عمدتاً شامل حال آن قسمت از بدنه دولت می‌شود که پاسخگویی به مطالبات و خدمات عمومی را بر عهده دارد؛ یعنی در اینجا جهت‌گیری دولتی به سمت کاهش حمایتگری اجتماعی سوق می‌یابد و آن بخش از هزینه‌های دولت که معطوف به انباشت سرمایه توسط گروه‌های ذینفع است؛ اغلب مسکوت می‌ماند. به‌واقع، مباحثه بر سر اندازه بهینه دولت تا جایی که ابعاد منازعه بر سر منافع اقتصادی طبقات مختلف جامعه

به صورت آشکار مورد بررسی و داوری قرار نگیرد؛ از بی‌طرفی علمی خارج بوده و باید به سایر شاخص‌های اقتصادی توسعه نیز نظر داشت.

۲-۱-۵- روند اشتغال و بیکاری

اشتغال یکی از پایه‌های بنیادین اقتصاد است که پیچیدگی‌های آن در دنیای امروز، در کانون توجه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران توسعه قرار دارد و در روی دیگر سکه، بیکاری به‌مثابه یک پدیده مخرب اقتصادی-اجتماعی، پیامدهای مختلفی از جمله فقر، افزایش فاصله طبقاتی و آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد. اهمیت اشتغال در ایجاد ثبات اقتصادی، موضوعی غیر قابل انکار است؛ چراکه منجر به افزایش رفاه عمومی، توسعه همه‌جانبه و پایداری و قوام جامعه می‌شود.

در این بخش از گزارش، داده‌های مربوط به نرخ بیکاری و روندهای اشتغال در کشور ارائه می‌شود و مورد مقایسه قرار می‌گیرد.^۱ پیش از تحلیل داده‌ها، ذکر چند نکته لازم است: نخست، هدف‌گذاری بیشتر برنامه‌های توسعه کشور برای رساندن نرخ بیکاری زیر ۱۰ درصد بوده؛ اما شایان توجه است که در بیشتر سال‌های ۱۳۸۴ یا ۲۰۰۵ به بعد، ایران یکی از کشورهای دارای نرخ بیکاری بالا در مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز است. دوم، اشتغال‌زایی هدف محوری دولت‌های یازدهم و دوازدهم بوده، اما کاملاً واضح است که معیارهای اشتغال هنوز به‌طور مشخص تعریف نشده و نیز، به‌رغم کاهش تعداد جمعیت بیکار در سرشماری سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰، بهبود شاخص بیکاری تنها با تلاش دولت مسیر نیست، بلکه از یک سوی، از دینامیسم‌های اقتصادی و دوره‌های رکود و رونق اقتصادی در سطح جهان متأثر بوده و از سوی دیگر، نیازمند بازساخت اقتصادی کشور و فعال کردن زنجیره کسب‌وکارها است.

الف) شاخص بیکاری: شاخص بیکاری در کنار تورم و رشد اقتصادی، سه شاخص اصلی در برنامه‌های توسعه است. جدول ۱۹، هدف‌گذاری و عملکرد شاخص بیکاری را در برنامه‌های اول تا ششم توسعه نشان می‌دهد. عملکرد بیکاری در پایان برنامه اول به ۱۱,۵ درصد رسید که بهتر از هدف‌گذاری ۱۲,۶ درصدی بود. همچنین طبق اهداف برنامه دوم توسعه، باید نرخ بیکاری به ۱۲,۶ درصد کاهش می‌یافت؛ در حالی که عملکرد آن ۱۳ درصد را نشان می‌دهد. نرخ بیکاری در پایان برنامه سوم به کمتر از میزان هدف‌گذاری شده رسید (هدف‌گذاری بر ۱۰,۷ تا ۱۲,۶ و عملکرد برنامه ۱۲ درصد). طبق هدف برنامه چهارم توسعه، نرخ بیکاری باید در پایان سال سوم به ۱۰,۱ درصد کاهش می‌یافت، در صورتی که عملکرد آن ۱۱,۱ درصد شد.

۱. چنانچه در بخش‌های قبلی نیز ذکر شد، داده‌های مربوط به شاخص‌های توسعه که در این گزارش به آن‌ها استناد شده، عمدتاً برآمده از اسناد و قوانین برنامه‌های توسعه و سایر گزارش‌های تخصصی سازمان برنامه و بودجه کشور است. سایر منابع مورد استناد در این گزارش عبارتند از:

- گزارش‌ها، جداول و نمودارهای درگاه ملی آمار، مرکز آمار ایران.
- گزارش‌های تحلیلی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- گزارش‌ها، جداول و نمودارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور.
- داده‌های استراتژیک مراکز توسعه‌ای بخش خصوصی، مانند موسسه بین‌المللی پردازش اطلاعات نقش کلیک، قابل دسترس در:

- گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی توسعه مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، مجمع جهانی اقتصاد، آنکتاد و غیره.

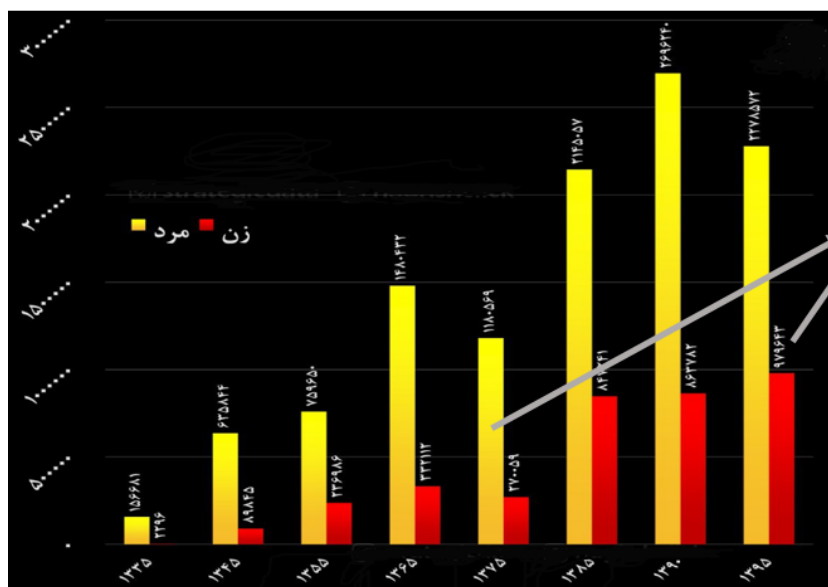
نهایتاً اینکه عملکرد نرخ بیکاری ۱۱,۳ درصد در برنامه پنجم و هدف‌گذاری بر ۷ درصد بود که نوعی گسست در دستیابی به هدف را نشان می‌دهد. هدف‌گذاری برنامه ششم نیز بر رساندن نرخ بیکاری از ۱۲,۶ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۸,۶ درصد در سال ۱۴۰۰ و متوسط ۹,۴ درصدی در طول برنامه ششم است (مجموعه قوانین برنامه ششم توسعه کشور، ۷۳).

جدول ۱۹: هدف‌گذاری و عملکرد شاخص بیکاری در برنامه‌های اول تا ششم توسعه

عملکرد نرخ بیکاری (درصد)		هدف‌گذاری نرخ بیکاری (درصد)		برنامه
منبع: گزارش عملکرد برنامه‌های اول تا پنجم توسعه	۱۱,۵	منبع: مستندات برنامه‌های اول تا ششم توسعه، سازمان برنامه و بودجه کشور	۱۲,۶	اول
	۱۳ (چهار سال آخر برنامه دوم ۱۲ درصد)		۱۲,۶	دوم
	۱۲		۱۲,۶	سوم
	۱۱,۱		۱۰,۱	چهارم
	۱۱,۳		۷	پنجم
منبع: مرکز آمار ایران	سال اول برنامه ششم (۱۳۹۶): ۱۲,۱		۹,۴	ششم

مطالعه روند بیکاری از بابت نشان دادن شکاف‌های منطقه‌ای، جنسیتی و نسلی مهم در این شاخص حائز اهمیت است. بررسی تعداد بیکاران کشور در دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵ حاکی از افزایش تعداد بیکاران فراتر از رشد جمعیت است. تعداد بیکاران کشور از ۱۵۸۹۷۷ در سال ۱۳۳۵ به ۳۲۵۸۲۱۵ در سال ۱۳۹۵ فزونی یافته، یعنی حدود ۲۰ برابر شده؛ در حالی که در همین دوره زمانی جمعیت کشور بیش از ۴ برابر شده و از حدود ۱۹ میلیون نفر به بیش از ۷۹ میلیون نفر افزایش یافته است (نمودار ۱۳). در واقع تعداد بیکاران به‌استثنای دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ (حدوداً نیمه دوم جنگ تا پایان برنامه اول) و همچنین دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (برنامه پنجم)^۱، روندی صعودی داشته است. در حال حاضر، به‌رغم کاهش کلی تعداد بیکاران طی دوره پنج‌ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، تعداد زنان بیکار از ۸۶۳۷۸۲ نفر در سال ۹۰ به ۹۷۹۶۴۳ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که از رشد شکاف نرخ بیکاری در مردان و زنان کشور حکایت دارد.

۱. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ حاکی از نرخ بیکاری به ترتیب ۱۴,۸ و ۱۲,۶ درصدی در سطح کشور است.

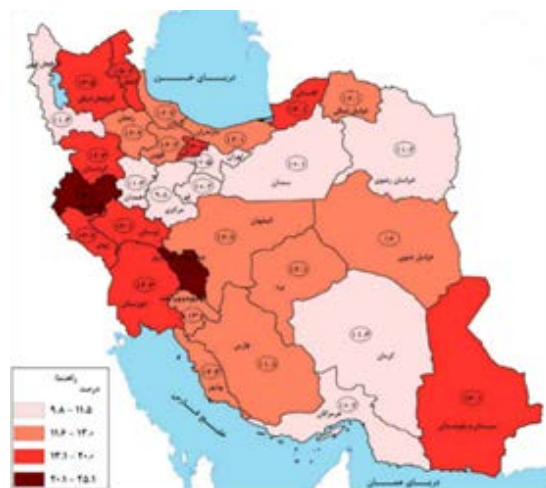


● روند کاهشی نرخ بیکاری در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ (حدوداً) نیمه دوم جنگ تا پایان برنامه اول) و همچنین دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (برنامه پنجم) مشاهده می‌شود و در بقیه سرشماری‌ها و دوره‌ها، همواره روند بیکاری افزایشی بوده است.

نمودار ۱۳: تعداد زنان و مردان بیکار در کشور طی ۶۰ سال اخیر

منبع: مرکز آمار ایران

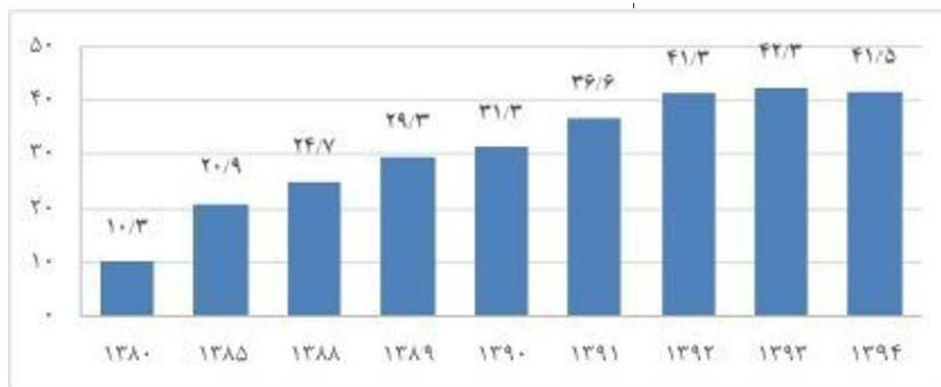
از سوی دیگر، نرخ بیکاری در استان‌ها با مسئله برابری و نابرابری استانی- منطقه‌ای در دستیابی خدمات شغلی ارتباط دارد. نمودار ۱۴، درصد بیکاری استان‌ها در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ را در مقایسه با متوسط کشوری این سرشماری (۱۲,۶ درصد) بازگو می‌کند. نرخ بیکاری در دو استان کرمانشاه و چهارمحال و بختیاری به ترتیب ۲۵ و ۲۱ درصد، یعنی بسیار بالاتر از متوسط بیکاری کشوری در سال ۱۳۹۵ است. همچنین نرخ بیکاری استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، ایلام، کردستان، لرستان و گلستان بالاتر از متوسط کشوری و میزان بیکاری استان‌های تهران، قم، مرکزی، رضوی و سمنان پایین‌تر از متوسط کشوری است.



نمودار ۱۴: نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۹۵

منبع: سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵

در عین حال باید به سهم بیکاران دارای مدرک دانشگاهی و سهم گروه سنی جوان از بیکاری، به‌خصوص در دو دهه اخیر نیز توجه داشت. مطابق نمودار ۱۵، نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که عمدتاً در سال‌های اخیر به سمت تحصیلات تکمیلی نیز حرکت کرده‌اند- از ۱۰,۳ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۴۱,۵ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین نمودار ۱۶ نشان می‌دهد در طول دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ (در سال‌های برنامه پنجم)، بیشترین جمعیت بیکار در گروه سنی ۲۰ تا ۳۴ ساله کشور قرار دارد.

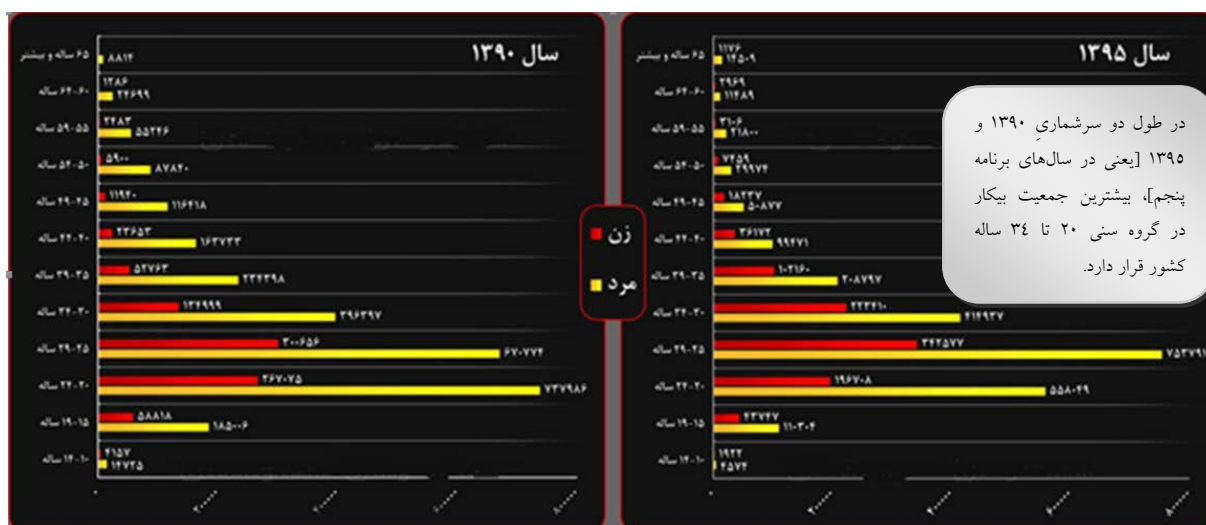


افزایش نرخ بیکاری در میان دارندگان مدرک دانشگاهی به‌خصوص در دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۴ (سال‌های برنامه‌های چهارم و پنجم): مسئله بیکاری دانشگاهیان با پوشش‌های آموزش عالی کشور و نیز کیفیت دانشگاه‌های محل تحصیل در هم تنیده است.

نمودار ۱۵: سهم بیکاران دارای مدرک دانشگاهی از کل بیکاران کشور^۱

منبع: مرکز آمار ایران: سالنامه آماری، ۱۳۹۴، در تسنیم، ۲۵ آذر ۱۳۹۶

۱. به‌واقع، بخش مهمی از دلایل بیکاری افراد دارای تحصیلات تکمیلی به تقاضای بازار برمی‌گردد، اما کیفیت تحصیل در دانشگاه‌های مرجع نیز در این زمینه حائز اهمیت است. بخش زیادی از بیکاران این گروه را، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تراز پایین که در دهه اخیر رشد تصاعدی یافته، تشکیل می‌دهند و مثلاً بیکاری تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های برتر کشور مانند دانشگاه شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی اصفهان و غیره کمتر است. مسئله بیکاری دانشگاهیان با پوشش‌های آموزش عالی کشور در هم تنیده است.



نمودار ۱۶: افراد بیکار در کدام گروه‌های سنی قرار دارند؟

منبع: سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵

کاهش نابرابری‌های بیکاری در استان‌ها، گروه‌های سنی و جنسی و گروه‌های منزلتی (دانشگاهیان) که موتور محرک اقتصاد و جامعه هستند؛ برآیندی از تصمیم‌سازی و هدف‌گذاری نهادهای مسئول است و تنها با تلاش دولت مسیر نمی‌شود. در عین حال، از دینامیسم‌های اقتصادی و دوره‌های رکود و رونق اقتصادی در سیستم جهانی متأثر بوده و مواجهه با بیماری مزمن بیکاری، نیازمند بازساخت اقتصادی و فعال کردن زنجیره کسب‌وکارها است. رساندن نرخ بیکاری به ۸,۵ در پایان برنامه ششم، همانند با هدف‌گذاری بر نرخ رشد ۸ درصدی و نیازمند اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان و رویکرد توسعه برون‌گرا است.

ب) شاخص اشتغال: اهمیت اشتغال در ایجاد ثبات اقتصادی، موضوعی غیر قابل انکار است؛ چراکه منجر به افزایش رفاه عمومی، توسعه همه‌جانبه و پایداری و قوام جامعه می‌شود. نمودار ۱۷، روند اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور را به تفکیک جنسیت در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که مطابق آن اشتغال از ۹۷,۵ در سال ۱۳۳۵، به ۸۷,۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. مطابق نمودار و با توجه به پویای اشتغال در سال‌های پس از انقلاب، ذکر چند نکته ضروری است:

۱- در دهه انقلاب و جنگ، نرخ اشتغال کل (زنان و مردان) روند کاهشی را نشان می‌دهد که برآیندی از شرایط جنگی در کشور بود. از سال ۱۳۶۵ به بعد نرخ اشتغال اندکی بهبود یافت.

۲- افزایش نرخ اشتغال در برنامه اول و سال‌های ابتدایی برنامه دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۵) و نیز روند کاهشی نرخ اشتغال در نیمه دوم برنامه دوم و برنامه سوم (۱۳۷۵-۱۳۸۴) در نمودار ۱۷ مشاهده می‌شود.

۳- از سال ۱۳۸۴ به بعد (برنامه‌های چهارم و پنجم) نرخ اشتغال کل (متوسط نرخ اشتغال زنان و مردان) بهبود را نشان می‌دهد. ذکر این نکته لازم است که چنانچه تفکیک جنسیت را در نظر بگیریم، نرخ اشتغال زنان در تمام دوره بعد از انقلاب اسلامی؛ به‌خصوص دوره بعد از ۱۳۸۴ تاکنون، پایین‌تر از اشتغال مردان

است.



نمودار ۱۷: درصد افراد شاغل در کشور در دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ایران، پردازش شده در: www.naghsheclick.com

همچنین در این دوره زمانی، درصد جمعیت شاغل کشور برحسب گروه‌های عمده فعالیت نیز تغییرات اساسی کرده؛ به طوری که می‌توان به افزایش شاغلان بخش خدمات به خصوص در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی (دوره جنگ و در طول برنامه‌های توسعه)، اشاره کرد (نمودار ۱۸). روند طبیعی صنعتی‌شدن و مهاجرت روستا به شهر در کاهش مشاغل بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها در چهار دهه اخیر مؤثر بوده و جای بحث چندانی ندارد. اما رشد سریع بخش خدمات در کشور نسبت به بخش صنعت (در حالی که توسعه صنعتی در کشور کاملاً محقق نشده) برخلاف منطق توزیع اشتغال بین بخش‌های اقتصادی در کشورهای نوظهور است. در تجربه جهانی توسعه، هیچ کشوری بدون یک بنیه صنعتی مستحکم و تنها با توجه به گسترش بخش خدمات، توسعه نیافته است. بنابراین، گسترش حوزه خدمات باید با توسعه بخش صنعت همگام باشد تا معمای توسعه در کشور دچار پیچیدگی بیشتر نشود.

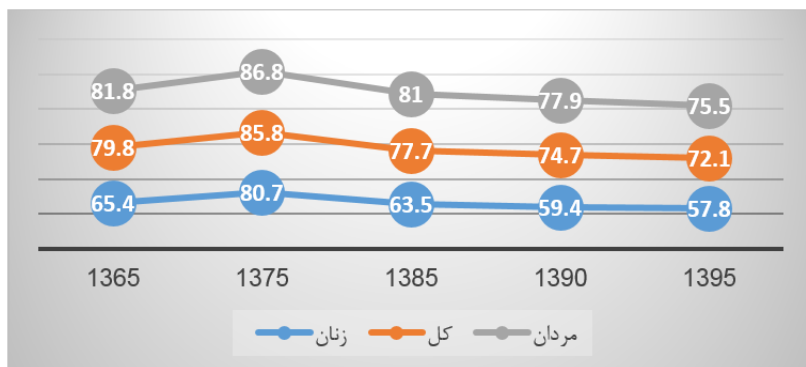


مطابق نمودار شتاب اشتغال در بخش خدمات، پس از سال‌های انقلاب اسلامی [به‌خصوص پس از دهه جنگ و طول برنامه‌های توسعه] اتفاق افتاد و رشد اشتغال بخش صنعت نیز مربوط به همین بازه زمانی است.

نمودار ۱۸: رشد شدید شاغلان در بخش خدمات و کاهش شاغلین در بخش کشاورزی

منبع: مرکز آمار ایران، پردازش شده در: www.naghshelick.com

به پیچیدگی روندهای اشتغال در کشور باید نرخ پایین اشتغال جوانان نسبت به متوسط اشتغال کل جمعیت کشور و افزایش میانگین سهم شاغلان ۱۰ تا ۱۸ ساله به کل شاغلان کشور را در دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ اضافه کرد (نمودار ۱۹). روند کاهشی نرخ اشتغال جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) کشور به تفکیک جنس در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد اشتغال جوانان در سه دهه اخیر (دهه جنگ و طول برنامه‌های توسعه) به‌مثابه فعال‌ترین گروه سنی جامعه، پایین‌تر از متوسط اشتغال کشوری قرار دارد. همچنین درصد زنان جوان شاغل نیز پایین‌تر از مردان جوان شاغل است که نیازمند برنامه‌ریزی برای کاهش شکاف جنسیتی است.



اشتغال جوانان در سه دهه اخیر [دهه جنگ و طول برنامه‌های توسعه] به مثابه فعال‌ترین گروه سنی جامعه پایین‌تر از متوسط اشتغال کشوری قرار دارد.

نمودار ۱۹: روند نرخ اشتغال جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) کشور به تفکیک جنس در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ایران، پردازش شده در گزارش

۲-۱-۶- تورم

وضعیت شاخص‌های اقتصادی از جمله رشد، درآمد سرانه و بیکاری، پس از در نظر گرفتن موقعیت آن‌ها نسبت به افزایش شاخص متوسط قیمت کالاها و خدمات مصرفی (نرخ تورم)، معنی‌دار خواهد بود. در جدول ۲۰، هدف‌گذاری و عملکرد نرخ تورم در برنامه‌های اول تا ششم توسعه ارائه شده است. مطابق داده‌های جدول، عملکرد تورم به‌استثنای برنامه سوم، در تمامی برنامه‌های توسعه از میزان هدف‌گذاری شده پایین‌تر است. در برنامه پنجم توسعه نیز، به‌رغم کاهش نرخ تورم و تکریمی شدن آن در سال ۱۳۹۵، متوسط نرخ تورم برنامه پنجم، ۲۱ درصد و بالاتر از میزان هدف‌گذاری بود.

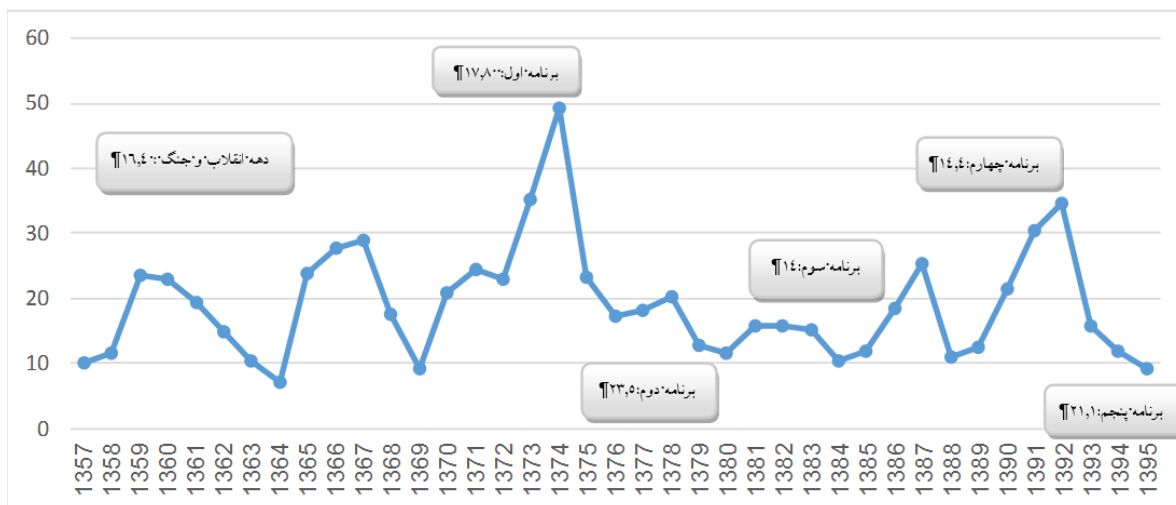
جدول ۲۰: هدف‌گذاری و عملکرد نرخ تورم در برنامه‌های اول تا ششم توسعه - سال پایه ۱۳۹۵

عملکرد نرخ تورم (درصد)		هدف‌گذاری نرخ تورم (درصد)		برنامه
منبع: محاسبات بر مبنای داده‌های حساب‌های ملی بانک مرکزی	۱۷,۸	منبع: مستندات برنامه‌های اول تا ششم توسعه، سازمان برنامه و بودجه کشور	۱۴,۴	اول
	۲۳,۵		۱۲,۴	دوم
	۱۴		۱۵,۹	سوم
	۱۴,۴		۹,۹	چهارم
	۲۱,۱		۱۲	پنجم
منبع: بانک مرکزی	سال اول برنامه ششم ۹,۶: (۱۳۹۶)		۸,۸	ششم

منبع: اسناد برنامه‌های اول تا ششم توسعه، داده‌های بانک مرکزی

نمودار ۲۷، تغییرات نرخ تورم کشور بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در یک دوره زمانی ۴۰ ساله (۱۳۹۵-۱۳۵۷) و به صورت سالیانه نشان می‌دهد. مطابق نمودار ۱۵، کشور در دهه جنگ تحمیلی - البته به‌استثنای شوک نفتی سال ۱۳۶۵ که نرخ تورم را به بالای ۲۵ درصد رساند - یکی از پایین‌ترین نرخ‌های تورم بعد از انقلاب را تجربه کرد.^۱ در دهه‌های بعد از جنگ تحمیلی، به دلیل سیاست‌های تعدیلی و ضرورت‌های بازساخت اقتصادی در نیمه دوم دهه ۷۰، نرخ تورم حتی به بالای ۴۰ درصد نیز رسید. جهش بعدی در نرخ تورم سال‌های تحریم هسته‌ای، به‌خصوص سال ۱۳۹۲ و تورم ۳۵ درصدی بود. در بقیه سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ (در طول برنامه‌های اول تا پنجم) نرخ تورم در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد نوسان داشته است (نمودار ۲۰).

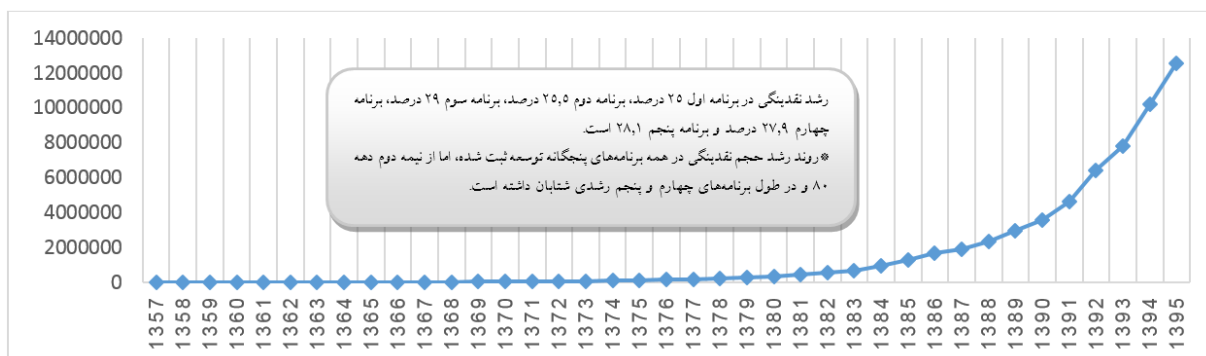
۱. نرخ تورم دوره جنگ به‌خصوص سال‌های ۱۳۶۳ (۱۰,۴) و ۱۳۶۴ (۶,۹) نشان می‌دهد، کشور در این برهه یکی از پایین‌ترین نرخ‌های تورم را در مقایسه با سال‌های بعد از جنگ تجربه کرده است. نکته قابل توجه در دوران جنگ تحمیلی، سیر نزولی نرخ تورم به‌استثنای دو سال پایانی جنگ است.



نمودار ۲۰: تغییرات نرخ تورم کشور بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۵

کاهش نرخ تورم به منظور تثبیت سایر شاخص‌های توسعه، نقش کلیدی دارد و تورم بالا، معمولاً با ایستایی رشد اقتصادی و افزایش بیکاری همزمان است. به عنوان مثال، می‌توان ایجاد وضعیت رکود تورمی در کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را شاهد مثال آورد. هدف‌گذاری برنامه ششم بر تثبیت نرخ تورم در ۸٫۸ درصد تا ۱۴۰۰ است. اگر این هدف تحقق یابد، گام بزرگی در تثبیت وضعیت اقتصادی کشور برداشته شده است.^۱ زمانی که بررسی تطبیقی نرخ تورم در ایران و سایر اقتصادهای نوظهور و دولت‌های توسعه‌گرا مطرح نظر باشد؛ در بیشتر سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، ایران یکی از ۱۰ کشور دارای بالاترین تورم بوده است. تورم در دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ در کشورهای ثروتمند اروپای غربی و آمریکای شمالی، حدود ۲ درصد (پیکتی، ۱۳۹۶:۱۵۹) و در اقتصادهای نوظهور زیر ۸ درصد بوده است. به‌واقع، نوسانات بالا و تکانه‌های شدید نرخ تورم در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۷۰ یعنی سال‌های تثبیت تورم در اقتصادهای نوظهور، آسیب زیادی به کشور وارد کرده است. تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد تا پایان برنامه ششم، مستلزم تثبیت نرخ تورم در میانگین ۷٫۵ در دوره طول دوره برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰) و کاستن از حجم مداوم نقدینگی در اقتصاد کشور است (نمودار ۲۱).

۱. متأسفانه تحریم جدید آمریکا و خروج این کشور از برجام، بر این هدف سایه افکنده است.

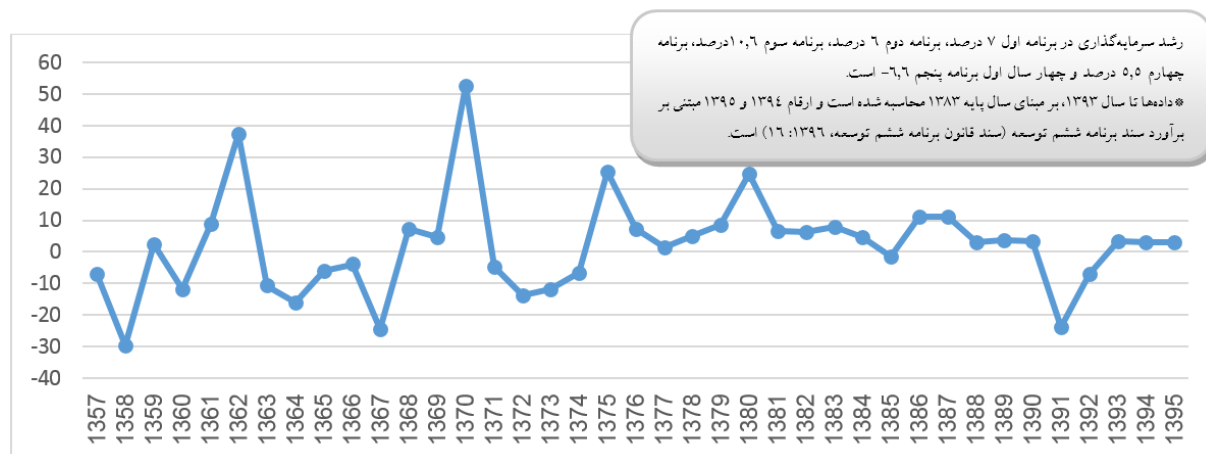


نمودار ۲۱: حجم نقدینگی کشور در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۵

منبع: بانک مرکزی ایران

۲-۱-۷- شاخص رشد سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه مستقیم خارجی (FDI)

شرایط فعلی کشور در زمینه سرمایه‌گذاری، عمدتاً متأثر از تحولات اقتصاد در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ است. از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ (پس از برنامه چهارم و نیمه اول برنامه پنجم)، درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی بدون توجه به الزامات تنوع‌بخشی، ظرفیت اقتصاد را برای مقاومت در برابر تکانه‌های برون‌زا محدود کرد. نمودار ۲۲، تأثیر نوسانات رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۵ بر رشد سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد که مطابق با آن، پس از روند مطلوب سرمایه‌گذاری در سال‌های پس از جنگ تا نیمه اول دهه ۱۳۸۰، رشد پایین اقتصاد و رکود تورمی در سال ۱۳۹۱ و نیمه اول ۱۳۹۲، منجر به افت سرمایه‌گذاری شد.



نمودار ۲۲: عملکرد رشد سرمایه‌گذاری طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۵

منبع: بانک مرکزی ایران

اکثر متخصصان و برنامه‌ریزان اقتصادی، به‌خصوص با توجه به گفتمان توسعه حاکم بر دولت دوازدهم بر این باور هستند که تحرک در شاخص‌های توسعه کشور از جمله اشتغال و رونق فضای کسب‌وکار مستلزم رشد سرمایه‌گذاری، به‌ویژه جذب سرمایه خارجی است. سرمایه خارجی سالانه مورد نیاز در تحرک بخشی به توسعه

کشور تا پایان برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، ۹۰ میلیارد دلار برآورد شده که با رشد اقتصادی در هدف چشم‌انداز، یعنی متوسط ۸ درصد در سال ملازمت دارد.

اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه کشورها، به واسطه تجربه توسعه در هسته مرکزی دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا^۱ و اقتصادهای نوظهور تأیید شده و حتی نظریه پردازان نظام جهانی و متفکران وابستگی جدید نیز بر اهمیت ایجاد پیوندهای فراملیتی در «توسعه وابسته»^۲ متفق‌القول هستند.

جدول ۲۱ و نمودار ۲۳، روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را در دوره پس از چشم‌انداز (۱۳۸۴ تاکنون) و در دوره برنامه‌های چهارم و پنجم) نشان می‌دهد. داده‌ها مربوط به دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ میلادی و مستخرج از گزارش آنکتاد در سال ۲۰۱۷ است و روند شاخص FDI را در ایران و در مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز (ترکیه، امارات، عربستان) و هند نشان می‌دهد. مقایسه ایران و کشورهای منطقه چشم‌انداز (ترکیه، امارات، عربستان) و اقتصاد نوظهوری مانند هند نشان می‌دهد، هنوز پتانسیل زیادی برای جذب سرمایه خارجی در کشور وجود دارد.

جدول ۲۱: روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ در مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز

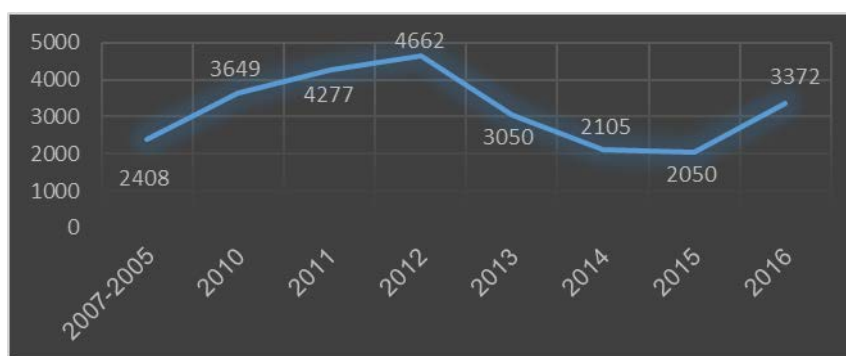
کشور/ سال	۲۰۰۷-۲۰۰۵	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
ایران	۲۴۰۸	-	-	۳۶۴۹	۴۲۷۷	۴۶۶۲	۳۰۵۰	۲۱۰۵	۲۰۵۰	۳۳۷۲
هند	-	-	-	-	-	۲۴۱۹۶	۲۸۱۹۹	۳۴۵۸۲	۴۴۲۰۸	-
ترکیه	۱۷۴۲۱	-	-	-	-	۱۳۲۸۴	۱۲۷۷۱	۱۲۴۵۸	۱۷۲۵۹	۱۱۹۸۱
امارات	-	-	-	-	-	۸۸۲۸	۹۴۹۱	۱۰۸۲۳	۱۰۹۷۶	-
عربستان	-	-	-	-	-	۱۲۱۸۲	۸۸۶۵	۸۰۱۲	۸۱۴۱	-
پاکستان	۴۰۲۱	-	-	-	-	-	۱۳۳۳	۱۸۶۷	۱۲۸۹	۲۰۰۶

منبع: UNCTAD, World Investment Development, 2016 and 2017

1. Central Core of East Asian Developmental States

۲. Dependent Development: برای بحث بیشتر درباره امکان توسعه در پیوند با پویای سیستم جهانی و پیوندهای سرمایه فراملیتی نگاه کنید به:

اوانز (۱۳۸۰) و کاردوسو و فالتو (۱۹۷۹).



نمودار ۲۳: روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶

منبع: UNCTAD, World Investment Development, 2016 and 2017

همچنین با اینکه روند افزایشی جذب FDI در سال ۲۰۱۶ صورت گرفته؛ اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد نیاز برای رشد ۸ درصدی تا پایان برنامه ششم، ۹۰ میلیارد دلار برآورد شده و جذب این میزان سرمایه خارجی با روند فعلی اقتصاد کشور همخوانی ندارد. بنابراین، اصلاحات نهادی و امنیت سرمایه‌گذاری، اصلی‌ترین ضرورت‌های جذب سرمایه مورد نیاز تا پایان برنامه ششم است.

۲-۱-۸- سایر شاخص‌های اقتصادی

رتبه‌بندی کشورها از منظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، به‌منظور یافتن تصویری شفاف از جایگاه آن‌ها در فضای جهانی، موضوعی است که سازمان‌های بین‌المللی مختلف به‌خصوص در چند سال اخیر به آن توجه دارند. بر اساس ارزیابی منتشرشده از سوی معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد، ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ (۲۰۱۶-۲۰۱۳) توانسته از میان ۱۳ شاخص در ۱۱ شاخص بین‌المللی، ارتقای رتبه را تجربه کند. این ۱۱ شاخص عبارتند از: نوآوری جهانی، سهولت کسب‌وکار، ریسک اعتباری-تجاری، آزادی اقتصادی، عملکرد لجستیکی، فلاکت اقتصادی، کارآفرینی و توسعه، کیفیت زندگی، ادراک فساد، حقوق مالکیت، خرسندی. برخی از شاخص‌ها، ازجمله شاخص جهانی نوآوری و ادراک فساد در بخش‌های بعدی بررسی خواهد شد. در اینجا، داده‌های گزارش وزارت اقتصاد در جدول ۲۲ طبقه‌بندی شده و برحسب اهمیت، دو شاخص سهولت کسب‌وکار و آزادی اقتصادی در یک روند زمانی وسیع‌تر و به‌صورت جداگانه ارائه خواهد شد.

۱. این گزارش بر ارتقای رتبه ایران در شاخص‌های اقتصادی بین‌المللی در نیمه دوم برنامه پنجم و در طول دولت یازدهم تأکید دارد. داده‌های این گزارش پس از انتشار، بلافاصله توسط مؤسسات و سایت‌های تخصصی اقتصاد بازنشر شد. برای نمونه نگاه کنید به: «صعود ایران در ۱۱ شاخص صنعتی»، اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶/۲/۲۸

جدول ۲۲: رتبه ایران در برخی شاخص‌های اقتصادی بین‌المللی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ (۲۰۱۶-۲۰۱۳)

شاخص	مؤسسه ارزیابی‌کننده	رتبه ۲۰۱۳ (۱۳۹۲)	رتبه ۲۰۱۶ (۱۳۹۵)	بهبود (تغییر)
نوآوری جهانی	سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)	۱۱۳	۷۸	۳۵
سهولت کسب و کار	بانک جهانی	۱۵۲	۱۱۷	۳۲
ریسک اعتباری - تجاری	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)	۸۲	۵۴	۲۸
آزادی اقتصادی	بنیاد هریتیج	۱۷۳	۱۵۵	۱۸
عملکرد لجستیکی	از سال ۲۰۰۷ به صورت دوسالانه از سوی بانک جهانی با همکاری تأمین‌کنندگان لجستیک و صاحب‌نظران دانشگاهی تهیه می‌شود.	۱۱۲	۹۶	۱۶
شاخص فلاکت	ارزیابی بر پایه آمار صندوق بین‌المللی پول	۳	۱۸	۱۵
کارآفرینی و توسعه	مؤسسه کارآفرینی و توسعه	۱۰۰	۸۵	۱۵
کیفیت زندگی	پایگاه نامتو، از سال ۲۰۰۵ این شاخص را ارزیابی می‌کند. نظریات اولیه مربوط به کیفیت زندگی، بیشتر بر نگرانی‌ها و اولویت‌های فردی تأکید داشتند؛ اما در سال‌های اخیر مباحث نظری، از فردمحوری به سمت نگرانی‌های اجتماعی نظیر امنیت، آزادی و کیفیت روابط اجتماعی تغییر یافته است.	۶۶	۵۲	۱۲
ادراک فساد	سازمان شفافیت بین‌الملل، از سال ۱۹۹۵ به‌عنوان یک شاخص ترکیبی به‌منظور استفاده در اندازه‌گیری ادراک فساد در بخش دولتی در کشورهای مختلف دنیا کاربرد دارد.	۱۴۴	۱۳۱	۱۳
حقوق مالکیت	اتحادیه حقوق مالکیت	۱۱۱	۱۰۱	۱۰
خرسندی	سازمان ملل متحد	۱۱۵	۱۰۵	۲۰

منبع: گزارش وزارت اقتصاد درباره صعود ایران در شاخص‌های صنعتی در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۳

الف) شاخص سهولت کسب‌وکار^۱

این شاخص نشان‌دهنده مقررات بهتر و ساده‌تر، برای کسب‌وکارها و حمایت‌های قوی‌تر از حقوق مالکیت خصوصی است. شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی که از سال ۲۰۰۲ ارائه می‌شود، با ارزیابی ۱۰ نماگر در حوزه‌های قانونی، اجرایی و قضایی به بررسی محیط کسب‌وکار در ۱۹۰ کشور جهان می‌پردازد.^۲ جدول ۲۳، داده‌های شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی در دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۷ (سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ در طول برنامه‌های چهارم، پنجم و سال اول برنامه ششم) درباره ایران و برخی کشورهای منتخب را نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهد شاخص سهولت کسب‌وکار در ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، یعنی در میانه‌های برنامه چهارم وضعیت بهتری داشته و از سال ۲۰۰۹ به بعد، یعنی سال ۱۳۸۸ و سال پایانی برنامه چهارم، رو به کاستی رفته است. این روند کاهشی در طول تحریم‌های هسته‌ای (انتهای برنامه چهارم و در طول برنامه پنجم) تداوم یافت. از سال ۲۰۱۴، بهبود قابل توجهی در وضعیت ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار به ثبت رسیده (نمودار ۲۴)، اما رتبه ایران هنوز پایین‌تر از برخی کشورهای منطقه چشم‌انداز (عمان، قطر، ترکیه، گرجستان)، دولت‌های توسعه‌گرای آسیا (کره جنوبی، تایوان) است و ایران تقریباً هم‌رده با برخی از اقتصادهای نوظهور (هند، برزیل) بوده که می‌تواند قابل توجه باشد.

جدول ۲۳: وضعیت ایران و کشورهای منتخب در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار (۲۰۰۶-۲۰۱۷)

کشور/سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
ایران	۱۰۸	۱۱۹	۱۳۵	۱۴۳	۱۳۷	۱۴۴	۱۴۵	۱۵۲	۱۳۲	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۰
کره جنوبی	۲۷	۲۳	۳۰	۲۳	۱۹	۱۶	۸	۸	۷	۵	۴	۵
تایوان	۳۵	۴۷	۵۰	۶۱	۴۶	۳۳	۲۵	۱۶	۱۶	۱۹	۱۱	۱۱
مالزی	۲۱	۲۵	۲۴	۲۰	۲۳	۲۱	۱۸	۲۲	۱۶	۱۸	۱۸	۲۳
امارات	۶۹	۷۷	۶۸	۴۶	۳۳	۴۰	۳۳	۲۶	۲۳	۲۲	۳۱	۲۶
گرجستان	۱۰۰	۳۷	۱۸	۱۵	۱۱	۱۲	۱۶	۹	۸	۱۵	۲۴	۱۶
قزاقستان	۸۶	۶۳	۷۱	۷۰	۶۳	۵۹	۴۷	۴۹	۵۰	۷۷	۴۱	۳۵
ارمنستان	۴۶	۳۴	۳۹	۴۴	۴۳	۴۸	۵۵	۳۲	۳۷	۴۵	۳۵	۳۸
قبرس	-	-	-	-	۴۰	۳۷	۴۰	۳۶	۳۹	۶۴	۴۷	۴۵
فلسطین اشغالی	۲۹	۲۶	۲۹	۳۰	۲۹	۲۹	۳۴	۳۸	۳۵	۴۰	۵۳	۵۲
برزیل	۱۱۹	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۵	۱۲۹	۱۲۷	۱۲۶	۱۳۰	۱۱۶	۱۲۰	۱۱۶	۱۲۳

1. Ease of doing business index

۲. نماگرهای شاخص سهولت کسب‌وکار عبارتند از: اخذ مجوزهای ساخت‌وساز، نماگر دسترسی به برق، دسترسی به اعتبارات، ثبت مالکیت، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، الزام‌آور بودن اجرای قراردادهای، ورشکستگی و پرداخت دیون.

۶۱	۶۰	۶۱	۷۲	۷۸	۱۰۰	۱۰۹	۱۰۹	۹۶	۱۰۰	۱۰۹	۸۰	یونان
۱۳۰	۱۳۰	۱۴۲	۱۳۴	۱۳۲	۱۳۲	۱۳۴	۱۳۳	۱۲۲	۱۲۰	۱۳۴	۱۱۶	هند
۶۶	۷۰	۶۶	۴۷	۴۷	۴۹	۵۷	۶۵	۵۷	۴۹	۵۵	۵۱	عمان
۶۹	۵۵	۵۵	۶۹	۷۱	۷۱	۶۵	۷۳	۵۹	۵۷	۹۱	۹۳	ترکیه
۷۴	۷۳	۴۳	۴۱	۳۹	۳۵	۳۴	۳۴	۳۲	۳۵	۲۹	۲۸	آفریقای جنوبی
۷۸	۸۴	۹۰	۹۶	۹۱	۹۱	۷۹	۸۹	۸۳	۸۳	۹۳	۹۱	چین
۸۳	۶۸	۵۰	۴۸	۴۰	۳۶	۵۰	۳۷	۳۹	-	-	-	قطر
۱۲۲	۱۳۱	۱۱۲	۱۲۸	۱۰۹	۱۱۰	۹۴	۱۰۶	۱۱۴	۱۲۶	۱۶۵	۱۴۱	مصر

منبع: رتبه‌های سالانه منتشر شده توسط بانک جهانی



نمودار ۲۴: روند ایران در شاخص بهبود کسب‌وکار در دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۷

منبع: رتبه‌های سالانه منتشر شده توسط بانک جهانی

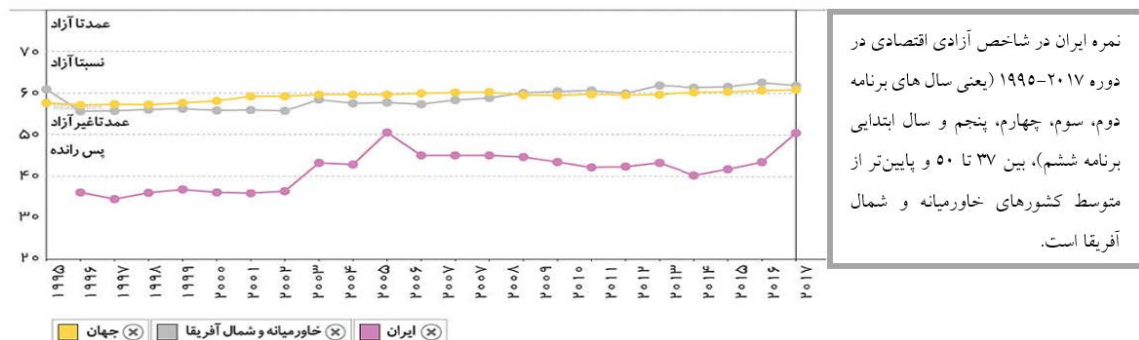
ب) شاخص آزادی اقتصادی:

مؤسسه هریتیج، شاخص آزادی اقتصادی^۱ را از ۱۰ معیار مستقل اقتصادی محاسبه می‌کند. برای هر کدام از این معیارها، امتیازی بین صفر تا صد در نظر گرفته شده و میانگین امتیازهای کسب‌شده در این ده معیار یا زیرشاخص (آزادی کسب‌وکار، شاخص آزادی تجارت، شاخص آزادی مالی، شاخص مخارج دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تأمین اعتبار، حقوق مالکیت، آزادی از رشوه و فساد، آزادی بازار نیروی کار) تعیین‌کننده امتیاز نهایی شاخص آزادی اقتصادی برای یک کشور خواهد بود.

آشکارا، انتخاب معیارهای آزادی اقتصادی از سوی بنیاد هریتیج مناقشه‌انگیز است و رتبه یک کشور در این شاخص به صورت دقیق، وضعیت آن کشور را نشان نمی‌دهد؛ اما بر مبنای امتیازات و نمره بنیاد هریتیج به کشورها، می‌توان به ارزیابی کلی آزادی اقتصادی پرداخت. چنانچه در نمودار ۲۵ ملاحظه می‌شود؛ ایران توانسته رتبه خود را بهبود دهد و از رتبه ۱۷۳ در سال ۲۰۱۳، به ترتیب به ۱۵۵ در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ برساند. چنانکه در تصویر زیر ملاحظه می‌شود، نمره ایران در شاخص آزادی اقتصادی در دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۵

۱. Index of Economic Freedom

(سال‌های برنامه دوم، سوم، چهارم، پنجم و سال ابتدایی برنامه ششم)، بین ۳۷ تا ۵۰ و هنوز اندکی پایین‌تر از متوسط کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است.



نمودار ۲۵: روند زمانی نمره کل شاخص آزادی اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب

منبع: رتبه‌بندی جدید آزادی اقتصادهای جهان در سال ۲۰۱۷: اقتباس از گزارش هریتیج، در وب‌سایت دارایان، اسفند ۱۳۹۵

۲-۲- شاخص‌های اجتماعی

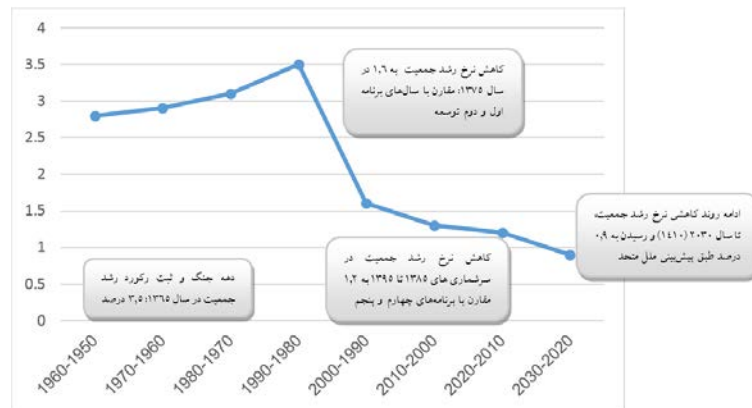
۲-۲-۱- روند جمعیتی

درک این موضوع اهمیت دارد که جهان به‌تازگی از دوره شتاب‌گیری بی‌امان رشد جمعیتی بیرون آمده است. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰، جمعیت جهان سالانه ۱,۸ درصد در حال رشد بود و این رقم تقریباً به همان اندازه رکورد مطلق تاریخی ۱,۹ درصدی است که در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ به دست آمد. برای دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ نرخ متوسط ۱,۳ درصد در جهان تجربه شد که رقم بالایی است. با توجه به پتانسیل بالای آفریقا، شرق و جنوب آسیا در رشد بالای جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰، پایداری زیست‌محیطی و محدودیت منابع مورد نیاز برای توسعه پایدار جوامع انسانی در زیست‌بوم جهانی، به کابوس سیاستمداران و برنامه‌ریزان توسعه در کشورهای «جنوب» تبدیل شده است.

نمودارهای ۲۶ و ۲۷ نشان می‌دهد ایران نیز از سال‌های ۱۹۹۰ به بعد (۱۳۷۰ و از برنامه اول توسعه)، به‌تدریج از دوره شتاب‌گیری بی‌امان رشد جمعیتی خارج شد. رشد جمعیت ایران در میانه‌های دهه ۸۰ میلادی (دهه جنگ تحمیلی در ایران) به اوج خود رسید و نرخ رشد جمعیت در سرشماری سال ۱۳۶۵، ۳,۵ درصد ثبت شد. این عدد بالاترین نرخ رشد جمعیت در کشور، در تمام دوره‌ها و برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی بوده است. جمعیت کشور پس از نرخ رشد نمونه‌وار ۳,۵ درصدی در سرشماری سال ۱۳۶۵، در سرشماری سال ۱۳۷۵ به عدد ۱,۶ درصد رسید. دهه دوم بعد از انقلاب مقارن با برنامه پنج‌ساله اول و دوم توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور (۱۳۶۸-۱۳۷۷) بود و کنترل جمعیت در این دو برنامه از اولویت ویژه‌ای برخوردار شد؛ به‌طوری که شاهد کاهش بیش از ۵۰ درصد در نرخ رشد جمعیت در فاصله یک دهه بودیم. سیاست‌های جمعیتی در برنامه سوم نیز تداوم یافت و در کنار سایر عوامل، به رسیدن نرخ رشد به ۱,۳ در سرشماری سال ۱۳۸۵ کمک کرد. در برنامه‌های چهارم و پنجم نیز نرخ رشد جمعیت، روندی کاهشی

۱. پیش‌بینی‌های میانه سازمان ملل متحد بر پتانسیل جهانی میانگین نرخ رشد جمعیت ۰,۷ درصد از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۵۰ تأکید دارد. نکته اینجاست که آفریقا با میانگین ۱,۹ و آسیا با میانگین ۰,۵ درصد، از هم‌اکنون زنگ خطر انفجار بعدی جمعیت را به صدا درآورده‌اند (بیکتی، ۲۰۱۲: ۱۳۹۶).

داشته و در سرشماری سال ۱۳۹۵ (سال پایانی برنامه پنجم) به ۱,۲ درصد رسید. پیش‌بینی‌های میانه سازمان ملل متحد بر ادامه روند کاهشی نرخ رشد جمعیت تا سال ۲۰۳۰ (۱۴۱۰) و رسیدن به ۰,۹ درصد در پایان دوره ۲۰۲۰-۲۰۳۰ تأکید دارد (نمودار ۲۶).



نمودار ۲۶: نرخ رشد جمعیت ایران در یک بازه زمانی ۸۰ ساله (۱۹۵۰-۲۰۳۰)

منبع: داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، پیش‌بینی ملل متحد



نمودار ۲۷: روند تعداد جمعیت کشور طی ۶۰ سال اخیر

منبع: داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، پردازش شده در: www.naghshclick.com

رشد جمعیت به‌تنهایی می‌تواند از پیشران‌های اصلی توسعه اقتصادی، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه تلقی شود. تجربه چین (و هند) در زمینه گذار از آستانه رشد جمعیتی و رسیدن به ارقام رشد اقتصادی ۸ درصدی و بیشتر در چهار دهه اخیر، ذهن برنامه‌ریزان توسعه کشور به مواهب رشد جمعیت برای رسیدن به آستانه‌های توسعه و مرزهای نوآوری معطوف کرده است. اینکه تا چه میزان محدودیت منابع طبیعی- اقلیمی و کاستی ظرفیت‌های انسانی، اجازه این موضوع را می‌دهد تا جمعیت، محرک توسعه اقتصادی کشور باشد؛ پرسشی گشوده پیش‌روی محققان و برنامه‌ریزان است. تجربه افزایش سریع رشد جمعیت از دهه ۱۳۶۰ به بعد، بر کشور که آهنگی فراتر از رشد اقتصادی پرنوسان آن سال‌ها را یافت، با کاهش درآمد سرانه ایران- نسبت به سایر کشورها- همراه شد؛ هنوز گشوده است. در این قسمت از گزارش، شاخص‌های مرتبط با روند جمعیتی کشور را مرور خواهیم کرد:

ب) شکاف بزرگ جمعیت در مراکز استان‌های کشور: با نگاه به نرخ رشد کلانشهرهای کشور طی شش دهه گذشته و با تأکید بر سال‌های پس از انقلاب اسلامی، می‌توان دو برهه زمانی را در رشد جمعیت کلانشهرها طبقه‌بندی کرد (نمودار ۲۸). برهه نخست شامل سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ است (سال‌های معطوف به انقلاب و دهه جنگ) که در این سال‌ها اغلب کلان‌شهرها نرخ رشد بسیار بالایی را تجربه کردند. در دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۵ از شدت رشد کلان‌شهرهای کشور کاسته شد و پس از آن برهه دوم رشد جمعیت کلان‌شهرها در فاصله سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ (سال‌های برنامه چهارم و پنجم) رخ داد. در حال حاضر، ۸ کلان‌شهر اصلی کشور بیش از ۲۶ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند.

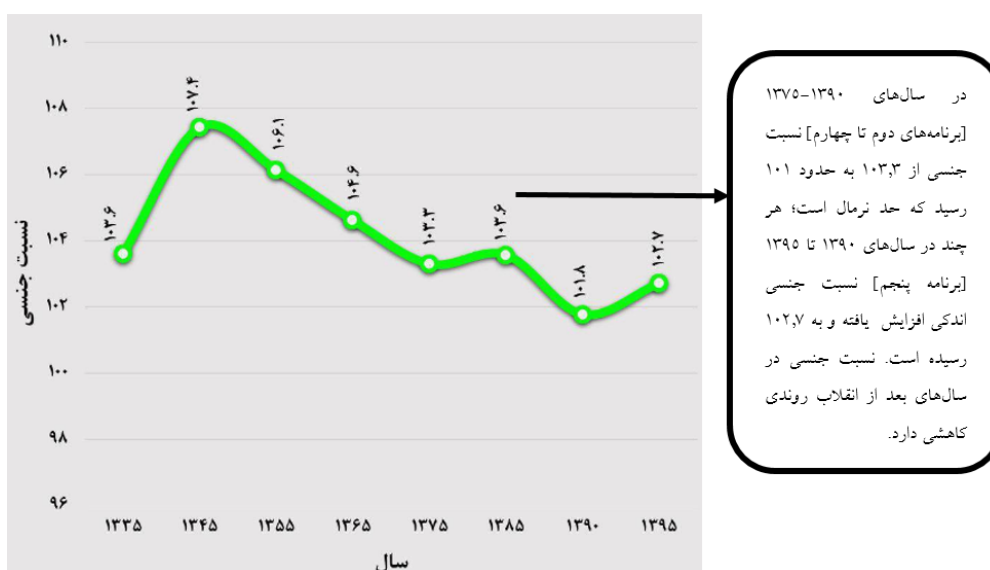


نمودار ۲۸: روند تغییرات نرخ رشد جمعیت کلان‌شهرهای کشور طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، پردازش شده در: www.naghshclick.com

ب) نسبت جنسیتی: شاخصی است که تعداد مردانی که در برابر هر ۱۰۰ زن در ساختار جمعیتی قرار می‌گیرند، نشان می‌دهد. ساختار جنسی جمعیت تحت تأثیر عوامل خارجی (مهاجرت) و عوامل درونی

(مرگ‌ومیر مربوط به جنس خاص) قرار دارد. در بعضی مواقع، روندهای نسبت جنسی به گونه‌ای پیش می‌رود که موجب زنانه شدن یا مردانه شدن یک منطقه می‌شود. در نمودار ۲۹ که نسبت جنسی در سرشماری‌های شش دهه اخیر را نشان می‌دهد؛ می‌توان سه دهه ۱۳۶۵-۱۳۴۵ را سال‌های افزایش شاخص نسبت جنسی و مردانه شدن جمعیت کشور، به خصوص در شهرهای بزرگ (به دلیل مهاجرت) دانست. در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ (برنامه‌های دوم تا چهارم) نسبت جنسی از ۱۰۳٫۳ به حدود ۱۰۱ رسید که حد نرمال است؛ هرچند در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (برنامه پنجم) نسبت جنسی اندکی افزایش یافته و به ۱۰۲٫۷ رسیده است. مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر پذیرفته و موجب تغییر بنیادین در ساختار جنسی جمعیت، به خصوص در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی شده است.



نمودار ۲۹: تغییرات نسبت جنسی جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: داده‌های پردازش شده مرکز آمار ایران

ج) نسبت شهر-روستا: یکی از جنبه‌های توزیع جغرافیایی جمعیت، تفکیک جمعیت برحسب وضع سکونت (شهرنشینی یا روستانشینی) است. در حال حاضر، میزان شهرنشینی در کشورهای مختلف جهان رو به افزایش بوده، به صورتی که رشد جمعیت شهری سریع‌تر از رشد کل جمعیت جهانی است. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۴ سازمان ملل متحد با عنوان «دورنمای شهرنشینی جهان»، امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود این میزان تا سال ۲۰۵۰ به رقم ۶۶ درصد برسد. شهرنشینی و رشد شهری معلول عوامل چندی است. عموماً چهار مورد را به عنوان عوامل مؤثر در رشد جمعیت شهرنشین در نظر می‌گیرند: ۱- رشد طبیعی جمعیت شهری؛ ۲- مهاجرت به شهرها؛ ۳- طبقه‌بندی مجدد شهرها (تبدیل نقاط روستایی به شهر) و ۴- الحاق و ضمیمه کردن قلمروهای جدید به شهرهای موجود که اغلب نقاط روستایی حاشیه شهرها است.

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۱۳۹۵ بیانگر رشد شتابان شهرنشینی در سطح کشور است که بیش از هر چیز متأثر از جریان مداوم مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری، سیاست‌های اقتصادی-

جمعیتی برنامه‌های توسعه و البته روند جهانی رشد شهرنشینی است. نسبت شهر-روستا در حالی که در شروع انقلاب برابر بود (نگاه کنید به: نمودار ۳۰)، برای نخستین بار در سال‌های پایانی برنامه سوم به ۶۵ درصد شهرنشینی و ۳۵ درصد روستانشینی رسید. این روند افزایشی در دوره‌ها و برنامه‌های بعدی همچنان تداوم دارد و در سال ۱۳۹۵ (پایان برنامه پنجم) به ۷۴ درصد شهرنشینی و ۲۶ درصد روستانشینی رسیده است.



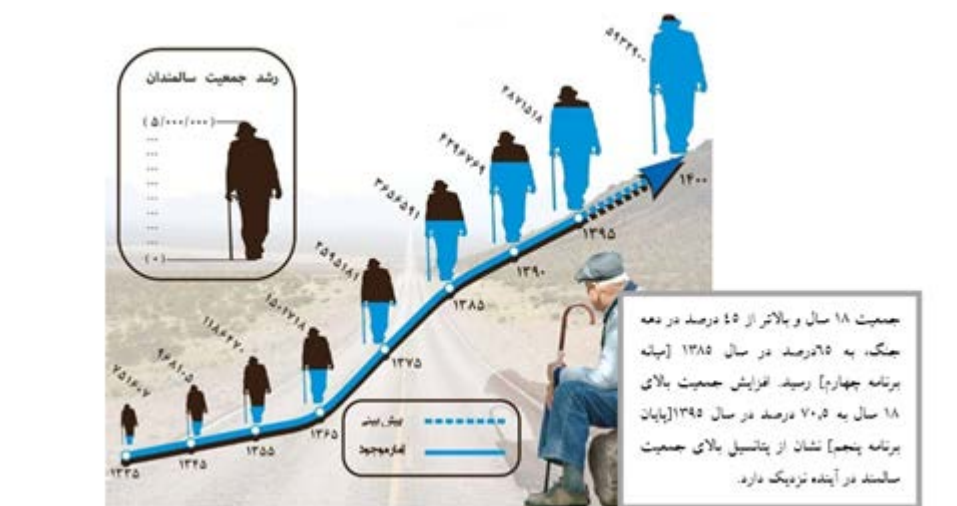
نمودار ۳۰: تغییرات نسبت شهرنشینی و روستانشینی طی ۶۰ سال اخیر

منبع: داده‌های پردازش شده سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵-۱۳۹۵

د) سالخوردگی جمعیت: سالخوردگی یا پیر شدن جمعیت، عبارت از افزایش روزافزون نسبت سالمندان در مقایسه با سایر گروه‌های سنی است. به عبارت دیگر، مرحله‌ای است که طی آن افراد سالمند نسبت بیشتری از کل جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند. روند سالخوردگی جمعیت (جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر) که از سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، ۳٫۲ درصد رشد داشته، از سال‌های انتهایی دهه ۶۰ و پس از اعمال سیاست‌های جمعیتی در برنامه اول افزایش بیشتری یافت. نمودار ۳۱، نشان می‌دهد جمعیت ۱۸ سال و بالاتر، از ۴۵ درصد در دهه جنگ، به ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۵ (میان برنامه چهارم) رسید. بر اساس آخرین آمار رسمی ارائه شده در سال ۱۳۹۵، تعداد سالمندان ایران برابر با ۴۸۷۱۵۱۸ نفر است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ به ۶ میلیون نفر خواهد رسید (نمودار ۳۱). همچنین طبق آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۵۰ میلادی/ ۱۴۳۰ شمسی، ایران جزء پیرترین کشورها و مسن‌تر از میانگین سنی جهان، آسیا، آمریکا، کانادا و آمریکای لاتین خواهد بود.

آنچه به عنوان روند افزایش جمعیت سالمندان ایران عنوان شد، به خودی خود مهم نیست، بلکه تبعاتی که این افزایش بر ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی از جمله بر منابع بخش بهداشت و درمان خواهد گذاشت؛ دارای اهمیت و نیازمند مطالعه جدی است. با افزایش سالمندان مسئله بهداشت، سلامت و تأمین آسایش و رفاه آنان در جامعه هر روز ابعاد تازه و گسترده‌ای پیدا می‌کند. همچنین با اینکه فعلاً جمعیت ایران جوان است و

پتانسیل بالایی در تحرک بخشی به فرایند توسعه کشور دارد؛ اما نمی‌توان نگرانی آینده پژوهان توسعه در زمینه تأثیرات سالمندی جمعیت در سال ۲۰۵۰ را بر روند توسعه نادیده گرفت. بنابراین، برنامه‌ریزی برای پدیده سالمندی قبل از آن که یک موقعیت بحرانی پدید آید و سالمندی به یک مسئله فراگیر تبدیل شود؛ ضروری است. این چنین سالمندان می‌توانند به‌عنوان یک جزء یکپارچه با جامعه تلقی شوند.



نمودار ۳۱: رشد شتابان جمعیت سالمند کشور در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۳۵

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵-۱۳۳۵، پردازش شده در www.naghshclick.com

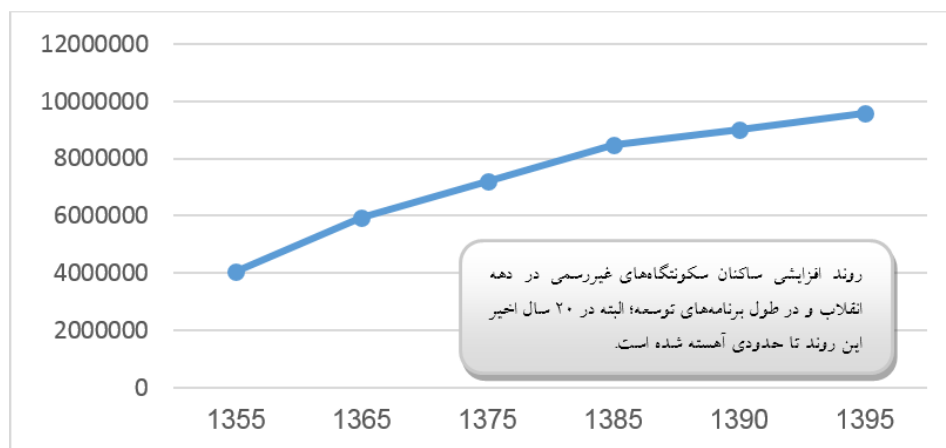
۲-۳-۲- سکونتگاه‌های غیررسمی

امروزه یکی از چالش‌های زندگی شهری، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی یا حاشیه‌نشینی است. سکونتگاه‌های غیررسمی به مناطقی گفته می‌شود که مهاجران روستایی و محرومان جامعه شهری را در خود جای داده یا خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است. در حال حاضر، ۴۲ درصد جمعیت کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه در همین سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند. بر اساس گزارش برنامه اسکان بشر ملل متحد^۱ در سال ۲۰۱۳، سکونتگاه‌های غیررسمی چالش اصلی هزاره سوم معرفی شده است. در دنیا از هر ۶ نفر، ۱ نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند و در صورتی که این روند ادامه پیدا کند تا سال ۲۰۳۰، حدود ۲ میلیارد نفر از جمعیت شهرنشین دنیا در این‌گونه سکونتگاه‌ها زندگی خواهند کرد.

سکونتگاه‌های غیررسمی را بر اساس شاخص‌های اقتصادی (سطح درآمد ساکنان)، شاخص‌های اجتماعی (سطح رفاه، دسترسی)، کالبدی و غیره، طبقه‌بندی و تعداد جمعیت آن را برآورد می‌کنند. متأسفانه به دلیل نداشتن تعریف جامع از فضاهای کالبدی قابل تعریف به‌عنوان سکونتگاه غیررسمی و نیز عدم تعریف اقتصادی-اجتماعی حاشیه‌نشینان، برآورد دقیق از جمعیت ساکن در حاشیه‌ها وجود ندارد و آمارهایی که هر

1. UN-Habitat

از گاهی از زبان افراد مسئول بیان می‌شود؛ در حد حدس و گمان است. در اینجا به داده‌ها و گزارش‌های دو نهاد دولتی رجوع کرده و بر مبنای آن‌ها، تعداد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را برآورد می‌کنیم. ستاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی وابسته وزارت راه و شهرسازی، در سالیان اخیر متولی بررسی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی بوده است. این مجموعه ضمن بررسی بیش از ۵۰ گزارش و مقاله علمی درباره وضعیت حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها (تهران، مشهد...) و شهرهای متوسط کشور از سال ۱۳۸۰ تاکنون و مطالعه داده‌ها و روندهای حاشیه‌نشینی، ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی- فرهنگی آن‌ها و غیره، جمعیت تقریباً ۱۲ درصدی^۱ را به‌عنوان تعداد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی برآورد کرده است. کارشناسان این ستاد معتقدند با توجه به تنوع پژوهش‌ها و دامنه زمانی انجام آن‌ها توسط صاحب‌نظران خبره، می‌توان با احتیاط این درصد را به سایر مقاطع زمانی بعد از انقلاب اسلامی، بر مبنای تعداد جمعیت کشور تعمیم داد (نمودار ۳۲). مطابق این برآورد، جمعیت حاشیه‌نشین کشور در سال ۱۳۹۵، حدوداً ۹,۵ میلیون نفر است.



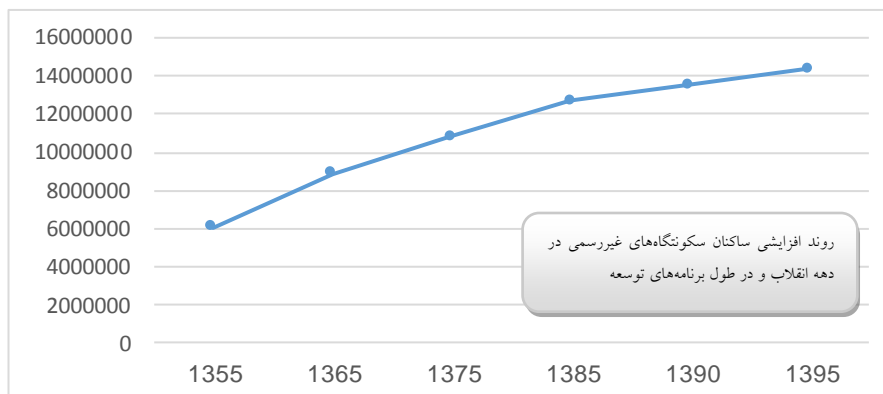
نمودار ۳۲: برآورد ستاد توانمندسازی از جمعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی

منبع: داده‌های ستاد توانمندسازی، پردازش شده در گزارش

تحقیق وزارت بهداشت در زمینه شناسایی ویژگی‌های دسترسی، کالبدی، رفاهی، اجتماعی نقاط هدف ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در کشور که نتایج آن در سال ۱۳۹۴ منتشر شد؛ نیز برآورد دیگری از جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی است. یافته‌های این گزارش دقت بیشتری دارد، چراکه وزارت بهداشت با توجه به هدف خود یعنی رساندن خدمات بهداشتی-درمانی به تمام نقاط شهری و روستایی ایران و ضرورت داشتن اطلاعات دقیقی از وضع مسکن افراد، سرانه مصرف، رفاه، سلامت، دسترسی به خدمات و غیره اقدام به مطالعه جامع وضعیت کلان‌شهرها و شهرهای متوسط کشور (به‌عنوان بخش‌های فرعی از پژوهش) کرده است. یافته‌های این گزارش از آنجا بیشتر اهمیت می‌یابد که با توجه به مقایسه کیفیت و سطح زندگی در شهرها (کلان‌شهرها، شهرهای کوچک، شهرهای متوسط)، بیش از ۷۰۰ نقطه شهری هدف را در دو رده جمعیتی (زیر ۵۰۰۰ نفر و بالای ۵۰۰۰ نفر)، طبقه‌بندی کرده است. نتایج این گزارش در دسترس عموم قرار

۱. آمار و درصدهای این بخش از گزارش، طی مصاحبه نگارنده با کارشناسان ستاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و بررسی مصاحبه‌ها و منابع مکتوب ارائه شده و صرفاً تخمینی از تعداد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور است.

نگرفته و هر از گاهی، آمارهایی از آن در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. آمارهای جزئی منتشر شده از این گزارش، تعداد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را تقریباً ۱۸ درصد برآورد کرده که این رقم نیز با توجه به مناقشه تعریفی و مفهومی پیرامون مسئله حاشیه‌نشینی، کاملاً تقریبی و با احتیاط قابل تعمیم به دوره‌های جمعیتی قبلی است (نمودار ۳۳). مطابق این برآورد، جمعیت حاشیه‌نشین کشور در سال ۱۳۹۵ حدوداً ۱۴ میلیون نفر است.



نمودار ۳۳: برآورد پژوهش ملی وزارت بهداشت از جمعیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی

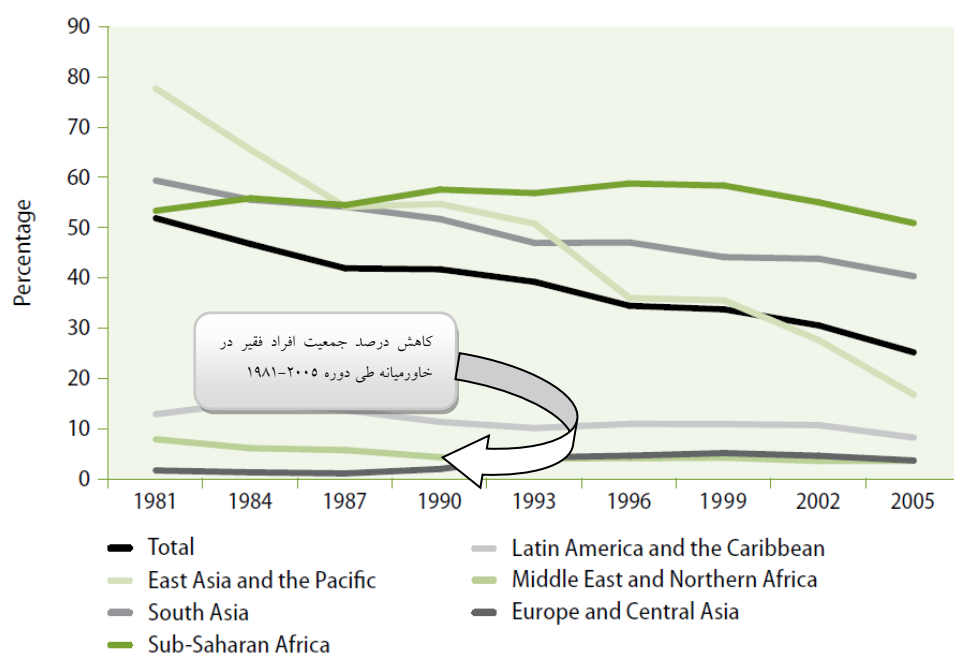
منبع: داده‌های تحقیق ملی وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۴ درباره سکونتگاه‌های غیررسمی، پردازش شده در یافته‌های گزارش

اشاره به آمارهای بالا، صرفاً برآورد دیگری از جمعیت ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی است و به هیچ وجه قطعیت ندارد. در سالیان اخیر، بارها ارقام فوق در سمینارها، نشست‌های خبری، مجامع سیاسی-علمی و غیره از زبان متولیان امر بیان شده است. پیش از این نیز، برخی از پژوهشگران به مطالعه نقش حاشیه‌نشینان در ورود به جامعه شهری در دهه ۵۰ و نقش‌آفرینی آنان در رویدادهای سیاسی و اجتماعی کشور در دهه منتهی به انقلاب اسلامی (پیران، ۱۳۷۳، ۱۳۸۴) و پیشروی آرام تهیدستان شهری در ورود به ساختارهای اداری-سیاسی کشور برای دریافت خدمات اجتماعی، به‌خصوص در دهه اول بعد از انقلاب اسلامی (بیات، ۱۳۷۹) اشاره کرده‌اند. به‌واقع، در سال‌های اجرای برنامه‌های اول تا پنجم (۱۳۶۸-۱۳۹۵) از موج فزاینده افزایش ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی، نسبت به دهه انقلاب و جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۸) کاسته شده است (نمودارهای ۳۲ و ۳۳)؛ اما انتظار می‌رود این روند کاهشی تداوم بیشتری یابد. طبق برآوردهای بالا، از هر ۶ تا ۸ نفر ایرانی، یک نفر ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی هستند که مواجهه با آن، ضرورت برنامه‌ریزان توسعه اجتماعی در کشور است.

۲-۲-۲- خط فقر

برای دریافت جامعی از مفهوم خط فقر ضرورت دارد، داده‌های جهانی وضعیت فقر را در یک روند بلندمدت ارزیابی کنیم. یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها درباره وضعیت فقر در جهان در حداصل ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵، گزارش

سال ۲۰۱۰ بانک جهانی بود که مناطق مختلف جهان را بر مبنای درصد جمعیتی که زیر ۱٫۲۵ دلار در روز درآمد داشتند؛ طبقه‌بندی کرد. نمودار ۳۴ که داده‌های گزارش را به تصویر درآورده، نشان می‌دهد در دوره ۱۹۸۱-۲۰۰۵ وضعیت فقر در اروپا، شرق آسیا با سرعت بیشتری بهبود یافته و کاهش فقر در آمریکای لاتین، جنوب آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا بطئی بوده است. آمار بانک جهانی درباره کشورهای خاورمیانه (از جمله ایران) نشان می‌دهد درصد افرادی که زیر دو دلار در روز درآمد داشته‌اند؛ از ۸٫۳ در سال ۱۹۹۸ به زیر ۸ درصد در سال ۲۰۰۵، کاهش یافته است. به عبارت دیگر در سال ۲۰۰۵، کمتر از ۸ درصد مردم خاورمیانه درآمد روزانه کمتر از ۲ دلار داشته‌اند.



نمودار ۳۴: وضعیت فقر در جهان در دوره ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵

منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۰

در گزارشی با عنوان «اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور» که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت گرفته^۱ است، تلاش شده تصویر دقیق‌تری از وضعیت رفاه اجتماعی و شاخص فقر در کشور ارائه شود. در بخش پایانی گزارش مقایسه نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی، نرخ رشد ضریب جینی و نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها در چهار دهه بعد از انقلاب ارائه شده که روند این شاخص‌ها را نشان می‌دهد (جدول ۲۴). طبق یافته‌های گزارش، راهبردها و سیاست‌های اجرا شده برای رشد اقتصادی در دوره مذکور، اگرچه استان‌های کشور را از نظر توسعه‌یافتگی بهبود بخشیده، اما توزیع

۱. اسلامی، سیفالله (۱۳۹۳). «اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور». وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های بخش‌های تولیدی.

درآمد، کاهش فقر و رفاه اجتماعی را در حد قابل توجهی بهبود نداده و موجب عدم توازن در توزیع منابع و امکانات بین مناطق و استان‌ها شده است (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۳).

جدول ۲۴: نرخ رشد رفاه اجتماعی، نرخ رشد ضریب جینی و نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها در دوره بعد از انقلاب اسلامی

سال	نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها	نرخ رشد ضریب جینی	نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی
۱۳۵۷	۱/۳	-۲/۴	۴/۲
۱۳۵۸	-۲/۷	-۲/۴	-۰/۰۳
۱۳۵۹	-۱۶/۳	-۱۴/۱	-۳/۷
۱۳۶۰	۶/۴	۱/۲	۵/۳
۱۳۶۱	-۴/۵	۱/۲	-۵/۴
۱۳۶۲	۱۱/۴	۳/۱	۸/۵
۱۳۶۳	۱/۳	-۱/۳	۲/۴
۱۳۶۴	-۴/۲	-۰/۶	-۴/۸
۱۳۶۵	-۱۶/۶	-۰/۹	-۱۵/۹
۱۳۶۶	-۸/۹	-۰/۲	-۰/۹
۱۳۶۷	-۳/۳	-۰/۶	۱/۷
۱۳۶۸	-۰/۶	-۰/۶	-۰/۱
۱۳۶۹	۱/۲	۳/۲	-۱/۳
۱۳۷۰	۱۰/۵	۱/۸	۸/۹
۱۳۷۱	-۰/۲	-۶/۹	۵/۵
۱۳۷۲	-۰/۱	-۰/۸	-۱/۶
۱۳۷۳	-۰/۱	-۲/۴	۱/۸
۱۳۷۴	-۴/۸	۷/۲	-۹/۶
۱۳۷۵	۱/۱	-۱/۳	۲/۱
۱۳۷۶	۲/۹	-۴/۳	۶/۳
۱۳۷۷	۵/۸	-۱/۴	۶/۸
۱۳۷۸	۳/۴	-۰/۴	۳/۷
۱۳۷۹	۳/۷	-۰/۴	۴/۰
۱۳۸۰	۴/۰	۲/۲	۲/۵
۱۳۸۱	۷/۸	-۰/۱	۷/۹
۱۳۸۲	۱/۴	-۴/۷	۴/۸
۱۳۸۳	۹/۰	۱/۵	۷/۹
۱۳۸۴	۴/۲	-۰/۱	۴/۲
۱۳۸۵	۱/۵	۲/۴	-۰/۲
۱۳۸۶	۲/۰	-۰/۵	۲/۴
۱۳۸۷	-۷/۵	-۶/۵	-۳/۳
۱۳۸۸	-۸/۶	-۰/۷	-۰/۹
۱۳۸۹	۲/۵	-۱/۳	۳/۴
۱۳۹۰	-۳/۹	-۷/۱	-۰/۳
۱۳۹۱	-۵/۱	-۰/۷	-۴/۸
۱۳۹۲	-۶/۸	-۰/۸	-۶/۴

منبع: اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۱

*** توضیح:** محاسبات تحقیق تا سال ۱۳۹۳

است. در سال‌هایی که بالاترین میزان نرخ رشد رفاه اجتماعی ایجاد شده، با افزایش هزینه‌های واقعی خانوارها، بهبود در توزیع درآمد (کاهش در ضریب جینی) نیز در اقتصاد ایران به وقوع پیوسته است. همچنین در سال‌هایی که پایین‌ترین نرخ رشد رفاه اجتماعی ایجاد شده، با وجود کاهش در متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها، توزیع درآمد نیز نامناسب‌تر شده است (افزایش ضریب جینی). متوسط ضریب جینی سال‌های ۱۳۹۴ به بعد عبارت است از:

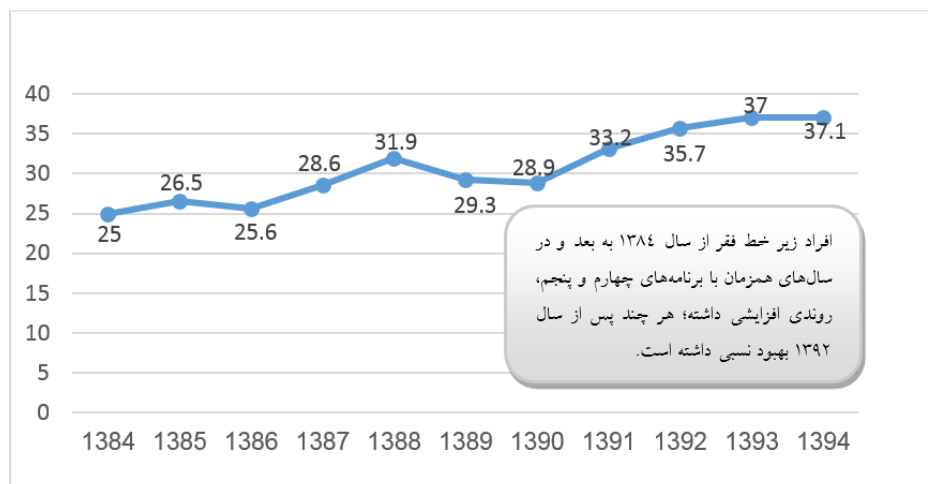
$$0,3988=1394$$

$$0,4046=1395$$

$$0,3981=1396$$

خط فقر یا آستانه فقر، حداقل درآمدی است که برای زندگی در یک کشور خاص در نظر گرفته می‌شود. به بیان ساده‌تر، خط فقر می‌گوید دیگر نمی‌توان چیزی را از مخارج و سبب معیشت خانوار کم کرد و میزان تعیین‌شده، حتماً باید وجود داشته باشد. بر اساس آمارهای هزینه و درآمد خانوار بانک مرکزی، پس از سال‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی که وضعیت رفاهی خانوارها دچار نوسان شد؛ از نیمه دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶، درآمد حقیقی خانوارهای روستایی و شهری به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ پیوسته در حال افزایش بود؛ اما در سال‌های آغازین دهه ۱۳۹۰ (طول برنامه‌های چهارم و پنجم و هم‌زمان با تحریم‌های هسته‌ای) که اشتغال کشور تقریباً ثابت و نسبت جمعیت به افراد شاغل رو به افزایش بود، قدرت خرید خانوارهای ایرانی نیز در یک روند نزولی قرار گرفت. کاهش سطح درآمد حقیقی خانوار (رفاه اقتصادی) در دهه گذشته می‌تواند برای گروه‌های پایین درآمدی به افزایش فقر، به مفهوم کاهش قدرت در اختیار گرفتن ملزومات یک زندگی سالم (فقر درآمدی) باشد. نمودار ۳۵ نشان می‌دهد درصد افرادی که درآمدی کمتر از سطح رفاه اقتصادی

خانوارهای غیرفقیر را دارا هستند (اصطلاحاً افراد زیر خط فقر)، از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ روندی افزایشی داشته است، هرچند پس از سال ۱۳۹۲ بهبود نسبی داشته‌اند.



نمودار ۳۵: درصد افراد زیر خط فقر در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ایران

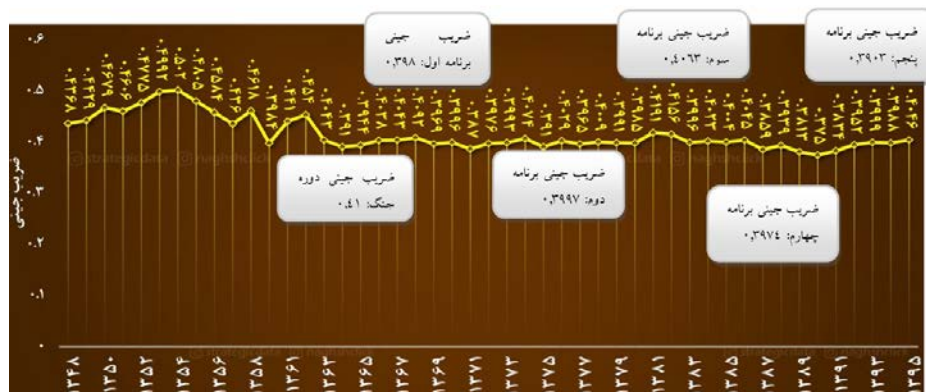
*توضیح: همه محاسباتی که به‌کل جامعه اشاره دارد میانگین موزونی از خانوارهای شهری و روستایی است.

۲-۲-۳- ضریب جینی (GINI)

شاخص جینی یا ضریب جینی، شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع درآمد در میان مردم است و چگونگی تغییرات درآمدی بین فقرا و ثروتمندان جامعه را نشان می‌دهد. این شاخص، چگونگی توزیع درآمد را در طول یک دوره زمانی نشان داده و رشد آن بیانگر افزایش اختلاف طبقاتی به نفع ثروتمندان و کاهش آن به‌عکس این حالت دلالت دارد. این شاخص به‌تنهایی نمی‌تواند گویای وضعیت اختلاف طبقاتی و رفاه اقتصادی جوامع باشد. در صورتی که درآمد سرانه در کشوری در حال رشد باشد و هم‌زمان ضریب جینی آن نیز افزایش یافته باشد و این افزایش، بیشتر از رشد درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی باشد؛ نه‌تنها وضعیت رفاه اقتصادی بهبود نیافته، بلکه بدتر نیز شده است. بنابراین، باید به تغییرات صورت گرفته در بودجه خانوار نیز نظر داشت؛ آن‌چنانکه در بخش بعدی به بودجه و بعد خانوار پرداخته شده است.

نکته قابل توجه در تحلیل ضریب جینی در کشور، نبود اطلاعات دقیق از وضعیت درآمد واقعی افراد و حتی وجود میزان قابل توجهی از اقتصاد غیررسمی است؛ با این وجود بررسی روند تغییرات ضریب جینی به‌طور کلی می‌تواند به‌عنوان سنجش از رفاه اقتصادی افراد استفاده شود. بررسی سری زمانی بلندمدت ضریب جینی کشور در حدود نیم‌قرن اخیر (نمودار ۳۶) نشان از کاهش این شاخص و بهبود وضعیت اختلاف درآمدی دارد که دستاورد مثبتی بعد از انقلاب تلقی می‌شود. بی‌ثباتی در اقتصاد از مهم‌ترین عوامل در افزایش این شاخص است که تغییرات سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ مؤید این وضعیت بوده و یکی از دلایل اقتصادی تشدید روحیه مردم در دوران انقلاب، رشد اختلاف درآمدی بین آحاد جامعه به نفع ثروتمندان بود. این وضعیت با سیاست‌های مساوات‌گرایانه دوران انقلاب تا سال ۱۳۵۹ کاهش یافت و بعد از جنگ تحمیلی و

در شرایط بازساخت اقتصادی، دوباره رو به افزایش رفت. بعد از این دوران، نوسانات درآمدی و شاخص جینی روند با ثبات‌تری را طی کرد و به‌طور متوسط ضریب جینی در دهه ۷۰ و ۸۰ نزدیک به ۰,۴۰ و در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ حدود ۰,۳۹ رسید. روند پنج‌ساله اخیر این شاخص، بیانگر شیب مثبت در منحنی تغییرات آن بوده و در صورت تداوم این روند، احتمالاً در سال ۱۴۰۰ به حدود ۰,۴۳ خواهد رسید. خوشبختانه در سال ۱۳۹۶ ضریب جینی به ۰,۳۹۸۱ رسید که می‌تواند نشانه توقف روند فوق باشد.



نمودار ۳۶: تغییرات ضریب جینی ایران در سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ایران، پردازش شده در: www.naghshclick.com

۲-۲-۴- شاخص‌های تغییرات خانوار

قبل از بحث درباره شاخص‌های تغییرات خانوار، ابتدا ضرورت دارد درباره مفهوم خانوار را توضیح دهیم. به تعبیر مرکز آمار ایران و مطابق سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، «خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه (اغلب مسکن) زندگی می‌کنند و با یکدیگر هم‌خرج هستند. در مواردی خانوار می‌تواند تک‌نفره باشد». این تعریف «متفاوت از تعریف خانواده به‌مثابه گروهی از افراد پیوندیافته از طریق خون، ازدواج، فرزندخواندگی و دارای اقتصاد مشترک» است. به‌عبارت‌دیگر، هر خانواده‌ای خانوار است؛ حال آنکه هر خانواری (از جمله خانوارهای تک‌نفره) خانواده نیست. با این مقدمه، برخی از مهم‌ترین شاخص‌های تغییرات خانوار را مرور می‌کنیم:

الف) کاهش بعد خانوار: بعد خانوار به‌عنوان یک شاخص مهم در مبحث تغییرات خانوار است و از تقسیم تعداد جمعیت بر تعداد خانوار در یک‌زمان معین به دست می‌آید. تغییرات بعد خانوار یا متوسط افراد در خانوار، متأثر از عوامل متعددی از جمله ازدواج و سطح باروری است که با بالا رفتن آن، تعداد فرزندان خانوار افزایش می‌یابد. بررسی روند شاخص بعد خانوار کشور طی شش دهه گذشته و بر مبنای نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۱۳۹۵، حاکی از رشد شاخص بعد خانوار تا سرشماری سال ۱۳۶۵ است و پس از آن کاهش متوالی و مداوم بعد خانوار- هم‌زمان افزایش تعداد خانوار- ثبت شده است. در واقع، بعد خانوار در سال ۱۳۳۵ برابر با ۴,۸ نفر در هر خانوار است که با روندی افزایشی در سال ۱۳۶۵ به ۵,۱ نفر در هر خانوار رسید؛ اما پس از آن با روندی کاهشی و مستمر این شاخص در سال ۱۳۹۵ به ۳,۳ نفر در سطح

کشور تقلیل یافت. روند کاهشی بعد خانوار در سطح کشور و تمامی استان‌های کشور به همین منوال روی داده است. به‌واقع، سال‌های برنامه دوم هم‌زمان با روند کاهشی بعد خانوار و در عین حال افزایش تعداد خانوار است و پس از سرشماری ۱۳۷۵ که بعد خانوار در آن از ۵٫۱ به ۴٫۸ رسید تاکنون همواره بعد خانوار روند کاهشی داشته و در سرشماری سال ۱۳۹۵ و سال پایانی برنامه پنجم، به عدد ۳٫۳ رسید (نمودار ۳۷).

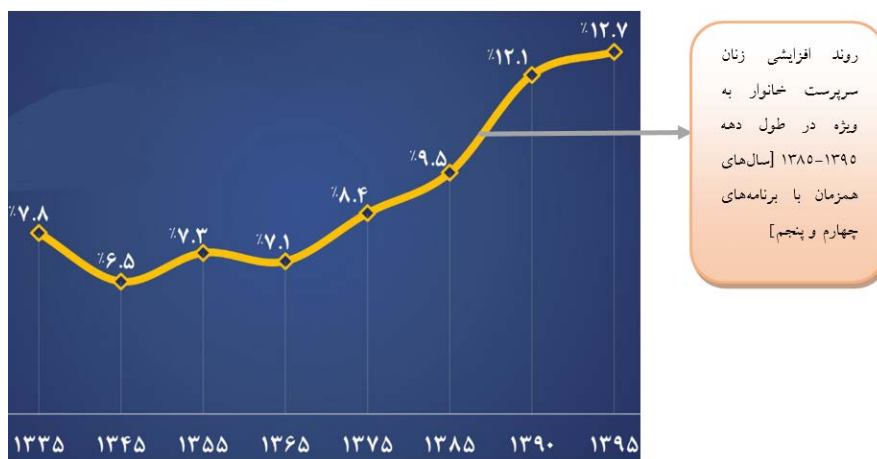
اهمیت شاخص بعد خانوار در مطالعات توسعه در این است که میان بعد خانوار استان‌ها و سطح توسعه‌یافتگی، همبستگی‌هایی وجود دارد که البته تفاوت‌های قومی و فرهنگی کشور را نیز باید همواره در این زمینه مدنظر داشت. در اینجا با احتیاط می‌توان این گزاره را پیش‌فرض گرفت که هرچه بعد خانوار در استان کوچک‌تر باشد؛ سطح توسعه استان بالاتر است. این گزاره با توجه به شاخص بعد خانوار در سال ۱۳۹۵ تأیید می‌شود. در این سرشماری، استان‌های گیلان، مازندران، تهران، مرکزی، البرز، اصفهان، آذربایجان شرقی، پایین‌ترین بعد خانوار (استان‌های برخوردار) و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، ایلام، بوشهر، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری (استان‌های نابرخوردار) بالاترین بعد خانوار کشور را داشتند.



نمودار ۳۷: روند متوسط بعد خانوار کشور در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

ب) **افزایش خانوارهای زن سرپرست:** بحث زنان سرپرست خانوار از مقوله‌های پرفرازونشیب این سال‌ها بوده و بارها از سوی نهادها و مؤسسه‌های گوناگون بر رفع آن تأکید شده است. دلایلی مانند تغییر در الگوهای زندگی خانواده‌ها و افزایش تک‌زیستی زنان جوان، افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان و به‌تبع آن رشد زنان سرپرست خانوار در سن سالخوردگی، افزایش نرخ طلاق، پایین بودن نرخ ازدواج مجدد در میان زنان مطلقه، افزایش تعداد مردان زندانی به دلیل شیوع جرائم در میان مردان، افزایش اعتیاد و مهاجرت سرپرست خانواده، از کارافتادگی همسر و غیره را در افزایش خانوارهای زن سرپرست مؤثر می‌دانند. مع‌الوصف، در تمام دهه‌های بعد از انقلاب تاکنون شاهد رشد خانوارهای زن سرپرست هستیم؛ به‌طوری که تعداد آن‌ها از ۷٫۳ درصد در دهه جنگ، به ۹٫۵ درصد در سال‌های برنامه چهارم و ۱۲٫۷ درصد در سرشماری سال (پایان برنامه پنجم) رسید (نمودار ۳۸).

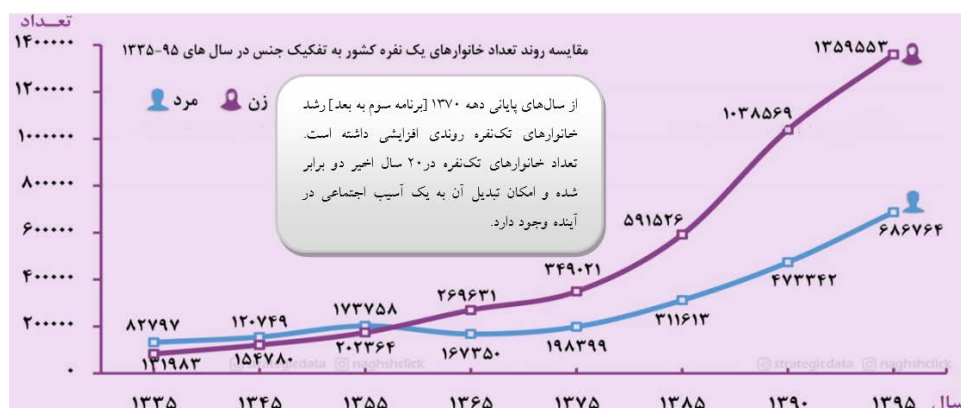


نمودار ۳۸: تغییرات درصد خانوارهای زن سرپرست کشور در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: داده‌های پردازش‌شده مرکز آمار ایران

ج) افزایش خانوارهای تک‌نفره: بر اساس نتایج هشت سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ تعداد خانوارهای تک‌نفره^۱ کشور طی روندی افزایشی مداوم از ۲۱۴۷۸۰ خانوار در سال ۱۳۳۵ به ۲۰۴۶۳۱۷ خانوار در سال ۱۳۹۵ بالغ گردیده است. در واقع، فراوانی مطلق خانوارهای تک‌نفره در سطح کشور در طی شصت سال حدود ده برابر شده است که این مسئله بیشتر ناشی از افزایش مداوم جمعیت کشور، به‌خصوص در طی دهه‌های بعد از جنگ است. بررسی سهم خانوارهای تک‌نفره کشور نسبت به کل خانوارهای معمولی کشور در طی دوره بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که درصد خانوارهای تک‌نفره نسبت به خانوارهای معمولی از ۵.۶ درصد در سال ۱۳۵۵، با رشدی شتابان در دو دهه ۱۳۹۵-۱۳۷۵، به حدود ۸.۵ رسیده است (نگاه کنید به: نمودار ۳۹).

افزایش خانوارهای تک‌نفره بخشی از یک روند جهانی از تغییرات نظام خانواده و الگوهای ازدواج-تجرد است و فعلاً درصد خانوارهای تک‌نفره ایران نسبت به سایر کشورهای جهان (به‌خصوص اروپای غربی، اسکاندیناوی، آمریکای شمالی) بسیار پایین است. رشد خانوارهای تک‌نفره، پیچیدگی برنامه‌ریزی را با توجه به روندهای تغییر جمعیت-خانوار نشان می‌دهد. آمار سرشماری‌ها نشان می‌دهد از سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ (برنامه سوم به بعد) رشد خانوارهای تک‌نفره روندی افزایشی داشته، به‌ویژه در دوره هم‌زمان با برنامه‌های چهارم و پنجم، رشد تصاعدی یافته است.



نمودار ۳۹: افزایش سهم و رشد زنان در خانوارهای یک نفره در ۶۰ سال اخیر

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، پردازش شده در: www.naghshclick.com

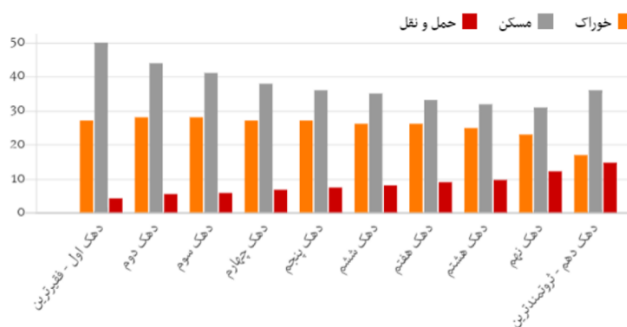
د تغییرات بودجه خانوار: با مطالعه تغییر بودجه خانوار در دهک‌های هزینه‌ای، تغییرات زیادی را می‌توان در بودجه خانوار مشاهده کرد. داده‌های بانک مرکزی از روند بودجه خانوار در دوره (۱۳۷۸-۱۳۹۵) - یعنی دوره زمانی برنامه‌های اول تا پنجم - نشان می‌دهد، پس از برنامه سوم که بودجه خانوار در سطحی بالاتر از تولید ناخالص ملی قرار داشت (البته به استثنای سال ۱۳۸۲)؛ در طول سال‌های معطوف به برنامه‌های چهارم و پنجم، شاهد کاهش بودجه خانوار در سطحی پایین‌تر از تولید ناخالص هستیم (نمودار ۴۰).



نمودار ۴۰: رشد سالانه تولید ناخالص ملی و رشد سالانه بودجه خانوار (۱۳۷۸-۱۳۹۵)

منبع: داده‌های بانک مرکزی ایران، محاسبات توسط: www.naghshclick.com

در بررسی تغییرات طولانی‌مدت بودجه خانوار، نابرابری‌های بودجه خانوار در میان دهک‌ها و استان‌ها، حائز اهمیت بیشتری است؛ چراکه مقایسه بودجه خانوارها در کشور در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵ (در طول دوره برنامه‌های چهارم و پنجم) برای هر دهک هزینه‌ای، تفاوت‌های سطح رفاه اجتماعی خانوارها را بیشتر آشکار می‌کند. نمودار ۴۱ که معرف سهم هزینه‌های عمده از کل بودجه خانوار در دهک‌های مختلف در دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۵ است؛ نشان می‌دهد دهک‌های پایین، بیشترین درصد از بودجه خانوار را به مسکن و خوراک اختصاص داده، در حالی که دهک‌های ثروتمند، درصد قابل توجهی از بودجه خانوار را به فعالیت‌های گردشگری-تفریحی، مسافرت (حمل و نقل) اختصاص داده‌اند. تغییرات بودجه خانوار، شاخص مناسبی برای برنامه‌ریزی به منظور کاهش نابرابری فزاینده خانوارها در دهک‌های مختلف است.



در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۵ [در طول دوره برنامه‌های چهارم و پنجم] دهک‌های پایین‌ترین در صد از بودجه خانوار را به مسکن و خوراک اختصاص داده، در حالی که دهک‌های ثروتمند، درصد قابل توجهی از بودجه خانوار را به فعالیت‌های گردشگری- تفریحی، مسافرت (حمل و نقل) اختصاص داده‌اند. تغییرات بودجه خانوار، شاخص مناسبی برای برنامه‌ریزی به منظور کاهش نابرابری فزاینده خانوارها، در دهک‌های مختلف است.

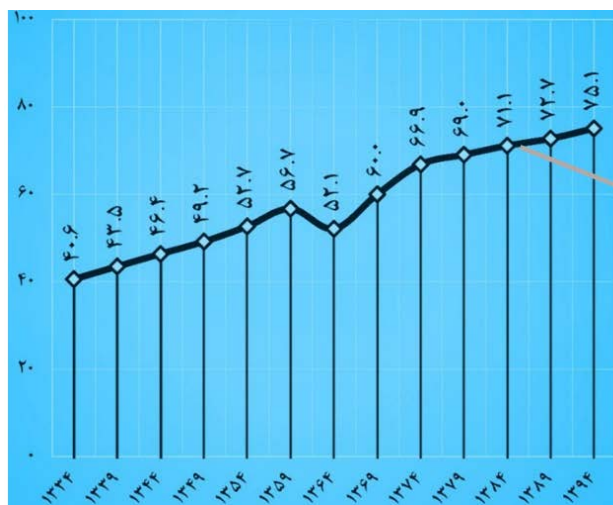
نمودار ۴۱: سهم هزینه‌های عمده از کل بودجه خانوار در دهک‌های مختلف (به درصد) در دوره ۱۳۷۸-۱۳۹۵

منبع: داده‌های بانک مرکزی ایران، محاسبات توسط: www.nagshclick.com

۲-۲-۵- امید به زندگی در بدو تولد

اصطلاح امید به زندگی در بدو تولد^۱ در لغت به معنی متوسط سال‌هایی است که در صورت ثابت بودن شرایط زیستی و الگوی مرگ‌ومیر در جامعه انتظار می‌رود هر فرد واقع در یک سن خاص عمر کند. برای محاسبه امید به زندگی، اطلاع از اندازه جمعیت در گروه‌های سنی و هم‌چنین تعداد مرگ‌ومیر در هر گروه سنی در طی یک سال ضروری است. با استفاده از اطلاعات پیش‌گفته و تهیه جدول عمر، امید به زندگی به دست می‌آید. شاخص امید به زندگی، رابطه قوی با سطح توسعه‌یافتگی مناطق کشورها و نیز سطح توسعه یک کشور در مقایسه با دیگر کشورها دارد.

همان‌طور که در نمودار روند امید به زندگی کشور طی ۶۰ سال گذشته نیز مشخص است، امید به زندگی از سال ۱۳۳۴ با ۴۰٫۶ سال، به ۷۵٫۱ سال در سال ۱۳۹۴ رسیده است (نمودار ۴۲). ذکر این نکته لازم است که برای نخستین بار در برنامه سوم و به دلیل تداوم رویکردهای جمعیتی- بهداشتی برنامه‌های قبلی، شاخص امید به زندگی به ۷۱٫۱ سال رسید که حاکی از روندی افزایشی نسبت به دهه‌های قبل بود. این مسئله موفقیت مهمی برای کشور است که در دهه‌های گذشته و با ارتقای سطح بهداشت فردی، بهداشت عمومی، واکسیناسیون اطفال در مقابل بسیاری از بیماری‌های عفونی و ارتقای روش‌های درمان بیماری‌ها که در بستر اجتماعی- اقتصادی مناسب (افزایش میزان باسواد و سطح آگاهی، گسترش شهرنشینی...) رخ داده، حاصل شده است. امید به زندگی در ایران در سال ۱۳۹۴ (سال پایانی برنامه پنجم) در کل جمعیت کشور ۷۵ سال است که از میانگین جهانی بالاتر است و ایران را در بین ۱۹۴ کشور در رتبه ۸۰ قرار می‌دهد.



در برنامه سوم و به دلیل تداوم رویکردهای جمعیتی - بهداشتی برنامه‌های قبلی، شاخص امید به زندگی به ۷۱٫۱ سال رسید که حاکی از روندی تصاعدی نسبت به دهه‌های قبل بود. امید به زندگی در ایران در سال ۱۳۹۴ [سال پایانی برنامه پنجم] در کل جمعیت کشور ۷۵ سال است که از میانگین جهانی بالاتر است.

نمودار ۴۲: امید به زندگی توأم با سلامت در بدو تولد

منبع: گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی، پردازش شده در: www.naghshclick.com

۲-۲-۶- توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی^۱، به صورت سالانه توسط برنامه توسعه سازمان ملل سنجیده می‌شود و انتشار می‌یابد. نخستین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ میلادی انتشار یافت و گزارش سال ۲۰۱۸، بیست‌وششمین گزارش UNDP است. شاخص توسعه انسانی، معیار خلاصه‌ای برای توسعه انسانی است و متوسط دستیابی یک کشور را در سه بعد اساسی توسعه انسانی اندازه‌گیری می‌کند:

- (۱) Life Expectancy: زندگی توأم با سلامت که با معیار امید به زندگی مشخص می‌شود.
- (۲) Education: آموزش که توسط نرخ سواد بزرگسالان و نسبت ترکیبی ثبت‌نام دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه محاسبه می‌شود.
- (۳) GNI per capita: استاندارد شایسته زندگی که توسط تولید ناخالص داخلی سرانه با معیار برابری قدرت خرید دلار محاسبه می‌شود. شاخص توسعه انسانی، میانگین سه شاخص بالا است:

۱- اگر شاخص توسعه انسانی بین ۰٫۵۵ تا ۰٫۷۰ باشد، کشور در مرحله پایین توسعه انسانی است.^۲

۲- اگر شاخص توسعه انسانی بین ۰٫۷۰ تا ۰٫۸۰ باشد، کشور در مرحله متوسط توسعه انسانی است.^۳

۳- اگر شاخص توسعه انسانی بین ۰٫۸۰ تا ۱ باشد، کشور در مرحله بالای توسعه انسانی است.^۴

روند شاخص توسعه انسانی در ایران در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد (نمودار ۴۳) این شاخص در سال‌های دهه جنگ و تمام برنامه‌های توسعه، روندی افزایشی داشته است؛ اما به‌طور مشخص در طول برنامه چهارم و پنجم و سال اول برنامه ششم این شاخص افزایش بیشتری داشته و از ۰٫۶۱۵ در سال ۱۳۸۵، به ۰٫۷۹۸ در سال ۱۳۹۶ ارتقاء یافته است.

1. Human Development Index (HDI)
2. Low Human Development
3. Medium Human Development
۴. High Human Development

برای نمونه در گزارش سال ۲۰۱۸، رتبه ایران بالاتر از برخی کشورهای منطقه چشم‌انداز (ترکیه، لبنان، اردن)، اقتصادهای شمال آفریقا (تونس)، کشورهای بریکس (چین و برزیل) قرار دارد. طبق گزارش سال ۲۰۱۸ ملل متحد رتبه شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۷، ۰,۷۹۸ است که ایران را در بین ۱۸۹ کشور در گروه توسعه انسانی بالا با رتبه ۶۰ قرار می‌دهد. ایران یک صعود ۹ پله‌ای را نسبت به سال قبل تجربه کرده و از محدود دفعاتی است که در رده کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار می‌گیرد. بنابراین، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ رتبه ایران از ۰,۵۷۷ به ۰,۷۹۸ رسیده و افزایش ۳,۳ درصدی دارد که دستاورد قابل‌تکایی است. با بررسی دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۰ مشخص می‌شود که ایران رتبه بالاتری نسبت به ترکیه، گرجستان و بسیاری از کشورهای منطقه چشم‌انداز دارد؛ اگرچه هنوز با رقبای اصلی یعنی عربستان، امارات و اسرائیل فاصله دارد. در عین حال، رتبه ایران در مقایسه با اقتصادهای نوظهور بهتر است و این مسئله تحکیم موقعیت ایران را نسبت به دیگر دولت‌های توسعه‌گرا نشان می‌دهد.



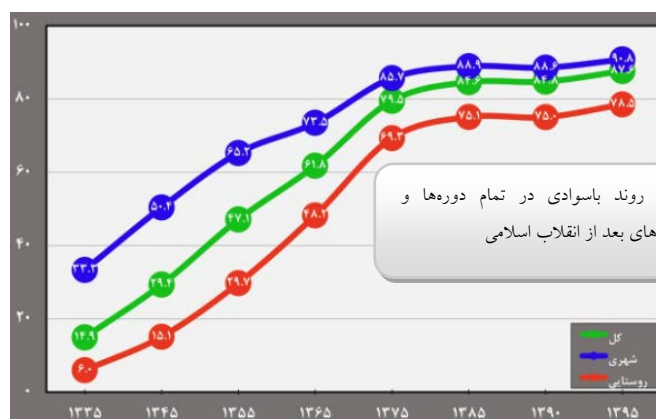
نمودار ۴۳: روند شاخص توسعه انسانی در ایران در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۷

منبع: Human Development Reports (1980-2018)

۲-۳- شاخص‌های فرهنگی

۲-۳-۱- سطح سواد

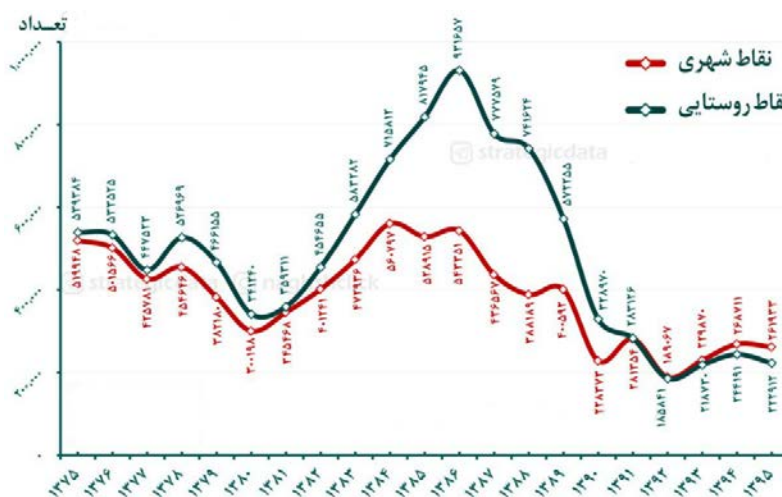
یکی از شاخص‌های توسعه در جوامع در حال گذار، بهره‌مندی مردم از سواد خواندن و نوشتن است. یونسکو باسوادی را یکی از ارکان اصلی نیل به توسعه پایدار قلمداد کرده و آن را شاخصی در تحقق آرمان‌ها و مقاصد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه می‌داند. نمودار ۴۴ که مقایسه‌ای از روند نرخ باسوادی در جمعیت کشور به تفکیک وضع سکونت در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ است؛ نشان می‌دهد نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر، در ۴۰ سال اخیر و به‌خصوص از دهه ۷۰ به بعد افزایش کامل داشته و در سرشماری سال ۱۳۷۵ (سال شروع برنامه دوم) به عدد ۸۰ درصد رسید. این افزایش در تمام برنامه‌های بعدی تداوم داشته و در سرشماری سال ۱۳۹۵ (سال پایانی برنامه پنجم) به ۸۸ درصد رسید.



نمودار ۴۴: مقایسه روند نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور به تفکیک وضع سکونت (۱۳۳۵-۱۳۹۵)

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

نرخ باسوادی در ایران در مقایسه با کشورهای رقیب در منطقه چشم‌انداز بالاست. «گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶؛ توسعه انسانی برای هر فرد» نشان می‌دهد نرخ باسوادی در ایران بالاتر از کشورهای منطقه چشم‌انداز از جمله عربستان، پاکستان و عراق است. همچنین طبق گزارش توسعه انسانی ملل متحد ۲۰۱۸، وضعیت باسوادی در ایران بالاتر از سایر کشورهای جنوب آسیا است. نمودار ۴۵ نشان می‌دهد تعداد سوادآموزان کشور (جمعیت بی‌سواد مطلق)، به‌خصوص در نقاط روستایی از میانه‌های دهه ۱۳۸۰ (سال‌های پس از چشم‌انداز و در طول برنامه چهارم و پنجم) به بعد، به نحو چشم‌گیری کاهش یافته و به ۲۲۰ هزار نفر در مناطق روستایی و ۲۶۰ هزار نفر در مناطق شهری رسیده است.



نمودار ۴۵: تعداد سوادآموزان کشور در ۲۰ سال اخیر

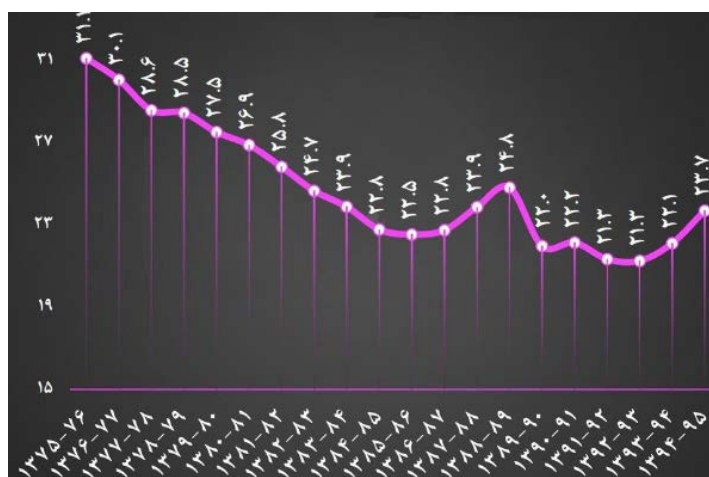
منبع: مرکز آمار ایران، پردازش شده در: www.naghshclick.com

۲-۳-۲- آموزش

در متون توسعه، آموزش به‌مثابه بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری و محرک رشد اقتصادی در کشورها تعریف می‌شود؛ چراکه بهره‌وری منابع انسانی و هدف‌گذاری بر اهداف پیشرفت را با توجه به فرصت‌ها و چالش‌ها، به سطح بهینه می‌رساند. آموزش و تحصیلات یکی از جنبه‌های مهم تغییر جمعیتی، توسعه اجتماعی و رشد

اقتصادی است که آینده اقتصادی و رفاه همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حق آموزش رایگان و همگانی از جمله حقوق شهروندان و مورد تأکید اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این اصل به جهت اهمیت بسیار والای آن در قانون اساسی بسیاری از کشورها، از جمله کشور ما گنجانده شده و قانون اساسی همسو با توافقات بین‌المللی به‌خصوص میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که دولت ایران از طریق مرجع قانون‌گذاری، اجازه الحاق به میثاق مذکور را یافته است؛ حق آموزش رایگان و همگانی را برای افراد به رسمیت می‌شناسد. از سوی دیگر، آموزش عالی رأس هرم آموزش در هر کشوری است و از دهه‌های پایانی قرن بیستم در جهان و نیز در کشور ما، رو به همگانی شدن گذاشته و به خواستی اجتماعی بدل گردیده است. طی سالیان اخیر، رشد شتابان و فزاینده دسترسی به آموزش عالی در بسیاری از کشورها من جمله ایران به‌عنوان پاسخی به ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد حمایت دولت‌ها قرار گرفته است. در این بخش، به‌طور مختصر و خلاصه، برخی از روندهای کمی این شاخص مهم توسعه فرهنگی در دو بخش متمایز آموزش و پرورش و آموزش عالی ارائه می‌شود.

الف) آموزش و پرورش: ارتقاء کیفیت دسترسی به سرانه‌های آموزشی از اهداف سیستم‌های آموزش و پرورش است. در ایران در طی دوره ۴۰ ساله، به‌خصوص دو دهه اخیر (در طول برنامه‌های دوم تا پنجم) سرانه دسترسی به معلم (سرانه نسبت دانش‌آموز به ازای هر معلم) با ارتقاء همراه بوده و در مقایسه با میانگین‌های جهانی قابل قبول است؛ به‌گونه‌ای که از ۳۱,۵ دانش‌آموز به ازای هر معلم در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ (شروع برنامه دوم) به ۲۳,۷ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ (پایان برنامه پنجم) کاهش یافته (نمودار ۴۶) که نشان‌گر بهبود کیفیت به لحاظ دسترسی معلمان به دانش‌آموزان است. همچنین طی دوره مذکور، تغییر به خصوصی در تعداد معلمان صورت پذیرفته و نوسان در تعداد معلمان متناسب با دانش‌آموزان بوده است.

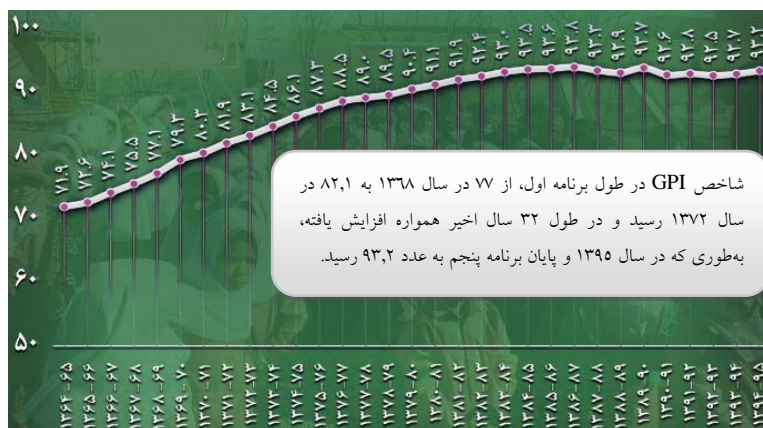


نمودار ۴۶: سرانه نسبت دانش‌آموز به ازای هر معلم طی ۲۰ سال اخیر

منبع: داده‌های پردازش شده مرکز آمار ایران

آمارهای کمی ارائه شده در نمودار ۴۶ نابرابری منطقه‌ای، طبقه‌ای، شهری-روستایی و سایر نابرابری‌های دانش‌آموزان در دسترسی به خدمات آموزش و پرورش را بیان نمی‌کند. پیش از این نیز گفته شده که هدف گزارش، بیان تجربه توسعه در ایران پس از انقلاب اسلامی در تقاطع با شاخص‌های مقایسه‌پذیر است. یکی از این شاخص‌های مقایسه‌پذیر در زمینه آموزش و پرورش، شاخص برابری جنسیتی^۱ است که به‌مثابه یک شاخص مهم بین‌المللی در اندازه‌گیری شکاف جنسیتی در آموزش، اعتبار جهانی دارد. این شاخص از نسبت ثبت‌نام‌شدگان دختر به ثبت‌نام‌شدگان پسر به دست می‌آید. بر مبنای داده‌های بین‌کشوری در زمینه نسبت‌های ثبت‌نام خام، GPI در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، نزدیک یا اندکی بزرگ‌تر از ۱۰۰ است که نسبت‌های بالاتر ثبت‌نام دختران به پسران را نشان می‌دهد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، شکاف جنسیتی عمده‌ای به نفع پسران وجود داشته است که بیشتر ناشی از مسائل اجتماعی و فرهنگی، به‌خصوص در کشورهای دارای گسست‌های قومیتی و مذهبی است. موقعیت ایران در این شاخص در مقایسه با کشورهای در حال توسعه مثبت است و نمودار ۴۷ مبین ارتقای شاخص GPI از دوره زمانی برنامه اول در کشور است. شاخص GPI در طول برنامه اول، از ۷۷ در سال ۱۳۶۸ به ۸۲٫۱ در سال ۱۳۷۲ رسید و در طول ۳۲ سال اخیر همواره افزایش یافته، به‌طوری که در سال ۱۳۹۵ و پایان برنامه پنجم به عدد ۹۳٫۲ رسید.

۱. Genuine progress indicator (GPI)



نمودار ۴۷: ارتقاء شاخص برابری جنسیتی (GPI) در میان دانش‌آموزان کشور طی ۳۲ سال اخیر

(تعداد دانش‌آموزان دختر به ازای ۱۰۰ دانش‌آموز پسر)

منبع: داده‌های پردازش شده مرکز آمار ایران

ب) آموزش عالی: آموزش عالی به سطحی از آموزش گفته می‌شود که در دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، کالج‌ها و مؤسسات فناوری که مدرک دانشگاهی یا مدرک حوزوی ارائه می‌دهند، وجود دارد. بررسی اجمالی روند ۵۰ ساله جمعیت دارای تحصیلات عالی، بیانگر افزایش روزافزون و شتابان آموزش عالی در سطح کشور؛ به‌طور خاص پس از دهه جنگ تحمیلی و در طول دوره زمانی برنامه‌های توسعه است. چنانکه سهم افراد دارای تحصیلات عالی از ۲ درصد کل افراد باسواد ۶ ساله و بیشتر در سال ۱۳۴۵، به بیش از ۲۱٫۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. داده‌های نمودار ۴۸ نشان می‌دهد تکانه اصلی در رشد تحصیلات عالی عمدتاً در سال‌های برنامه سوم به بعد اتفاق افتاد و روند افزایشی آن تداوم دارد. چنانکه تعداد افراد دارای تحصیلات عالی از حدود ۱۰۹ هزار نفر در سال ۱۳۴۵، به نزدیک ۱۳٫۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این افزایش متأثر از ساخت سنی جمعیت و تغییرات اجتماعی، فرهنگی و نیز سیاست‌های آموزشی کشور بوده است.

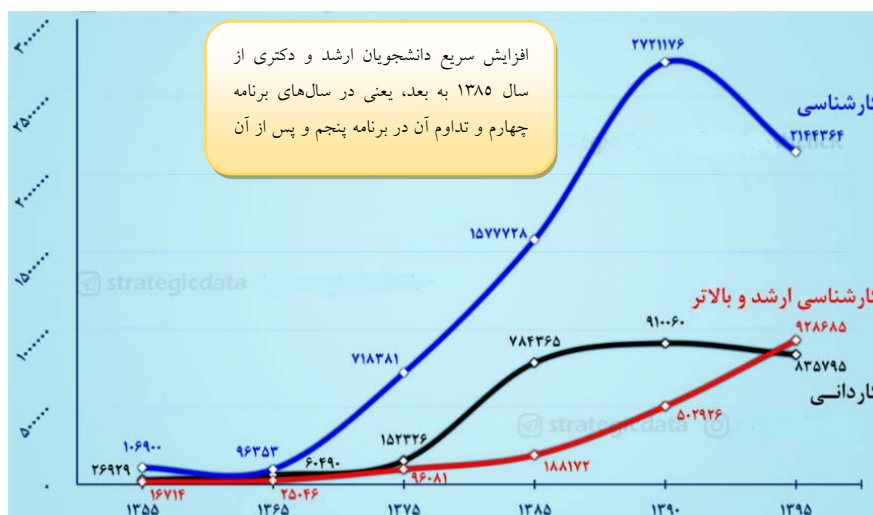


نمودار ۴۸: رشد افراد دارای تحصیلات عالی در ۵۰ سال اخیر (۱۳۴۵-۱۳۹۵)

منبع: داده‌های پردازش شده مرکز آمار ایران، در: www.naghshclick.com

چه تعداد دانشجوی در دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۵ در ایران تحصیل کرده‌اند؟ نمودار ۴۹، ضمن مقایسه تعداد دانشجویان کشور به تفکیک مقاطع تحصیلی در سال‌های ۱۳۵۵-۹۵ و روند جذب دانشجوی در سه مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر را ارائه کرده است. داده‌ها نشان می‌دهد افزایش سریع

دانشجویان ارشد و دکتری از سال ۱۳۸۵ به بعد، یعنی در سال‌های برنامه چهارم شروع شده و در برنامه پنجم تاکنون تداوم یافته است. افزایش دانشجویان مقطع دکتری عموماً با شرایط ساختاری اقتصاد، تقاضا در بازار کار و انتظار دریافت شغل با امتیازات بیشتر، به‌خصوص در بدنه بوروکراسی کشور ارتباط دارد و عدم تعادلی که از تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری در ایران ایجاد شده، تعداد بیکاران در این جمعیت را در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴، چهار برابر کرده است (نمودار ۴۹).



نمودار ۴۹: مقایسه روند تعداد دانشجویان کشور به تفکیک مقاطع تحصیلی در سال‌های ۹۵-۱۳۵۵

منبع: داده‌های پردازش شده مرکز آمار ایران در: www.naghshclick.com

پس از ارائه بسیار مختصر از چند شاخص کمی در زمینه آموزش (آموزش و پرورش و آموزش عالی) و روند مثبت چهار دهه اخیر، نیاز است نسبت گزارش را با چند چالش مهم در این زمینه روشن‌تر بیان کنیم: نخست، آمارهای ارائه‌شده در زمینه سرانه معلمان و دانش‌آموزان، نابرابری‌های منطقه‌ای، طبقه‌ای، شهری-روستایی و سایر نابرابری‌های دانش‌آموزان در دسترسی به خدمات آموزش و پرورش را بیان نمی‌کنند و ضرورتاً نمی‌توان آن‌ها را به معنای افزایش کیفیت نظام آموزشی دانست.

دوم، بررسی درصد جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی از کل افراد باسواد به تفکیک استان‌ها در سال ۱۳۹۵، بیانگر عدم توازن منطقه‌ای در این شاخص است. استان‌های ایلام، تهران و سمنان از نظر سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی از کل افراد باسواد ۶ ساله و بیشتر، بالاترین رتبه را (با حدود ۲۸ درصد) به خود اختصاص داده و در مقابل، به ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان (با کمتر از ۱۲ درصد)، هرمزگان و کردستان پایین‌ترین درصد جمعیت دارای تحصیلات عالی در سطح کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

سوم، امر آموزش در ایران از سطوح ابتدایی گرفته تا سطوح عالی به سمت طبقاتی شدن پیش می‌رود و هر روز بر این شکاف و نابرابری دامن زده می‌شود. درواقع، رنگین‌کمانی از مدارس و دانشگاه‌ها شکل گرفته‌اند، اما وجه مشترک آن‌ها گرفتن شهریه‌های مختلف از دانش‌آموزان و دانشجویان است. به عنوان مثال، برآورد

منابع مالی آموزش عالی کشور در سال ۱۳۹۶ یعنی شروع برنامه ششم نشان می‌دهد تقریباً ۵۰ درصد تأمین مالی از خانوارها و ۵۰ درصد از بودجه عمومی دولت است. هزینه بالای آموزش برای دولت، اگرچه مشارکت مردم در اداره این نهاد را در ابتدا توجیه می‌کند؛ اما از یک‌سو شهریه‌های متنوع و بالا، با اصل رایگان بودن آموزش در قانون اساسی همخوانی ندارد و از سوی دیگر، ممکن است عده زیادی از افراد مستعد اما کم‌درآمد جامعه را از تحصیل در دانشگاه‌های باکیفیت محروم کند.

چهارم، باید به این روند اشاره کرد که مطابق آمار مؤسسه تحقیقات آموزش عالی، از سال ۱۳۷۸ به بعد، استادان تمام‌وقت در کشور سه برابر شده‌اند؛ درحالی‌که مدرسان پاره‌وقت، تقریباً ۲۰ برابر شده‌اند.

پنجم و درنهایت اینکه، بی‌هیچ تردیدی دو بخش آموزش و بهداشت نه تنها در چهار دهه گذشته اثرگذارترین عوامل در بهبود سطح زندگی مردم ایران بوده‌اند؛ بلکه درصد زیادی از GDP و اشتغال کشور را یدک می‌کشند. طبق آمارها، به‌رغم رشد کمی آموزش عالی در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی نسبت به قبل آن که دستاورد قابل‌اتکایی است (تعداد دانشگاه‌های جهان در این دوره ۵ برابر شده و تعداد دانشگاه‌های ایران ۲۵ برابر شده است)؛ GDP آموزش عالی کاهش یافته و نیاز جدی برای بازتعریف نقش آموزش عالی در توسعه وجود دارد.

۲-۳-۳- روند انتشار کتاب و مطبوعات

صنعت نشر کتاب در ایران قدمتی بیش از صد و پنجاه سال دارد و امروزه صنعت نشر کتاب در کشور ما در حوزه تعداد عناوین منتشره، وضعیت متفاوتی را به خود می‌بیند. بررسی روند تعداد عناوین کتاب‌های منتشرشده طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۵ بر مبنای اطلاعات سالنامه‌های آماری کشور حاکی از روند پرشتاب، مداوم و افزایشی تعداد عناوین کتاب‌های چاپ‌شده، به‌ویژه کتاب‌های تألیفی است. پس از سال‌های برنامه چهارم و پنجم، این روند شتاب بیشتری گرفته است؛ چنانکه تعداد کتاب‌های تألیفی منتشرشده در طی دوره بیست‌ساله با افزایشی چشم‌گیر از ۱۲۱۹۰ عنوان کتاب در سال ۱۳۷۵ به ۶۵۵۲۰ عنوان کتاب در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته و در سوی دیگر نیز، کتاب‌های ترجمه منتشرشده طی سال‌های مورد بررسی از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده و از ۲۴۷۰ عنوان کتاب در سال ۱۳۷۵ به بیش از پانزده هزار عنوان کتاب در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است (نمودار ۵۰).

به‌رغم افزایش کمی چاپ کتاب، باید به دو نکته توجه داشت: نخست، مقایسه سرانه مطالعه در ایران با کشورهای دیگر، به‌خصوص رقبای منطقه‌ای چشم‌انداز اندکی پایین‌تر است که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت. دوم، نشر کتاب در کشور با توزیع نامتوازن همراه است. برای مثال در سال ۱۳۹۴، بیشترین عناوین منتشرشده در سطح کشور با اختلافی فاحش در سه استان تهران، قم و خراسان رضوی منتشر شده‌اند و در مقابل، سه استان جنوبی هرمزگان، سیستان و بلوچستان و بوشهر نیز کمترین تعداد عناوین کتاب‌های منتشره در سطح کشور را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۵۰: روند رو به رشد انتشار کتاب طی ۲۰ سال اخیر

منبع: داده‌ها استخراج شده از سالنامه‌های آماری کشور و پردازش شده در: www.naghshclick.com

برای بررسی شاخص‌های فرهنگی در کشور باید به روند مطبوعات نیز اشاره کرد. مطبوعات در دنیای امروز، به‌خصوص با توجه به قابلیت رسانه‌های اجتماعی در ایجاد چرخه‌های چندرسانه‌ای و جهت‌دهی به افکار عمومی نقش مهمی بر عهده دارند تا جایی که از آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در جوامع بشری به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود.

روزنامه و مطبوعات در کشور ما قدمتی ۱۸۰ ساله دارد و پس از انتشار نخستین روزنامه به زبان فارسی در ایران - «کاغذ اخبار» - و شکل‌گیری نقطه عطف روزنامه‌نگاری کشور - یعنی انتشار «وقایع اتفاقیه» - تاکنون، روند بسیار پرفرازونشیبی را طی کرده است. بر اساس آمار و اطلاعات سالنامه آماری کشور، تعداد نشریات منتشره طی بازه زمانی ۴۵ ساله ۱۳۴۹ تا ۱۳۹۴ از ۱۷۷ عنوان به بیش از ۸۲۸۷ عنوان رسیده است. بررسی جدول ۵۰ تعداد نشریات منتشره به‌خصوص طی دوره بعد از انقلاب اسلامی، حاکی از افزایش رکود نشریات منتشره طی دوره پس از جنگ تحمیلی و سال‌های برنامه‌های توسعه است؛ اما مقایسه تعداد مطبوعات کشور میان سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۹۴ (فاصله برنامه اول تا پنجم) حاکی از افزایش بیش از ۴۷ برابری نشریات کشور طی سال‌های مذکور است (جدول ۲۵).

بالندگی و شکوفایی هر فرهنگ و تمدنی، ریشه در رشد فکری و فرهنگی آن دارد و ناگفته پیداست که رشد فرهنگی نیز بدون توسعه تفکر مطالعه فراهم نخواهد آمد. باید اذعان داشت که باوجود رشد قابل توجه تعداد و کمیت مطبوعات، کتاب‌ها و دیگر رسانه‌های مکتوب و اجتماعی، جداول بالا درباره کیفیت و تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر فکر و کنش مردم چیزی عرضه نمی‌کنند و باید به شاخص‌های دیگری چون سرانه مطالعه پرداخت.

جدول ۲۵: روند تعداد مطبوعات منتشر شده کشور طی ۵۰ سال اخیر

سال	جمع	روزانه	هفتگی	دوهفته‌یک‌بار	ماهانه	دوماه یک‌بار	فصلی	سایر
۱۳۴۶	۱۸۸	۳۴	۱۱۳	۰	۴۱	۰	۰	۰
۱۳۵۰	۱۸۵	۳۴	۱۰۱	۰	۵۰	۰	۰	۰
۱۳۵۵	۲۱۶	۱۹	۴۴	۰	۱۳۵	۰	۰	۱۸
۱۳۶۱	۶۶	۶	۳۵	۲	۱۷	۰	۳	۳
۱۳۶۶	۱۲۳	۱۱	۳۸	۸	۴۰	۵	۱۷	۴
۱۳۷۲	۴۳۷	۲۶	۹۴	۲۵	۱۵۴	۲۱	۹۵	۲۲
۱۳۷۶	۸۰۰	۸۳	۱۷۵	۵۷	۲۲۲	۲۸	۱۸۴	۵۱
۱۳۸۰	۱۳۴۷	۱۲۱	۲۶۷	۸۰	۳۲۰	۵۳	۳۹۶	۱۱۰
۱۳۸۵	۳۳۸۲	۱۸۳	۶۲۹	۲۰۱	۱۰۰۳	۱۰۷	۱۰۰۲	۲۵۷
۱۳۹۰	۴۸۹۹	۱۹۶	۷۱۶	۴۲۰	۱۱۹۳	۱۷۴	۱۷۱۶	۴۸۴
۱۳۹۴	۸۲۸۷	۲۹۶	۱۱۰۸	۷۳۲	۲۲۹۵	۴۳۰	۲۶۶۴	۷۶۲

بررسی جدول تعداد نشریات منتشره طی دوره بعد از انقلاب اسلامی، حاکی از افزایش رکود نشریات منتشره طی دوره پس از جنگ تحمیلی و سال‌های برنامه‌های توسعه است؛ اما به‌ویژه مقایسه تعداد مطبوعات کشور میان سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۹۴ [فاصله برنامه اول تا پنجم] حاکی از افزایش بیش از ۴۷ برابری نشریات کشور طی سال‌های مذکور است.

منبع: آمار و اطلاعات سالنامه‌های آماری کشور

۲-۳-۴- سرانه مطالعه و تعداد کتابخانه‌های عمومی

عام‌ترین تعریف از سرانه مطالعه، میانگین مدت‌زمان مطالعه یک نفر در یک شبانه‌روز است. در این حالت، میزان مطالعه همه افراد یک جامعه را با هم جمع و سپس نتیجه را بر تعداد افراد آن جامعه و تعداد روزهای در نظر گرفته شده تقسیم می‌کنند. برای مثال، سرانه مطالعه ۱۳ دقیقه‌ای در سال ۱۳۹۵ به این معنی است که در ایران ۸۰ میلیون نفری، هر روز بیش از ۱۷ میلیون ساعت مطالعه انجام می‌شود. از این میزان به‌طور میانگین به هر یک نفر، ۱۳ دقیقه وقت می‌رسد؛ اما لزوماً همیشه این تعریف صادق نیست و می‌توان به‌جای مدت زمان از تعداد کتاب‌ها یا تعداد صفحات خوانده‌شده در طول روز نیز، برای تعریف سرانه مطالعه بهره جست.

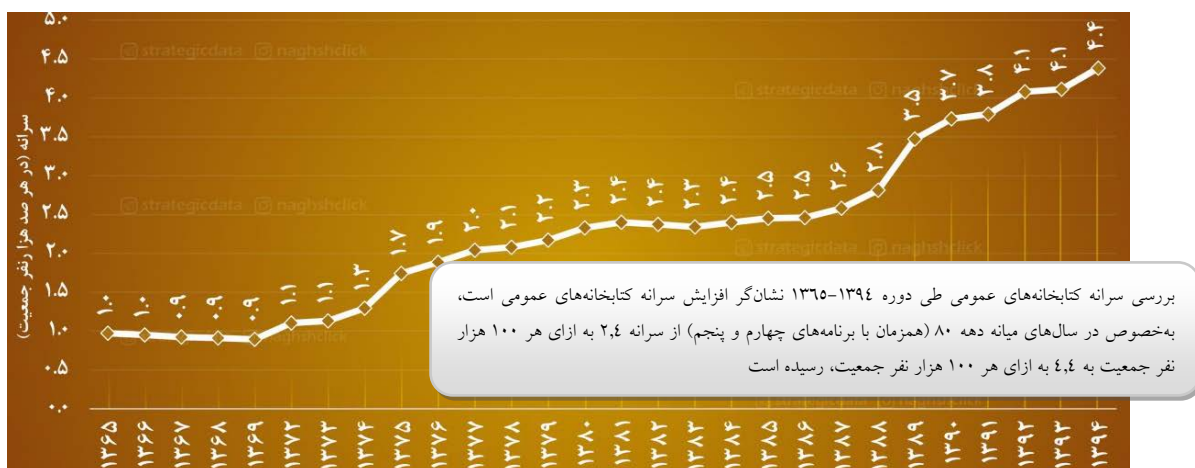
به‌واقع، آمارهای ارائه شده از سرانه مطالعه در ایران، با توجه به چالش‌های موجود در محاسبه این شاخص و نیز تعریف مطالعه در کشورهای مختلف و نیز گسترش کمی و کیفی رسانه‌های ارائه‌دهنده محتوای قابل مطالعه، به مسئله‌ای بغرنج تبدیل شده است. برای مثال، مرکز آمار ایران که از ابتدای دهه ۸۰ تهیه آمار حوزه‌های فرهنگی را بر عهده دارد؛ تعریفی از سرانه مطالعه در فراداده‌های خود ارائه نکرده و در شیوه‌نامه طرح‌های مربوط به گذران وقت، اشاره‌ای به مطالعه در میان فعالیت‌های ۱۵ گانه مربوط به گذران وقت نشده است. در جدول ۲۶ سرانه مطالعه در کشور در دوره ۱۰ ساله اخیر ارائه شده و با میانگین سایر کشورها نیز مقایسه شده است.

جدول ۲۶: برآورد سرانه مطالعه در کشور در دوره ۱۰ ساله اخیر (۱۳۸۷-۱۳۹۶) در مقایسه با سایر کشورها

دوره زمانی ۱۰ ساله			دوره زمانی
۱۳۹۵	سال -۱۳۹۴ ۱۳۹۱	سال ۱۳۸۷-۱۳۹۰	
۱۳ دقیقه مأخذ: بررسی سایت عصر ایران از میانگین‌های اعلام‌شده در نظرسنجی سایت‌ها و مراجع علمی	-	۱۸ دقیقه مأخذ: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور	وضعیت ایران در شاخص سرانه مطالعه کتاب، نشریات و غیره در ایران
وضعیت ایران در شاخص سرانه مطالعه کتاب، نشریات و غیره در مقایسه با سایر کشورها در سال ۱۳۹۵ یا ۲۰۱۶ مأخذ: t.m/Social_Science			
۱۱۲ دقیقه			هند
۹۲ دقیقه			ژاپن
۷۴ دقیقه			چین
۶۸ دقیقه			انگلیس
۶۷ دقیقه			فرانسه
۶۵ دقیقه			آمریکا
۶۱ دقیقه			روسیه
۵۸ دقیقه			سوئد
۵۰ دقیقه			ترکیه
۴۸ دقیقه			مالزی
۴۷ دقیقه			ایتالیا
۱۳ دقیقه			ایران

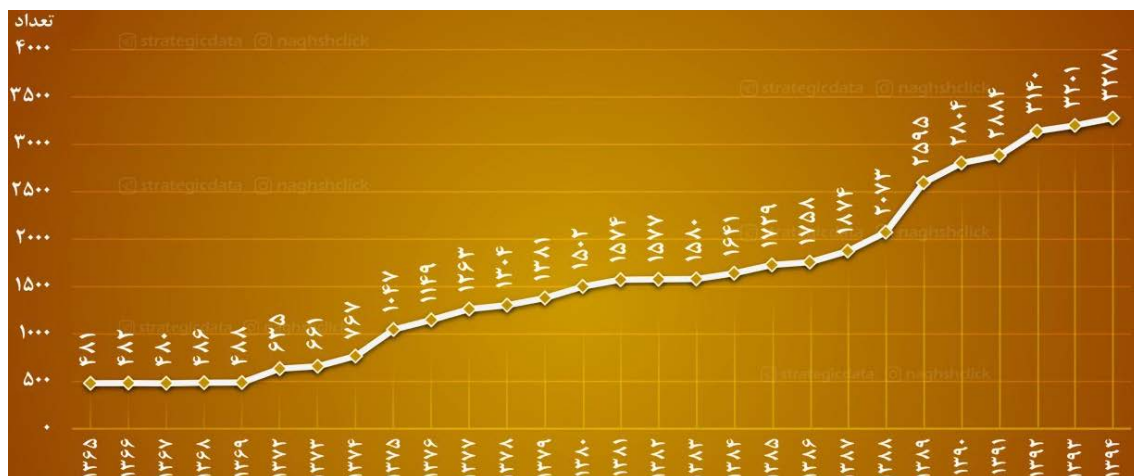
منبع: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول ۲۶، چند نکته مهم را آشکار می‌کند. نخست، سرانه مطالعه در اقتصادهای نوظهور (هند، روسیه) و دولت‌های توسعه‌گرای جدید (ترکیه و مالزی) بالاتر از ایران است. دوم، با اینکه افزایش کمیت صنعت فرهنگ (چاپ و نشر، کتاب، مطبوعات) و افزایش سرانه کتابخانه‌های عمومی (نمودارهای ۵۱ و ۵۲) صورت گرفته که نمایانگر تلاش‌های قابل تحسین و ارزشمند به‌خصوص در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی است، اما این کمیت لزوماً با توسعه فرهنگی که مترادف با ایجاد آگاهی و تغییر در نظام فکری افراد است؛ همگرایی ندارد. تغییر در نظام آگاهی افراد جامعه، عزم جدی و برنامه‌ریزی چندبعدی را طلب می‌کند.



نمودار ۵۱: افزایش سرانه کتابخانه‌های عمومی کشور در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۴ (در هر صد هزار نفر جمعیت)

منبع: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، پردازش شده در: www.naghshtclick.com



نمودار ۵۲: افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی کشور در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۴

منبع: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، پردازش شده در: www.naghshtclick.com

۲-۳-۵- روند گردشگری؛ با تأکید بر شاخص تعداد گردشگران خارجی

صنعت گردشگری در کنار صنایع نفت و خودروسازی به سه صنعت درآمدزا در سطح جهانی تبدیل شده است. گردشگری صنعتی است چندوجهی که می‌تواند اثر مثبتی بر سایر بخش‌های کشور مانند کسب درآمد ارزی، افزایش درآمد ملی جامعه میزبان، افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال نیروی کار، توسعه تولید، فروش و گردش اقتصادی صنایع دستی داشته باشد و مهم‌تر از همه، تغییر دید و نگرشی است که می‌تواند در گردشگران خارجی از کشور میزبان به وجود آورد. اقتصاد گردشگری در حال تبدیل شدن به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان شده است که می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب و شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های گردشگری، نقش مؤثری در توسعه مناطق شهری و روستایی و در نتیجه توسعه ملی و تنوع بخشیدن به اقتصاد ملی بر عهده داشته باشد (نقیب سادات، ۱۳۸۸). امروزه صنعت گردشگری به یکی از استراتژیک‌ترین منابع درآمدزایی و ارزآوری برای بسیاری از کشورها تبدیل شده و به چنان رشدی دست یافته که تعداد

گردشگران بین‌المللی، بالغ بر یک میلیارد نفر به بیان بهتر یک‌هفتم جمعیت کره زمین رسیده است. گردشگری در سطح جامعه جهانی به گونه‌های مختلف از جمله، گردشگری دریایی، گردشگری فرهنگی-هنری و اجتماعی، گردشگری علمی-آموزشی، گردشگری درمانی، اکوتوریسم (گردشگری در طبیعت)، گردشگری ورزشی، گردشگری تجاری، گردشگری مذهبی، گردشگری مجازی (ماهواره، اینترنت و غیره) تقسیم‌بندی شده است.

گسترش، توسعه و شکوفایی گردشگری می‌تواند به صادرات فرهنگی منجر شود که این امر، به‌خصوص در مورد کشوری همچون ایران با سابقه باستانی و تمدنی کهن بیشتر به چشم خواهد آمد. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، ایران رتبه دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی جهان و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را برای جذب گردشگر داراست. به‌رغم ظرفیت‌های ایران از دیدگاه سازمان جهانی جهانگردی به نظر می‌رسد ایران برای گردشگران بین‌المللی ناشناخته است. کشورهایی که از لحاظ تاریخی و داشتن آثار باستانی در رده‌های پایین‌تر از ایران قرار دارند (مانند ترکیه و اسپانیا) گام‌های موفق‌تری در این صنعت برداشته‌اند.

نمودار ۵۳، روند تعداد گردشگران خارجی در شش دهه اخیر را طبق سالنامه‌های مرکز آمار ایران و نیز مقایسه تعداد گردشگران واردشده به ایران و کشورهای منتخب را در سال ۲۰۱۵ مطابق آمار سازمان جهانی گردشگری نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۵، سهم کشور ما از حضور گردشگران خارجی کمی بیش از ۵ میلیون نفر بود که این حجم از گردشگر در مقایسه با کشوری مانند ترکیه در همسایگی ما به‌عنوان یکی از الگوهای خوب توسعه گردشگری با ۳۶ میلیون نفر گردشگران خارجی زیاد است؛ ضمن اینکه رتبه ایران در این شاخص پایین‌تر از رقبای منطقه چشم‌انداز مانند امارات است.

نگاهی به روند ورود گردشگران خارجی به کشور طی دهه‌های گذشته و تا جایی که مربوط به دوره زمانی بعد از انقلاب اسلامی است، نشان می‌دهد روند ورود گردشگر به کشور در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی در دوره برنامه‌های اول تا چهارم کند بوده؛ اما ورود گردشگران خارجی به کشور از سال ۱۳۸۹ (تقریباً در دوره زمانی برنامه پنجم و به‌خصوص در دولت یازدهم) شتاب گرفته است. امید می‌رود با ادامه همین وضعیت، ایران به سهم قابل توجهی از صنعت گردشگری در سطح منطقه‌ای و جهانی دست یابد.



نمودار ۵۳: روند گردشگران خارجی در ۶ دهه اخیر و مقایسه تعداد گردشگران وارده ایران و کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۵

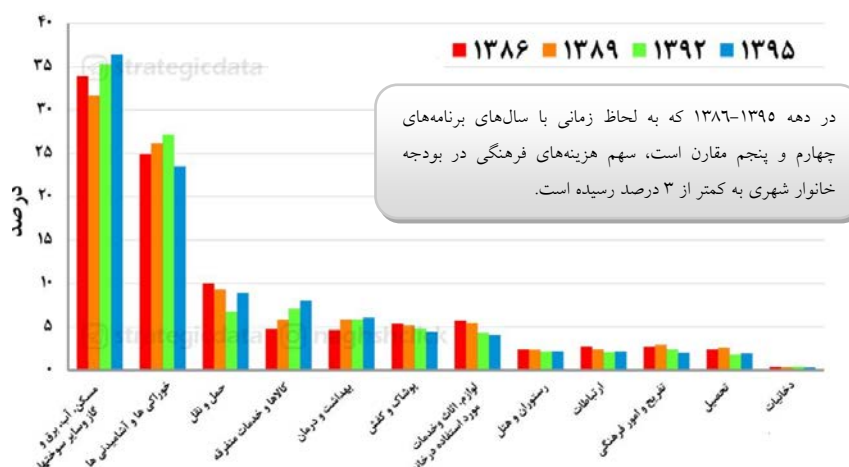
منبع: آمارهای پردازش شده از: مرکز آمار ایران و آمار سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۵

۲-۳-۶- نسبت هزینه‌های فرهنگی در سبد هزینه خانوار

در بخش شاخص‌های اجتماعی و بودجه خانوار،^۱ به‌طور مفصل اشاره شد که در دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۵ دهک‌های پایین، بیشترین درصد از بودجه خانوار را به مسکن و خوراک اختصاص داده، در حالی که دهک‌های ثروتمند، درصد قابل توجهی از بودجه خانوار را به فعالیت‌های گردشگری-تفریحی، مسافرت (حمل‌ونقل) اختصاص داده‌اند. با توجه به جمعیت زیاد کشور که در دهک‌های پایین جامعه قرار دارند، تصور این موضوع پیچیده نیست که نسبت هزینه‌های فرهنگی در سبد هزینه خانوارهای کشور پایین باشد و در عوض مسکن و خوراک، سهم عمده را در سبد هزینه خانوار به خود اختصاص دهند.

نمودار ۵۴، روند کاهشی هزینه‌های فرهنگی را در هزینه خانوار شهری در دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۵ نشان می‌دهد. بر مبنای این نمودار، قریب به ۶۰ درصد از هزینه‌های خانوار شهری در کشور تنها مربوط به دو گروه هزینه‌ای شامل مسکن و خوراک است. همچنین نگاهی به سهم این دو گروه، حاکی از افزایش سهم گروه مسکن در ده سال گذشته در سبد هزینه خانوارهای شهری کشور و در مقابل، کاهش سهم هزینه خوراک است که از کاهش سطح رفاه خانوارها حکایت دارد. مطابق نمودار ۵۴، میانگین هزینه‌های فرهنگی (ارتباطات، تفریح و امور فرهنگی و تحصیل) در دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۵ کمتر از ۳ درصد و یک‌بیستم میانگین هزینه‌های مسکن و خوراک است. بنابراین افزایش نسبت هزینه‌های فرهنگی در سبد هزینه خانوار، یک ضرورت برنامه‌ای است.

۱. از اساسی‌ترین مطالعات آماری که به‌منظور نیل به اهداف مختلف اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های گوناگون، در اغلب کشورهای جهان به‌عنوان یک مطالعه پایه‌ای صورت می‌گیرد، بررسی بودجه خانوار است. از طریق این بررسی می‌توان به چگونگی هزینه‌ها و درآمدهای خانوارها و روند تغییرات آن‌ها و نیز آمار و اطلاعات بسیار گوناگون دیگری پی برد.



نمودار ۵۴: روند کاهشی سهم هزینه‌های فرهنگی در بودجه خانوار شهری در دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۵

منبع: بانک مرکزی ایران، پردازش شده در: www.naghshclick.com

۲-۴- شاخص‌های سیاسی

۲-۴-۱- نظام حزبی سازمان یافته

تجربه توسعه در ایران، به خصوص در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی، ما را به موضوع مرکزیت دولت و به اهمیت مقوله دولت‌های توسعه‌گرا بازمی‌گرداند. باوجود درخواست گروه‌ها، اجتماعات و ائتلاف‌های سطوح محلی، قومی، طبقاتی و علی‌رغم دست‌اندازی‌های ناشی از جهانی‌شدن به قلمرو حاکمیت دولتی، دولت یک نیروی تعیین‌کننده در سیاست توسعه (لفت ویچ، ۲۰۰۴: ۱۳۸۵)، باقی می‌ماند و همیشه چنین بوده است. خصلت بنیادین توسعه در ایران، یعنی توسعه مبتنی بر سیاست اراده دولت، ما را به مرجعیت شاخص‌های سیاسی می‌رساند.

وجود احزاب سیاسی و به‌طور کلی یک جامعه مدنی ساخت‌مند، بیشتر از همه به سود دستگاه حکومتی است؛ زیرا توان پاسخگویی نظام به فشارهای محیط بیرونی را افزایش می‌دهد. چالش‌های استقرار نظام حزبی سازمان‌یافته در ایران با توجه به تجربه چهار دهه‌ای جمهوری اسلامی در تلاش برای گذار از انشقاق درون‌نخبگی و استقرار نخبگان توسعه‌گرا قابل تبیین است. جدول ۲۷، سنخ‌شناسی نخبگان، نقش آن‌ها در توسعه و کارکردشان در استقرار نظام‌های حزبی سازمان‌یافته در ایران در مقایسه با دولت‌های توسعه‌گرا است.^۱

۱. بدون شک فراز و فرود احزاب در ایران تجربه‌ای منحصر به فرد از عاملیت مردم کشوری کهن و انقلابی از سال‌های انقلاب مشروطه تاکنون است و از این نظر ایران با هیچ‌یک از دولت‌های توسعه‌گرا که برخی از آن‌ها عمری کمتر از نیم‌قرن دارند؛ قابل‌مقایسه نیست. بحث درباره چنین تجربه‌ای خارج از این نوشتار است و مقایسه جدول ۲۸، صرفاً امکان استقرار نظام حزبی توسعه‌گرا را در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی گمانه‌زنی کرده است.

جدول ۲۷: سنخ‌شناسی نخبگان، نقش کارکردی آن‌ها در استقرار نظام‌های حزبی سازمان‌یافته

انواع نخبگان	نگرش در توسعه	کارکرد در استقرار نظام‌های حزبی سازمان‌یافته
سنتی (انطباق‌گرا)	نگرش توسعه‌ای ندارند	ندارند
در حال گذار	با توجه به انشقاق درون‌نخبگی، اجماع کامل بر ضرورت توسعه ندارند.	ندارند * ایران: به دلیل پراکندگی خاص توزیع قدرت در ایران پس‌انقلاب، تفاوت ساختار اجرایی-بوروکراتیک ایران با دولت‌های توسعه‌گرای ائتلافی (مالزی) یا دولت‌های توسعه‌گرای دارای حزب مسلط (سنگاپور و ترکیه) محرز است. تفاوت دیدگاه مراکز قدرت در ایران- اعم از مجلس، دولت، نیروهای کشوری و لشگری...- بر روی ضرورت و الگوی مطلوب توسعه را می‌توان با عنوان «چرخش‌های گفتمانی» بزرگ در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی توضیح داد. در ایران نه‌تنها الگوی حزب مسلط (جناح مسلط) وجود نداشته که از منطق توزیع قدرت در یک جامعه پس‌انقلابی استنتاج می‌شود.
مدرن و نوساز (اقتصادی و سیاسی)	سنخ اصلی نخبگان توسعه‌گرا دارای اجماع کامل بر ضرورت توسعه هستند	دارند * مالزی: دولت‌های توسعه‌گرای ائتلافی در مالزی متشکل از احزاب مالایی، چینی و هندی تحت تسلط سازمان ملی مالایی‌های متحد یا UMNO * ترکیه و سنگاپور: دولت‌های توسعه‌گرای دارای حزب مسلط در سنگاپور تحت حزب عمل مردم یا PAP؛ و در ترکیه تحت حزب عدالت و توسعه یا AKP

داده‌های جدول توضیح می‌دهد که برخلاف دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا یا نمونه‌های جدید آن در سایر مناطق جغرافیایی (برزیل و ترکیه) که تمرکز قدرت در قوه مجریه، عملاً دیگر نهادها را به مجری آن‌ها تبدیل می‌کند؛ پراکندگی خاص توزیع قدرت در ایران، قوه مجریه را- هرچند دولت بیشترین کنترل را بر بودجه و منابع کشور دارد- تنها به نیرویی در کنار سایر نهادها تبدیل می‌کند. روندی که بیش از هر چیز برآیندی از عدم اجماع درون‌نخبگی بر روی پویای اقتصاد- سیاسی ایران در دوره پس‌انقلاب و پس‌اجنگ است. در ایران در طول چهار دهه اخیر، نه‌تنها الگوی حزب مسلط (جناح مسلط) وجود نداشته که از منطق توزیع قدرت در یک جامعه پس‌انقلابی استنتاج می‌شود. بنابراین شاخص نظام حزبی سازمان‌یافته، با توجه به نقش کارکردی آن‌ها در دولت‌های توسعه‌گرا و اقتصادهای نوظهور، فعلاً در ایران موضوعیت چندانی ندارد.

۲-۴-۲- شاخص مشارکت در انتخابات

انتخابات از ابزارهای تحقق دموکراسی و از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی است که یکی از معیارهای سنجش مردم‌سالاری هم به شمار می‌رود. علاوه بر این، معمولاً میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در هر کشور است که نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین‌شان است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته که داعیه دموکراسی در جهان دارند، میزان مشارکت مردم در انتخابات با وجود

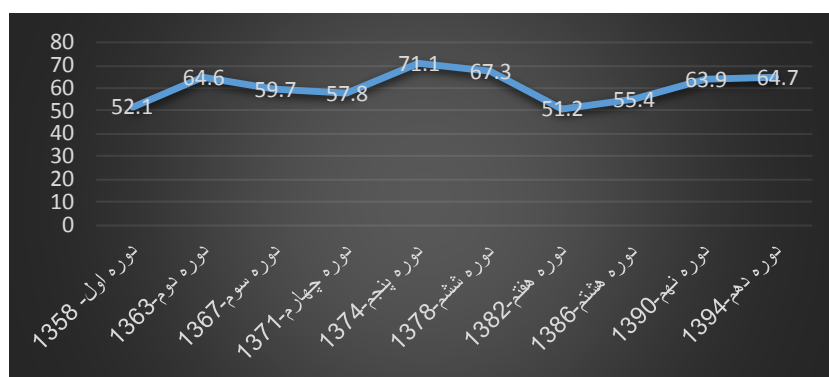
سابقه طولانی در برگزاری آن چندان چشمگیر نیست. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه نیز برگزاری انتخابات، برخورداری از حق رأی و شرکت در انتخابات، هنوز چالشی عمده محسوب می‌شود. نمودارهای ۵۵ و ۵۶، نرخ مشارکت مردم دوره‌های مختلف انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در ایران را نشان می‌دهد. نگاهی به جدول و مقایسه آن با مشارکت در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری ایران، چند نکته را روشن می‌کند:

نخست، شاخص مشارکت انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران به‌خصوص از دهه ۱۳۹۰ به بعد، بالاتر از کشورهای منطقه (مصر و ترکیه)، بالاتر از کشورهای اروپایی و آمریکایی (فرانسه، ایرلند، مکزیک، پرتغال، آمریکا، لهستان) و در حدود برخی کشورهای اروپای غربی و اسکاندیناوی (فرانسه و ایسلند) است.

دوم، شاخص مشارکت انتخابات پارلمانی در ایران به‌خصوص از دهه ۱۳۹۰ به بعد، بالاتر از اکثر کشورهای منطقه چشم‌انداز (گرجستان، لبنان، هند، اردن، آذربایجان)، بالاتر از آمریکا، سوئیس، فرانسه و البته پایین‌تر از برخی دولت‌های اروپایی مشهور در سیاست‌های رفاهی (آلمان، هلند) است.

سوم، سطح مشارکت مردم ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری همواره بالاتر از انتخابات پارلمانی بوده است. یکی از دلایل این موضوع، این است که هر دولتی با یک گفتمان بزرگ که چرخش آشکاری با دولت‌های قبلی دارد، وارد کارزار انتخاباتی شده و ضمن کسب مقبولیت، آرای مردم را اخذ می‌کند. چنین چرخش گفتمانی در انتخابات پارلمانی را به‌استثنای دوره‌های پنجم و ششم مجلس، در کمتر انتخابات مجلسی می‌توان مشاهده کرد. همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای، قومیتی بر میزان مشارکت در انتخابات مجلس، بیش از انتخابات ریاست‌جمهوری اثر دارد.

در مجموع، نرخ مشارکت مردم در دوره‌های مختلف انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در ایران بالاتر از اکثر کشورهای منطقه چشم‌انداز و حتی نظام‌های سیاسی قدیمی در اروپا است.



نمودار ۵۵: نرخ مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا دهم



نمودار ۵۶: نرخ مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری از دوره اول تا دوازدهم

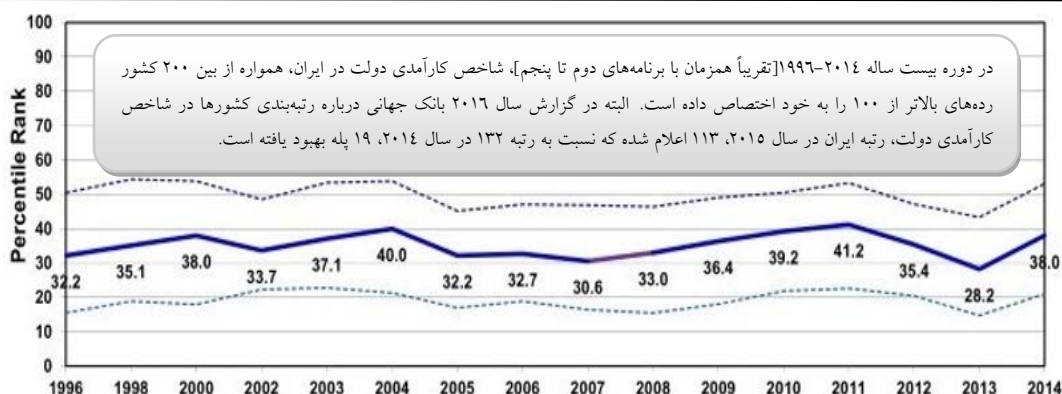
منبع: آمارها برگرفته از وزارت کشور

۲-۴-۳- شاخص کارآمدی دولت

بانک جهانی از سال ۱۹۹۶، شاخص کارآمدی دولت^۱ را محاسبه می‌کند. بر اساس آن، به هر کشور نمره‌ای از ۰ تا ۱۰۰ داده می‌شود که هرچه این نمره بیشتر باشد؛ به معنای کیفیت بهتر نهاد دولت در آن کشور است. شاخص کارآمدی دولت بر پایه مؤلفه‌هایی از جمله کیفیت ارائه خدمات عمومی، کیفیت ارائه خدمات مدنی و اداری و انفکاک آن از فشارهای سیاسی، کیفیت سیاست‌گذاری و اجرا و میزان پایبندی دولت به سیاست‌های اعلامی خود تعریف شده و از طریق نظرسنجی از شهروندان، بازرگانان، اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی و تجاری هر کشور درباره عواملی چون کارکرد دولت، شیوه اخذ مالیات، ایجاد زیرساخت‌ها، حجم و میزان بوروکراسی، پاسخگویی دولت به وقایع طبیعی سنجیده می‌شود.

بر اساس گزارش بانک جهانی سال ۲۰۱۵ در دوره ۲۰ ساله ۱۹۹۶-۲۰۱۴ (تقریباً هم‌زمان با برنامه‌های دوم تا پنجم)، شاخص کارآمدی دولت در ایران در هر محاسبات سالیانه، میانگینی پایین‌تر از ۵۰ بوده (نمودار ۵۷) و ایران از بین ۲۰۰ کشور رده‌های بالاتر از ۱۰۰ را به خود اختصاص داده است. البته در گزارش سال ۲۰۱۶ بانک جهانی درباره رتبه‌بندی کشورها در شاخص کارآمدی دولت، رتبه ایران در سال ۲۰۱۵، ۱۱۳ اعلام شده که نسبت به رتبه ۱۳۲ در سال ۲۰۱۴، ۱۹ پله بهبود یافته است.

۱. Government Effectiveness Index



نمودار ۵۷: رتبه ایران در شاخص کارآمدی دولت (۱۹۹۶-۲۰۱۴)

منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۵

۲-۴-۴- سایر شاخص‌های سیاسی (حکومت‌داری)

علاوه بر شاخص کارآمدی دولت، برخی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌های حکومت‌داری^۱ شامل پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری،^۲ ثبات سیاسی و نبود خشونت،^۳ کارآمدی دولت، کیفیت مقررات و قوانین،^۴ حاکمیت و اجرای قانون،^۵ و کنترل فساد^۶ است. بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۱۷، به مقایسه رتبه‌های ایران در زمینه شاخص‌های حکومت‌داری در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با سال ۲۰۰۵ (دوره زمانی مترداف با برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه) پرداخته است^۷ تا تغییرات صورت گرفته در بازه زمانی ۱۰ ساله را رصد نماید. مطابق داده‌های این گزارش (افکارنیوز، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶) شاخص کارآمدی دولت بهبود یافته است.

۲-۵- شاخص‌های علم-فناوری

۲-۵-۱- تولید علم و علم‌سنجی

امروزه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، اذهان تمام سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور علمی و پژوهشی کشور را به خود مشغول کرده و در جای جای مستندات علمی، برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز، ارتقاء تولید علم و احراز جایگاه نخست علمی هدف‌گذاری شده است. بر اساس کنکاش در متون تولید علم و نظرسنجی از برخی دانشمندان «راه‌حل ارائه‌شده برای یک مسئله علمی که قبلاً مجهول بوده، مصداق تولید علم قلمداد شده است» (زلفی‌گل و کیانی بختیاری، ۱۳۸۷: ۱).

1. Governance Indicators
2. Voice and Accountability
3. Political Stability and Absence of Violence
4. Regulatory Quality
5. Rule of Law
6. Control of Corruption

۷. برای محاسبه شاخص‌های حکومت‌داری، بانک جهانی برای هر کشور نمره‌ای از ۰ تا ۱۰۰ برای هر یک از این شاخص‌ها در نظر می‌گیرد که هر چه این نمره بیشتر باشد، دلالت بر وضعیت بهتر کشور مربوطه در آن شاخص خواهد بود.

منظور از علم، دانش، فکر و نظری نوظهور است که مورد اقبال اهل منطق، نظر و متخصصان قرار می‌گیرد. به این اعتبار، بسیاری از سنجه‌های مطرح‌شده در سالیان اخیر در زمینه علم‌سنجی فاقد وجاهت لازم است، چراکه اجماع اهل نظر و دانش را در نظر ندارد و از اصالت فعالیت علمی خارج است. همچنین، گسترش مرزهای دانش لزوماً با کمیت‌ها سنجیده نمی‌شود و یک کار متمایز و جدی که تغییرات بنیادین در فکر، اندیشه و کنش مردم ایجاد کند، قابل مقایسه با نوشتارهای رسمی در نشریات روزمره نیست. به‌رغم موارد بالا، ارزش علم به نشر آن نیز است و مستندات علمی اعم از: کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و غیره که پس از داوری جدی به چاپ و ثبت می‌رسند، مصادیق تولید علم هستند. در اینجا به رتبه ایران در برخی از مهم‌ترین شاخص‌های علمی در دهه‌های بعد از انقلاب و به‌خصوص در دهه اخیر (هم‌زمان با تدوین چشم‌انداز و در سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه) که به داده‌های علمی جهانی دسترسی بیشتری وجود دارد؛ اشاره می‌شود. موارد زیر نشان می‌دهند در تمام دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی، رشد علمی کشور روندی صعودی داشته که از مهم‌ترین رهاوردها و تجارب توسعه در ۴۰ ساله اخیر است.

الف) وضعیت شاخص‌های علم‌سنجی (S_x و X_i , Y_i) در دوره بعد از انقلاب اسلامی: جدول ۲۸ وضعیت این سه شاخص علم‌سنجی را در کشور، در دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۰ (سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و دوره زمانی اجرای برنامه‌های توسعه) نشان می‌دهد.^۱ چنانچه N_i تولید علم جهان^۲ و π_i تولید علم ایران^۳ باشد؛ شاخص‌های فوق به ترتیب عبارتند از:

$$X_i = \frac{\text{تعداد مقالات شاخه‌ای خاص از علم در یک کشور}}{\text{تعداد کل مقالات چاپ‌شده جهان در همان شاخه}} \times 100$$

$$Y_i = \frac{\text{تعداد مقالات هر شاخه از علم در یک کشور}}{\text{کل مقالات منتشرشده در آن کشور}} \times 100$$

$$S_x = \frac{X_i \text{ در هر حوزه از علوم برای جمعیت یک کشور}}{\text{جمعیت آن کشور در سطح جهان}} \times 100$$

مقدار شاخص‌های علم‌سنجی S_x و X_i , Y_i (شاخص خط فقر علمی) در دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰، در جدول ۲۸ ارائه شده است. با توجه به داده‌های جدول، روند رشد علم در حدود چهار دهه به شرح زیر قابل تحلیل است (مرادی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶):

- در دهه اول سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰، تولیدات علمی روند رشد تقریباً ثابتی داشته است. در دهه دوم سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۰، وضعیتی مشابه دهه اول بر روند رشد علم حاکم بوده است و در دهه سوم از سال‌های ۱۹۹۸ به بعد، روند رشد تولیدات علمی آغاز می‌شود. در این دوره است که روند رشد تولیدات

۱. نگاه کنید به: مرادی مقدم، حسین (۱۳۹۶). «بررسی وضعیت تولید علم ایران در نمایه استنادی علوم پس از انقلاب اسلامی (۲۰۱۶-۱۹۸۰) و عملکرد آن در عرصه علم جهانی»، پژوهشنامه علم‌سنجی: دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد/زودآیند: ۲۲-۱.

۲. کلیه تولیدات علمی جهان در نمایه استنادی علوم (SCI= Science Citation Index) در سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۸۰.

۳. کلیه تولیدات علمی ایران در نمایه استنادی علوم (SCI) در سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۸۰.

علمی در ایران افزایش می‌یابد. بیشترین رشد در این دوره، مربوط به سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ است. در دهه چهارم سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ نیز روند رشدنمایی تولید علم ایران ادامه پیدا می‌کند و به حدود ۳۵۰۰۰ می‌رسد.

- در پایان سال ۲۰۱۶، سرانه تولید علم در ایران به ۱۳ درصد و سرانه تولید علم در جهان که در واقع سهم ایران از تولید علم جهان است، در این سال به عدد ۲ نزدیک می‌شود و این به معنی آن است که ۱,۸۶ درصد تولید علم جهان توسط ایران در این سال صورت گرفته است که شاخص خیلی خوبی محسوب می‌شود. زیرا ما حدود یک درصد جمعیت دنیا را داریم، اما حدود دو درصد تولید علم دنیا را به خود اختصاص داده‌ایم که این یعنی عبور از خط فقر علمی. در واقع می‌توان گفت از سال ۲۰۰۹ به بعد، کشور ایران از خط فقر علمی عبور کرده و از ۱,۱۱ درصد تولید علم دنیا در این سال به حدود ۲ درصد تولید علم دنیا در پایان سال ۲۰۱۶ رسیده است.

- همچنین شاخص فقر علمی از سال ۲۰۰۹ به بعد، به بالای یک رسیده و این شاخص در سال ۲۰۱۶ به ۲ درصد رسیده است نمودار ۵۸ که نشان‌دهنده نه‌تنها عبور از خط فقر علمی است؛ بلکه بیش از دو برابر استاندارد شاخص فقر علمی (۱ درصد تولید علم جهان به نسبت جمعیت هر کشور) در ایران، تولید علم صورت گرفته است که امیدواریم نویدبخش رشد و بهبود مستمر شاخص‌های کیفی رشد و پویایی علمی کشور در سال‌های آینده باشد.

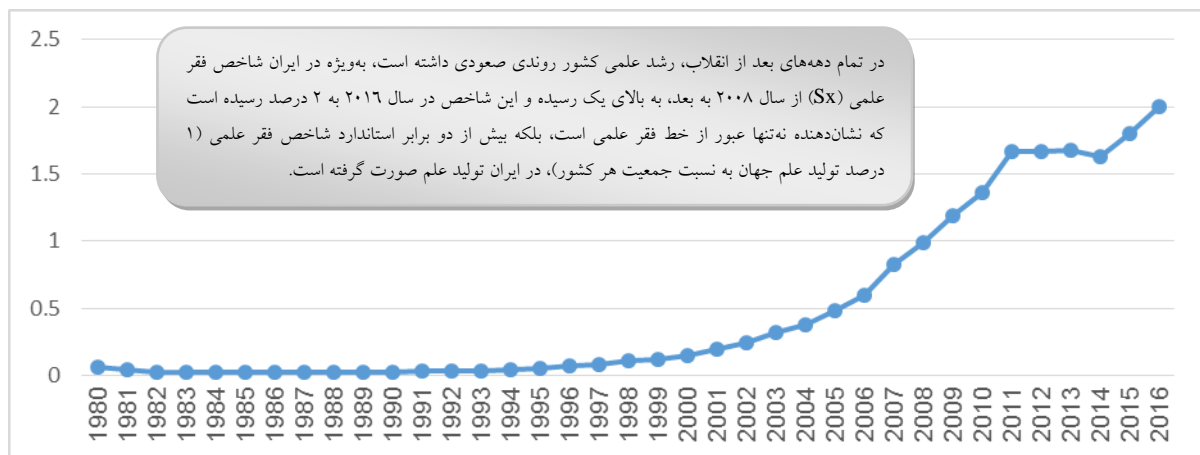
جدول ۲۸: عملکرد سرانه تولید علم کشور از تولید علم جهان طی سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۸۰

سال	جهان تولید علم (N_i)	ایران تولید علم (m_i)	شاخص Y_i	شاخص X_i	سال	جهان تولید علم (N_i)	ایران تولید علم (m_i)	شاخص Y_i	شاخص X_i
۱۹۸۰	۵۶۸۱۱۳	۳۲۲	۰,۱۲	۰,۰۵۶	۱۹۹۹	۹۷۹۲۳۵	۱۱۶۵	۰,۴۳	۰,۱۲
۱۹۸۱	۵۹۲۵۰۲	۲۵۵	۰,۰۹	۰,۰۴۳	۲۰۰۰	۹۹۰۲۶۸	۱۴۲۳	۰,۵۳	۰,۱۴
۱۹۸۲	۶۲۲۰۵۵	۱۵۶	۰,۰۵	۰,۰۲۵	۲۰۰۱	۹۸۲۹۷۰	۱۷۷۹	۰,۶۶	۰,۱۸
۱۹۸۳	۶۷۸۹۱۹	۱۴۳	۰,۰۵۳	۰,۰۲۱	۲۰۰۲	۱۰۳۳۰۴۰	۲۴۱۳	۰,۹۰	۰,۲۳
۱۹۸۴	۶۹۳۵۰۵	۱۳۴	۰,۰۵۳۴	۰,۰۱۹	۲۰۰۳	۱۰۷۸۶۱۱	۳۲۳۶	۱,۲	۰,۳
۱۹۸۵	۶۹۸۰۹۴	۱۳۱	۰,۰۴	۰,۰۱۸	۲۰۰۴	۱۱۶۶۰۳۷	۴۱۹۷	۱,۵۶	۰,۳۵
۱۹۸۶	۷۰۸۶۹۷	۱۷۶	۰,۰۶	۰,۰۲۴	۲۰۰۵	۱۲۳۳۵۱۲	۵۵۷۱	۲,۰۸	۰,۴۵
۱۹۸۷	۷۱۹۰۱۲	۱۵۷	۰,۰۵	۰,۰۲۱	۲۰۰۶	۱۲۹۰۷۸۷	۷۲۸۴	۲,۷۱	۰,۵۶
۱۹۸۸	۷۰۲۳۰۲	۱۵۶	۰,۰۵	۰,۰۲۲	۲۰۰۷	۱۳۵۳۱۲۱	۱۰۵۷۶	۳,۹۴	۰,۷۸
۱۹۹۰	۶۶۰۹۹۹	۱۴۰	۰,۰۵	۰,۰۲۱	۲۰۰۸	۱۴۱۱۸۴۳	۱۳۱۷۰	۴,۹۲	۰,۹۳
۱۹۹۱	۶۸۹۶۴۵	۱۷۶	۰,۰۶	۰,۰۲۵	۲۰۰۹	۱۴۸۰۱۴۹	۱۶۴۷۹	۶,۱۵	۱,۱۱

مطالعه شاخص‌های توسعه با هدف ارزیابی تجربه توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی

۱,۳۶	۱,۲۷	۷,۱۹	۱۹۲۶۸	۱۵۱۵۶۵۵	۲۰۱۰	۰,۰۳	۰,۰۳۲	۰,۰۸	۲۲۹	۷۰۹۳۴۶	۱۹۹۲
۱,۶۷	۱,۵۶	۹,۳۱	۲۴۹۳۷	۱۵۹۵۵۷۹	۲۰۱۱	۰,۰۳	۰,۰۳۲	۰,۰۸	۲۳۳	۷۲۳۶۲۲	۱۹۹۳
۱,۶۷	۱,۵۸	۹,۹۶	۲۶۶۸۱	۱۶۷۸۹۷۴	۲۰۱۲	۰,۰۴	۰,۰۴۲	۰,۱۲	۳۲۵	۷۶۴۵۰۵	۱۹۹۴
۱,۶۸	۱,۵۷	۱۰,۴۰	۲۷۸۴۰	۱۷۶۹۶۰۰	۲۰۱۳	۰,۰۵	۰,۰۴۶	۰,۱۴	۳۷۸	۸۰۴۵۱۸	۱۹۹۵
۱,۶۳	۱,۵۳	۱۰,۳۸	۲۷۷۹۲	۱۸۱۶۳۷۶	۲۰۱۴	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۲۲	۵۹۳	۹۰۵۳۶۰	۱۹۹۶
۱,۸	۱,۶۸	۱۱,۵۹	۳۱۰۲۳	۱۸۳۶۷۸۶	۲۰۱۵	۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۲۷	۷۲۳	۹۴۳۰۳۶	۱۹۹۷
۲	۱,۸۶	۱۳,۰۲	۳۴۸۵۲	۱۸۶۵۲۹۰	۲۰۱۶	۰,۱۱	۰,۱۰	۰,۳۸	۱۰۲۸	۹۵۰۸۷۷	۱۹۹۸
۰,۶۶			-						۲۶۷۶۲۶	۴۰۲۹۷۷۴۷	جمع

منبع: مرادی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۵

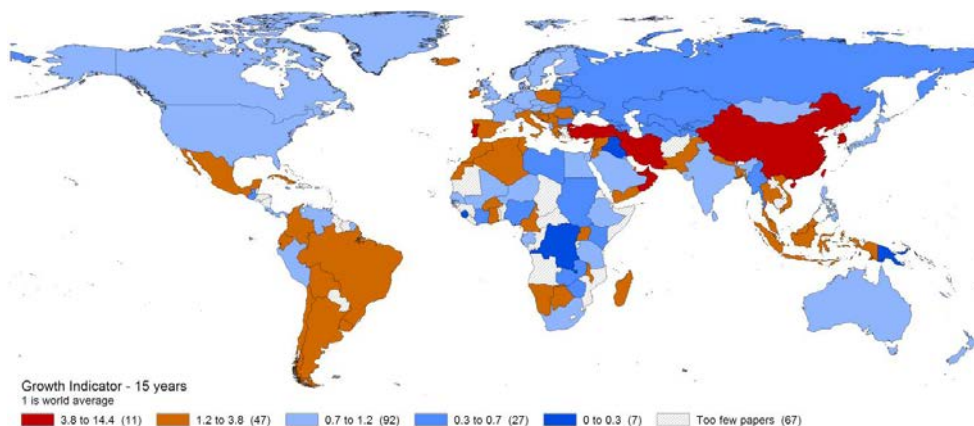


نمودار ۵۸: افزایش سهم ایران از کل علم دنیا در دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ (دوره بعد از انقلاب اسلامی)

منبع: مرادی مقدم، ۱۳۹۶، پردازش شده در گزارش

الف) تعداد مقالات چاپ‌شده در مجلات بین‌المللی: مؤسسه Science-Matrix در سال ۲۰۱۰ و در گزارشی با عنوان «۳۰ سال فعالیت علم: خیزش‌های این جهانی در خلق دانش»^۱ به روند رشد علمی کشورهای جهان در دوره ۳۰ ساله ۲۰۰۹-۱۹۸۰ پرداخت. این گزارش رشد علمی کشورها در دو دوره ۱۵ ساله (۱۹۹۴-۱۹۸۰ در برابر ۲۰۰۹-۱۹۹۵) را مقایسه و ایران را (به همراه تعداد معدودی از کشورها) واجد بیشترین نرخ رشد علمی اعلام کرد (نمودار ۵۹). به‌واقع، رشد و گسترش علمی در ایران در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی، دستاوردی مورد اجماع در بین محافل بین‌المللی است.

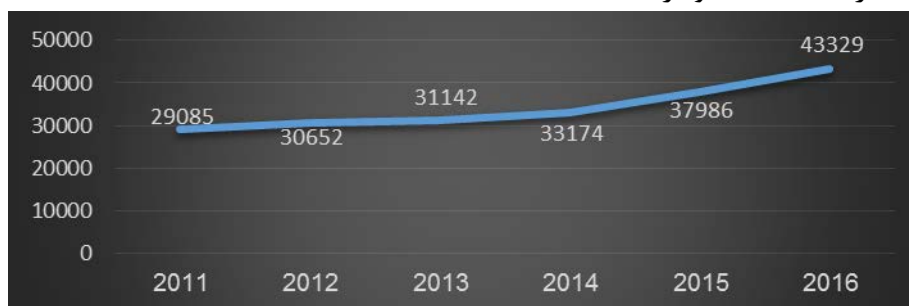
1. See: "30 years in science: Secular movements in knowledge creation", Science-Matrix, February 2010.



نمودار ۵۹: شاخص رشد علمی کشورهای جهان در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹ (۱۹۹۴-۱۹۸۰ در برابر ۲۰۰۹-۱۹۹۵)

منبع: Science-Matrix, February 2010

روند تولید علم در یک کشور بیشتر با تعداد مقالات علمی معتبر بین‌المللی منتشر شده در نشریات بین‌المللی سنجیده می‌شود. این مقالات البته پس از اینکه از محاسبات بسیار دقیق و روشن و به دور از هرگونه دست‌کاری تدوین می‌شوند؛ می‌توانند تحت عنوان پژوهش‌های بنیادی و مقالات بین‌المللی معیار تولید علم به حساب آیند. به گزارش پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)^۱، ایران از نظر کمیت تولید علم در سال ۲۰۱۶ میلادی رتبه ۱۷ دنیا را دارد که این رتبه برای نخستین بار در طول ۶ سال گذشته بوده است. همچنین در سال ۲۰۱۵ میلادی، ایران رتبه ۱۹ را داشت و به این ترتیب در سال ۲۰۱۶ میلادی نسبت به سال قبل، ۲ رتبه ارتقا داشت (نمودار ۶۰).

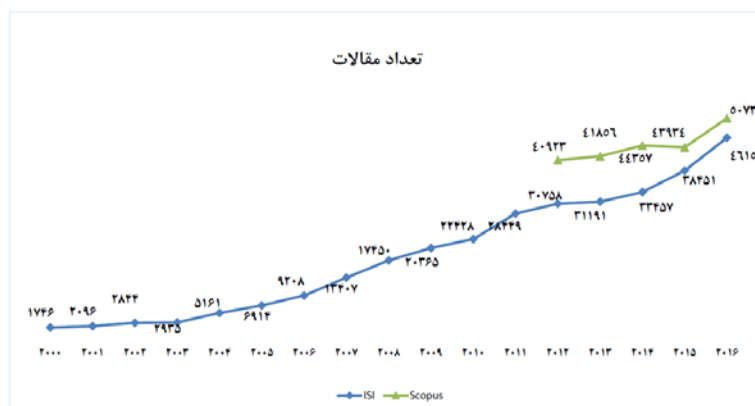


نمودار ۶۰: تعداد مدارک ثبت ایران در ISC در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۶ و ارتقای تولید علم به رتبه ۱۷ دنیا در سال ۲۰۱۶

منبع: پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، در ایرنا، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶

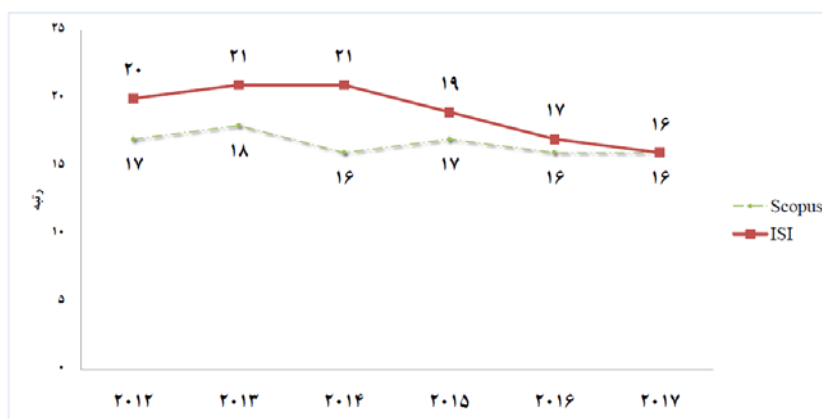
همچنین مطابق گزارش وزارت علوم در مردادماه ۱۳۹۶ (نمودارهای ۶۱ و ۶۲)، ایران در دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۷ روند علمی مثبتی داشته و در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، سومین رشد علمی در دنیا را پس از روسیه و استرالیا به خود اختصاص داده است. همچنین روند مدارک ثبت‌شده ایران در پایگاه استنادی ISI، سریع‌تر از پایگاه Scopus بوده است.

۱. این پایگاه استنادی پس از پایگاه‌های مؤسسه اطلاعات علمی (ISI) و اسکوپوس، سومین نظام استنادی جهان است که به ابتکار جمهوری اسلامی ایران و با تفاهم کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی شکل گرفته است.



نمودار ۶۱: تعداد مدارک ثبت شده ایران در ISI و Scopus (۲۰۰۰-۲۰۱۶)

منبع: گزارش وضعیت علمی، فناوری و نوآوری، وزارت علوم، مرداد ۱۳۹۶



نمودار ۶۲: رتبه ایران در ISI و Scopus (۲۰۱۱-۲۰۱۷) و ارتقای رتبه ایران در ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ در ISI

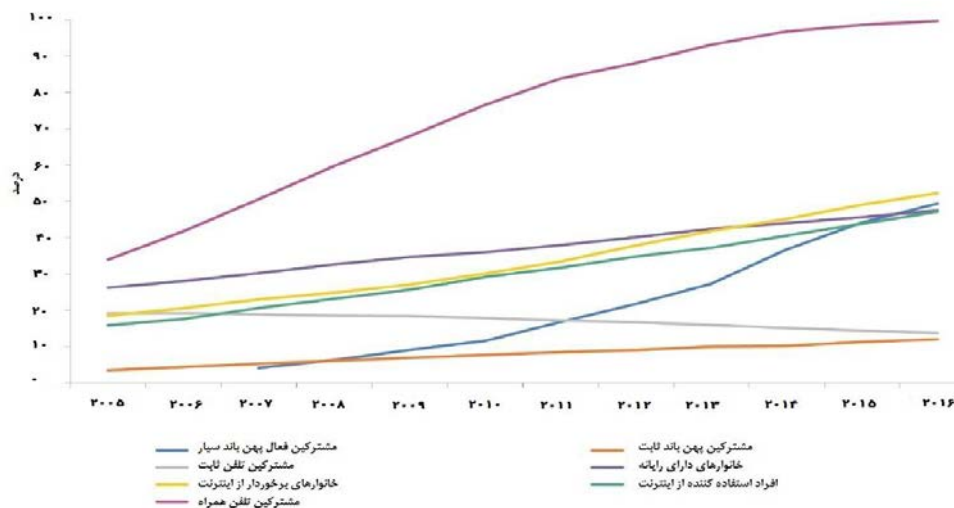
منبع: گزارش وضعیت علمی، فناوری و نوآوری، وزارت علوم، مرداد ۱۳۹۶

۲-۵-۲- شاخص توسعه فاوا (IDI)

شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (IDI)^۱، یکی از مهم‌ترین معیار سنجش توسعه ICT است که توسط اتحادیه بین‌المللی مخابرات سازمان ملل بر مبنای معیارهای مورد توافق بین‌المللی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات سنجیده می‌شود و ابزار باارزشی برای محک‌زدن مهم‌ترین معیارهای اندازه‌گیری جامعه اطلاعاتی است. IDI استاندارد است که دولت‌ها، متصدیان فناوری اطلاعات و ارتباطات، آژانس‌های توسعه، محققان و دیگر بازیگران این حوزه می‌توانند برای اندازه‌گیری شکاف دیجیتالی و مقایسه عملکرد ICT در کشورهای مختلف به کار برند. شاخص IDI از سه زیرشاخص دسترسی (تلفن ثابت، تلفن همراه، پهنای باند بین‌المللی، خانوارهای دارای کامپیوتر، خانوارهای دارای اینترنت)، استفاده (کاربران اینترنت، پهنای باند ثابت (از طریق کابل)، پهنای باند موبایل) و مهارت (میزان بزرگسالان باسواد، میزان ثبت‌نام در مقطع متوسطه، میزان ثبت‌نام در مقطع دبیرستان و دانشگاه) تشکیل شده است و با مجموع میانگین ارقام زیرشاخص‌های بالا،

1. ICT Development Index

محاسبه می‌شود. با این توضیح که از سال ۲۰۰۲ به بعد، آمارهای ایران در این شاخص از سوی اتحادیه بین‌المللی مخابرات سازمان ملل ارائه شده است، به وضعیت ایران در شاخص IDI در دوره اخیر می‌پردازیم. نخست، روند نشانگرهای اصلی فاوا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ در جهان افزایش یافته است (نمودار ۶۳)؛ یعنی روند دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای به عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی و طبقاتی کشورها رسیده و موجد تغییرات فراگیری در اولویت‌های توسعه جوامع انسانی خواهد بود.

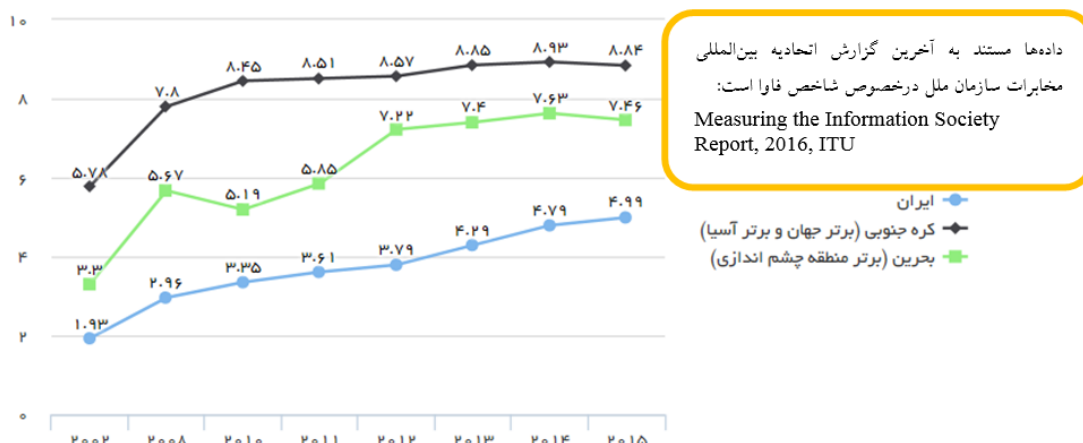


نمودار ۶۳: روند نشانگرهای اصلی فاوا در جهان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶

منبع: Measuring The Information Society, 2016, ITU

دوم، گزارش ۲۰۱۶ اتحادیه بین‌المللی مخابرات سازمان ملل که جزئیات شاخص توسعه فاوا (IDI) در ایران و سایر کشورهای دنیا را در دوره ۱۴ ساله ۲۰۰۲-۲۰۱۵ بررسی کرده و داده‌های این گزارش که دوره زمانی آن تقریباً مقارن با سال‌های برنامه سوم تا پنجم توسعه است؛ می‌تواند ارزیابی مناسبی از وضعیت شاخص فاوا در جامعه کنونی ایران در اختیار پژوهشگران قرار دهد. مطابق گزارش، از دوره زمانی ۲۰۰۲ به بعد (سال ۱۳۸۳ و هم‌زمان با آغاز چشم‌انداز، برنامه چهارم و پنجم) به‌طور محسوس شاخص توسعه فاوا در ایران نسبت به کشورهای رقیب ارتقا یافته است. به‌خصوص در سال ۲۰۱۵، رتبه ایران در این شاخص به ۴,۹۹ رسیده که اکثر متخصصان سیاست‌های معطوف به جامعه ارتباطی (اعمال‌شده در دولت یازدهم و هدف‌گذاری‌شده در چشم‌انداز و برنامه پنجم) را در این امر مؤثر می‌دانند. محورهای اصلی این گزارش به فراخور بحث، در نمودارهای ۶۴ تا ۶۷ ارائه شده است و با توجه به این نمودارها، ذکر چند نکته ضروری است:

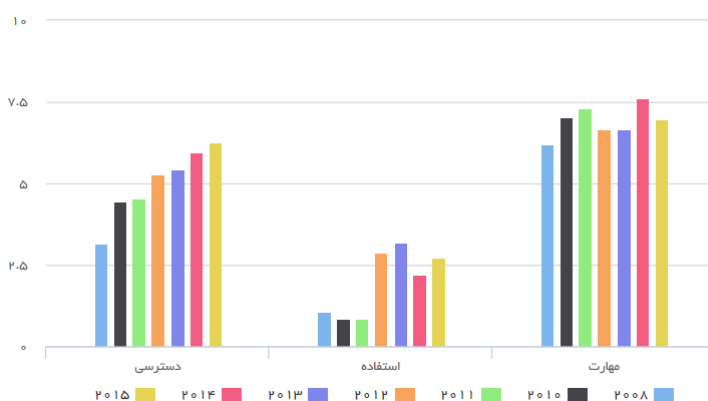
- فاصله رتبه ایران در مقایسه با کشور برتر منطقه چشم‌انداز (بحرین) و آسیا (کره جنوبی)، به نحو محسوسی در این دوره کاهش یافته است (نمودار ۶۴) و شاخص فاوا ایران از ۱,۹۳ در سال ۲۰۰۲ به ۴,۹۹ در سال ۲۰۱۵ رسیده است (رتبه ایران در بین کشورهای جهان در سال ۲۰۱۶، ۸۱ است که نسبت به ۲۰۱۵، ۴ پله صعود داشته است).



نمودار ۶۴: مقایسه روند شاخص توسعه فاوا ایران با کشورهای کره جنوبی و بحرین در بازه ۲۰۱۵-۲۰۰۲

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران

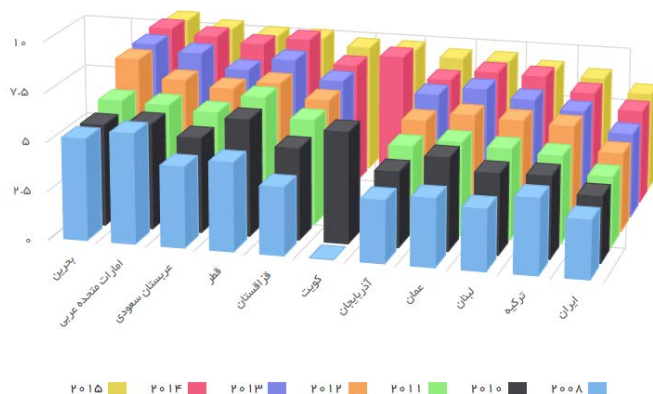
- شاخص های فرعی توسعه فاوا در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸ در ایران رشد داشته؛ اما زیرشاخص دسترسی (تلفن ثابت، تلفن همراه، پهنای باند بین المللی، خانوارهای دارای کامپیوتر، خانوارهای دارای اینترنت) به خصوص با توجه به سیاست معطوف به جامعه اطلاعاتی دولت های یازدهم و دوازدهم، رشد محسوس تری داشته است (نمودار ۶۵).



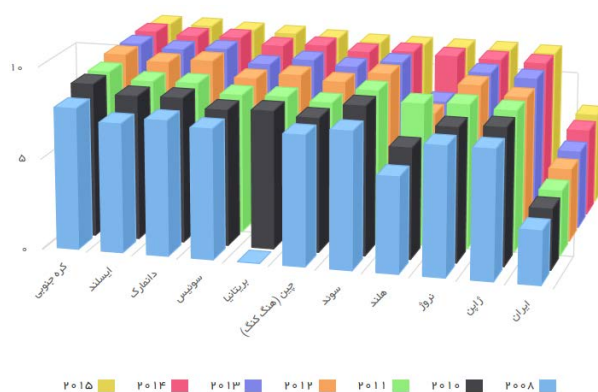
نمودار ۶۵: روند شاخص های فرعی توسعه فاوا در ایران در بین سال های ۲۰۱۵-۲۰۰۸

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران

- طبق داده های گزارش ۲۰۱۶، اتحادیه بین المللی مخابرات سازمان ملل در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸، ایران فاصله خود را با ۱۰ کشور برتر منطقه چشم انداز در این شاخص جبران کرده (نمودار ۶۶) و تقریباً به نصف میزان متوسط شاخص فاوا در ۱۰ کشور برتر جهان رسیده است (نمودار ۶۷).



نمودار ۶۶: مقایسه مقدار و رتبه شاخص توسعه فاوا ایران و ۱۰ کشور برتر منطقه چشم‌انداز در بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۵
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران



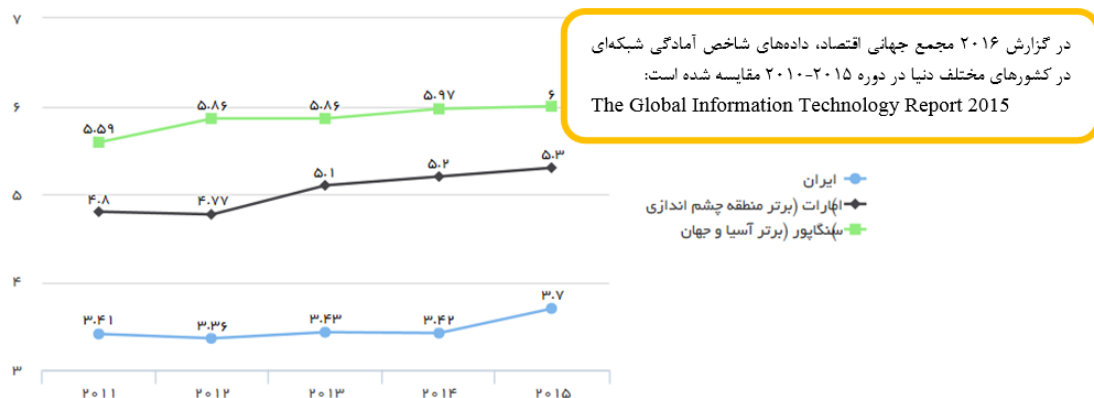
نمودار ۶۷: مقایسه مقدار و رتبه شاخص توسعه فاوا ایران و ۱۰ کشور برتر جهان در بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۵
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران

۲-۵-۳- شاخص آمادگی شبکه‌ای (NRI)

شاخص NRI همه‌ساله از سوی مجمع جهانی اقتصاد با هدف تحلیل پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور و نیز افزایش آگاهی از اهمیت نفوذ ICT و استفاده از آن در رقابت بلندمدت و سطح رفاه اجتماعی، مورد بررسی و پایش قرار می‌گیرد. بر اساس این شاخص، وضعیت آمادگی شبکه‌ای^۱ با استفاده از ۵۳ نشانگر ارزیابی می‌شود که کیفیت بالای مقررات و محیط کسب‌وکار به‌منظور تأثیر کامل ICT در جامعه و اثر واقعی آن در اقتصاد؛ مقرون به صرفه بودن فناوری اطلاعات، مهارت‌ها و زیرساخت‌ها و آمادگی محیطی از جمله این نشانگرها است.

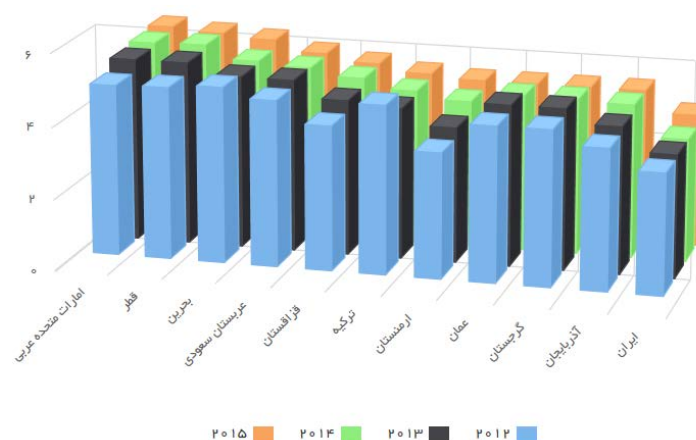
داده‌های این شاخص از سال ۲۰۰۴ از سوی مجمع جهانی اقتصاد ارائه می‌شود. توضیح اینکه در گزارش‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، آمارهای مربوط به ایران ثبت نشده و از گزارش سال ۲۰۱۱ به بعد، ایران به ۱۴۲ کشور بررسی‌شده از مجمع جهانی اقتصاد اضافه شده است. در گزارش ۲۰۱۶ مجمع جهانی اقتصاد، داده‌های مرتبط با شاخص آمادگی شبکه‌ای در کشورهای مختلف دنیا در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵ مقایسه شده و

جامع ترین تصویر از موقعیت ایران را در این شاخص ارائه می دهد. نمودارهای ۶۸ و ۶۹ نشان می دهد فاصله رتبه آمادگی شبکه ای بین ایران و کشورهای برتر آسیا و منطقه چشم انداز، در طول این دوره (هم زمان با برنامه پنجم است) چندان کاهش نیافته که دور از ذهن نیست؛ چراکه نتایج این گزارش نشان می دهد نابرابری های درون منطقه ای در زمینه شاخص آمادگی شبکه ای در سراسر مناطق جهان کاملاً مشهود و مشکلات کشورهای در حال توسعه در بهره گیری مناسب از توانایی های بالقوه موجود در این بخش محرز است. به عبارت دیگر، گستره وسیع جغرافیایی این مناطق خود مانع افزایش ظرفیت زیرساخت های ICT و استفاده درصد بیشتری از جمعیت از ICT است. برآوردهای این گزارش نشان می دهد که ایران نیز با حمایت از مالکیت معنوی، افزایش پهنای باند اینترنت بین المللی، اضافه شدن سرورهای اینترنت امن، اصلاح تعرفه اینترنت و اینترنت، افزایش کیفیت سیستم آموزشی و اشتراک اینترنت پرسرعت می تواند به جایگاه بهتری در این شاخص دست یابد.



نمودار ۶۸: مقایسه روند شاخص آمادگی شبکه ای ایران با کشورهای سنگاپور و امارات در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران



نمودار ۶۹: مقایسه رتبه و مقدار شاخص آمادگی شبکه ای در ۱۰ کشور برتر منطقه چشم انداز در سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵

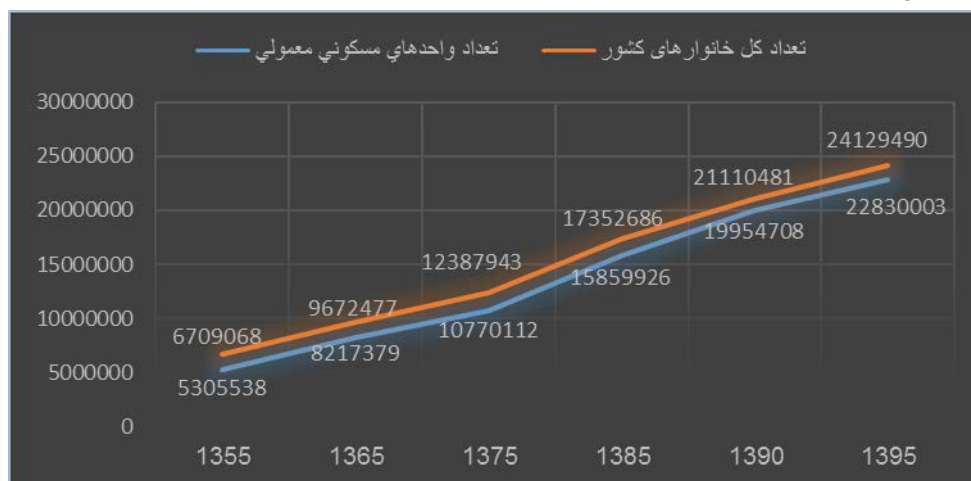
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران

۲-۶- شاخص‌های دسترسی و زیرساختی

۲-۶-۱- زیرشاخص‌های دسترسی

۲-۶-۱-۱- مسکن

نمودار ۷۰، دسترسی به مسکن در دهه‌های بعد از انقلاب با توجه به خانوارها مطابق سرشماری‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. مطابق نمودار، تعداد واحدهای مسکونی در دسترس با توجه به نرخ جمعیت و خانوار، روندی صعودی داشته و از ۵۳۰۵۵۳۸ در سال ۱۳۵۵ به ۲۲۸۳۰۰۰۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. طبق سرشماری‌ها، به تدریج شکاف بین تعداد خانوارها و دسترسی به مسکن کاهش یافته، از جمله طبق سرشماری ۱۳۹۵ کل واحدهای مسکونی (۲۲۸۳۰۰۰۳)، تنها ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار از کل خانوارها (۲۴۱۲۹۴۹۰) کمتر است. ارقام بالا، دسترسی بیشتر خانوارها به مسکن را میسر می‌داند که دستاورد قابل توجهی است؛ اما به‌رغم دسترسی تعداد زیادی از مردم به مسکن در دهه‌های اخیر، تنگنانهایی نیز در این حوزه وجود دارد که به آن پرداخته خواهد شد.



نمودار ۷۰: دسترسی به مسکن را در دهه‌های بعد از انقلاب با توجه به تعداد خانوارها

منبع: داده‌های خام سرشماری‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۵، پردازش شده در تحقیق

نخست، مطابق نمودار ۷۱ افزایش واحدهای مسکونی معمولی با دوام در سه دهه اخیر رشد شتابانی دارد، به طوری که از ۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به نزدیک ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده و واحدهای مسکونی کمتر با دوام به ۴۰ درصد کاهش یافته است. قابل استنباط است این واحدها بیشتر در بافت‌های فرسوده حاشیه شهرها باشد و ضرورت دارد حرکت به سوی مسکن با دوام (دارای اسکلت فلزی یا بتنی)، به خصوص در حاشیه شهرها انجام شود تا نابرابری کاهش یابد؛ چراکه تراکم جمعیتی در این مناطق بسیار بالا است. همچنین کاهش درصد مسکن‌های روستایی با سازه ناپایدار در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی (دوره جنگ و دوره برنامه‌های توسعه)، یک دستاورد مهم در توسعه روستایی است. مطابق نمودار ۷۲، در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۴۵، سازه‌های ناپایدار از ۹۹٫۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۶۷٫۵ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته و در

عوض سازه‌های پایدار به ۳۲٫۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است؛ اما هنوز درصد واحدهای ناپایدار در مناطق روستایی بالاست و ضرورت دارد روند فوق تداوم بیشتری یابد.



نمودار ۷۱: درصد واحدهای مسکونی معمولی روستایی (دارای اسکلت فلزی یا بتنی)

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، پردازش شده در گزارش

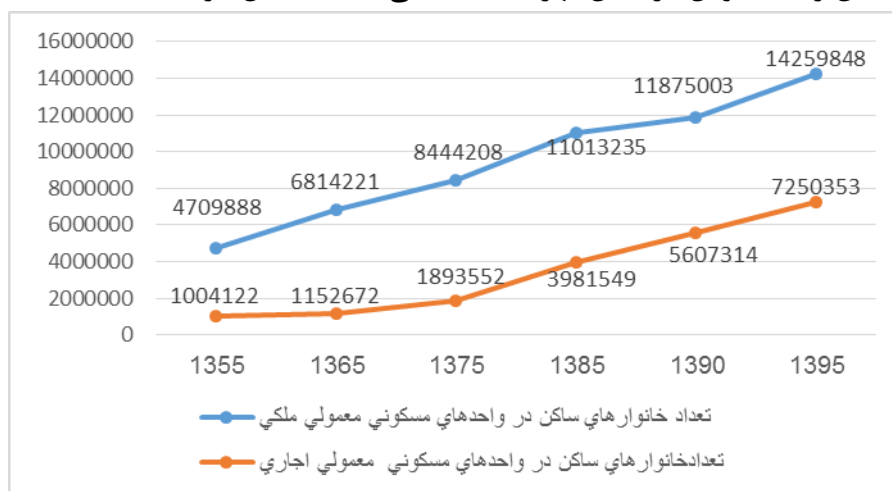


نمودار ۷۲: روند تغییرات درصد واحدهای مسکونی روستایی با سازه پایدار و ناپایدار (۱۳۴۵-۱۳۹۵)

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، پردازش شده در: www.naghshclick.com

دوم، باید به تعداد خانوارهای ساکن در واحدهای ملکی در مقایسه با واحدهای اجاره‌ای اشاره کرد. طبق نمودار ۷۳، تعداد خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی ملکی در چهار دهه اخیر همواره صعودی بوده، اما ممکن است در آینده خانوارهای بیشتری از چرخه تملک مسکن - به خصوص با توجه به ارقام بالای اجاره و رهن مسکن به مثابه مهم‌ترین هزینه در سبد خانوارهای شهری - خارج شوند. نمودار ۷۳، داده‌های سه سرشماری‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ را مقایسه کرده و نشان می‌دهد به‌طور خاص در ۲۰ سال اخیر (تقریباً از برنامه

دوم به بعد)، تعداد خانوارهای ساکن در واحدهای ملکی در مقایسه با واحدهای اجاره‌ای مرتباً افزایش یافته است و تملک مسکن را به خصوص در کلان‌شهرها، به مشکلی جدی تبدیل کرده است.



نمودار ۷۳: تعداد خانوارهای ساکن در واحدهای ملکی در مقایسه با واحدهای اجاره‌ای

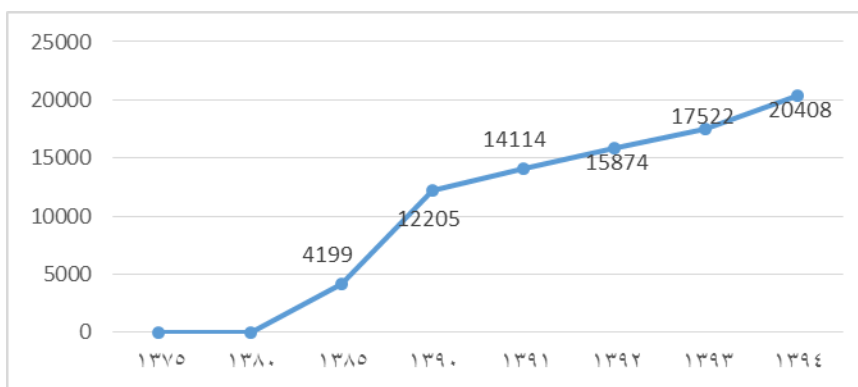
منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، پردازش شده در گزارش

۲-۷-۱-۲- گاز طبیعی

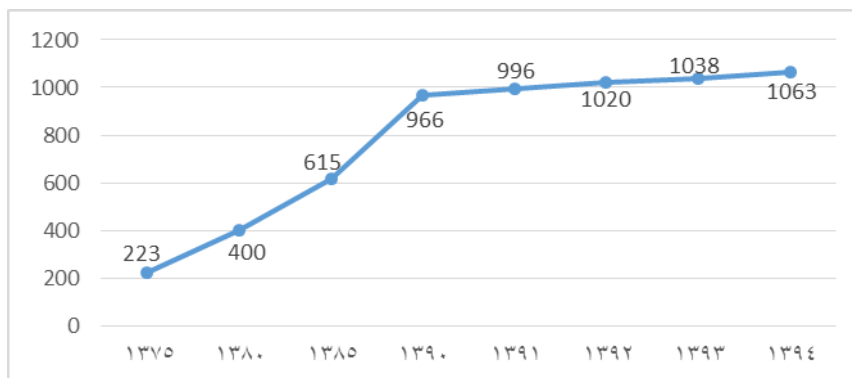
گاز طبیعی به لحاظ دارا بودن مزایای فراوان و تأمین بخش عمده‌ای از انرژی کشور، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان سایر منابع انرژی برخوردار است و ایران از جهت ذخایر گاز طبیعی در سطح جهان، رتبه دوم را پس از روسیه در اختیار دارد. استفاده از گاز طبیعی به‌عنوان سوخت در زندگی بشر از اوایل دهه ۱۹۳۰ آغاز شد و در کشور ما نیز پس از اکتشاف منابع گازی، به جزئی اساسی در زمینه مصرف خانگی بدل گشت. بررسی آمار و ارقام سالنامه‌های آماری کشور طی سال‌های ۹۴-۱۳۶۰ حاکی از رشد روزافزون دسترسی به گاز طبیعی در کشور طی بازه زمانی مورد اشاره است. با بررسی تعداد مشترکین خانگی گاز طبیعی در کشور مشخص می‌شود (نمودار ۷۴)، تعداد مصرف‌کنندگان خانگی گاز طبیعی در سطح کشور از حدود ۱۳۰,۰۰۰ در سال ۱۳۶۰ با افزایش مداوم در سال ۱۳۹۴ به حدود ۱۹ میلیون انشعاب رسیده است. افزایش شاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و تسهیلات زندگی از جمله گاز طبیعی، روند مداوم دهه‌های بعد از انقلاب است و در همه برنامه‌های توسعه مشاهده می‌شود (نمودارهای ۷۴-۷۶).



نمودار ۷۴: تعداد مشترکین (مصرف‌کنندگان) گاز طبیعی کشور در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۴
منبع: سالنامه‌های آماری کشور، پردازش شده در: www.naghshclick.com



نمودار ۷۵: تعداد روستاهای گازرسانی شده در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۴
منبع: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش انرژی، پردازش شده در گزارش



نمودار ۷۶: تعداد شهرهای گازرسانی شده در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۴
منبع: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش انرژی، پردازش شده در گزارش

۲-۷-۱-۳- آب آشامیدنی سالم

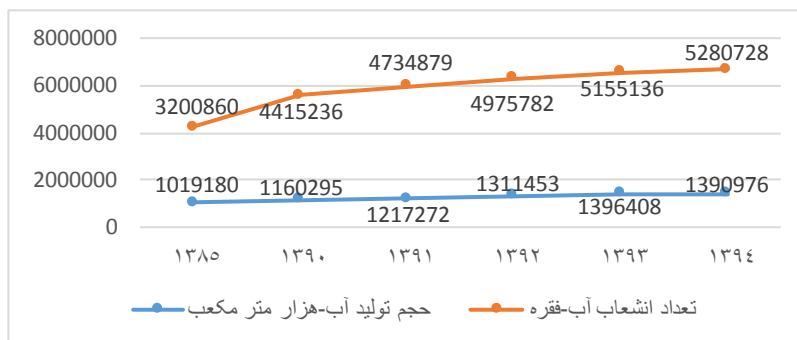
اطلاعات آب‌های زیرزمینی و سدهای مخزنی در بخش شاخص‌های زیرساختی ارائه می‌شوند و در اینجا به شاخص دسترسی به آب آشامیدنی پرداخته می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که آمار آب شامل آب‌های زیرزمینی، سدهای مخزنی و طول شبکه‌ها و آب و فاضلاب (خانگی و صنعتی) و غیره بوده و اطلاعات در این زمینه، از سال ۱۳۴۶ در سالنامه‌های آماری (تولید مرکز آمار ایران) ارائه شده است. دسترسی به آب آشامیدنی، در دهه‌های اخیر بارها از سوی مراکز مسئول از جمله وزارت نیرو و شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور تأیید شده است. وزارت نیرو تأیید کرده که در حال حاضر، ۹۸ درصد دسترسی به آب سالم در کل کشور (شهری و روستایی) وجود دارد و در پایان سال افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، دسترسی جمعیت شهری و روستایی به آب شرب ۱۰۰ درصد خواهد بود.

نمودار ۷۷، درصد خانوارهای شهری استفاده‌کننده از خدمات آب آشامیدنی را در دوره ۱۳۹۴-۱۳۵۴ نشان می‌دهد. مطابق نمودار، درصد افراد برخوردار از آب شهری از ۷۹٫۶۵ درصد در سال ۱۳۵۴ به نزدیک ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین افزایش ظرفیت در تعداد انشعابات آب روستایی و طول شبکه توزیع آب شهری ثبت شده است (نمودارهای ۷۸ و ۷۹).



نمودار ۷۷: درصد خانوارهای شهری^۱ استفاده‌کننده از خدمات آب آشامیدنی سالم ۱۳۹۴-۱۳۵۴

منبع: مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار، پردازش شده در گزارش



افزایش تعداد انشعابات آب آشامیدنی روستایی در دهه اخیر؛ در سال ۱۳۹۵ از نظر شاخص برخورداری، ۹۳ درصد جمعیت روستاهای کشور نیز از تأسیسات آب‌رسانی برخوردار هستند.

نمودار ۷۸: افزایش حجم تولید و تعداد انشعابات آب روستایی (۱۳۹۴-۱۳۸۴)

منبع: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش آب، پردازش شده در گزارش

۱. دفتر برنامه‌ریزی و توسعه شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور با توجه به سه شاخص برخورداری، تحت پوشش و بهره‌مندی برای سنجش دسترسی روستاها تأیید کرده در سال ۱۳۹۵، از نظر شاخص برخورداری، ۹۳ درصد جمعیت روستاهای کشور نیز از تأسیسات آب‌رسانی برخوردار هستند.

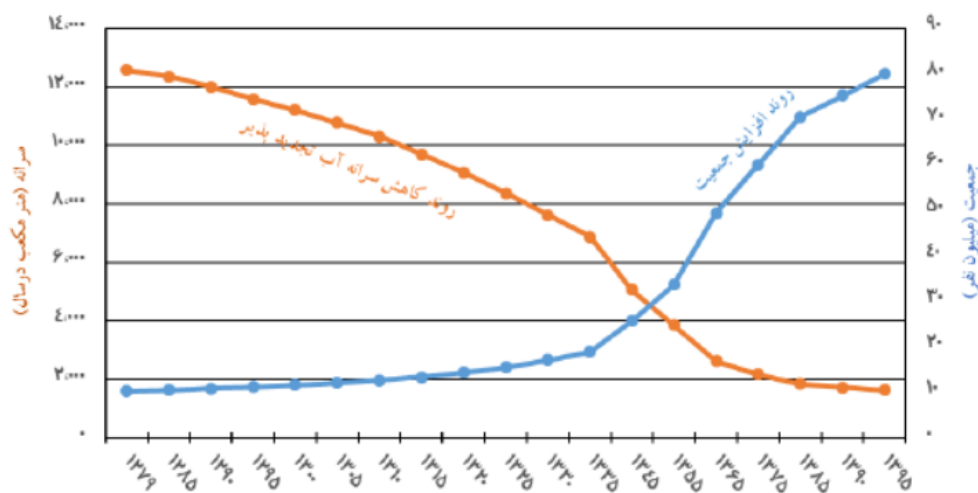


افزایش شبکه توزیع و خطوط انتقال آب شهری (۱۳۹۴-۱۳۷۴) در دو دهه اخیر؛ درصد افراد برخوردار از آب شهری به نزدیک ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

نمودار ۷۹: افزایش شبکه توزیع و خطوط انتقال آب شهری (۱۳۷۴-۱۳۹۴)

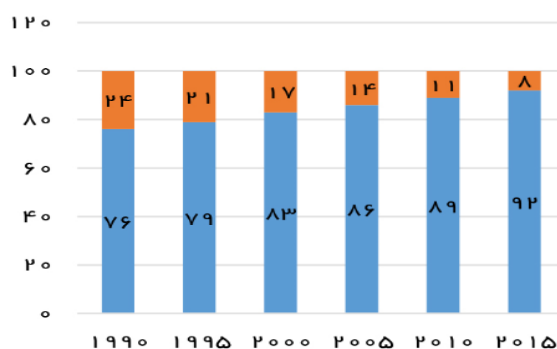
منبع: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش آب، پردازش شده در گزارش

به‌رغم کاهش سرانه آب تجدیدپذیر که افزایش جمعیت و سرانه مصرف بالا نسبت به متوسط جهانی نیز این روند را تشدید کرده (نمودار ۸۰)؛ در تمام دهه‌های بعد از انقلاب شاخص دسترسی مردم به آب آشامیدنی سالم همواره نسبت به متوسط جهانی و میانگین کشورهای منطقه چشم‌انداز بالا بوده است. بنا بر گزارش مشترک سال ۲۰۱۵ سازمان بهداشت جهانی و یونیسف، بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ایران از دسترسی به آب سالم برخوردارند که بهتر از وضعیت کشورهای خاورمیانه، جنوب آسیا و شمال آفریقا است. همچنین طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، بین کشورهای خاورمیانه یمن، فلسطین و عراق با شاخص ۵۵، ۵۸ و ۸۷ درصد، ضعیف‌ترین کشورها در دسترسی به آب سالم بوده و بیش از ۹۷ درصد جمعیت ایران به آب آشامیدنی دسترسی دارند. این میزان دسترسی بالاتر از ۹۲ درصد میانگین جهانی است (نمودار ۸۱).



نمودار ۸۰: روند کاهش سرانه آب تجدیدپذیر نسبت به جمعیت در ۱۰۰ سال اخیر

منبع: زیست‌آنلاین، ۲۲ اسفند ۱۳۹۶



طبق نمودار بانک جهانی و یونسف، بیش از ۹۷ درصد جمعیت ایران به آب آشامیدنی دسترسی دارند. این میزان دسترسی بالاتر از ۹۲ درصد میانگین دسترسی جهانی است.

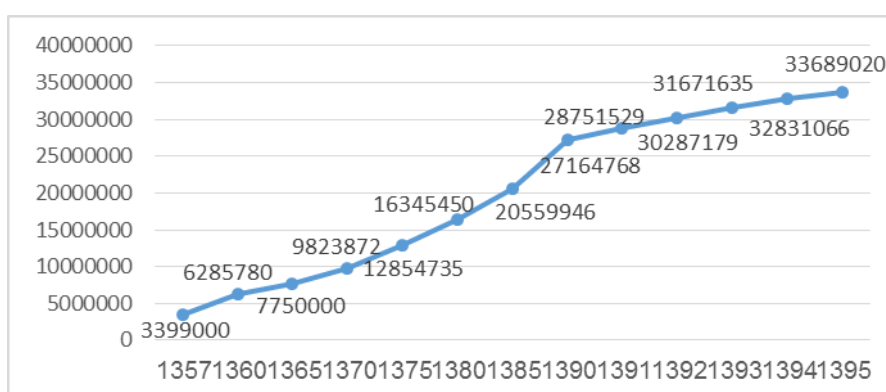
■ سهم جمعیت با عدم دسترسی به آب شرب سالم
■ سهم جمعیت با دسترسی به آب شرب سالم

نمودار ۸۱: سهم جمعیت جهان از نظر دسترسی یا عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم

منبع: بانک جهانی در: ویژه‌نامه صنعت غذا، ۳ خرداد ۱۳۹۶

۲-۷-۱-۴- برق

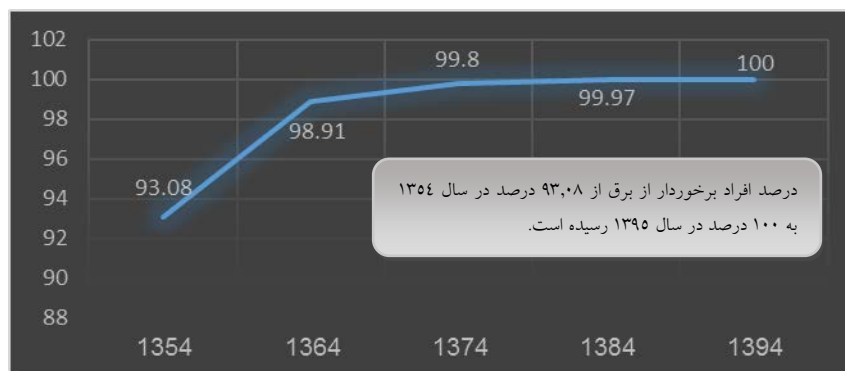
شاخص دسترسی به برق، یعنی هر واحد مسکونی، تجاری، اداری، خدماتی، تولیدی و غیره مستقر در یک شهر، آبادی یا روستا که متقاضی استفاده از برق است، بتواند رسماً مشترک برق شود و در واقع امکان اتصال برق برای متقاضی فراهم باشد. دسترسی به برق یکی از شاخص‌های مهم رفاه خانوار است و روندی روبه رشد را در تجربه توسعه ایران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. در حالی که تعداد مشترکین برق در سال ۱۳۵۷ رقم ۳,۳۹۹,۰۰۰ بود و بسیاری از روستاهای کشور فاقد برق بودند، تعداد مشترکین برق در طول سال‌های جنگ و برنامه‌های اول تا پنجم، افزایش چشم‌گیر یافت و در پایان سال ۱۳۹۵ به ۳۳ میلیون و ۶۸۹ هزار مشترک رسید (نمودار ۸۲). این تعداد مشترکین و پوشش ۱۰۰ درصدی جمعیت کشور در شاخص برق (نمودار ۸۳)، نشان‌دهنده توانایی کشور در صنعت برق و گسترش شبکه سراسری توزیع برق و از دستاوردهای دهه‌های بعد از انقلاب در ارتقای شاخص‌های دسترسی است.



در حالی که تعداد مشترکین برق در سال ۱۳۵۷ رقم ۳,۳۹۹,۰۰۰ بود، تعداد مشترکین برق در طول سال‌های جنگ و برنامه‌های اول تا پنجم افزایش چشم‌گیر یافت و در پایان سال ۱۳۹۵ به ۳۳ میلیون و ۶۸۹ هزار مشترک رسیده است.

نمودار ۸۲: روند افزایش مشترکین برق کشور در ۴۰ سال اخیر

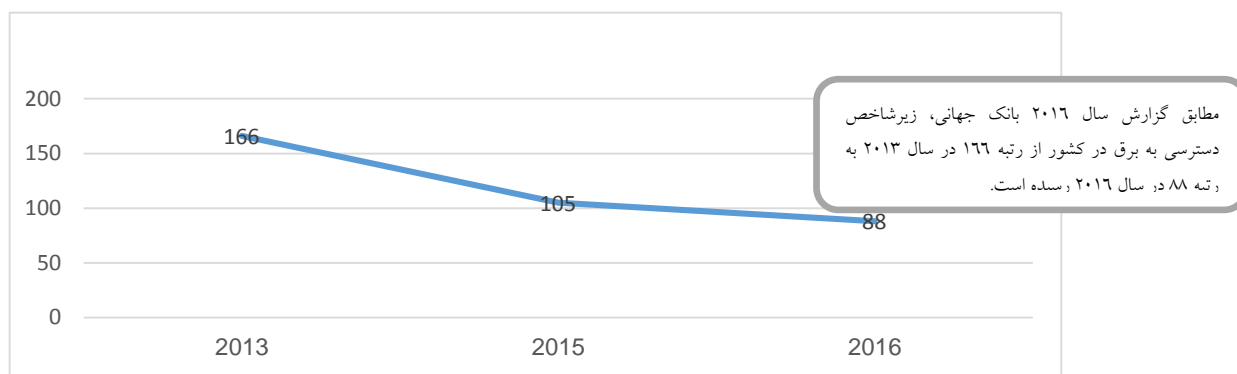
منبع: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش برق، پردازش شده در گزارش



نمودار ۸۳: درصد خانوارهای استفاده‌کننده از خدمات برق ۱۳۹۴-۱۳۵۴

منبع: مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار، پردازش شده در گزارش

شاخص‌های ترکیبی و جهانی نیز دسترسی به برق را تأیید می‌کنند. مطابق گزارش سال ۲۰۱۶ بانک جهانی درباره وضعیت کشورها در شاخص‌های توسعه، زیرشاخص دسترسی به برق در کشور از رتبه ۱۶۶ در سال ۲۰۱۳ به رتبه ۸۸ در سال ۲۰۱۶ رسیده است. این در حالی است که ایران در این شاخص در سال ۲۰۱۵، رتبه ۱۰۷ را داشته است (نمودار ۸۴).



نمودار ۸۴: ارتقای رتبه ایران در شاخص دسترسی به برق در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۳

منبع: بانک جهانی

۲-۷-۱-۵- تلفن‌های ثابت و همراه

بر اساس آمار و اطلاعات سالنامه آماری کشور، تلفن‌های ثابت در سطح کشور طی روندی قریب به ۵۰ ساله، بیش از ۱۳۵ برابر افزایش یافته‌اند. در واقع، تعداد تلفن‌های ثابت فعال کشور از حدود ۲۲۴ هزار تلفن در سال ۱۳۴۶ به ۳۰۲۶۲۱۵۷ تلفن فعال افزایش یافته است (نمودار ۸۵). جهش اصلی در این افزایش، سال‌های پایانی دهه ۷۰ و از برنامه سوم به بعد آغاز شده و در دهه اخیر در بین خانوارها همه‌گیر شده است.



نمودار ۸۵: روند رو به رشد تلفن‌های ثابت (مشغول به کار) کشور طی ۵۰ سال اخیر

منبع: سالنامه آماری کشور، پردازش شده در: www.naghshclick.com

دسترسی به تلفن همراه که در تسریع و تسهیل ارتباط در کشور نقش اساسی داشته، حتی بالاتر از تلفن ثابت است. تلفن همراه نسبت به سایر وسایل ارتباطی، رشد برق‌آسا و خیره‌کننده‌ای را چه در جهان و چه در کشور ما تجربه کرده و گسترش و اشاعه آن نیز، بیشتر به سال‌های اخیر بازمی‌گردد. به‌رغم این عمر کوتاه، تأثیرات فرهنگی تلفن همراه بر مناسبات فردی و اجتماعی آن‌قدر برجسته و قابل اعتنا است که برای متخصصان ارتباطات و جامعه‌شناسان، عرصه‌های پژوهشی تازه‌ای فراهم آورده است.

بر مبنای آمار و اطلاعات سالنامه آماری کشور تعداد خطوط تلفن همراه (مشغول به کار) طی روندی بسیار پرشتاب و صعودی، از چیزی کمتر از ۶۰ هزار تلفن همراه در سال ۱۳۷۵ به ۸۳۰۳۱۰۵۹ خط مشغول به کار تا پایان سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در واقع، طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ (برنامه‌های دوم تا پنجم) سرانه خطوط مشغول به کار تلفن همراه در کشور از ۱ خط به ازای هر هزار نفر جمعیت، به ۱۰۳۹ خط به ازای هر هزار نفر جمعیت افزایش یافته؛ به‌ویژه از سال ۱۳۸۴ (شروع برنامه چهارم) دسترسی تلفن همراه از ۱۲۴، به ۱۰۲۳ در سال ۱۳۹۵ (پایان برنامه پنجم) رسیده است (نمودار ۸۶).



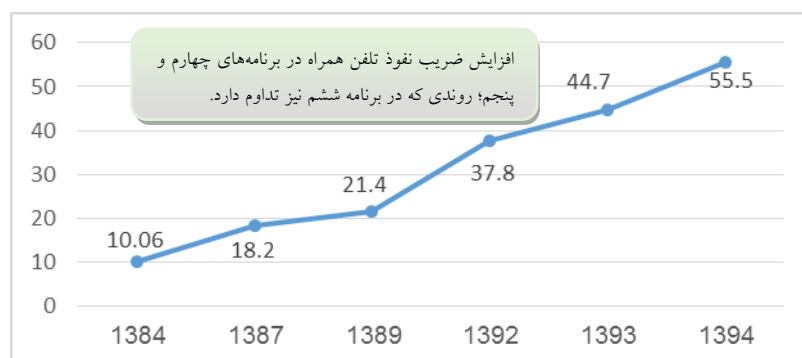
نمودار ۸۶: افزایش سرانه مشترکان تلفن‌های همراه (مشغول به کار) به ازای هر هزار نفر جمعیت طی ۲۰ سال اخیر

منبع: سالنامه آماری کشور، پردازش شده در: www.naghshclick.com

۲-۷-۱-۶- اینترنت

چنانچه در بخش‌های قبلی ذکر شد، شاخص‌های فرعی توسعه فاوا (IDI) در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۲ در ایران رشد داشته که این روند بیش از همه به سیاست‌های افزایش دسترسی در دهه اخیر برمی‌گردد. در این میان زیرشاخص دسترسی شاخص فاوا (IDI) (تلفن ثابت، تلفن همراه، پهنای باند بین‌المللی، خانوارهای دارای کامپیوتر، خانوارهای دارای اینترنت)، رشد محسوس‌تری داشته است و افزایش ضریب نفوذ اینترنت در کشور در دوره پس از دهه ۱۳۹۶-۱۳۸۶ (برنامه‌های چهارم، پنجم و سال اول برنامه ششم) بیش از همه برجسته است.

ضریب نفوذ اینترنت در ایران در حالی که طبق داده‌های درگاه ملی آمار در سال ۱۳۸۴ ۱۰,۰۶ درصد بود؛ تا سال ۱۳۹۵، ۵ برابر شده (نمودار ۸۷) که بر مبنای ارزیابی‌های انجام‌شده در مرکز بررسی‌های فنی وزارت ارتباطات، دلیل اصلی آن افزایش چند صد برابری پهنای باند اینترنت بین‌الملل و پهنای باند شبکه اینترنت داخل کشور، به‌خصوص در نیمه دوم برنامه پنجم و در دولت دوازدهم است.



نمودار ۸۷: ضریب نفوذ اینترنت در خانوارهای کشور در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۴

منبع: درگاه ملی آمار، جداول آماری بخش ارتباطات، پردازش شده در گزارش

۲-۶-۲- زیر شاخص‌های زیر ساختی (با اولویت پایداری زیست محیطی)

۲-۶-۲-۱- ضریب خودکفایی محصولات اساسی

ضریب خودکفایی یکی از شاخص‌های بسیار مهم امنیت غذایی محسوب می‌شود و خودکفایی در تولید محصولات اساسی، اولویت کشورهای پیشرفته جهان است. برای مثال، در آمریکا بیش از ۸۰ درصد هزینه حمایتی از بخش کشاورزی به تولید پنج محصول ذرت، سویا، گندم، پنبه و برنج اختصاص دارد؛ در حالی که مجموع ارزش تولیدی این محصولات فقط ۳۰ درصد از ارزش کل تولیدات بخش کشاورزی است. اولویت خودکفایشدن با محصولاتی است که بیشترین سهم مصرف را در بین خانوارها دارند که اصطلاحاً به آن‌ها محصولات اساسی می‌گویند.

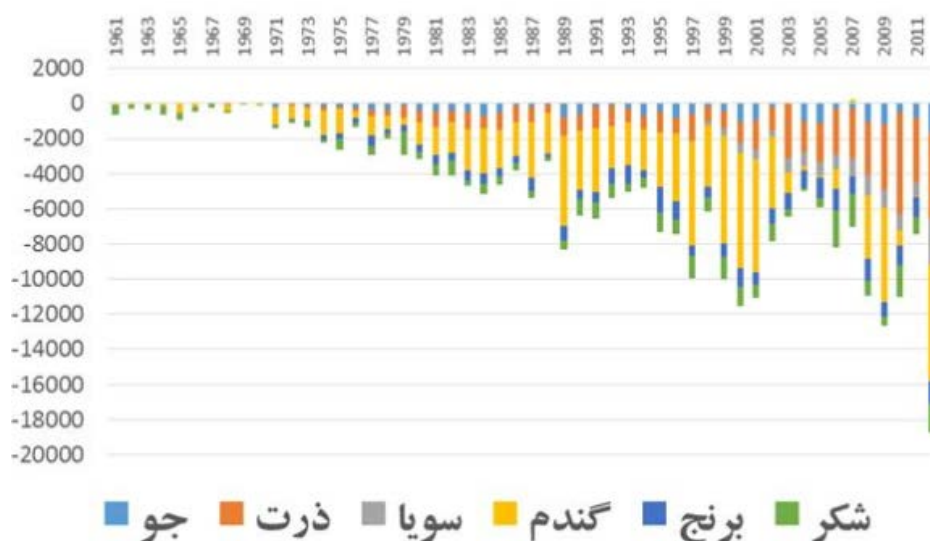
خوداتکایی در کشاورزی نخستین اقدام عملی تحقق اقتصاد مقاومتی و اولویت تمام برنامه‌های توسعه در کشور در سال‌های بعد از انقلاب، از جمله برنامه ششم است که در آن بر خودکفایی ۱۰۰ درصدی محصولات اساسی هدف‌گذاری شده است. جدول ۲۹، ضریب محصولات کشاورزی را در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۲۹: عملکرد ضریب خودکفایی محصولات کشاورزی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور

محصولات	برنامه اول		برنامه دوم		برنامه سوم		برنامه چهارم		برنامه پنجم	
	۶۸	۷۲	۷۴	۷۸	۷۹	۸۳	۸۴	۸۸	محصولات	میانگین ۹۳-۱۳۹۲
گندم	۵۲,۴	۸۲,۱	۷۵,۵	۵۸,۵	۵۹	۹۸,۹	۹۹,۴	۷۲,۷	گندم	۶۷
برنج	۶۰,۳	۵۷,۶	۵۸,۸	۵۹,۹	۵۲,۳	۵۹,۱	۶۳	۵۳	برنج	۵۱
سیب‌زمینی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۲,۲	۱۰۰,۹	۱۰۴,۹	۱۰۸,۳	جو	۶۶,۱
قند و شکر	۵۴,۶	۶۵,۳	۵۲	۴۳	۵۱,۲	۸۶,۳	۶۴,۷	۶۱,۱	ذرت	۲۷,۲
حبوبات	۹۸,۹	۱۰۰	۱۰۰	۹۸,۹	۱۰۲	۱۱۴,۵	۱۰۸,۲	۸۲,۷	غلات	۵۷,۳
روغن نباتی	۸,۸	۱۰,۶	۸,۲	۵,۶	۴,۹	۱۱,۵	۱۱,۸	۹,۵	روغن نباتی	۱۱,۲
گوشت قرمز	۸۲,۳	۸۶,۲	۸۶,۹	۹۹,۹	۹۷,۸	۹۳	۹۷,۳	۸۹,۳	گوشت قرمز	۸۸,۴
گوشت مرغ	۱۰۰	۹۲	۹۹,۹	۹۸,۱	۹۸,۳	۱۰۰	۱۰۱,۳	۹۸	گوشت مرغ	۹۹,۸
شیر	۸۴,۸	۹۰,۵	۹۶,۴	۹۹,۸	۹۹,۱	۹۸,۴	۹۹,۲	۹۱,۸	کنجاله	۱۹,۸
انواع ماهی	۱۰۰	۱۰۰	۹۸,۷	۹۹,۵	۱۰۱	۱۰۱,۲	۹۹,۹	۹۸	دانه‌های روغنی	۵۵,۳

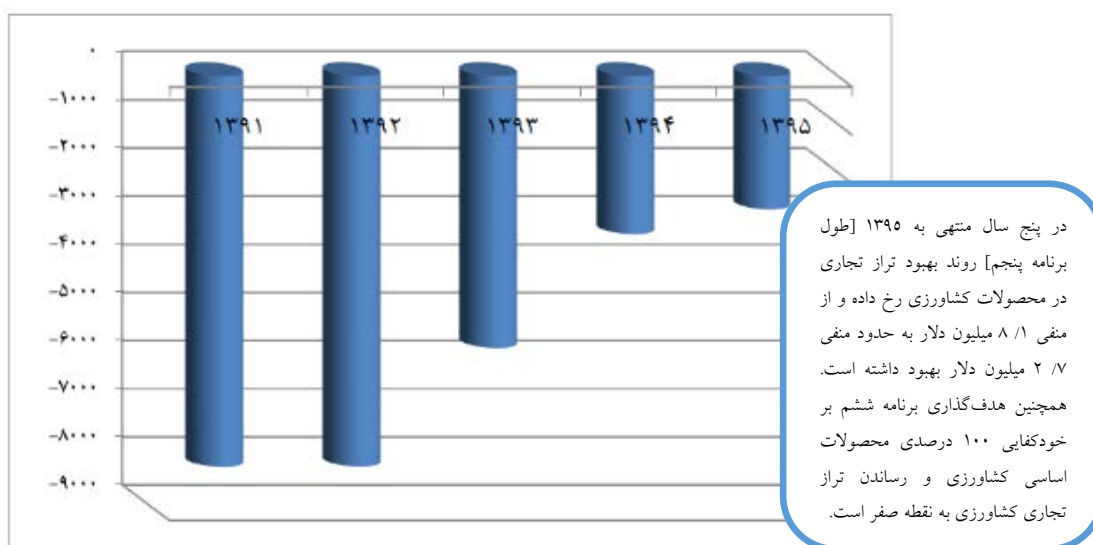
منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، دفتر اقتصاد کلان، ۱۳۹۵

آمارها حاکی از روند مثبت ضریب خودکفایی محصولات اساسی در سه دهه اخیر و طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه است. بنا بر اعلام وزارت جهاد کشاورزی، ضریب خودکفایی در طول دولت یازدهم به ۷۹ درصد رسید و هدف‌گذاری برنامه ششم نیز بر خودکفایی ۱۰۰ درصدی محصولات اساسی کشاورزی قرار دارد. ذکر این نکته لازم است که در اولویت بخشیدن به خودکفایی محصولات اساسی، توازن بین افزایش محصول و پایداری زیست‌محیطی ضرورت هرگونه برنامه‌ریزی است؛ چنانچه در سال‌های اخیر فشار بر محیط‌زیست و اقلیم در حال خشکیدگی کشور، پرسش‌های زیادی را درباره تناسب بین کشاورزی و اولویت‌های توسعه پایدار زیست‌محیطی، ایجاد کرده است. باوجوداین، روند تغییرات تراز تجاری محصولات کشاورزی به‌خصوص در دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۱ (برنامه پنجم و ابتدای برنامه ششم) مثبت بوده است. با اینکه گزارش فائو تراز تجاری محصولات اصلی کشاورزی را در دوره ۲۰۱۱-۱۹۶۱ نشان می‌دهد تا سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)، تراز تجاری شش محصول اصلی کشاورزی گندم، جو، برنج، ذرت، سویا و شکر برای ایران منفی بوده و هیچ‌گاه به صفر نرسیده است (نمودار ۸۸)؛ اما از سال ۱۳۹۰ به بعد (طول برنامه پنجم) روند بهبود تراز تجاری در محصولات کشاورزی رخ داده (نمودار ۸۹) و هدف‌گذاری برنامه ششم نیز خودکفایی ۱۰۰ درصدی محصولات اساسی کشاورزی و رساندن تراز تجاری به نقطه صفر است.



نمودار ۸۸: گزارش فائو از تراز تجاری محصولات اصلی کشاورزی در دوره ۱۹۶۱-۲۰۱۱

منبع: فائو، ۲۰۱۱



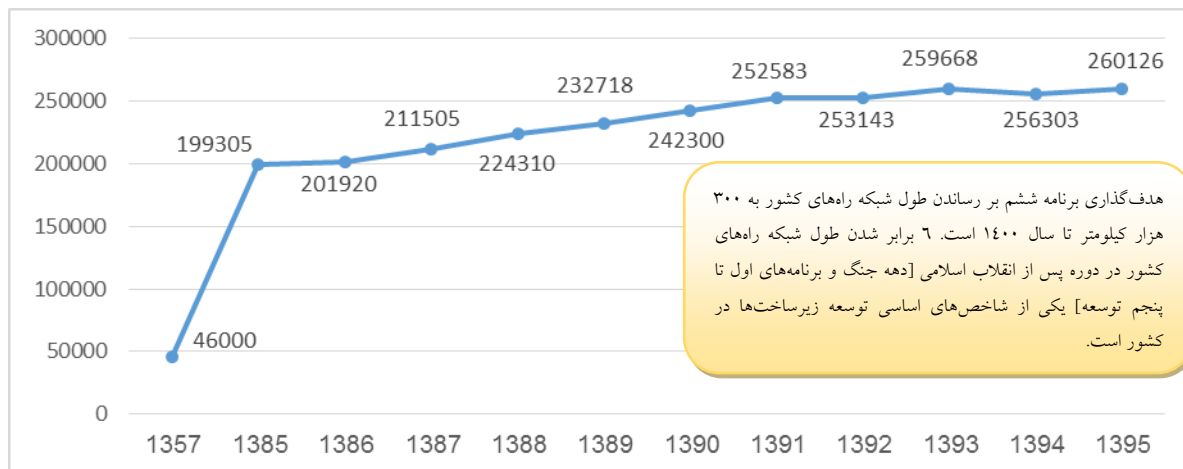
نمودار ۸۹: روند تغییرات تراز تجاری محصولات کشاورزی در دوره ۱۳۹۱-۱۳۹۵

منبع: آمارنامه‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

۲-۲-۷-۲- حمل و نقل شبکه راه‌های کشور

افزایش کمیت و کیفیت شبکه راه‌های کشور یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار در کشور است. با اینکه مجموع طول کل شبکه راه‌های کشور برحسب وسعت کشور و نسبت به کشورهای رقیب در منطقه چشم‌انداز مانند ترکیه اندکی پایین است، اما به‌واقع پیشرفت مهمی در زمینه گسترش و یکپارچه کردن شبکه راه‌های کشور در چهار دهه اخیر صورت گرفته است. توضیح اینکه با اجرای برنامه‌های عمرانی اول تا چهارم قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۷، طول راه‌ها به ۴۲ هزار کیلومتر و در برنامه عمرانی پنجم قبل از انقلاب به ۴۶۰۰۰ کیلومتر راه افزایش یافت؛ اما در چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی طول شبکه راه‌های کشور به بالاتر از ۲۶۰۰۰۰ کیلومتر رسیده است (نمودار ۹۰). همچنین از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۵۷ حدود ۵۶۵۴ کیلومتر خطوط ریلی در ایران ساخته شد و این در حالی است که تا سال ۱۳۹۵ حدود ۱۰۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی وجود دارد که بر اساس سند چشم‌انداز در پایان ۱۴۰۴ باید به ۱۵۰۰۰ کیلومتر برسد (نمودار ۹۴). به‌طور خلاصه، گسترش ظرفیت شبکه حمل‌ونقل زمینی، هوایی و دریایی از شاخص‌های اساسی توسعه زیرساخت‌ها در کشور است. در این بخش نمودارهای مربوط به افزایش کمی و کیفی شبکه حمل‌ونقل و راه‌های کشور (زمین، هوایی و دریایی) ارائه می‌شود. در این نمودارها سعی شده دوره ۴۰ ساله بعد از انقلاب پوشش داده شود؛ اما در برخی موارد تنها آمارهای دو دهه اخیر در دسترس است:

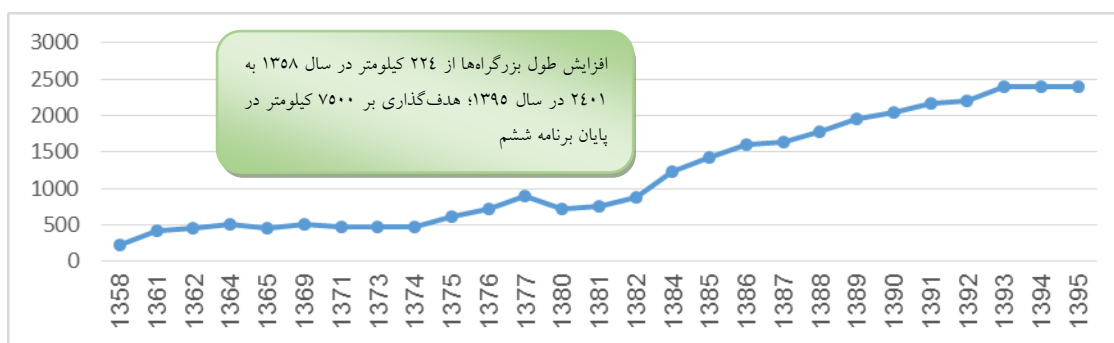
الف) حمل و نقل زمینی



نمودار ۹۰: طول شبکه راه‌های زمینی کشور در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۵ (کیلومتر)

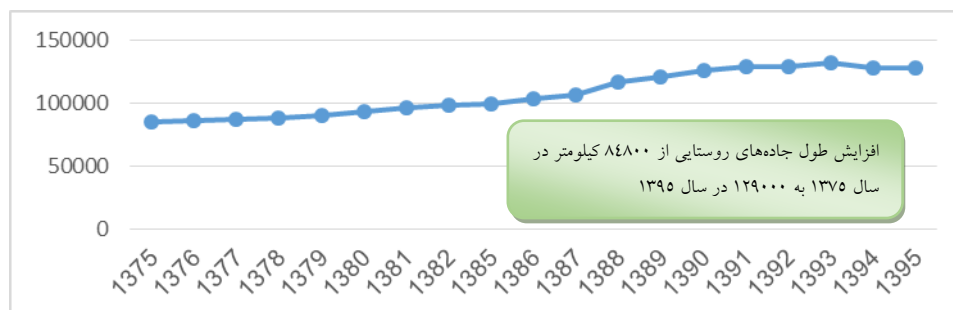
منبع: سالنامه آماری وزارت راه، پردازش شده در تحقیق

*توضیح: طول شبکه راه‌های زمینی کشور شامل مجموع راه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه، آزادراه‌ها، بزرگراه‌ها، راه‌های اصلی و راه‌های روستایی (آسفالت و شوسه) است.



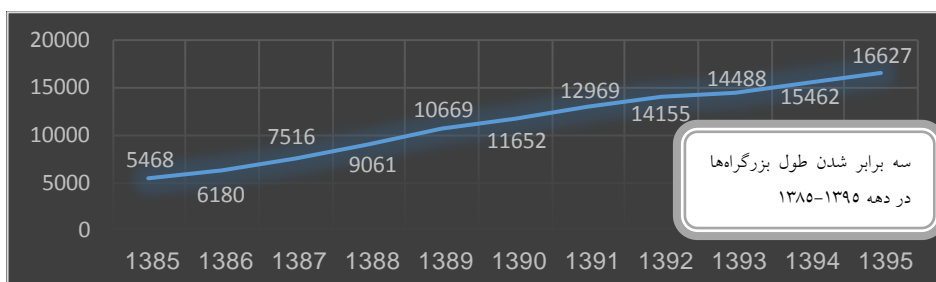
نمودار ۹۱: طول آزادراه‌های کشور در دوره ۱۳۵۸-۱۳۹۵ (کیلومتر)

منبع: مرکز آمار ایران - سالنامه آماری کشور



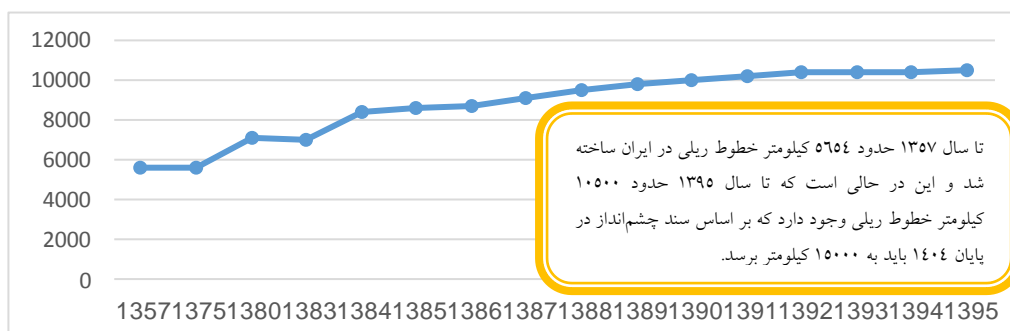
نمودار ۹۲: طول راه‌های روستایی کشور در دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ (کیلومتر)

منبع: سالنامه آماری وزارت راه، پردازش شده در تحقیق



نمودار ۹۳: طول بزرگراه‌های کشور در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵ (کیلومتر)

منبع: سالنامه آماری وزارت راه، پردازش شده در تحقیق



نمودار ۹۴: توسعه خطوط ریلی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۵

منبع: وزارت راه و شهرسازی و جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش حمل‌ونقل ریلی، پردازش شده در گزارش

ب) حمل و نقل هوایی

جدول ۳۰: شاخص ظرفیت فرودگاه‌ها با توجه به تعداد مسافران خروجی و ورودی فرودگاه‌ها برحسب پروازهای داخلی و بین‌المللی

دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ (هزار نفر)

سال	خروجی			ورودی		
	جمع	داخلی	بین‌المللی	جمع	داخلی	بین‌المللی
۱۳۷۵	۹۳۰۶	۸۳۶۳	۹۴۳	۹۲۵۰	۸۳۶۳	۸۸۶
۱۳۸۰	۱۰۱۰۱	۸۵۶۴	۱۵۳۷	۱۰۰۳۹	۸۵۶۴	۱۴۷۵
۱۳۸۵	۱۵۲۸۶	۱۲۴۲۳	۲۸۶۲	۱۵۲۴۵	۱۲۴۲۳	۲۸۲۲
۱۳۹۰	۲۰۸۸۵	۱۶۴۸۱	۴۴۰۴	۲۰۸۶۰	۱۶۴۸۱	۴۳۷۹
۱۳۹۱	۲۰۷۹۳	۱۶۶۵۵	۴۱۳۸	۲۰۷۳۴	۱۶۶۵۵	۴۰۷۹
۱۳۹۲	۱۹۶۸۷	۱۶۶۱۷	۳۰۷۰	۱۹۶۱۸	۱۶۶۱۷	۳۰۰۱
۱۳۹۳	۲۲۸۲۲	۱۷۴۶۲	۵۳۶۰	۲۲۸۱۲	۱۷۴۶۲	۵۳۵۰
۱۳۹۴	۲۳۵۸۳	۱۸۲۵۲	۵۳۳۲	۲۳۵۴۶	۱۸۲۵۲	۵۲۹۴

منبع: سازمان هواپیمایی کشوری، در: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش حمل‌ونقل هوایی، پردازش شده در گزارش

جدول ۳۱: افزایش ظرفیت فرودگاه‌ها با توجه به مسافران حمل شده توسط شرکت‌های هواپیمایی داخلی در پروازهای بین‌المللی برحسب فرودگاه‌های داخلی و خارجی (هزار نفر)، دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵

شرح	۱۳۷۵		۱۳۸۰		۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		۱۳۹۳		۱۳۹۴	
	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی
فرودگاه‌های داخلی	۶۴۲	۶۲۱	۹۷۹	۹۸۵	۱۲۷۲	۱۲۵۶	۴۴۰۴	۴۲۷۷	۴۱۴۰	۴۰۷۸	۴۶۲۶	۴۵۰۳	۵۲۶۰	۵۲۵۰	۵۲۹۴	۵۳۲۲
فرودگاه‌های خارجی	۶۲۲	۶۵۴	۱۰۲۹	۱۰۳۳	۱۳۳۷	۱۳۰۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۲۷۵	۱۲۷۵	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۶۰۹	۲۵۵۸	۴۴۰۴	۴۲۷۷	۴۱۴۰	۴۰۷۸	۴۶۲۶	۴۵۰۳	۵۲۶۰	۵۲۵۰	۵۲۹۴	۵۳۲۲

منبع: سازمان هواپیمایی کشوری، در: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش حمل‌ونقل هوایی، پردازش شده در گزارش

ج) حمل‌ونقل دریایی

جدول ۳۲: تعداد و ظرفیت کشتی‌های شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های وابسته دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵

سال	تعداد کشتی (فروند)	بار (تن)	سال	تعداد کشتی (فروند)	بار (تن)
۱۳۷۵	۱۰۱	۲۴۷۲۴۳۴	۱۳۹۱	۱۳۴	۵۱۲۲۴۳۰
۱۳۸۰	۱۱۲	۳۰۶۸۸۵۹	۱۳۹۲	۱۲۴	۴۴۹۰۰۷۷
۱۳۸۵	۱۱۵	۳۷۳۲۹۹۹	۱۳۹۳	۱۲۸	۴۴۷۹۹۹۹
۱۳۹۰	۱۳۶	۵۲۹۶۲۶۰	۱۳۹۴	۱۳۰	۴۹۲۷۷۹۲

منبع: کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، در: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش حمل‌ونقل دریایی، پردازش شده در گزارش

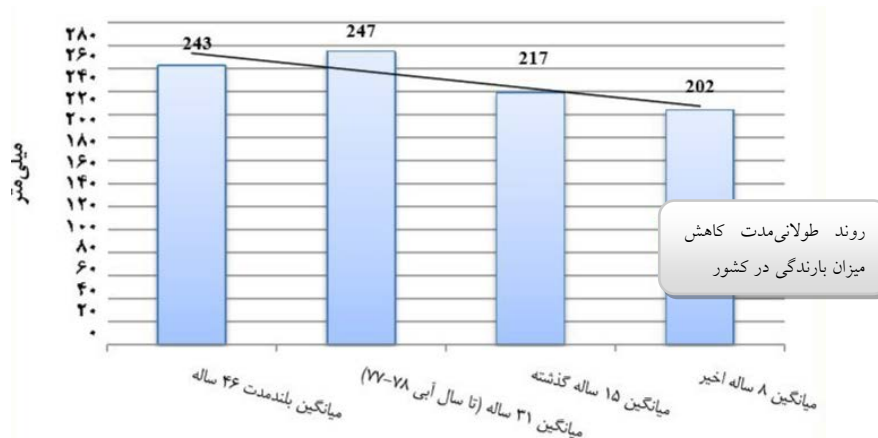
۲-۷-۲-۳- وضعیت آب‌های زیرزمینی

شاخص بحران آبی، معرف وضعیت اقلیمی ایران و نیز ورود به شرایط سرزمینی خشکیدگی در اقلیم خاورمیانه است که طبق برآورد سازمان مدیریت منابع آب ایران تا ۲۰ سال آینده ادامه خواهد داشت. به این ترتیب با افزایش روزافزون جمعیت کشور و افرادی که در مصرف آب شریک می‌شوند، تنش و بحران آبی (بیشتر در کشاورزی و کمتر در زمینه آب مصرفی) افزایش می‌یابد. مشخصاً در ۵۰ سال گذشته، ۳۷ مورد خشونت بین کشورها بر سر آب گزارش شده است که همه آن‌ها به جز ۷ مورد به خاورمیانه مربوط می‌شود.^۱ بنا بر داده‌های شاخص بحران آب سازمان ملل، شرایط بحران آبی در کشور وجود دارد. بنیاد کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل، میزان درصد برداشت از منابع آب تجدیدپذیر در هر کشور را به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری بحران آب معرفی کرده است. مطابق این شاخص: ۱- هرگاه میزان برداشت آب یک کشور بیشتر از ۴۰ درصد کل منابع آب تجدیدپذیر آن باشد، این کشور با بحران شدید آب مواجه است؛ ۲- اگر این مقدار

۱. نگاه کنید به: نجفی، عبدالصمد (۱۳۸۹). «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)»، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.

در حدفاصل ۲۰ تا ۴۰ درصد باشد، بحران در وضعیت متوسط است؛ ۳- اگر این شاخص بین ۱۰ تا ۲۰ درصد باشد، بحران در حد متعادل است؛ ۴- کمتر از ۱۰ درصد بدون بحران تلقی می‌شود. بنا بر اعلام سازمان مدیریت منابع آب کشور در سال ۱۳۹۶، ۷۰ درصد کل آب تجدیدپذیر کشور مورد استفاده قرار گرفت؛ به این ترتیب ایران در وضعیت بحران آبی قرار دارد. دلایل زیادی برای این موضوع وجود دارد:

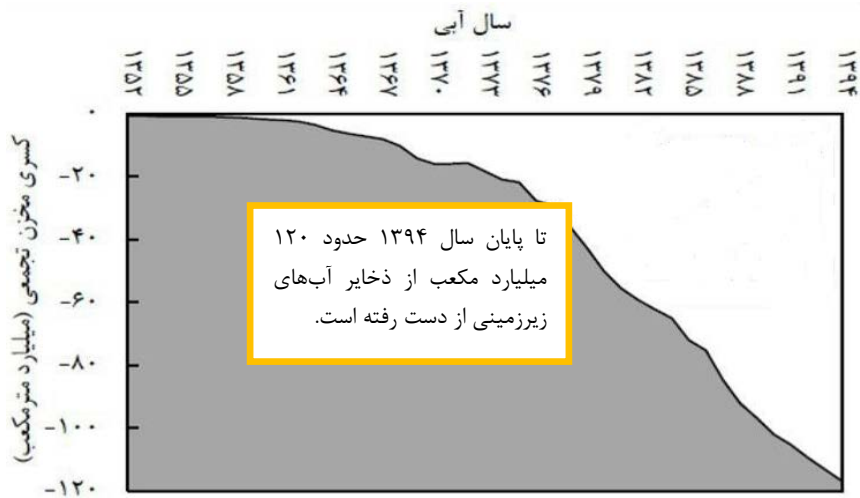
الف) قرارگیری کشور در دوره خشک‌سالی و کاهش بارندگی: نمودار ۹۵، تغییرات میزان بارش کشور در سال‌های مختلف و کاهش میزان بارندگی در ۴۶ سال اخیر را نشان می‌دهد.



نمودار ۹۵: تغییرات میزان بارش کشور در سال‌های مختلف

منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، برنامه ششم توسعه، سند راهبردی بخش آب، ۱۳۹۵

ب) تخلیه منابع آب‌های زیرزمینی: نمودار ۹۶، کسری مخزن تجمیعی در دوره ۱۳۹۴-۱۳۵۲ و نمودارهای ۹۷ و ۹۸ به ترتیب تخلیه سالانه از منابع آب‌های زیرزمینی را در دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۸ (مقارن با برنامه‌های اول تا پنجم توسعه) و نیز نوع برداشت از منابع آب‌های زیرزمینی کشور در سال آبی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ را نشان می‌دهد. در نیمه دهه ۸۰، بیشترین میزان تخلیه منابع آب زیرزمینی کشور رخ داد و به ۸۰۰۰۰ میلیون مترمکعب رسید. این روند از ابتدای دهه ۹۰ کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۶۱۰۰۰ میلیون مترمکعب رسیده است. کارشناسان حوزه آب در کشور معتقدند با توجه به اینکه ۹۲ درصد از مصرف آب در کشور به بخش کشاورزی مربوط می‌شود؛ تخلیه سالانه از منابع آب‌های زیرزمینی در بخش کشاورزی، معیار اصلی بحران آب در کشور است.



نمودار ۹۶: کسری مخزن تجمعی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۴

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶



نمودار ۹۷: تخلیه سالانه از منابع آب‌های زیرزمینی (چاه عمیق، چاه نیمه‌عمیق، قنات، چشمه) طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۹۴

منبع: سازمان مدیریت منابع آب ایران، پردازش شده در: www.nagshclick.com



نمودار ۹۸: مقدار تخلیه از منابع آب‌های زیرزمینی کشور برحسب نوع برداشت در سال آبی ۱۳۹۳-۱۳۹۴
منبع: سازمان مدیریت منابع آب ایران، پردازش شده در: www.naghshclick.com

ج) کاهش ذخیره آبی سدها: به‌رغم اینکه افزایش تعداد سدها در کشور (نمودار ۹۹) یک شاخص زیرساختی مهم در دهه‌های بعد از انقلاب است، اما خشک‌شدن رودخانه‌های فصلی، کم‌آبی رودخانه‌های دائمی و مدیریت نادرست منابع آبی کشور، دلیل اصلی کاهش آب پشت سدها است. کاهش ذخیره آبی سدها علاوه بر تشدید تنش آبی، اثرات اقلیمی خواسته و ناخواسته زیادی ایجاد کرده و حکمرانی آب و تخصیص بهینه آب در ایران را به یک دغدغه جدی تبدیل کرده است.

۲-۷-۲-۴- برخی دیگر از شاخص‌های زیرساختی

الف) سدها



نمودار ۹۹: روند ساخت سدهای کشور در دوره ۱۳۲۶-۱۳۹۵

منبع: آمار پایه از سازمان مدیریت منابع آب ایران، در: کامجو، ۱۳۹۴

جدول ۳۳: تعداد سدهای کشور به تفکیک استان‌ها از سال ۱۳۲۶ تاکنون

مجموع	بهره‌برداری	اجرایی	مطالعاتی	دستگاه اجرایی
۱۱۸	۶۰	۱۲	۴۶	آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی
۶۲	۲۲	۹	۳۱	آب منطقه‌ای آذربایجان غربی
۵۵	۲۴	۷	۲۴	آب منطقه‌ای اردبیل
۴۴	۱۸	۶	۲۰	آب منطقه‌ای اصفهان
۲	۰	۰	۲	آب منطقه‌ای البرز
۱۵	۲	۵	۸	آب منطقه‌ای ایلام
۸	۱	۳	۴	آب منطقه‌ای بوشهر
۱۵	۷	۳	۵	آب منطقه‌ای تهران
۲۱	۵	۴	۱۲	آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری
۲۴	۱۳	۳	۸	آب منطقه‌ای خراسان جنوبی
۷۳	۴۱	۳	۲۹	آب منطقه‌ای خراسان رضوی
۲۲	۷	۵	۱۰	آب منطقه‌ای خراسان شمالی
۵۱	۱۵	۷	۲۹	آب منطقه‌ای زنجان
۱۰	۶	۱	۳	آب منطقه‌ای سمنان
۴۷	۲۲	۳	۲۲	آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان
۲۳	۸	۷	۸	آب منطقه‌ای فارس
۱۱	۰	۲	۹	آب منطقه‌ای قزوین
۱۷	۳	۰	۱۴	آب منطقه‌ای قم
۳۱	۶	۶	۱۹	آب منطقه‌ای کردستان
۱۶	۵	۲	۹	آب منطقه‌ای کرمان
۳۶	۶	۹	۲۱	آب منطقه‌ای کرمانشاه
۲۴	۲	۳	۱۹	آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد
۲۴	۱۴	۱	۹	آب منطقه‌ای گلستان
۱۳	۱	۴	۸	آب منطقه‌ای گیلان
۴۰	۳	۹	۲۸	آب منطقه‌ای لرستان
۲۲	۱۰	۲	۱۰	آب منطقه‌ای مازندران

۳۰	۱۶	۱	۱۳	آب منطقه‌ای مرکزی
۱۷	۱۰	۱	۶	آب منطقه‌ای هرمزگان
۱۸	۵	۵	۸	آب منطقه‌ای همدان
۴	۲	۱	۱	آب منطقه‌ای یزد
۳۲	۷	۵	۲۰	آب و برق خوزستان
۱	۱	۰	۰	توسعه آب و خاک سیستان
۴۲	۷	۱۱	۲۴	توسعه منابع آب و نیروی ایران
۳۶۱	۲۹۸	۶	۵۷	جهاد کشاورزی
۱	۰	۰	۱	موسسه عمران رفسنجان
۱.۳۳۰	۶۴۷	۱۴۶	۵۳۷	مجموع

منبع: سازمان مدیریت منابع آب ایران

ب) پالایشگاه‌ها

جدول ۳۴: تولید فرآورده‌های نفتی در پالایشگاه‌های کشور (مترمکعب در روز)، دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۷

سال	گاز مایع	نفت کوره سبک	نفت کوره سنگین	نفت گاز	نفت سفید
۱۳۷۷	۸۰۶۳	۷۲۴۸۹	-	۶۴۷۳۱	۲۸۴۴۱
۱۳۷۸	۸۳۷۰	۷۷۴۴۹	-	۶۹۵۴۵	۲۸۵۶۳
۱۳۷۹	۸۳۰۹	۷۳۹۶۰	-	۶۹۹۴۵	۲۶۶۶۷
۱۳۸۰	۸۲۹۸	۷۰۹۸۳	۹۱۶۹	۷۰۸۷۹	۲۷۱۶۰
۱۳۸۱	۸۸۴۳	۷۳۸۱۷	۶۳۱۷	۷۱۹۲۳	۲۴۶۸۸
۱۳۸۲	۸۶۰۹	۵۷۶۳۹	۱۹۴۹۴	۷۳۱۵۴	۲۴۷۴۵
۱۳۸۳	۸۴۲۷	۵۴۶۹۷	۲۰۰۶۵	۷۷۰۳۷	۲۲۹۶۵
۱۳۸۴	۸۲۰۴	۵۶۵۱۱	۱۹۶۲۴	۷۹۲۱۵	۲۰۳۲۰
۱۳۸۵	۸۲۸۴	۵۷۷۰۵	۱۸۷۴۸	۸۰۴۷۳	۲۱۰۶۳
۱۳۸۶	۷۹۸۳	۵۵۱۷۴	۱۷۸۴۶	۸۱۵۴۹	۲۱۶۸۰
۱۳۸۷	۸۰۷۱	۵۸۷۲۰	۱۸۴۱۲	۸۴۹۵۷	۲۱۳۴۷
۱۳۸۸	۸۳۶۲	۵۳۷۴۲	۲۲۳۵۹	۸۸۷۰۲	۱۸۵۱۹
۱۳۸۹	۸۷۴۸	۴۱۴۱۹	۳۴۹۷۸	۹۰۹۵۱	۱۵۱۳۵

۱۴۹۱۶	۹۴۶۷۷	۲۸۰۴۶	۴۸۹۴۸	۹۲۵۱	۱۳۹۰
۱۴۸۶۶	۹۳۵۹۵	۴۸۳۲۹	۳۱۳۶۸	۹۰۷۹	۱۳۹۱
۱۲۵۱۸	۹۷۶۸۹	۵۳۸۱۳	۲۳۷۲۷	۹۸۴۳	۱۳۹۲
۱۰۴۸۸	۹۶۰۱۶	۱۸۹۸۴	۴۹۰۱۸	۱۰۱۲۰	۱۳۹۳
۱۰۸۲۷	۸۹۴۳۵	۱۲۳۱۴	۵۲۰۵۱	۱۰۶۴۸	۱۳۹۴

مأخذ: ترازنامه انرژی وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی در: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش انرژی

ج) نیروگاه‌ها

جدول ۳۵: ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور (مگاوات)

سال	بخاری	گازی	سیکل ترکیبی	دیزلی	آبی	سایر (۱)	جمع
۱۳۷۹	۱۴۱۲۶	۶۷۷۰	۳۷۶۰	۵۳۳	۲۰۰۷	۰	۲۷۲۰۷
۱۳۸۰	۱۴۷۷۶	۷۰۳۸	۴۰۶۰	۵۳۳	۲۰۰۸	۰	۲۸۹۵۳
۱۳۸۱	۱۴۴۶۶	۶۳۳۰	۶۲۹۰	۴۹۰	۳۰۳۷	۰	۳۱۵۲۵
۱۳۸۲	۱۴۵۳۰	۷۱۳۶	۶۸۳۲	۴۹۳	۴۴۲۰	۱۷	۳۴۳۲۹
۱۳۸۳	۱۴۸۵۵	۹۰۷۴	۶۸۳۲	۴۹۳	۵۰۱۲	۲۵	۳۷۳۰۰
۱۳۸۴	۱۴۸۹۰	۹۹۰۶	۶۸۳۲	۴۹۳	۶۰۴۴	۴۸	۳۸۲۳۷
۱۳۸۵	۱۴۸۹۰	۱۱۲۸۲	۷۸۳۶	۴۱۸	۶۵۷۲	۵۹	۴۱۰۸۰
۱۳۸۶	۱۴۹۳۵	۱۰۵۹۰	۱۰۴۷۹	۴۱۸	۷۴۲۲	۷۴	۴۳۹۱۸
۱۳۸۷	۱۴۹۳۵	۱۱۷۹۹	۱۱۱۱۷	۴۱۸	۷۶۷۳	۹۰	۴۶۰۳۱
۱۳۸۸	۱۴۹۳۵	۱۰۴۷۹	۱۳۶۶۴	۴۲۵	۷۷۰۵	۹۲	۴۷۲۹۹
۱۳۸۹	۱۴۹۳۵	۱۲۴۱۰	۱۳۹۸۴	۴۰۸	۸۴۸۸	۱۰۰	۵۰۳۲۰
۱۳۹۰	۱۴۹۴۲	۱۲۲۶۰	۱۴۷۸۰	۴۰۸	۸۷۴۶	۱۱۲۵	۵۲۲۵۷
۱۳۹۱	۱۴۹۵۱	۱۲۴۲۲	۱۵۲۶۰	۴۳۹	۹۷۴۶	۱۱۳۳	۵۳۹۵۱
۱۳۹۲	۱۵۸۲۹	۲۴۷۱۵	۱۷۸۴۹	۴۳۹	۱۰۲۶۶	۱۱۶۹	۷۰۲۶۷
۱۳۹۳	۱۵۸۲۹	۲۶۴۱۲	۱۸۴۹۳	۴۳۹	۱۰۷۸۹	۱۱۸۹	۷۳۱۵۱
۱۳۹۴	۱۵۸۲۹	۲۶۸۷۰	۱۸۴۹۳	۴۳۹	۱۱۳۵۴	۱۱۹۹	۷۴۱۸۵

منبع: جداول آماری مرکز آمار ایران، بخش انرژی، پردازش شده در گزارش

۲-۷- شاخص‌های جهانی و ترکیبی

۲-۷-۱- شاخص سرمایه انسانی جهانی

سرمایه انسانی^۱ موجودی شایستگی‌ها، دانش، ویژگی‌های اجتماعی و توانایی برای انجام کار جهت تولید ارزش اقتصادی است. سرمایه انسانی دید جامعی از انسان فعال در عصر اقتصاد دانش‌بنیان به دست می‌دهد و یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار در کشورهای جهان است. این شاخص تحت عنوان سرمایه انسانی

1. Human Capital

جهانی از سوی مجمع جهانی اقتصاد سنجیده می‌شود و علاوه بر رتبه‌بندی کشورها، مشخص می‌سازد جهان تا چه اندازه سرمایه انسانی را توسعه می‌دهد. برای مثال، جهان در سال ۲۰۱۷ تنها ۶۲ درصد از سرمایه انسانی خود را توسعه داده است. به عبارت دیگر، کشورها به‌طور میانگین ۳۸ درصد از استعداد های خود را نادیده گرفته‌اند.

شاخص سرمایه انسانی^۱ جهانی با توجه به چهار شاخص از مقیاس ۰ تا ۱۰۰ ساخته و محاسبه می‌شود و میانگین مجموع این زیرشاخص‌ها، معرف امتیاز کشور در این شاخص و رتبه‌بندی آن کشور در میان ۱۳۰ کشور جهان از سوی مجمع جهانی اقتصاد است. این چهار زیرشاخص عبارتند از:

۱- زیرشاخص ظرفیت^۲ که سطح کنونی تحصیلات گروه‌های سنی مختلف را در کشورهای منتخب شامل می‌شود. همچنین عملکرد نظام‌های آموزشی کشورها، تخصص میان نسلی و مهارت‌های میان کارکردی^۳ را در نظر دارد.

۲- زیرشاخص به‌کارگیری^۴ که به‌کارگیری و انباشت مهارت‌های کارکنان در محیط کار را مدنظر قرار می‌دهد و تغییر بازار کار، ارتقای مهارت‌های شغلی، چالش‌های ساختاری حوزه اشتغال را مدنظر دارد.

۳- زیرشاخص توسعه^۵ که به کمیت و کیفیت برنامه‌های در حال اجرا به‌منظور گسترش آموزش‌های عمومی و مهارتی برای محصلان و جمعیت در سن کار مربوط می‌شود.

۴- زیرشاخص دانش فنی^۶ که با وسعت و عمق استفاده از مهارت‌های تخصصی در محیط کار ارتباط دارد. در کشورهایی که در حال حاضر بیشترین موفقیت را در به‌کارگیری دانش فنی مردم دارند، اکثریت جمعیت در مشاغل پرمهارت و مبتنی بر تخصص در یک اقتصاد پیچیده و متنوع فعالیت می‌کنند.

وضعیت ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی از سال ۱۳۹۱ تاکنون، تصویر مشخصی از موقعیت ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی ارائه می‌کند. توضیح اینکه از سال ۲۰۱۳ تاکنون، چندین گزارش سالیانه از سوی مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده که در آن رتبه کشورها در این شاخص ارائه شده است. جدول ۳۶، رتبه و امتیاز ایران در این شاخص را در ۵ سال اخیر نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد از بین ۱۲۴ کشور بررسی‌شده از طرف مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ایران همواره ۸۰ به بالا بوده است. همچنین در حالی که امتیاز ایران در گزارش سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۶۰ بود و در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ افزایش یافت و در گزارش سال ۲۰۱۷ به عدد ۵۵ رسید (نمودار ۱۰۰).

1. Human Capital Index (HCI)
2. Capacity
3. Cross-functional Skills
4. Deployment
5. Development
6. Know-How

جدول ۳۶: وضعیت ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در یک روند پنج‌ساله

گزارش مجمع جهانی اقتصاد	رتبه ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی	امتیاز ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی
WEF Global Human Capital Report 2013	۹۴	۵۹,۲
WEF Global Human Capital Report 2014	۹۵	۶۰,۱
WEF Global Human Capital Report 2015	۸۰	۶۶,۴
WEF Global Human Capital Report 2016	۸۵	۶۴,۱۶
WEF Global Human Capital Report 2017	۱۰۴	۵۴,۹۷



نمودار ۱۰۰: امتیاز ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۷

منبع: گزارش‌های سالیانه مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷

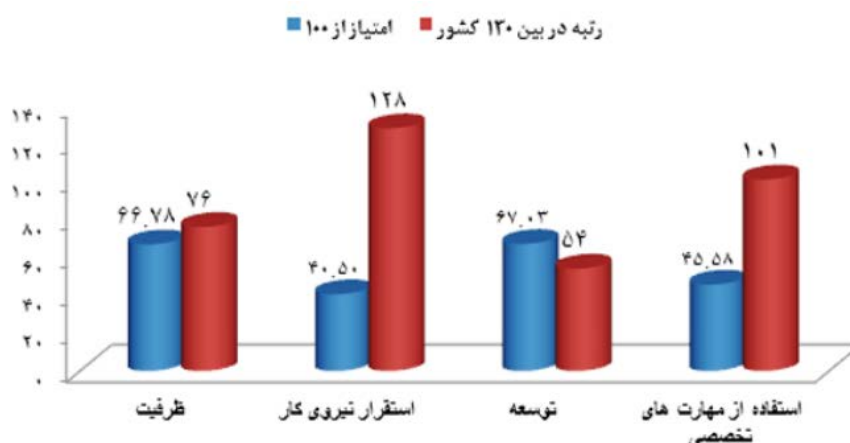
گزارش سال ۲۰۱۷ را با جزئیات بیشتر مرور می‌کنیم. مجمع جهانی اقتصاد در تازه‌ترین گزارش از سلسله گزارش‌های سالانه سرمایه انسانی خود،^۱ رتبه‌بندی شاخص سرمایه انسانی ۲۰۱۷ را منتشر کرده است. این رتبه‌بندی، جایگاه ایران را در رتبه ۱۰۴ از میان ۱۳۰ کشور در مقایسه با سال ۲۰۱۶ (رتبه ۸۵ برای ایران)، ۱۹ پله کاهش نشان می‌دهد. جدول ۳۷، وضعیت ایران در زیرشاخص‌های سرمایه انسانی جهانی را در مقایسه با کشورهای منتخب نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول، دلیل اصلی کاهش رتبه ایران در گزارش امسال، مربوط به وضعیت زیرشاخص نیروی کار است. ایران در رتبه‌بندی زیرشاخص نیروی کار از میان ۱۳۰ کشور در جایگاه ۱۲۸ قرار گرفته است. همچنین در میان ۴ زیرشاخص تشکیل‌دهنده شاخص کل سرمایه انسانی، ایران بهترین عملکرد را در زیرشاخص توسعه داشته و در میان ۱۳۰ کشور در رتبه ۵۴ ایستاده است (جدول ۳۷ و نمودار ۱۰۱).

1. WEF Global Human Capital Report 2017

جدول ۳۷: وضعیت ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب ۲۰۱۷-۲۰۱۶

کشور	شاخص کل		زیرشاخص ظرفیت		زیرشاخص نیروی کار		زیرشاخص توسعه		زیرشاخص دانش تخصصی	
	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز
نروژ (۲۰۱۷)	۱	۷۷,۱۲	۱۳	۸۰,۴۶	۲۴	۷۳,۱۸	۶	۸۲,۶۳	۶	۷۷,۲۲
فنلاند (۲۰۱۷)	۲	۷۷,۷	۸	۸۱,۰۵	۶۸	۶۵,۹	۱	۸۸,۵۱	۲	۷۳,۶۲
سوئیس (۲۰۱۷)	۳	۷۶,۴۸	۲۸	۷۶,۳۶	۴۲	۶۹,۱۲	۲	۸۴,۸۷	۱	۷۵,۵۷
آمریکا (۲۰۱۷)	۴	۷۴,۴۸	۲۲	۷۸,۱۸	۴۳	۶۸,۷۲	۴	۸۳,۴۵	۱۳	۶۸,۹۹
دانمارک (۲۰۱۷)	۵	۷۴,۴۰	۱۶	۷۹,۳۷	۳۴	۷۱,۴۱	۱۴	۷۸,۶۵	۱۷	۶۸,۱۸
ایران (۲۰۱۷)	۱۰۴	۵۴,۹۷	۷۶	۶۶,۷۸	۱۲۸	۴۰,۵۰	۵۴	۶۷,۰۳	۱۰۱	۴۵,۵۸

منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۷ در: دنیای اقتصاد، ۲۶ شهریور ۱۳۹۶

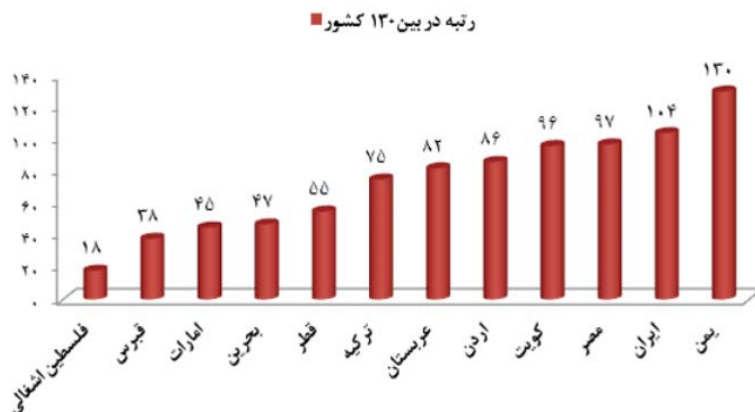


نمودار ۱۰۱: وضعیت ایران در زیرشاخص‌های سرمایه انسانی جهانی

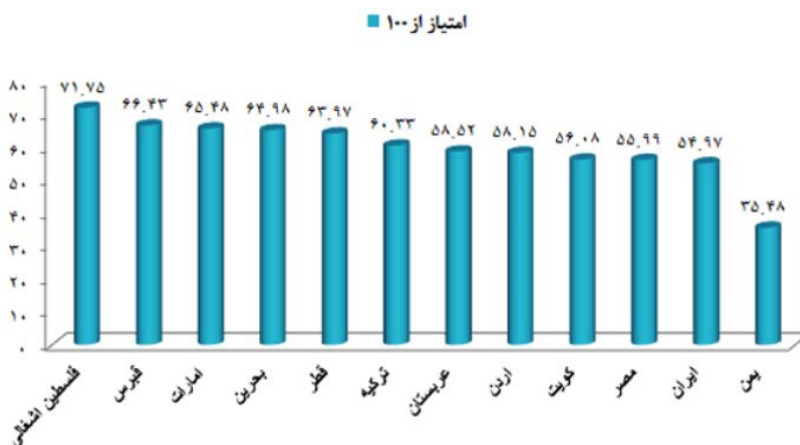
منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۷، در خبرگزاری آنا، ۲۵ شهریور ۱۳۹۶

در گزارش مجمع جهانی اقتصاد سال ۲۰۱۷، ایران با کسب ۵۴,۹۷ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن، رتبه ۱۰۴ را از لحاظ شاخص سرمایه انسانی در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی به خود اختصاص داده است. ایران در این رتبه‌بندی در قیاس با کشورهایمانند تاجیکستان، فیلیپین، غنا و کامرون امتیاز کمتری کسب کرده و در مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز در خاورمیانه نیز از بین ۱۲ کشور مورد بررسی، در رتبه ۱۱ قرار گرفته است (نمودارهای ۱۰۲ و ۱۰۳). دلایل کاهش رتبه ایران در گزارش ۲۰۱۷ نسبت به گزارش ۲۰۱۶ چیست؟ در نگاه اول می‌توان از مقایسه داده‌ها، چنین استنباط کرد که ایران به لحاظ داشتن نیروی انسانی تحصیل کرده در سطحی متوسط قرار دارد و روند کنونی آموزش در ایران نیز به‌رغم مشکلات غیر قابل انکار می‌تواند در آینده، جایگاه کشور را در زمینه سرمایه انسانی بهبود بخشد. در مقابل، استفاده مناسب از نیروی کار امری است که مغفول مانده و در صورت ادامه این روند، شاید بهبود مستمر اشتغال و بهره‌وری در

بخش‌های مختلف اقتصاد ایران مشکل‌تر شود؛ بنابراین طبق گزارش ۲۰۱۷، جایگاه ایران در این دو زیرشاخص (نیروی کار و مهارت‌های تخصصی)، خود به‌منزله هشدار برای اقتصاد کشور است.

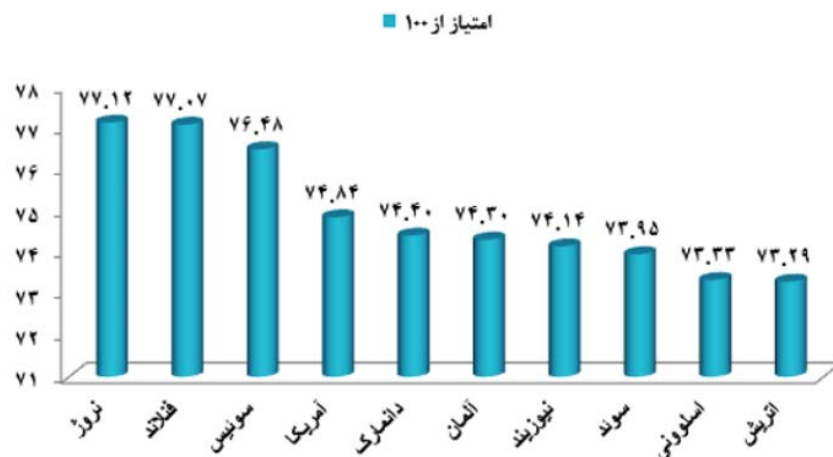


نمودار ۱۰۲: رتبه ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در میان کشورهای منطقه چشم‌انداز
منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۷



نمودار ۱۰۳: امتیاز ایران در شاخص سرمایه انسانی جهانی در میان کشورهای منطقه چشم‌انداز
منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۷

بنا بر گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد، کشورهای نروژ، فنلاند و سوئیس در سال ۲۰۱۷ از لحاظ شاخص سرمایه انسانی، جایگاه اول تا سوم جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این واقعیت که حتی پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز نتوانسته‌اند نمره‌ای حتی بالاتر از ۸۰ را کسب کنند (نمودار ۱۰۴)؛ به‌خوبی نشان می‌دهد که از نظر مجمع جهانی اقتصاد، جهان راه درازی تا بهره‌گیری کامل از سرمایه انسانی خود پیش‌رو دارد.



نمودار ۱۰۴: رتبه کشورهای برتر جهان در شاخص سرمایه انسانی جهانی

منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۷

۲-۷-۲- شاخص رفاه اجتماعی لگاتوم

شاخص رفاه لگاتوم^۱، رتبه‌بندی سالانه مؤسسه پژوهشی لگاتوم است که درباره سطح رفاه در ۱۴۲ کشور مختلف منتشر می‌شود. مؤسسه لگاتوم از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون، برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها، به تنظیم شاخص ترکیبی رفاه اقدام کرده که با ترکیب فاکتورهای گوناگونی نظیر ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی ساخته می‌شود. پژوهشگران مؤسسه لگاتوم، شاخص رفاه را بر اساس ترکیبی از وضعیت کشورها در حوزه‌های مختلف تعریف کرده‌اند.

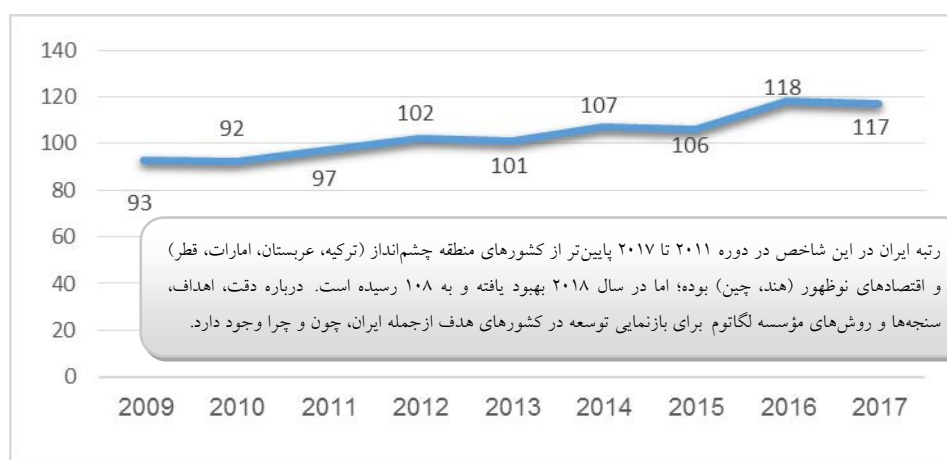
شاخص لگاتوم بر اساس ۸ زیرشاخص فرعی - اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکمروایی، سرمایه اجتماعی، آزادی فردی، آموزش، سلامت، ایمنی و امنیت- تشکیل می‌شود که همگی در کنار هم نهایتاً میزان رفاه یک کشور را اندازه‌گیری می‌کنند (همشهری آنلاین، ۱۹ آبان ۱۳۹۲). برای به دست آوردن شاخص کل لگاتوم، به همه شاخص‌های فرعی وزن مساوی داده می‌شود. هر کشور، نمره‌هایی در هر شاخص فرعی به دست می‌آورد که بر اساس ترکیب عملکردش در متغیرهای مختلف و سطوح گوناگون اهمیت این متغیرها است. سپس نمره‌های این شاخص‌های فرعی، متوسط‌گیری می‌شوند تا یک نمره کل برای کشور در این شاخص به دست آید.

شاخص لگاتوم در بین شاخص‌های ارائه‌شده از سوی مجامع بین‌المللی در زمینه توسعه اجتماعی، از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و تعداد بیشتری از زیرشاخص‌های ارائه‌شده در تعاریف مختلف پیرامون توسعه اجتماعی را شامل می‌شود. این شاخص ورای ثروت مادی، فاکتورهایی چون سرمایه اجتماعی، حکمرانی مؤثر، حقوق و آزادی‌های بشر، ثروت، فرصت، امنیت و کیفیت زندگی را نیز شامل می‌شود (طرزی و یوسف‌بیگی، ۱۳۹۴).

نمودار ۱۰۵، رتبه ایران در شاخص لگاتوم را در دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۹ و در میان ۱۴۲ کشور در پنج منطقه (آمریکا، اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیا-اقیانوسیه و آفریقای سیاه) نشان می‌دهد. رتبه ایران در اکثر

۱. Legatum Prosperity Index

این سال‌ها (که مقارن با برنامه پنجم توسعه و سال اول برنامه ششم است)، پایین‌تر از کشورهای منطقه چشم‌انداز (ترکیه، عربستان، امارات، قطر) و اقتصادهای نوظهور (هند، چین) بوده؛ اما در سال ۲۰۱۸ بهبود یافته و به ۱۰۸ رسیده است. شایان ذکر است رتبه‌بندی این مؤسسه و رتبه پایین ایران در آمارهای سالیانه آن، نقدهای بسیاری از سوی پژوهشگران ایرانی را درباره روش محاسبه، آمارهای اعلامی و اهداف آن در پی داشته؛ تا جایی که برخی پژوهشگران اهداف سیاسی را بیش از معیارهای علمی در جهت‌گیری مؤسسه لگاتوم مؤثر می‌دانند. پیش از این نیز ذکر شد که هدف این گزارش، نگاه کردن به تجربه توسعه ایران از زوایای مختلف و البته با توجه به شاخص‌هایی است که درباره دقت، اهداف، سنجه‌ها و روش‌های هر کدام از آن‌ها در بازنمود توسعه، چون و چرا وجود دارد.



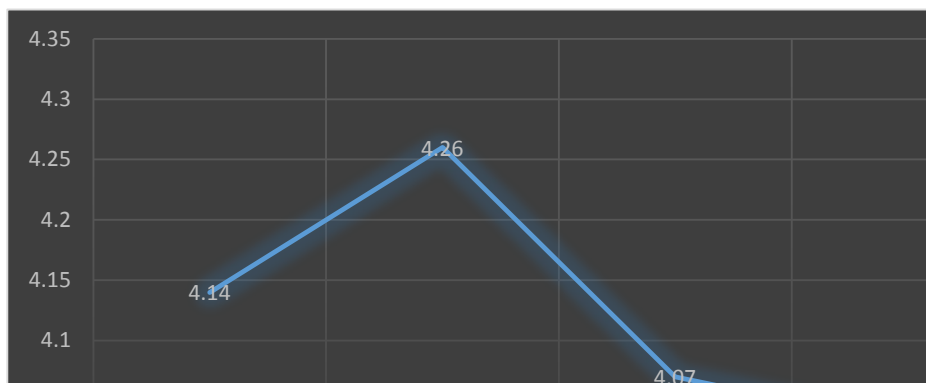
نمودار ۱۰۵: رتبه ایران در بین ۱۴۲ کشور جهان بر مبنای شاخص رفاه لگاتوم (دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۸)
منبع: رتبه‌های اعلام‌شده از سوی مؤسسه لگاتوم

۲-۷-۳- شاخص رقابت‌پذیری جهانی

شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۱ از سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ توسط مجمع جهانی اقتصاد ارائه می‌شود و به دلیل اهمیت اقتصاد رقابتی در جهان امروز، معیار مهمی در برنامه‌ریزی توسعه دولت‌ها، شرکت‌ها و سایر ذینفعان است. برخلاف بسیاری از متغیرهای مهم اقتصادی مانند تورم و بیکاری که برای انتشار آن داده‌های صریح وجود دارد، رقابت‌پذیری متغیری است که برای محاسبه آن باید از روش‌های غیرمستقیم بهره جست؛ یعنی این شاخص ترکیبی است از ۱۲ نشانگر که هر یک از نشانگرها بین ۴ تا ۲۱ متغیر دارند؛ بنابراین آنچه به‌عنوان شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) منتشر می‌شود؛ دربرگیرنده ۱۱۴ متغیر در هر کشور است که به جزئیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علم- فناوری توسعه می‌پردازد. در ایران نیز بحث رقابت‌پذیری از میانه سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ مطرح بوده و ارتقای جایگاه ایران در رقابت با کشورهای منطقه به یکی از ارکان سند چشم‌انداز در موقعیت‌یابی ایران تبدیل شده است. این شاخص را با جزئیات بیشتر مرور می‌کنیم.

1. Global Competitiveness Index

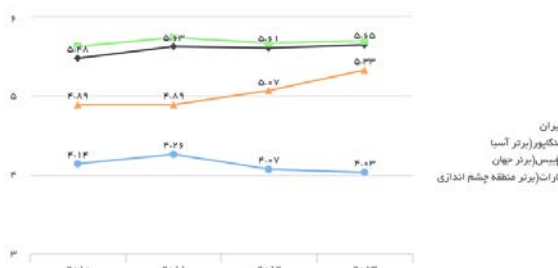
نمودار ۱۰۶، امتیاز ایران در شاخص جهانی رقابت‌پذیری را در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۷ (هم‌زمان برنامه پنجم و سال اول برنامه ششم)، از ابتدای محاسبه این شاخص توسط مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد. مطابق داده‌ها، در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ رتبه ایران در این شاخص مطلوب بود و پس از اعمال تحریم‌های هسته‌ای در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ روندی نزولی را طی کرد. از سال ۲۰۱۴ به بعد جایگاه ایران در این شاخص بهبود یافته است.



نمودار ۱۰۶: رتبه ایران در شاخص جهانی رقابت‌پذیری در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷

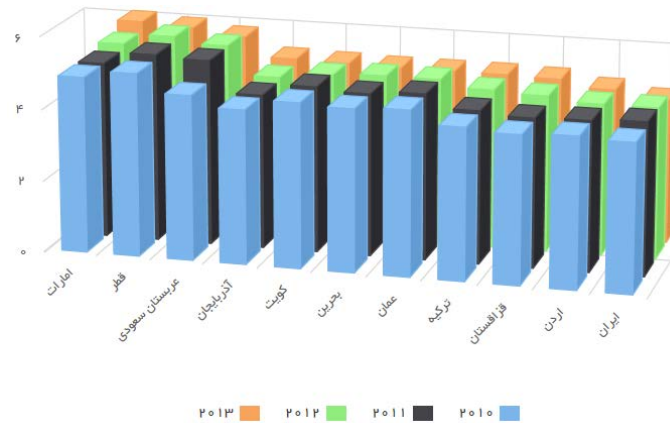
منبع: گزارش‌های سالیانه مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۰-۲۰۱۷

گزارش‌های سالیانه مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ را تأیید می‌کنند اگرچه در سال‌های ۲۰۱۰ به بعد، جایگاه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی قابل قبول است، اما موقعیت ایران هنوز پایین‌تر از برخی رقبای منطقه چشم‌انداز و اقتصادهای نوظهور آسیایی است. مطابق نمودار ۱۰۷، در شاخص رقابت‌پذیری جهانی بین رتبه ایران با کشور برتر جهان در این شاخص (سوئیس)، کشور برتر آسیا (سنگاپور) و کشور برتر چشم‌انداز (امارات) فاصله وجود دارد. همچنین با اینکه رتبه ایران نزدیک به اکثر کشورهای چشم‌انداز است، اما هنوز با برخی کشورهای رقیب خلیج فارس مانند قطر و امارات فاصله دارد (نمودار ۱۰۸). در عین حال، مقایسه رتبه ایران با ۱۰ کشور برتر آسیا نشان‌دهنده شکاف بین ایران و کشورهای اخیراً صنعتی‌شده شرق آسیا (هنگ کنگ، سنگاپور) است (نمودار ۱۰۹).

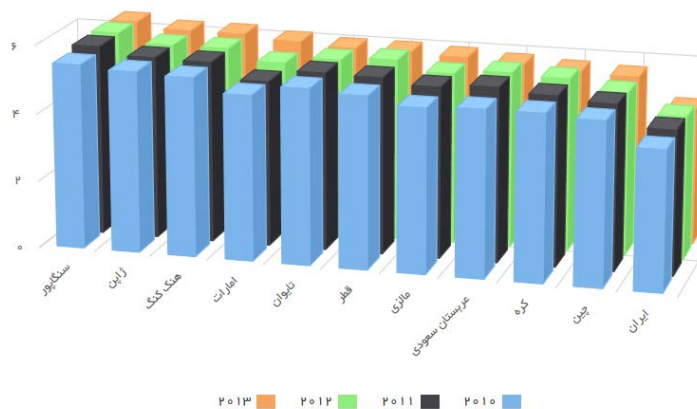


نمودار ۱۰۷: مقایسه روند رشد شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۰-۲۰۱۴

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران



نمودار ۱۰۸: مقایسه شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز در بازه ۲۰۱۰-۲۰۱۴
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران



نمودار ۱۰۹: مقایسه شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران با کشورهای برتر آسیا در بازه ۲۰۱۰-۲۰۱۴
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران

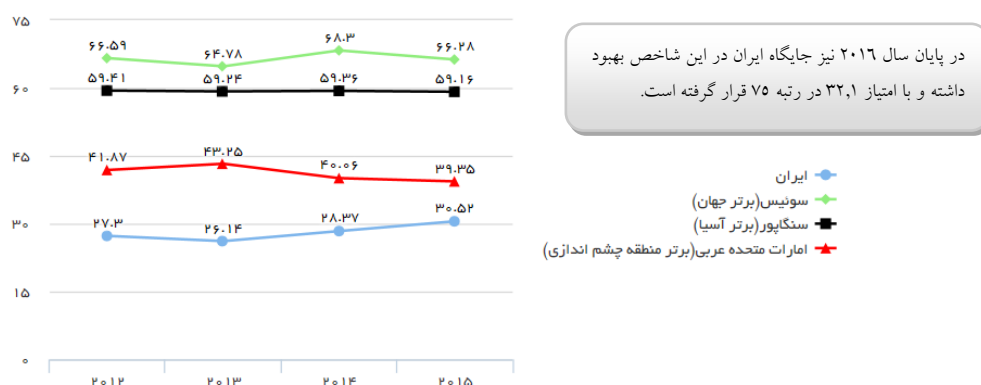
۲-۷-۴- شاخص جهانی نوآوری

در چند سال اخیر دانشگاه کرنل، مؤسسه اینسید^۱ و مؤسسه وایپو^۲ به‌طور سالیانه حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ کشور را از نظر شاخص‌های نوآوری رتبه‌بندی می‌کنند. منبع گردآوری داده‌ها و اطلاعات برای تعیین شاخص نوآوری جهانی،^۳ مجمع جهانی اقتصاد، گزارش‌های یونسکو و گزارش اقتصاد خلاق کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد است که طی آن با محاسبه نمرات ۷ زیرشاخص ساختار نهادی، سرمایه انسانی و پژوهش، زیرساخت، پیچیدگی بازار، پیچیدگی کسب‌وکار، خروجی‌های دانشی و فناوری، خروجی‌های خلاقانه، شاخص

1. INSEAD
2. WIPO
3. Global Innovation Index

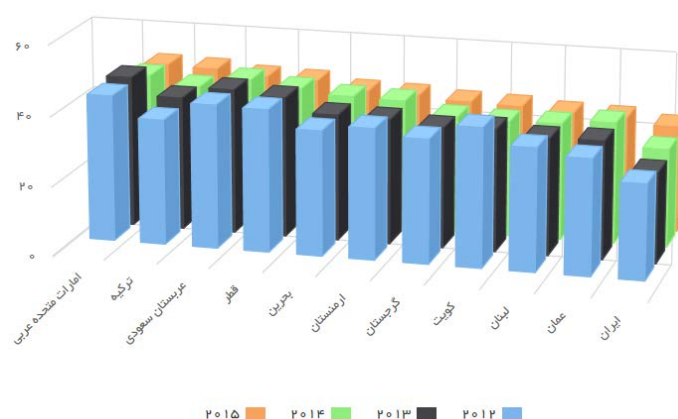
جهانی نوآوری سنجیده می‌شود.^۱ این شاخص از سال ۲۰۰۷ تاکنون ارائه می‌شود و داده‌های ایران پس از سال ۲۰۱۱ در دسترس است.

بر اساس داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت که با همکاری دانشگاه کورنل، مؤسسه اینساید و سازمان جهانی مالکیت معنوی سازمان ملل متحد منتشر شده، در ارتباط با شاخص جهانی نوآوری در پایان سال ۲۰۱۶، ایران با امتیاز ۳۲٫۱ در رتبه ۷۵ قرار گرفته است. این در حالی است که در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۲ (تقریباً در سال‌های برنامه پنجم)، ایران در این شاخص همواره وضعیت صعودی داشته و امتیاز خود را به‌طور مرتب با کشورهای برتر جهان (سوئیس)، برتر آسیا (سنگاپور) و برتر منطقه چشم‌انداز (امارات متحده عربی) کاهش داده است. نمودارهای ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۲ معرف مقایسه روند رشد شاخص نوآوری ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۲-۲۰۱۵ و نیز کاهش فاصله ایران و کشورهای برتر آسیا و منطقه چشم‌انداز در شاخص جهانی نوآوری است.



نمودار ۱۱۰: مقایسه روند رشد شاخص نوآوری جهانی ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۲-۲۰۱۵

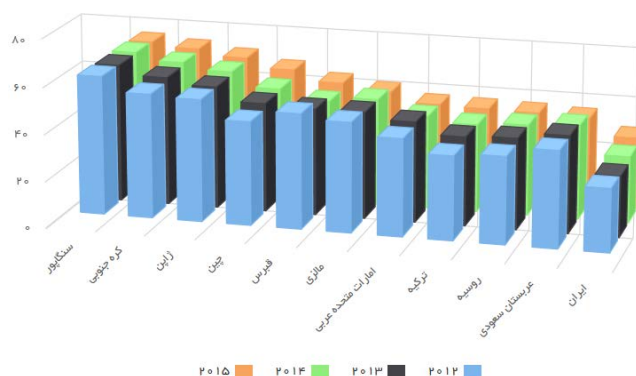
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران



نمودار ۱۱۱: مقایسه روند رشد شاخص نوآوری جهانی ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۲-۲۰۱۵

۱. نگاه کنید به: «گزارش وضعیت ایران در شاخص جهانی نوآوری در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶»، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تیرماه ۱۳۹۶.
 2. See: <https://www.globalinnovationindex.org/gii-2016-report>

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران



نمودار ۱۱۲: مقایسه روند رشد شاخص نوآوری جهانی ایران با کشورهای برتر آسیا در بازه ۲۰۱۲-۲۰۱۵

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران

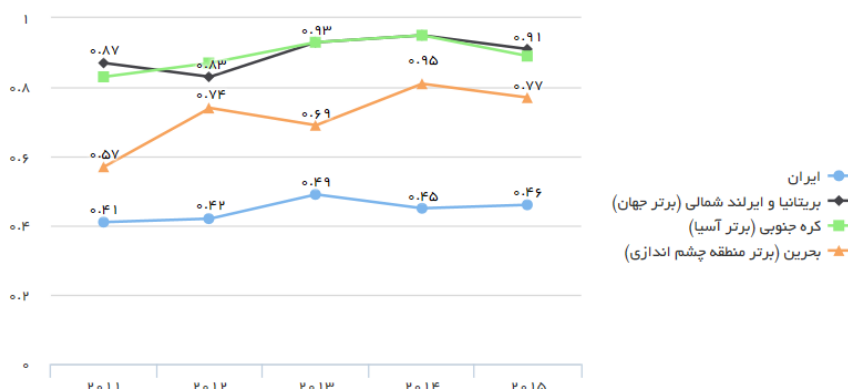
۲-۷-۵- شاخص توسعه دولت الکترونیک

به دلیل ضرورت کنشگری دولت‌های توسعه‌گرا در ارائه خدمات سریع و کیفی به شهروندان، در سال‌های اخیر سنجه‌های جهانی برای تبیین ویژگی‌های دولت الکترونیک ساخته شده است. از جمله شاخص توسعه دولت الکترونیک^۱ سازمان ملل متحد که از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۶ منتشر شده است (به صورت دوسالانه)؛ سعی دارد با آمیزه‌ای از سنجه‌های گوناگون، به ارزیابی میل و توان کشورها برای بهره‌وری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در راستای ارائه خدمات عمومی به جامعه بپردازد. این شاخص از سه زیرشاخص خدمات الکترونیکی، زیرساخت مخابراتی و سرمایه انسانی تشکیل شده و امکان ارزیابی موقعیت ایران در این شاخص، با توجه به ثبت داده‌های ایران از سال ۲۰۰۸ وجود دارد.

داده‌های پیمایش ملل متحد در سال ۲۰۱۶ که آخرین گزارش منتشر شده است،^۲ نشان می‌دهد وضعیت دولت الکترونیک ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، روند نوسانی داشته و رتبه ایران از ۱۰۲ در سال ۲۰۱۰ به رتبه ۱۰۰ در سال ۲۰۱۲ و سپس ۱۰۵ در سال ۲۰۱۴ رسیده است. این روند، کم و بیش از فاصله ایران با کشورهای برتر چشم‌انداز، آسیا و جهان حکایت دارد (نمودار ۱۱۳).

1. E-Government Development Index (EGDI)

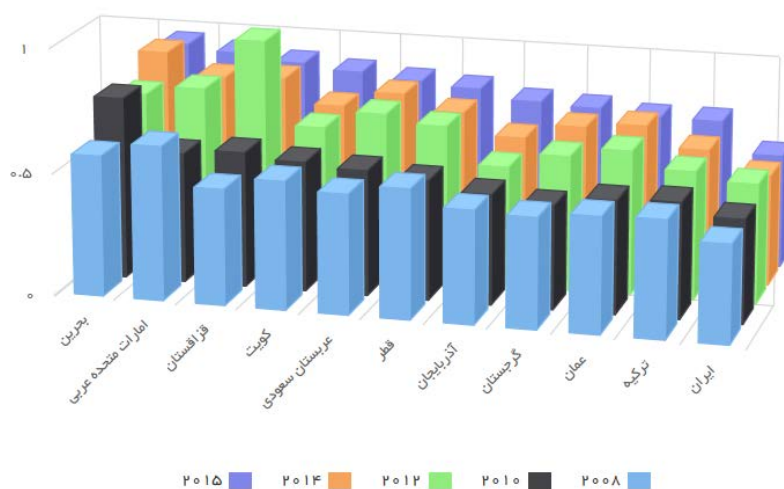
2. See: United Nations E-Government Survey, 2016.



نمودار ۱۱۳: مقایسه روند رشد شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران با کشورهای برتر در بازه ۲۰۱۱-۲۰۱۵

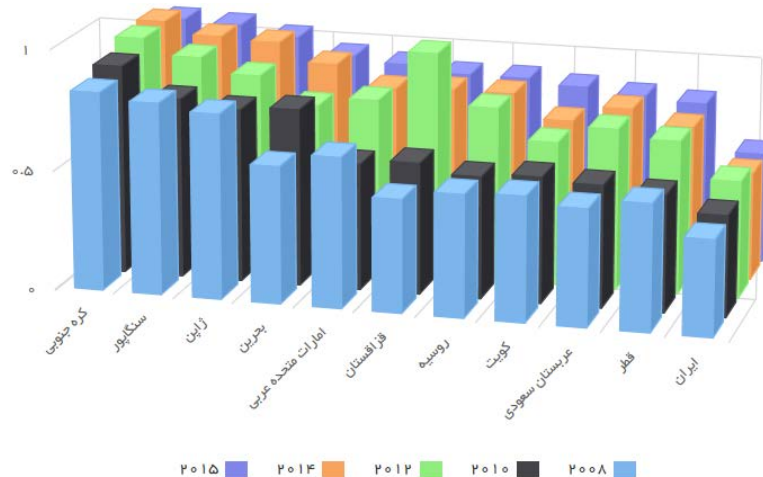
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران

طبق داده‌های ۱۰ سال اخیر (تقریباً در دوره زمانی بعد از چشم‌انداز) اگرچه بهبود رتبه ایران در این شاخص محرز است؛ اما هنوز بین رتبه ایران در شاخص توسعه دولت الکترونیک با کشورهای برتر منطقه چشم‌انداز مانند امارات و بحرین (نمودار ۱۱۴) و اقتصادهای اخیراً صنعتی‌شده آسیا مانند سنگاپور و کره جنوبی (نمودار ۱۱۵) اندکی فاصله وجود دارد.



نمودار ۱۱۴: مقایسه روند رشد شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵

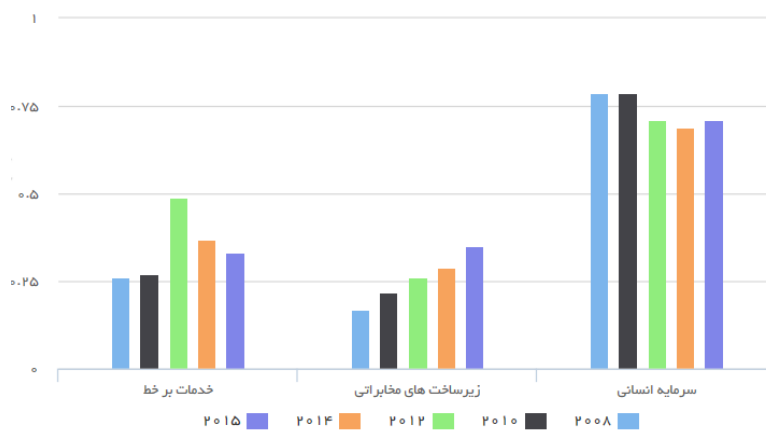
منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران



نمودار ۱۱۵: مقایسه روند رشد شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران با کشورهای برتر آسیا دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران

از میان سه زیرشاخص توسعه دولت الکترونیک یعنی خدمات برخط، زیرساخت‌های مخابراتی و سرمایه انسانی، زیرشاخص سرمایه انسانی در ایران بهترین وضعیت را در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵ دارد (نمودار ۱۱۶) و خدمات زیرساختی رشد کمتری دارد. این موضوع نشان می‌دهد محدودیت‌های زیرساختی در حوزه ICT و سرمایه انسانی، بزرگ‌ترین چالش کشورهای در حال توسعه در بهره‌برداری از امکانات هوشمند برای توسعه تجارت الکترونیک است.



نمودار ۱۱۶: روند شاخص‌های فرعی دولت الکترونیک در ایران بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵

منبع: درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران

۲-۸- ارزیابی مقایسه‌ای شاخص‌ها

قبل از هرگونه مقایسه‌ای بین روند شاخص‌ها در چهار دهه اخیر ایران، ذکر این نکته لازم است که میانگین‌های معرف یک شاخص نمی‌تواند کیفیت توسعه را در یک کشور به‌دقت توضیح دهند؛ اما چنانچه شاخص‌ها به‌دقت سنجیده شوند و داده‌های آن‌ها به سیاق تطبیقی با یکدیگر پیوند یافته و تبیین گردند؛ می‌توانند تجربه توسعه و دورنگاه آن را در یک کشور توضیح دهند و کمیت‌های قابل اتکایی در پایش و نظارت بر اسناد توسعه در کشور مانند برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز باشند. با چنین پیش‌فرضی در بخش دوم این گزارش، به روند کمی و کیفی تعدادی از شاخص‌ها با تأکید بر بازه زمانی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی رجوع کردیم. البته نمودار زمانی بررسی برخی از شاخص‌ها (شاخص‌های جمعیتی، تورم، ضریب جینی، دسترسی، زیرساختی...) دوره ۱۳۳۵-۱۳۵۵ را نیز دربر گرفت که هدف از آن، مطالعه روند شاخص‌ها در سال‌ها و دهه‌های معطوف به انقلاب اسلامی بوده است. همچنین به دلیل اینکه داده‌های شاخص‌های جهانی، ترکیبی و علم-فناوری جدیدتر بوده و توسط مؤسسات توسعه جهانی بیشتر از دهه ۲۰۰۰ به بعد محاسبه شده است؛ این شاخص‌ها را در مقطع زمانی بالا روندپژوهی کردیم تا دریابیم به چه میزان موقعیت ایران در این شاخص‌های جهانی با اهداف کلی چشم‌انداز مطابقت دارند. یافته‌های بخش دوم این گزارش، ما را به نتایج زیر رهنمون می‌کند:

۲-۸-۱- شاخص‌های اقتصادی

ارتقای وضعیت شاخص‌های اقتصادی، هدف‌گذاری تمام برنامه‌های توسعه در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی بوده؛ به‌طوری که تنوع‌گفتمان و نظریه‌های توسعه نیز وقفه‌ای در اهمیت شاخص‌های اقتصادی وارد نکرده است. به‌واقع، ارتقاء شاخص‌های اقتصادی یکی از بن‌مایه‌های اصلی تجربه توسعه در جهان و ایران است. به‌رغم صحت گزاره فوق و آن چنانکه بخش‌های قبلی این گزارش نشان داد؛ روند تغییر شاخص‌های اقتصادی در چهار دهه اخیر بسیار پرنوسان بوده و عملکرد شاخص‌ها با هدف‌گذاری برنامه‌های توسعه بعضاً فاصله دارد. به‌طور مشخص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رشد اقتصادی: رشد اقتصادی بالا، پایدار و اشتغال‌زا به همراه حفظ دستاوردهای کنترل تورم در میان‌مدت، هدفی است که در برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز همواره مطرح بوده است. پایین بودن عملکرد رشد اقتصادی نسبت به اهداف در تمام برنامه‌های توسعه دیده می‌شود و با اینکه هدف‌گذاری چشم‌انداز بر رشد ۸ درصدی است؛ در برنامه‌های معطوف به چشم‌انداز (چهارم و پنجم) عملکرد رشد از هدف تعیین‌شده پایین‌تر بوده است. متوسط رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب (۱۳۶۸-۱۳۹۵) تقریباً ۴ درصد است و بیش از آنکه از تنوع بخش‌های اقتصادی حاصل شده باشد، با ویژگی ساختاری اقتصاد ایران به‌عنوان یک کشور صادرکننده نفت مرتبط است. به‌علاوه، در مقایسه با رشد اقتصادی چین، هند، شرق آسیا (کره جنوبی، تایوان و مالزی) و برخی از کشورهای خاورمیانه و منطقه چشم‌انداز (ترکیه) در این دوره زمانی، جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای بالا، پایین‌تر است. شایان ذکر است از بحران جهانی اقتصادی-مالی سال ۲۰۰۸ تاکنون، آهنگ رشد اقتصادی جهان نسبت به سال‌های پایانی قرن بیستم کاهش یافته و حتی

رشد اقتصادی کشورهای نوظهور (هند، چین) که پیش‌رانی‌های اقتصاد جهانی هستند، دچار وقفه شده است. تحت شرایط بالا، دستیابی به رشد ۸ درصدی در برنامه ششم با توجه به شرایط فعلی اقتصاد کشور و روندهای جهانی، بیش از پیش مشکل خواهد بود و نیاز به عزم جدی و هماهنگی برنامه‌ای دارد.

- درآمد سرانه: نگاهی به شاخص درآمد سرانه در ایران، در دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و برنامه‌های اول تا پنجم، نشان می‌دهد به‌رغم رشد متوسط درآمد سرانه در طی دوره جنگ تا برنامه چهارم و نیز کاهش درآمد سرانه ایران در برنامه پنجم به دلیل تحریم‌های هسته‌ای، طبق گزارش‌های بانک جهانی، ایران در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۶ (تقریباً هم‌زمان با برنامه پنجم)، در رده کشورهای با درآمد متوسط به بالا قرار دارد. البته در فاصله ۲۰۱۰ به بعد و تشدید تحریم‌های هسته‌ای، رتبه درآمد سرانه ایران بین ۷۰ تا ۹۰ و پایین‌تر از کشورهای صادرکننده نفت و رقبای منطقه‌ای چشم‌انداز قرار گرفت.

- اندازه دولت: اندازه دولت در ایران بر طبق شاخص نسبت هزینه‌های دولتی (دولت، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی) به تولید ناخالص داخلی، پس از جنگ تحمیلی و در طول برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، روندی افزایشی داشته تا جایی که برخی اقتصاددانان، اندازه بزرگ دولت را معضل اقتصاد ایران می‌دانند. البته اندازه دولت مرکزی در ایران، نسبت به کشورهای OECD و دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا مانند مالزی پایین‌تر است که نشان می‌دهد کارایی دولت، شاخصی مهم‌تر از اتکاء صرف به اندازه دولت است.

- بیکاری: شاخص بیکاری در کنار تورم و رشد اقتصادی، سه شاخص اصلی اقتصادی در برنامه‌های توسعه است و هدف‌گذاری بیشتر برنامه‌های توسعه کشور برای رساندن نرخ بیکاری به زیر ۱۰ درصد بوده؛ از جمله هدف‌گذاری برنامه ششم بر رساندن نرخ بیکاری به ۸٫۶ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ است. به‌رغم اهداف برنامه‌های توسعه، عملکرد نرخ بیکاری در تمام برنامه‌های توسعه (به‌استثنای برنامه سوم) با نرخ هدف فاصله داشته است. با اینکه، اشتغال‌زایی هدف محوری دولت‌های یازدهم و دوازدهم بوده، اما کاملاً واضح است که به‌رغم کاهش تعداد جمعیت بیکار در سرشماری سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰، بهبود شاخص بیکاری تنها با تلاش دولت مسیر نیست، بلکه از یک سوی، از دینامیسم‌های اقتصادی و دوره‌های رکود و رونق اقتصادی در سطح جهان متأثر بوده و از سوی دیگر، نیازمند بازساخت اقتصادی کشور و فعال کردن زنجیره کسب و کارها است.

- تورم: عملکرد تورم نیز به‌مانند سایر شاخص‌های اقتصادی کلیدی در دهه‌های بعد از انقلاب و در طول برنامه‌های توسعه، وضعیتی نوسانی داشته و به‌استثنای برنامه سوم، در تمامی برنامه‌های توسعه بالاتر از میزان هدف‌گذاری شده است. حتی در برنامه پنجم توسعه نیز به‌رغم کاهش نرخ تورم و تکریمی شدن آن در سال ۱۳۹۵، متوسط نرخ تورم برنامه پنجم، ۱۸ درصد و بالاتر از میزان هدف‌گذاری بود. کاهش نرخ تورم به‌منظور تثبیت سایر شاخص‌های توسعه نقش کلیدی دارد و تورم بالا، معمولاً با ایستایی رشد اقتصادی و افزایش بیکاری هم‌زمان است. به عنوان مثال، می‌توان ایجاد وضعیت رکود تورمی در کشور در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۲ را شاهد مثال آورد.

۲-۸-۲- ارزیابی شاخص‌های اجتماعی

توسعه اجتماعی با مفاهیمی چون تقسیم کار اجتماعی، کاهش فقر، بلوغ و انسجام اجتماعی، اخلاق عمومی و هویت انسانی فصل مشترک دارد. اهمیت برخی از شاخص‌های اجتماعی از جمله روندهای جمعیتی، کاهش ضریب جینی، تغییرات خانوار، توسعه انسانی، امید به زندگی ... به تدریج در برنامه‌های توسعه کشور پذیرفته شده و تجربه توسعه بعد از انقلاب، حکایت از بهبود برخی از شاخص‌های اجتماعی توسعه دارد:

- روندهای جمعیتی و کاهش جمعیت: جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ و ایران از سال‌های ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) و از برنامه اول توسعه) به بعد، به تدریج از دوره شتاب‌گیری بی‌امان رشد جمعیتی خارج شد. دهه دوم بعد از انقلاب مقارن با برنامه اول و دوم، کنترل جمعیت از اولویت ویژه‌ای برخوردار گردید؛ به طوری که شاهد کاهش بیش از ۵۰ درصد نرخ رشد جمعیت در فاصله یک دهه بودیم. پیش‌بینی سازمان ملل متحد بر ادامه روند کاهشی نرخ رشد جمعیت تا سال ۲۰۳۰ (۱۴۱۰) و رسیدن به ۰٫۹ درصد است. ذکر این نکته لازم است که رشد جمعیت به‌تنهایی می‌تواند از پیشران‌های اصلی توسعه اقتصادی به‌خصوص در کشورهای در حال گذار تلقی شود. تجربه چین (و هند) - گذار از آستانه رشد جمعیتی و رسیدن به ارقام رشد اقتصادی ایده‌آل تا حدود ۸ درصد و بیشتر در سه دهه متوالی - ذهن برنامه‌ریزان توسعه کشور را درباره مواهب رشد جمعیت برای رسیدن به آستانه‌های توسعه و مرزهای نوآوری به خود معطوف کرده است. اینکه تا چه میزان محدودیت منابع طبیعی-اقلیمی و کاستی ظرفیت‌های انسانی، اجازه این موضوع را می‌دهد تا جمعیت، محرک توسعه اقتصادی کشور باشد؛ پرسشی گشوده پیش روی محققان و برنامه‌ریزان است.

- روندهای جمعیتی و کاهش نسبت جنسیتی: در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ (برنامه‌های دوم تا چهارم) نسبت جنسی از ۱۰۳٫۳ به حدود ۱۰۱ رسید که حد نرمال است؛ هرچند در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (برنامه پنجم) این نسبت اندکی افزایش یافته و به ۱۰۲٫۷ رسیده است. نسبت جنسی در سال‌های بعد از انقلاب، روندی کاهشی دارد.

- خط فقر: بر اساس آمارهای هزینه و درآمد خانوار بانک مرکزی پس از سال‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی که وضعیت رفاهی خانوارها دچار نوسان شد؛ از نیمه دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶، درآمد حقیقی خانوارهای روستایی و شهری به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰، پیوسته در حال افزایش بود. در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و سال‌های آغازین دهه ۱۳۹۰ (طول برنامه‌های چهارم و پنجم) که اشتغال کشور تقریباً ثابت و نسبت جمعیت به افراد شاغل رو به افزایش بود، قدرت خرید خانوارهای ایرانی نیز در یک روند نزولی قرار گرفت؛ به طوری که افراد زیر خط فقر از سال ۱۳۸۴ به بعد افزایش یافت. خوشبختانه از سال ۱۳۹۳ به بعد خط فقر تا حدی بهبود یافته و به مسیر قبل برگشته است.

- ضریب جینی: بررسی سری بلندمدت ضریب جینی کشور در حدود چهار دهه اخیر، نشان از کاهش این شاخص و بهبود وضعیت اختلاف درآمدی دارد، به طوری که شاخص ضریب جینی ابتدا در دهه جنگ نسبت به سال‌های قبل از انقلاب کاهش یافت و پس از افزایش اندک در برنامه‌های دوم و سوم، در برنامه‌های چهارم و پنجم نیز روند کاهشی داشت. روند پنج‌ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰ این شاخص بیانگر شیب مثبت در منحنی

تغییرات آن است؛ اما ضریب جینی در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال قبل بهبود یافت و این مسیر افزایشی را متوقف کرد.

- امید به زندگی: این شاخص در طول ۵۰ سال اخیر روند افزایشی دارد با این توضیح که برای نخستین بار و در برنامه سوم و به دلیل تداوم رویکردهای جمعیتی - بهداشتی برنامه‌های قبلی، شاخص امید به زندگی به ۷۱٫۱ سال رسید که حاکی از روندی تصاعدی نسبت به دهه‌های قبل بود. امید به زندگی در ایران در سال ۱۳۹۴ (سال پایانی برنامه پنجم) در کل جمعیت کشور ۷۵ سال است که از میانگین جهانی بالاتر است.

- توسعه انسانی: شاخص توسعه انسانی در روند طولانی مدت چهار دهه‌ای پس از انقلاب و به‌طور مشخص در طول برنامه چهارم و پنجم (از ۰٫۶۱ در سال ۱۳۸۵، به ۰٫۷۸ در سال ۱۳۹۵)، ارتقا یافته است.

۲-۸-۳- ارزیابی شاخص‌های فرهنگی

توسعه فرهنگی بیش از همه مترادف با ایجاد آگاهی و تغییر در نظام فکری افراد است و بالندگی و شکوفایی هر فرهنگ و تمدنی ریشه در رشد فکری و فرهنگی آن دارد. تلقی از توسعه به‌مثابه سازوکار نهادینه کردن فرهنگ و رفتار عمومی در نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی پذیرفته شده است. در ارزیابی شاخص‌های فرهنگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سواد: یونسکو باسوادی را یکی از ارکان اصلی نیل به توسعه پایدار قلمداد کرده و آن را شاخصی در تحقق آرمان‌ها و مقاصد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه و ابزار مهمی برای محو فقر و گسترش فرصت‌های شغلی، پیش بردن مساوات جنسیتی، بهبود بهداشت خانواده، حفاظت از محیط‌زیست و ترویج مشارکت می‌داند. تداوم روند باسوادی در تمام دوره‌ها و برنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود؛ به‌ویژه از دهه ۷۰ به بعد روند باسوادی افزایش کامل داشته و در سرشماری سال ۱۳۷۵ (سال دوم برنامه دوم) به عدد ۸۰ درصد رسید. این افزایش در تمام برنامه‌های بعدی تداوم داشته و در سال پایانی برنامه پنجم (در سرشماری سال ۹۵) به ۸۸ درصد رسید.

- آموزش: چنانچه به داده‌های شاخص آموزش در دو بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی استناد کنیم، ارتقاء شاخص برابری جنسیتی (GPI) در میان دانش‌آموزان کشور طی ۳۲ سال اخیر (دوره جنگ و برنامه‌های توسعه) و نیز رشد تعداد افراد دارای تحصیلات عالی در چهار دهه اخیر (تکانه اصلی در رشد تحصیلات عالی عمدتاً در سال‌های برنامه سوم به بعد اتفاق افتاد و روند افزایشی آن تداوم دارد) محرز است. در اینجا باید به دو نکته اشاره کرد: نخست، آمارهای ارائه‌شده در زمینه سرانه معلمان و دانش‌آموزان، تفاوت‌های منطقه‌ای، طبقه‌ای، شهری-روستایی و سایر نابرابری‌های دانش‌آموزان در دسترسی به خدمات آموزش و پرورش را بیان نمی‌کنند. دوم، روند آموزش در ایران و جهان به سمت طبقاتی‌شدن و کالایی‌شدن است. سوم، افزایش کمی شاخص‌های آموزش و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران دارند؛ اما ضروری است ایجاد نهادهای آموزشی با نهادهای معطوف به بهره‌وری ترکیب شود تا آموزش برای توسعه، نقش پیش‌ران داشته باشد.

- روند انتشار کتاب و مطبوعات: روند پرشتاب، مداوم و افزایشی تعداد عناوین کتاب‌های چاپ‌شده، به‌ویژه کتاب‌های تألیفی در سال‌های پس از جنگ و پس از سال‌های برنامه چهارم و پنجم محرز است. به‌رغم، افزایش کمی چاپ کتاب باید به دو نکته توجه داشت: نخست، سرانه پایین مطالعه در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌گرا اندکی پایین‌تر است. دوم، نشر کتاب در کشور به لحاظ منطقه‌ای نامتوازن است و نابرابری استانی و منطقه‌ای در نشر کتاب وجود دارد.

- تعداد کتابخانه‌های عمومی: بررسی سرانه کتابخانه‌های عمومی طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۶۵ نشان‌گر افزایش سرانه کتابخانه‌های عمومی است که به‌خصوص در میانه دهه ۸۰ (هم‌زمان با برنامه‌های چهارم و پنجم) از سرانه ۲,۴ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به ۴,۴ رسیده است.

- روند گردشگری (با تأکید بر تعداد گردشگران خارجی): گسترش، توسعه و شکوفایی گردشگری می‌تواند به صادرات فرهنگی منجر شود که این امر مخصوصاً در مورد کشوری همچون ایران با سابقه باستانی و تمدنی کهن بیشتر به چشم خواهد آمد. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، ایران رتبه دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی جهان و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را برای جذب گردشگر داراست. ورود گردشگران خارجی به کشور از سال ۱۳۸۹ (تقریباً در دوره زمانی برنامه پنجم و به‌خصوص در دولت یازدهم) شتاب گرفته است.

۲-۸-۴- ارزیابی شاخص‌های سیاسی

در سال‌های پس از چشم‌انداز، توجه ویژه‌ای به تقویت شاخص‌های غیراقتصادی توسعه از جمله شاخص‌های سیاسی شده، همچنین در برنامه ششم ثبات سیاسی، کارآمدی و حکومت‌داری مطلوب، مردم‌سالاری و آزادی‌های مدنی در سرفصل شاخص‌های سیاسی طبقه‌بندی شده است:

- شاخص مشارکت در انتخابات: انتخابات از ابزارهای تحقق دموکراسی و از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی است که یکی از معیارهای سنجش مردم‌سالاری هم به شمار می‌رود. علاوه بر این، معمولاً میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در هر کشور است که نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین‌شان است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته که داعیه دموکراسی در جهان دارند، میزان مشارکت مردم در انتخابات با وجود سابقه طولانی در برگزاری آن چندان چشم‌گیر نیست. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه نیز برگزاری انتخابات، برخورداری از حق رأی و شرکت در انتخابات، هنوز چالشی عمده محسوب می‌شود.

- سایر شاخص‌های سیاسی: بررسی دیگر شاخص‌های سیاسی در دوره بعد از انقلاب اسلامی (و نیز سال‌های بعد از چشم‌انداز) نشان می‌دهد علاوه بر مشارکت انتخاباتی، رتبه ایران در شاخص کارآمدی دولت نیز اندکی بهبود داشته است.

۲-۸-۵- ارزیابی شاخص‌های علم-فناوری

منظور از دانش، فکر و نظری نوظهور است که مورد اقبال اهل منطق، نظر و متخصصان قرار می‌گیرد. به‌واقع، ارزش علم به نشر آن نیز هست و مستندات علمی اعم از: کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و غیره که پس از

داوری جدی به چاپ و ثبت می‌رسند، مصادیق تولید علم هستند. مرور شاخص‌های علم‌سنجی (اسناد نمایه‌شده در ISI, SCUPUS و Hindex و سایر شاخص‌های علم‌سنجی) نشان می‌دهد رتبه شاخص‌های علمی ایران در دوره بعد از انقلاب و به‌خصوص در ده ساله اخیر (هم‌زمان با تدوین چشم‌انداز و در سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه) بهبود یافته است:

- تعداد مقالات چاپ شده در مجلات بین‌المللی: مؤسسه Science-Matrix در سال ۲۰۱۰ و در گزارشی با عنوان «۳۰ سال فعالیت علم: خیزش‌های این جهانی در خلق دانش» به روند رشد علمی کشورهای جهان در دوره ۳۰ ساله ۱۹۸۰-۲۰۰۹ پرداخت. این گزارش رشد علمی کشورها در دو دوره ۱۵ ساله (۱۹۹۴-۱۹۸۰ در برابر ۲۰۰۹-۱۹۹۵) را مقایسه و ایران را (به همراه تعداد معدودی از کشورها) واجد بیشترین نرخ رشد علمی اعلام کرد. به‌واقع، رشد و گسترش علمی ایران در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی، دستاوردی مورد اجماع در بین محافل بین‌المللی است.

- روند تولید علم در ایران با توجه به شاخص H : شاخص H عبارت است از تعداد ارجاعات به مقالات در پایگاه اطلاعاتی web of science در رتبه‌بندی کشورهای جهان بر اساس تعداد ارجاعات به مقالات در پایگاه اطلاعاتی ISI:web of science از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹، ایران در رتبه ۴۱ دنیا قرار دارد؛ در حالی که برحسب تعداد مقالات در پایگاه اطلاعاتی ISI:web of science از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹، ایران در رتبه ۳۵ دنیا قرار دارد. تفاوت بین رتبه ۳۵ و ۴۱ چندان زیاد نیست و نشان می‌دهد علاوه بر تعداد مقالات، ارجاع به مقالات نیز تقریباً بالا بوده است.

- وضعیت سایر شاخص‌های علم‌سنجی (Xi , Yi و Sx): شاخص فقر علمی از سال ۲۰۰۹ به بعد، به بالای یک رسیده و این شاخص در سال ۲۰۱۶ به ۲ درصد رسیده است که نشان‌دهنده نه‌تنها عبور از خط فقر علمی است؛ بلکه بیش از دو برابر استاندارد شاخص فقر علمی (۱ درصد تولید علم جهان به نسبت جمعیت هر کشور) در ایران تولید علم صورت گرفته است که نویدبخش رشد و بهبود مستمر شاخص‌های کیفی رشد و پویایی علمی کشور در سال‌های آینده است.

- شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات: مرور داده‌های این شاخص از سال ۲۰۰۰ به بعد نشان می‌دهد: نخست، فاصله ایران در مقایسه با کشورهای برتر منطقه چشم‌انداز (بحرین) و آسیا (کره جنوبی)، به نحو محسوسی در این دوره کاهش یافته است و شاخص فاواای ایران از ۱,۹۳ در سال ۲۰۰۲ به ۴,۹۹ در سال ۲۰۱۵ رسیده است. دوم، شاخص‌های فرعی توسعه فاوا در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸ در ایران رشد داشته؛ اما زیرشاخص دسترسی (تلفن ثابت، تلفن همراه، پهنای باند بین‌المللی، خانوارهای دارای کامپیوتر، خانوارهای دارای اینترنت) به‌خصوص با توجه به سیاست معطوف به جامعه اطلاعاتی دولت‌های یازدهم و دوازدهم، رشد محسوس‌تری داشته است. سوم، طبق داده‌های گزارش ۲۰۱۶ اتحادیه بین‌المللی مخابرات سازمان ملل در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸، ایران فاصله خود را با ۱۰ کشور برتر منطقه چشم‌انداز در این شاخص جبران کرده (نمودار ۶۰) و تقریباً به نصف میزان متوسط شاخص فاوا در ۱۰ کشور برتر جهان رسیده است.

۲-۸-۶- ارزیابی شاخص‌های دسترسی و زیرساختی

از مهم‌ترین شاخص‌های دسترسی به تسهیلات زندگی و نیز شاخص‌های زیرساختی می‌توان دسترسی به آب آشامیدنی سالم، برق، تلفن، گاز شهری، شبکه راه‌ها، حمل‌ونقل، ضریب خودکفایی محصولات کشاورزی، زیرساخت‌های نیروگاهی، سدها، فرودگاه‌ها اشاره کرد که در این گزارش به تفصیل روندها و داده‌های مربوط به هرکدام مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها حاکی از روند مداوم افزایش دسترسی مردم به تسهیلات زندگی و خدمات زیرساختی است که در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی (دوره جنگ و برنامه‌های اول تا پنجم توسعه) تداوم داشته است:

- *افزایش دسترسی به مسکن:* مطابق آمار، تعداد واحدهای مسکونی در دسترس با توجه به نرخ جمعیت و خانوار، روندی صعودی داشته و از ۵۳۰۵۵۳۸ در سال ۱۳۵۵ به ۲۲۸۳۰۰۰۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. طبق سرشماری‌ها به تدریج شکاف بین تعداد خانوارها و دسترسی به مسکن کاهش یافته، اما افزایش روند اجاره‌نشینی و تورم بالای مسکن ممکن است عده بیشتری را از دسترسی به مسکن محروم کند. همچنین افزایش درصد مسکن‌های روستایی با سازه پایدار در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی (دوره جنگ و دوره برنامه‌های توسعه)؛ یک دستاورد مهم در توسعه روستایی در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی ضروری است که تداوم یابد. ساخت‌وسازهای روستایی پایدار از ۰٫۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۲٫۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

- *دسترسی به گاز طبیعی:* افزایش شاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و تسهیلات زندگی از جمله گاز طبیعی، روند مداوم دهه‌های بعد از انقلاب تاکنون است و در همه برنامه‌های توسعه مشاهده می‌شود. تعداد مصرف‌کنندگان خانگی گاز طبیعی در سطح کشور از حدود ۱۳۰٫۰۰۰ در سال ۱۳۶۰ با افزایش مداوم در سال ۱۳۹۴ به حدود ۱۹ میلیون انشعاب رسیده است.

- *دسترسی به آب آشامیدنی سالم:* داده‌ها افزایش درصد خانوارهای شهری استفاده‌کننده از خدمات آب آشامیدنی را در دوره ۱۳۹۴-۱۳۵۴ نشان می‌دهند. درصد افراد برخوردار از آب شهری از ۷۹٫۶۵ درصد در سال ۱۳۵۴ به نزدیک ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین افزایش ظرفیت در تعداد انشعابات آب روستایی و طول شبکه توزیع آب شهری در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۵ ثبت شده است.

- *دسترسی به برق:* در حالی که تعداد مشترکین برق در سال ۱۳۵۷ رقم ۳،۳۹۹،۰۰۰ بود، تعداد مشترکین برق در طول سال‌های جنگ و برنامه‌های اول تا پنجم افزایش چشم‌گیر یافت و در پایان سال ۱۳۹۵ به ۳۳ میلیون و ۶۸۹ هزار مشترک رسیده است. درصد افراد برخوردار از برق از ۹۳٫۰۸ درصد در سال ۱۳۵۴ به ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

- *افزایش تعداد تلفن‌های ثابت و همراه (افزایش ضریب نفوذ اینترنت):* روند روبه رشد تلفن‌های ثابت (مشغول به کار) کشور طی ۵۰ سال اخیر ثبت شده و افزایش ۱۳۵ برابری دسترسی به تلفن ثابت، از حدود ۲۲۴ هزار تلفن در سال ۱۳۴۶ به ۳۰۲۶۲۱۵۷ تلفن فعال در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است. همچنین، طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ (برنامه‌های دوم تا پنجم) سرانه خطوط مشغول به کار تلفن همراه در کشور از ۱ خط به ازای

هر هزار نفر جمعیت به ۱۰۳۹ خط افزایش یافته است. ضریب نفوذ اینترنت در ایران در حالی که طبق داده‌های درگاه ملی آمار در سال ۱۳۸۴، ۱۰,۰۶ درصد بود؛ تا سال ۱۳۹۵، پنج برابر شده است.

- افزایش ضریب خودکفایی محصولات اساسی: آمار بخش‌های قبل حاکی از روند مثبت ضریب خودکفایی محصولات اساسی در سه دهه اخیر و طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه است. در پنج سال منتهی به ۱۳۹۵ (طول برنامه پنجم) روند بهبود تراز تجاری در محصولات کشاورزی رخ داده و از منفی ۸/۱ میلیون دلار به حدود منفی ۲/۷ میلیون دلار بهبود داشته است. همچنین هدف‌گذاری برنامه ششم بر خودکفایی ۱۰۰ درصدی محصولات اساسی کشاورزی و رساندن تراز تجاری به نقطه صفر است.

حمل و نقل و گسترش شبکه راه‌های کشور:

الف) حمل و نقل زمینی: شش برابر شدن طول شبکه راه‌های کشور در دوره پس از انقلاب اسلامی (دهه جنگ و برنامه‌های اول تا پنجم توسعه) یکی از شاخص‌های اساسی توسعه زیرساخت‌ها در کشور است. هدف‌گذاری برنامه ششم بر رساندن طول شبکه راه‌های کشور به ۳۰۰ هزار کیلومتر تا سال ۱۴۰۰ است. همچنین افزایش طول بزرگراه‌ها از ۲۲۴ کیلومتر در سال ۱۳۵۸ به ۲۴۰۱ در سال ۱۳۹۵ ثبت شده و هدف‌گذاری بر ۷۵۰۰ کیلومتر در پایان برنامه ششم است. افزایش طول جاده‌های روستایی از ۸۴۸۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۷۵ به ۱۲۹۰۰۰ در سال ۱۳۹۵ ثبت شده و افزایش بیش از ۴۰ درصدی داشته است.

ب) حمل و نقل ریلی: تا سال ۱۳۵۷ حدود ۵۶۵۴ کیلومتر خطوط ریلی در ایران ساخته شد و این در حالی است که سال ۱۳۹۵ حدود ۱۰۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی وجود دارد که بر اساس سند چشم‌انداز در پایان ۱۴۰۴ باید به ۱۵۰۰۰ کیلومتر برسد.

ج) حمل و نقل هوایی: افزایش ظرفیت فرودگاه‌ها با توجه به مسافران حمل شده توسط شرکت‌های هواپیمایی داخلی در پروازهای بین‌المللی برحسب فرودگاه‌های داخلی و خارجی (هزار نفر)، دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ ثبت شده است.

- سایر شاخص‌های زیرساختی:

الف) افزایش تعداد سدها: از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۹۶، تعداد ۱۳۳۰ سد در کشور به وجود آمده که ۶۴۷ عدد در مرحله بهره‌برداری، ۱۴۶ عدد در مرحله اجرایی و ۵۳۷ عدد در مرحله مطالعاتی قرار دارند؛

ب) افزایش تولید فرآورده‌های نفتی در پالایشگاه‌های کشور؛

ج) افزایش ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور.

۲-۸-۷- ارزیابی شاخص‌های ترکیبی و جهانی

شاخص‌های ترکیبی و جهانی توسعه به‌خصوص از سال ۲۰۰۰ به بعد از طرف برخی از سازمان‌های جهانی پیشرو در ارزیابی توسعه مانند مجمع جهانی اقتصاد، آنکتاد، گروه بانک جهانی ارائه می‌شود. هرچند مبنای محاسبه این شاخص‌ها و اهداف سیاسی-ایدئولوژیک این مؤسسات همواره محل چالش بوده؛ اما توجه به روند تغییرات این شاخص‌ها می‌تواند ضمن مقایسه موقعیت ایران با کشورهای منطقه به برنامه‌ریزان برای درک وضعیت توسعه ایران کمک کنند:

- شاخص سرمایه انسانی جهانی: از سال ۲۰۱۳ تاکنون، چندین گزارش سالیانه از سوی مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده که در آن رتبه کشورها در این شاخص ارائه شده است. رتبه و امتیاز ایران در شاخص HCI در پنج سال اخیر نشان می‌دهد در حالی که امتیاز ایران در گزارش سال ۲۰۱۳ نزدیک ۶۰ بود و در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ حتی بهبود یافت؛ در گزارش سال ۲۰۱۷ رتبه ایران به عدد ۵۵ افت کرد که دلیل اصلی آن رتبه نازل ایران در زیرشاخص نیروی کار بود. طبق گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد، کشورهای نروژ، فنلاند و سوئیس در سال ۲۰۱۷ از لحاظ شاخص سرمایه انسانی، جایگاه اول تا سوم جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این واقعیت که حتی پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز نتوانسته‌اند امتیازی بالاتر از ۸۰ را کسب کنند؛ نشان می‌دهد جهان راه درازی تا بهره‌گیری کامل از سرمایه انسانی خود دارد.
- شاخص رفاه اجتماعی لگاتوم: رتبه ایران در شاخص لگاتوم در دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۹ (که مقارن با برنامه پنجم توسعه و سال اول برنامه ششم است)، پایین‌تر از کشورهای منطقه چشم‌انداز (ترکیه، عربستان، امارات، قطر) و اقتصادهای نوظهور (هند، چین) بوده؛ اما در سال ۲۰۱۸، ۱۲ رتبه بهبود داشته است.
- شاخص رقابت‌پذیری جهانی: امتیاز ایران در شاخص جهانی رقابت‌پذیری در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۰ (هم‌زمان با برنامه پنجم و سال اول برنامه ششم)، توسط مجمع جهانی اقتصاد محاسبه شده است. مطابق داده‌ها، در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ رتبه ایران در این شاخص مطلوب بود و پس از اعمال تحریم‌های هسته‌ای در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ روندی نزولی را طی کرد. از سال ۲۰۱۴ به بعد، جایگاه ایران در این شاخص بهبود یافته؛ اما هنوز نسبت به کشورهای رقیب چشم‌انداز پایین‌تر است.
- شاخص جهانی نوآوری: در ارتباط با شاخص جهانی نوآوری در پایان سال ۲۰۱۶ و طبق گزارش ۲۰۱۷، ایران با امتیاز ۳۲٫۱ در رتبه ۷۵ قرار گرفته است. این در حالی است که در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۲ (تقریباً در سال‌های برنامه پنجم)، ایران در این شاخص همواره وضعیت صعودی داشته و امتیاز خود را به‌طور مرتب با کشورهای برتر جهان (سوئیس)، برتر آسیا (سنگاپور) و برتر منطقه چشم‌انداز (امارات متحده عربی) کاهش داده است.
- شاخص توسعه دولت الکترونیک: داده‌های پیمایش ملل متحد در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد وضعیت دولت الکترونیک ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، روند نوسانی داشته و رتبه ایران از ۱۰۲ در سال ۲۰۱۰ به رتبه ۱۰۰ در سال ۲۰۱۲ و سپس ۱۰۵ در سال ۲۰۱۴ رسیده است. باید اذعان کرد طبق داده‌های ۱۰ سال اخیر (تقریباً در دوره زمانی بعد از چشم‌انداز) هنوز بین رتبه ایران در شاخص توسعه دولت الکترونیک با کشورهای برتر منطقه چشم‌انداز مانند امارات و بحرین و اقتصادهای اخیراً صنعتی شده آسیا مانند سنگاپور و کره جنوبی فاصله وجود دارد.
- ارزیابی کوتاه و سریع روند شاخص‌ها بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد عملکرد توسعه کشور در چهار دهه اخیر اگرچه در تطبیق با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با وضع مطلوب و هدف‌گذاری برنامه‌ها فاصله دارد؛ اما عملکرد توسعه کشور در تطبیق با شاخص‌های فرهنگی، علم-فناوری و زیرساختی بسیار ارزشمند است و روندی مثبت را نشان می‌دهد. در بخش پایانی گزارش دلیل این تفاوت بیان خواهد شد.

فصل ۳: نتیجه گیری

۳-۱- تجربه توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ در انطباق و افتراق با شاخص‌ها

تجربه توسعه در ایران معاصر (قرن اخیر) با دو رویداد تاریخی مهم قرین است:

۱) دولت-ملت‌سازی^۱: دولت‌سازی در ایران با ویژگی اصلی نوسازی و توسعه سریع توسط یک رهبر نظامی و با هدف جبران عقب‌ماندگی‌های نظام اجتماعی، با مراجعه به بستر تاریخی جوامع آسیایی (که بعضاً پیشینه امپراتوری داشتند) در شرایط بعد از جنگ جهانی اول به‌خوبی قابل دریافت است. در این میان می‌توان به حرکت شتابان ایران عصر پهلوی اول، جمهوری ترکیه در دوره آتاتورک، پاکستان بعد از جنگ جهانی دوم، افغانستان در دوره امان‌الله‌خان و چین در دوره رهبری چیانگ کای-شک و تعدادی از کشورهای جنوب آسیا مانند بنگلادش اشاره کرد.

۲) برنامه‌ریزی توسعه^۲: پایان جنگ جهانی دوم، حرکت آمریکا و اروپا به‌سوی آزادسازی اقتصادی، ابداع واژه توسعه در دکترین ترومن، ژئوپلیتیک جنگ سرد زمینه‌های اصلی برنامه‌ریزی توسعه در کشورهای در حال گذار است. در چنین زمینه‌ای، اقتصاددانان و سیاستگذاران ایرانی، هفت دهه قبل سازمان‌های مدرن اقتصادی چون بانک ملی و سازمان برنامه و بودجه را به وجود آوردند و سازوکار اقتصاد بازار تحت دولت مقررات‌گذار هدایت‌کننده و توسعه‌گرا را، بیش از گذشته بر روابط اقتصادی کشور حکم‌فرما نمودند.

به‌رغم تنوع تعاریف، نظریه و سطوح توسعه که در بخش اول گزارش ذکر شد، نگاهی به تجربه توسعه در کشورهای در حال گذار از جمله ایران، نقش دولت را در آغاز و هدایت فرایند توسعه نشان می‌دهد؛ چراکه توسعه به دلیل ذات فنی و صنعتی‌اش در اختیار نیروی مرکزی دولت است. با نگاه به تجربه در ایران در یک قرن اخیر، می‌توان بر چند گزاره نظری تأکید کرد:

- توسعه جامعه ایران (به‌ویژه در وجوه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی/ علمی) از جمله مسائل بنیادین جامعه ما طی یک سده اخیر است که تحقق سایر آرمان‌ها و مطالبات جامعه ایرانی، از جمله دموکراسی و توسعه سیاسی در گروی موفقیت در دستیابی به آن است.
- با استعانت از دیدگاه صاحب‌نظران درباره نقش دولت‌ها در اداره جوامع، فرض بر این است که با توجه به ویژگی‌های جامعه ایرانی، به‌ویژه با توجه به کنشگری اقتصاد ایران «در بستر جهانی‌شدن»، دولت در فرایند توسعه نقش اساسی و بنیادین دارد. بر همین اساس، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تحول و توسعه جامعه ایرانی به‌رغم تجربه‌های متفاوت توسعه، نهاد دولت است.
- با قبول دیدگاه جدید درباره توسعه که برگرفته از تحولات بیش از سه دهه اخیر کشورهای شرق آسیا و نقش مهم دولت در پیشرفت و توسعه آن‌هاست؛ فرض بر این است که آنچه برای توسعه ایران در حال حاضر اهمیت دارد نه شکل حکومت، بلکه نوع دولت و سیاست و عزم آن برای نیل به توسعه

1. Nation-state Building
2. Development Planning

است. بنابراین، در شرایط فعلی ایران، یک دولت توسعه‌گرا بهتر می‌تواند بسترهای لازم را برای تحقق این هدف مهم میسر سازد.

- تأکید بر نقش دولت توسعه‌گرا و برنامه‌ریز به‌عنوان موتور محرکه توسعه در شرایط فعلی جامعه ایران در این مطالعه، به معنای نفی سایر اهداف توسعه و نقش سایر متغیرها و نهادها مانند فرهنگ، مذهب، طبقات و غیره به‌عنوان عناصر زمینه‌ساز در توسعه نیست؛ بلکه به آن معناست که فعالیت بهتر از سوی یک دولت توسعه‌گرا در وضعیت کنونی ایران می‌تواند با هزینه کمتر و سرعت بیشتر سایر اهداف متعدد توسعه را در کشور تزریق و نهادینه کند.

- همچنین توسعه برنامه‌ریزی شده در ایران، به‌خصوص با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه نظام ارزشی دارای الگویی خاص از توسعه که بعضاً در تقابل با جریان اصلی است، با دو چالش اصلی دیگر در پیوند است: (۱) دستیابی به عدالت فضایی و توسعه پایدار محلی- منطقه‌ای در کشور؛ (۲) تبدیل‌شدن ایران به هژمون منطقه‌ای.

بدیهی است تا جایی که نقش دولت در هدایت و برنامه‌ریزی توسعه مدنظر باشد، یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای تبیین توسعه، ارزیابی شاخص‌های مطرح در برنامه‌های توسعه است تا به این طریق موفقیت یا عدم موفقیت تجربه را با توجه به اهداف، نظریه‌ها و شاخص‌های تصریح‌شده در برنامه‌ها روندیابی کنیم. این‌چنین، گزارش پیش‌رو به مطالعه تجربه و رویداد توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی از طریق یک زاویه دید و روایت موردی خاص، یعنی بیان رویداد توسعه در انطباق و افتراق با شاخص‌ها در این دوره پرداخت و در پاسخ به سه پرسش زیر مدون شد:

(۱) پارادایم‌ها، نظریه‌ها و گفتمان‌های مطرح در تجربه توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی (با تأکید بر برنامه‌های توسعه) کدامند؟ گفتمان‌ها، اهداف، پارادایم‌ها و نظریه‌های غالب برنامه‌ها تا چه حد انسجام دارند و یک پیکره واحد را تشکیل می‌دهند؟

(۲) در تجربه توسعه بعد از انقلاب اسلامی و متناسب با نظریه‌ها، چه شاخص‌هایی قابل بررسی هستند؟ روند تغییر شاخص‌ها چگونه قابل تبیین است؟ و تا چه حد عملکرد شاخص‌ها با هدف‌گذاری برنامه‌ها، همگرایی دارند؟

(۳) میزان انطباق/ عدم انطباق شاخص‌ها با برنامه‌های توسعه چگونه است؟ در صورت عدم انطباق، آیا واقعاً برنامه‌های توسعه مبنای عمل قرار گرفته است؟ آیا برنامه‌ها مبتنی بر نظریه مشخص هستند یا فاقد استراتژی مسنجم توسعه هستند؟

در پاسخ به پرسش اول در بخش نخست این نوشتار و با هدف ترسیم دقیق مسیر توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه (اهداف، حوزه‌ها، اولویت‌ها) را در دو دوره زمانی: (۱) دهه اول انقلاب و جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۸) و (۲) دوره پس از جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه (۱۳۹۵-۱۳۶۸) مرور کردیم. نتایج بخش اول نشان داد واگرایی گفتمانی بین نخبگان و چندگانگی در اهداف و فقدان نظریه و پارادایم مشخص درون‌زای برون‌گرا با تکیه بر استراتژی توسعه صادرات در شروع فرایند هر یک از برنامه‌های توسعه، مشخصه اصلی همه برنامه‌های توسعه چهار دهه اخیر و احتمالاً دلیل عدم کارایی آن‌ها در تحقق

اهداف خود بوده است؛ اما چه دلیلی می‌توان بر این ادعا اقامه کرد؟ آیا امکان ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت برنامه‌ها در نیل به اهداف و تناسب برنامه‌ها با نظریه‌های توسعه وجود دارد؟

مقایسه برنامه‌های توسعه بر مبنای شاخص‌ها، امکان ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت برنامه‌ها در نیل به اهداف در اختیار ما قرار می‌دهد و بر تجربه توسعه در دهه‌های بعد از انقلاب پرتو می‌افکند. بخش دوم گزارش به‌عنوان پیکره اصلی کار، معطوف به روندها، نمودها و عملکردهای شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علم-فناوری، زیرساختی و ترکیبی-جهانی توسعه برای پاسخ به پرسش دوم گزارش بود. ارزیابی کوتاه و سریع روند شاخص‌ها بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد اگرچه عملکرد توسعه کشور در چهار دهه اخیر در تطبیق با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با وضع مطلوب و هدف‌گذاری برنامه‌ها فاصله دارد؛ اما عملکرد توسعه کشور در تطبیق با شاخص‌های فرهنگی، علم-فناوری و زیرساختی بسیار ارزشمند است و روندی مثبت را نشان می‌دهد؛ اما چرا این تفاوت به وجود آمده و حتی تشدید شده است.

حال می‌توان به این پرسش سوم گزارش که «میزان انطباق/عدم انطباق شاخص‌ها با برنامه‌های توسعه چگونه است؟ در صورت عدم انطباق، آیا واقعاً برنامه‌های توسعه مبنای عمل قرار گرفته است؟ آیا برنامه‌ها مبتنی بر نظریه مشخص هستند یا فاقد مدل و استراتژی مسنجم توسعه هستند؟» پاسخ مشخص داد و دلیل تفاوت بالا را بیان کرد. آمارها و روندهای موجز بخش دوم گزارش نشان می‌دهد عملکرد توسعه کشور در چهار دهه اخیر در مقایسه با شاخص‌های فرهنگی، علم-فناوری و زیرساختی مناسب است. آن چنانکه به‌رغم هدف‌گذاری مناسب، تغییرات برخی از شاخص‌ها اتفاقی، نامنظم و غیرمرتبط با یکدیگر بوده است. این نقطه‌ضعف اگرچه عملکرد شاخص‌های علم-فناوری، دسترسی و زیرساختی را در جامعه پویای پس از انقلاب دچار خدشه نکرده، گواه آنکه رشد این شاخص‌ها در ۴۰ سال گذشته با دوره قبلی قابل مقایسه نیست؛ اما در ترکیب با اثرات بیرونی برنامه‌ریزی نشده و جهانی مانند تحریم‌ها، رکود اقتصادی جهانی، بحران مالی، جنگ، مهاجرت و سرعت تحول تکنولوژی و ارتباطات اثرات خود را بر عملکرد شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی مانند رشد اقتصادی، تورم، اشتغال، فقر و غیره وارد کرده است؛ اثراتی در جهت تغییرات اتفاقی، نامنظم و غیرمرتبط شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی که بین میزان تحقق آن‌ها با اهداف برنامه‌ریزی شده فاصله می‌اندازد. واضح است که با برنامه‌ریزی مبتنی بر نظریه، مدل و استراتژی مسنجم توسعه، می‌توان روند شاخص‌ها را بهبود بخشید و از میزان تأثیر متغیرهای بیرونی و برنامه‌ریزی نشده کاست. آشکار است که برنامه‌ریزی مبتنی بر نظریه، مدل و استراتژی مسنجم توسعه از ابتدای یک برنامه قادر است تا حد زیادی روند شاخص‌ها را به‌رغم اثرات بیرونی و خارج از کنترل به سمت وضعیت مطلوب هدایت کند. بخش پایانی گزارش، صرفاً دربرگیرنده پیشنهادهای مقدماتی برای تدوین استراتژی مطلوب توسعه است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۰). *معمای مدرنیته*، تهران: مرکز.
- استادی، حسین، بتول رفعت و عباسعلی رئیسی (۱۳۹۲). «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۷) و بررسی رابطه متقابل آن‌ها»، *تحقیقات توسعه اقتصادی*، سال سوم، شماره ۹.
- اسکوبار، آرتور (۱۳۸۹). «قدرت و پیدایی: توسعه و ابداع جهان سوم»، ترجمه حسن شهرکی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۳). «اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور»، *مجله اقتصادی*، سال چهاردهم، شماره ۵ و ۶.
- اعظمی، موسی، سیدرحیم تیموری و حسن شهرکی (۱۳۹۴). *مردم‌شناسی توسعه: بازاندیشی و آینده‌نگری در مطالعات توسعه*، تهران: نور علم.
- اقتصاد آنلاین (۱۳۹۶/۲/۲۸). «صعود ایران در شاخص ۱۱ صنعتی»، قابل دسترس در: <https://www.eghtesadonline.com/n/vf5>
- اقتصاد آنلاین (۱۳۹۶/۱۰/۷). «تعداد شاغلان دولتی کم شد»، قابل دسترس در: تقوی‌نژاد، احسان و دیگران (۱۳۸۸). *توسعه شاخص‌ها و نماگرها*، کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). *توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی*، ترجمه عباس زندیاف و عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- بازمحمدی، حسین و اکبر چشمی (۱۳۸۵). «اندازه دولت در اقتصاد ایران»، *گزارش شماره ۲۹*، تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی.
- بزی، خدارحم و همکاران (۱۳۸۹). «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)»، *چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیادانان جهان اسلام*.
- بشیر، حسین (۱۳۸۷). «شناسایی عوامل مؤثر در آسیب‌شناسی دیپلماسی رسانه‌ای کشور»، *مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای*، معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک: ۹۵-۱۰۹.
- بیات، آصف (۱۳۷۹). *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران*، ترجمه اسدالله نبوی، تهران: شیرازه.
- پسران، هاشم و هادی صالحی اصفهانی (۱۳۸۸). «*اقتصاد ایران در قرن بیستم؛ چشم‌انداز جهانی*»، *دنیای اقتصاد*، شماره خبر: ۵۰۵۸۹۲.
- پیران، پرویز (۱۳۷۳). «آلونک‌نشینی در ایران: دیدگاه‌های نظری، با نگاهی به شرایط ایران»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۸۷ و ۸۸: ۱۰۱-۹۶.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴). «پیامدها و آثار فقر و نابرابری در ایران، فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸، ۴۰-۱۱.
- پیکتی، توماس (۱۳۹۶). *سرمایه در قرن بیست و یکم*، ترجمه ناصر زرافشان، تهران: نگاه.
- پیت، ریچارد و الین هارت ویک (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، تهران: لویه.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۶). *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران: نی.
- تیموری، سیدرحیم (۱۳۹۵). *فراسوی دولت‌های توسعه‌گرا*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- جلیلی کامجو، سید پرویز (۱۳۹۴). «تخصیص پایدار و عملی‌سازی طراحی بازار آب»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و حمزه نوروزی (۱۳۹۳). «تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران: از طرد توسعه تا معنابخشی‌های متفاوت به آن»، توسعه محلی، سال ششم، شماره ۱، ۴۸-۲۵.
- جهانگرد، اسفندیار و سمیه اقلامی (۱۳۸۹). «بررسی و ارزیابی آثار قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه بر شتاب رشد اقتصادی در ایران»، پژوهش‌های پولی و بانکی، شماره ۴.
- دژپسند، فرهاد و حمیدرضا رئوفی (۱۳۸۷). *اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی*، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
- «رتبه‌بندی جدید آزادی اقتصادهای جهان در سال ۲۰۱۷: پرش ایران در آزادی اقتصادی»، *دنیای اقتصاد*، ۲ اسفند ۱۳۹۵.
- زلفی گل، محمدعلی و ابوالفضل کیانی بختیاری (۱۳۸۷). «مصادیق تولید علم: شاخص‌های انتخاب و انتخاب شاخص‌ها»، تولید علم، شماره ۶.
- سازمان ملل متحد «گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶: توسعه انسانی برای هر کس»، *دنیای اقتصاد*، ۱۳۹۶/۱/۱۷.
- سامی، ابوالفضل (۱۳۹۰). «مقایسه اقتصاد ترکیه با اقتصاد ایران»، *وبلاگ اقتصاد* ۲۰.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۶). *شرق‌شناسی*، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *زبان، گفتمان و قدرت*، تهران: نی.
- سو، آلوین (۱۳۸۸). *تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سورین و تانکارد (۱۳۸۴). *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.
- «شاخص‌های بهره‌وری در بخش‌های ۹ گانه اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ بر اساس سال پایه ۱۳۹۰»، سازمان ملی بهره‌وری ایران، آبان ماه ۱۳۹۶.
- شمشیری، محمدحسین (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر رشد اقتصادی ایران (۲۰۰۸-۱۹۷۹) مبتنی بر رویکرد اقتصادسنجی بیزی»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- صمدی، علی حسین (۱۳۸۷). «حقوق مالکیت و رشد اقتصادی: تدوین یک الگوی رشد درون‌زا»، پایان‌نامه دکتری، گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- طرزی، تقی و محمدحسین یوسف‌بیگی (۱۳۹۴). «بررسی شاخص موفقیت لگاتوم در سال ۲۰۱۴ و مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منطقه»، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت کار و رفاه اجتماعی.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۳). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نی.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۱). *اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها)*، به کوشش خسرو نورمحمدی تهران: نی.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: سمت.
- فقیهی، ابوالحسن و حسن دانایی‌فرد (۱۳۹۰). *بوروکراسی و توسعه در ایران (نگاهی تطبیقی-تاریخی)*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- فقیهی، ابوالحسن و دیگران (۱۳۸۹). «تأملی بر تعامل بوروکراسی و فرهنگ در ایران»، *علوم مدیریت ایران*، سال پنجم، شماره ۱۹.
- فیض‌پور، محمدعلی و فریبا رضانی (۱۳۹۶). «اندازه دولت و شاخص ادراک فساد: درس‌هایی برای ایران از سایر کشورها»، *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۲۰.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۹۳). *اقتصاد رشد و توسعه (دوجلدی)*، تهران: نی.
- کمیحانی، اکبر و روح‌الله نظری (۱۳۸۸). «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره ۳.

- کمیسیون چشم‌انداز و نخبگان (۱۳۸۹). شاخص‌های ارزیابی و پایش تحقق سند چشم‌انداز، مجمع تشخیص مصلحت نظام. گزارش توسعه انسانی (۲۰۱۳). خیزش جنوب: توسعه انسانی در جهانی گوناگون، سازمان ملل متحد.
- گزارش شاخص‌های بهره‌وری از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۹۳ بر پایه سال ۱۳۸۳، سازمان ملی بهره‌وری ایران، اسفندماه ۱۳۹۵
- گزارش صندوق بین‌المللی پول از شاخص‌های اقتصادی دنیا در تقسیم‌بندی هفت منطقه‌ای جهان از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ و پیش‌بینی تا ۲۰۱۹، وبسایت صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۷.
- گزارش وضعیت ایران در شاخص جهانی نوآوری در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تیرماه ۱۳۹۶
- گزارش هیئت مشاوره‌ای ماده ۴ صندوق بین‌المللی پول درباره چشم‌انداز اقتصاد ایران ۲۰۱۷، خبرگزاری مهر، ۲۷ آذر ۱۳۹۶
- گزیده آمار و اطلاعات کلان اقتصادی، امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، تیرماه ۱۳۹۶.
- لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۵). دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشارکهن، تهران: مردنیز، نی نگار.
- مالجو، محمد (۱۳۸۴). «کوچک‌سازی دولت در ایران: منطبق قدرت یا خطابه حقیقت؟»، گفتگو، شماره ۴۵.
- مالجو، محمد (۱۳۹۳). «کالایی سازی آموزش عالی در ایران»، نگاه نو، شماره ۱۰۱.
- «مجموعه قوانین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، وبسایت بخش اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- «مجموعه قوانین برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، وبسایت بخش اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- «مجموعه قوانین برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، وبسایت بخش اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- «مجموعه قوانین برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، وبسایت بخش اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- «مجموعه قوانین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، وبسایت بخش اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- «مجموعه قوانین برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر، مردادماه ۱۳۹۶.
- محمد، عزیزالدین (۱۳۹۰). «تجربه مالزی نگاهی بر اندیشه ماهاتیر محمد به عنوان یک نسبت‌گرایی فرهنگی»، ترجمه سیدمحمد آذین، مهرنامه، شماره ۱۴.
- محمودزاده، امینه و سیدعلی مدنی‌زاده (۱۳۹۸). ارزیابی وضعیت و چشم‌انداز بازارهای مالی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۰). گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۰). تهران: مؤسسه رحمان.
- مرادی مقدم، حسین (۱۳۹۶). «بررسی وضعیت تولید علم ایران در نمایه استنادی علوم پس از انقلاب اسلامی (۲۰۱۶-۱۹۸۰) و عملکرد آن در عرصه علم جهانی»، پژوهشنامه علم‌سنجی، دانشگاه شاهد/زودآیند: ۲۲-۱.
- «مروری بر وضعیت ایران در رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی: گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۲»، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰/۱۲/۱۷.
- معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه (۱۳۹۵). «ویژگی‌های برجسته برنامه ششم توسعه در مقایسه با برنامه‌های قبلی»، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی (۱۳۸۲). بررسی اندازه دولت در ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- مقایسه تطبیقی عملکرد اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۴ و الزام‌های بهبود جایگاه آن در سال‌های باقیمانده، گزارش شماره ۵۵-۳، تهران: امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور.

- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی (۱۳۸۹). «مقایسه رشد سالانه تحقق یافته و روند درازمدت کل اقتصاد طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۵۴». امور برنامه‌ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- مقایسه میزان مشارکت مردم کشورها در انتخابات+جدول، خبرگزاری فارس، ۲۹ خرداد ۱۳۹۲.
- مقدم تبریزی، ناهید و پروین ولی‌زاده زنوز (۱۳۸۵). «بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران»، روند، شماره ۴۲، ۴۹-۱۵.
- نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی: اینفوگرافی، اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶/۱۰/۲.
- نقیب سادات، سیدرضا (۱۳۸۸). «صنایع فرهنگی و اقتصاد فرهنگ»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- نوروزیان، مهدی (۱۳۸۹). «اقتصاد دهه ۶۰ چپ‌گرا نبود؛ اقتصادشناسی دولت جنگ» در گفت‌وگو با فرشاد مؤمنی، مهرنامه، شماره ۳.
- نیاکویی، امیر (۱۳۸۷). «توسعه جنوب در پرتوی اقتصاد جهانی؛ کارآمدی دولت و جهانی عادلانه‌تر»، راهبرد یاس، شماره ۱۶.
- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۹۶). *اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابرچالش‌ها (خلاصه طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران): تلفیق (جلد ۱)*، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۹۶). *اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابرچالش‌ها، خلاصه‌های مدیریتی (جلد ۲)*، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- والرشتاین، امانوئل (۱۳۹۶). *نظام جهانی مدرن: کشاورزی سرمایه‌دارانه و خاستگاه‌های اقتصاد جهانی اروپا در سده شانزدهم*، ترجمه سناءالدین سراجی جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- وضعیت ایران در آمادگی شبکه‌ای/ جدول رتبه کشورها، خبرگزاری مهر، ۱۷ بهمن ۱۳۹۵.
- ولی‌زاده زنوز، پروین (۱۳۸۸). «بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید»، گزارش شماره ۴۰، تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی.
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳). *نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه*، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پوررجب، تهران: پژوهاک.
- وینسنت، آندرو (۱۳۷۶). *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
- همشهری آنلاین (۱۹ آبان ۱۳۹۲). «آشنایی با شاخص رفاه لگاتوم (Legatum Prosperity Index)»، ترجمه سمانه افشار.
- (۱۳۹۴). «گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵: کار در جهت توسعه انسانی»، کار و جامعه، شماره ۱۹۰.
- Acemoglu, D. Johnson, S. & Robinson, J. A. (2001). "The colonial origins of comparative development: An empirical investigation", *American economic review*, Vol.91, No.5, 1369-1401.
- Black, J.K. (1991). *Development in Theory and Practice: Bridging the Gap*, Boulder, CO: Westview press.
- Cardoso, F. H. & Faletto, E. (1979). *Dependency and development in Latin America (Dependencia y desarrollo en América Latina, engl.)*, Univ of California Press.
- Escobar, A. (2011). *Encountering development: The making and unmaking of the Third World (Vol. 1)*. Princeton University Press.
- Farazmand, A (2002). *Administrative reform in developing nations*, Greenwood Publishing Group.
- Foucault, M. (1970). *The order of things* (London: Tavistock), FOUCAULT, M.(1977) *Archeology of Knowledge* (London, Tavistock), FREIRE, P.(1972) *Pedagogy of the Oppressed* (Harmondsworth, Penguin).
- Gardner. K and Lewis.D (1996) *Anthropology, Development and the Post-Modern Challenge*, Pluto Press.
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic backwardness in historical perspective: a book of essays* (No. 330.947 G381). Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- Khavarinejad, A. (2003). *The Estimation of Gross Domestic Product of Iran (1315-1337)*, Monetary and Banking Research Academy, Central Bank of the Islamic Republic of Iran.

-
- Laclau, E. And Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discours Politics*, Verso, and London.
- López-Alves, F. (2000). *State formation and democracy in Latin America, 1810-1900*, Duke University Press.
- Maddison, A. (2007). World population, gdp and per capita gdp, 1-2003 ad, *Data available from <http://www.ggdc.net/maddison>*.
- Rodrik, D. (1998). “Why do more open economies have bigger governments?”, *Journal of political economy*, Vol.106, No.5, 997-1032.
- Rodrik, D. (2004). “*Industrial Policy for the Twenty-First Century*”. A paper prepared for the United Nations Industrial Development Organisation (UNIDO). September
- Sachs, W. (Ed.). (1997). *Development dictionary, The: A guide to knowledge as power*, Orient Blackswan.
- Science-Metrix. (2010). “30 Years in science: Secular movements in knowledge creation”, *Science-Metrix Canadá*.
- Tilly, C. (1975a). *The Formation of National State in Western Europe*, Princeton University Press.

